



BP۱۴۸۰.z

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۱۳)

تمدن نوین اسلامی و گام دوم / جلد دوم

زیر نظر: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی / به کوشش: حسین علوی مهر- محمد رضا حقیقت سمنانی

چاپ اول: ۱۴۰۰ ش / ۱۴۴۳ ق

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● چاپ: چاپخانه دیجیتال المصطفی ﷺ ● قیمت: ۴۴۴ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

مراکز پخش

◀ ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸:

تلفن: +۹۸ ۲۵ ۳۷۸۳۶۱۳۴ تلفکس: (داخلی ۱۰۵)/۰۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۵

◀ ایران، قم، بلوار محمد امین، سه راه سالاریه. تلفن: ۳۲۱۳۳۱۰۶ - ۰۲۵

pub_almustafa

http://buy-pub.miu.ac.ir

miup@pub.miu.ac.ir

با تشکر از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثریاری رساندند.

● ناظر فنی: سید محمد رضا جعفری

● مدیر انتشارات: مصطفی نوبخت

● ناظر گرافیک: مسعود مهدوی

● مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری

● ناظر چاپ: ایوب جمالی



دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی

این اثر با حمایت «دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی»
معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه چاپ شده است.

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۱۳)

تمدن نوین اسلامی و گام دوم

جلد دوم

زیر نظر: دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

به کوشش: حسین علوی مهر- محمدرضا حقیقت سمنانی



مرکز بین المللی

ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی، فراوری اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پایبندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو، مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و اندیشه‌های ناب و ژرف، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام می‌باشد.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، اقتضا دارد که دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم، با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند، گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

بالندگی مراکز آموزشی، در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و پژوهشی و به‌روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه، نشاط علمی مراکز آموزشی و پژوهشی را در پی دارد. «جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیة» به‌عنوان بخشی از این مجموعه، که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم



کنگره بین المللی گام دوم انقلاب
اسلامی از منظر قرآن و حدیث

امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام:

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن‌سازی شده است.

بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

تقدیم به:

روح ملکوتی بنیان گذار تمدن نوین اسلامی حضرت روح الله موسوی خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْه و شهدای گران قدر راه انقلاب اسلامی که با خون خود نهال انقلاب را آبیاری نموده تا به درخت پربار تمدن نوین اسلامی بدل گشته و مقدمات طلوع خورشید عظمای ولایت فراهم گردد.

فهرست

- مقدمه ریاست کنگره ۹
- مقدمه مدیر علمی ۱۱
- مقدمه معاون علمی ۲۵
- مقدمه مدیر کمیته تمدن و گام دوم ۲۹

بخش اول: شخصیت ها و تمدن سازی

۱. نقش آفرینی جوانان در بیانیه گام دوم انقلاب (با الگوگیری از داستان اصحاب کهف) ۳۳
- مریم بهمن (نویسنده مسئول) ۳۳
- سیدحسین شفیعی دارابی ۳۳
۲. نقش رهبران الهی در ایجاد تمدن ها (با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب) ۵۲
- ریحانه سادات هاشمی (شهیدی) (نویسنده مسئول) ۵۲
- سحر هاشمی جوادی ۵۲

بخش دوم: جامعه و تمدن نوین اسلامی

۱. جایگاه جمعیت در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب ۸۶
- حسن نجفی (نویسنده مسئول) ۸۶
- سیده زهرا عابدیان ۸۶
۲. جامعه سازی دینی در قرآن کریم با رویکرد بیانیه گام دوم ۱۰۹
- محمدرضا حقیقت سمنانی (نویسنده مسئول) ۱۰۹
- حسین علوی مهر ۱۰۹

- محمدفاکر میبیدی _____ ۱۰۹
۳. طراحی و تبیین رابطه انسان در تمدن سازی نوین اسلامی از منظر قرآن کریم _____ ۱۴۲
- یاسین توکلی (نویسنده مسئول) - _____ ۱۴۲
- روح اله توکلی - _____ ۱۴۲
- عبداله توکلی _____ ۱۴۲

بخش سوم: عوامل انقراض و سقوط تمدن ها

۱. عوامل انقراض تمدن ها از منظر قرآن و حدیث _____ ۱۷۶
- فاطمه غلامی (نویسنده مسئول) _____ ۱۷۶
- محبوبه کیانی _____ ۱۷۶
۲. عوامل فروپاشی تمدن ثمود از نگاه قرآن و تطبیق آن با تمدن غرب _____ ۲۰۸
- علی پارساخصال _____ ۲۰۸

مقدمه ریاست کنگره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن به عنوان کتاب هدایت، تبیان هر چیزی است که سعادت دنیوی و اخروی انسان در گرو آن است. آموزه‌های وحیانی قرآن، به گونه‌ای است که هر کسی در هر سطحی از ادراک و دانش که باشد می‌تواند نیازهای اندیشه‌ای و انگیزشی خود را از آن تأمین کند.

از طرف دیگر هر انسانی نیازمند الگوهای عینی و ملموسی است که به او نشان دهند که آثار و برکات راه چیست و چگونه می‌توان به سلامت به مقصد و مقصود رسید. از این رو خداوند، پیامبر مکرم ﷺ و عترت طاهره آن حضرت را به عنوان «مبین» و اسوه‌های عینی و عملی حسنه برای مردمان شمرده تا ایشان را سرمشق خویش قرار دهند.

بر اساس بیان قرآن نتیجه تمسک به عروة الوثقی الهی و حبل الله المتین که همان قرآن و عترت است، هدایت در صراط مستقیم و رهایی از گمراهی و گمگشتگی در ظلمت‌ها است. امروز که جهان به شدت گرفتار فتنه‌های گوناگون است، نیاز بشر به این مشعل هدایت برای برون رفت از بحران‌ها بیش از هر زمان دیگر است.

انقلاب اسلامی و گفتمان برآمده از آن در چارچوب و با محوریت اسلام ناب محمدی ﷺ به دنبال ارائه نظام جامع تمدن اسلامی در جهان معاصر است. امامان انقلاب اسلامی بر آن بوده و هستند تا تمدن نوین اسلامی را شکل دهند و الگویی عینی از زیست مؤمنانه در جهان معاصر را به بشریت ارائه کنند.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری علیه السلام ابلاغ فرمودند، در حقیقت منشوری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی قرآن کریم است که شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را مدنظر قرار داده و بنا دارد جهت‌گیری‌ها را در راستای تحقق آن سامان دهد.

تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و شناسایی و تبیین مبانی و اصول قرآن و حدیثی آن بی‌شک می‌تواند راهگشای تحقق آرمان‌های گفتمان انقلاب اسلامی باشد. جامعه المصطفی‌العالمیه در همین راستا و بر اساس رسالت و مأموریت خویش اقدام به برگزاری همایشی با موضوع تبیین مبانی و اصول قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نمود. ضمن تقدیر و تشکر از برگزارکنندگان این همایش ارزشمند به‌ویژه همکاران گرامی در مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث و همچنین فضلاء و اساتیدی که با ارائه بیش از ۱۰۸۰ مقاله به دبیرخانه دائمی همایش قرآن و حدیث المصطفی در این رویداد بزرگ علمی مشارکت داشته‌اند برای همگان توفیق خدمت به ساحت قرآن کریم را از خدای بزرگ مسألت دارم.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

علی عباسی

آذرماه ۱۴۰۰

مقدمه مدیر علمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾؛ (اسراء، آیه ۹).

قرآن کریم نوری در ظلمات جهل و کفر و شرک و خرافات جاهلیت بود جهان را در چهارده قرن پیش روشن ساخت و انقلابی در جهان برپا کرد که گام اول آن در عصر پیامبر اسلام ﷺ برداشته شد و گام دوم آن در عصر امام علی علیه السلام برداشته شد و گام‌های بعدی توسط امامان اهل بیت علیهم السلام پیموده شد و گام آخر آن توسط مهدی آل محمد علیهم السلام برداشته خواهد شد.

یکی از جلوه‌های این انوار الهی در انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ شمسی درخشید و گام اول آن توسط امام خمینی رحمته الله علیه برداشته شد و تا چهل سال ادامه یافت، و اینک گام دوم آن توسط جانشین علی وار ایشان امام خامنه‌ای علیه السلام برداشته می‌شود و می‌رود تا این انقلاب به دست صاحب اصلی آن حضرت بقیه الله عنه السلام داده شود تا گام نهایی آن به دست ایشان رقم بخورد (ان شاء الله) حضرت امام خامنه‌ای علیه السلام برای پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی بیانیه‌ای گرانسنگ صادر فرمودند و برنامه‌ای راهبردی و آینده پژوهانه را ترسیم نمودند که چراغ راه ایران و امت اسلامی باشد.

از آنجاکه مفاد این بیانیه مستند به آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام است. دانشوران «مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه» بر خود فرض دیدند که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث اهل بیت علیهم السلام تبیین کنند تا

مبانی، مستندات و لوازم قرآنی حدیثی محتوای عالی این بیانیه روشن گردد و زیر ساخت فرهنگی جهت عملیاتی شدن بیانیه گام دوم فراهم گردد.

بر این یک ماه بعد از صدور بیانیه گام دوم در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ شمسی یعنی در اسفند ۱۳۹۸ شمسی نخستین جلسات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث برگزار شد و شروع آن اعلام شد.

لیکن مراحل اداری و مقدمات کار در سال ۱۳۹۸ شمسی انجام و جذب مقالات و نشست های علمی آن آغاز شد و با استقبال زیاد قرآن پژوهان و مراکز علمی روبه رو شد لیکن به خاطر شیوع بیماری کرونا (اسفند ۱۳۹۸ ش) برگزاری اجلاس نهایی کنگره به تاخیر افتاد تا در زمستان ۱۴۰۰ شمسی این شجره طیبه به بار نشست و به همت همکاران کنگره به ویژه قائم مقام مدیر و معاون علمی کنگره حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی تهرانی و با حمایت خاص ریاست جامعه المصطفی العالمیه حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و دیگر مسئولان؛ کاری عظیم سامان یافت که در زمره بزرگترین کنگره های تاریخ ایران گشت،
والحمد لله رب العالمین.

گزارش اجمالی کنگره

۱. اهداف کنگره:

همایش گام دوم دارای اهدافی است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

۱. تبیین مبانی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۲. تبیین راهکارهای اجرایی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۳. تبیین جایگاه قرآن و حدیث در گام دوم انقلاب اسلامی
۴. تقویت و تعمیق گام دوم انقلاب اسلامی در اندیشه دینی
۵. تبیین الگوی قرآنی و حدیثی انقلاب اسلامی برای جهانیان
۶. تبیین نقش نهادهای قرآنی به‌ویژه در جامعه المصطفی‌العالمیه در گام دوم انقلاب اسلامی
۷. تبیین مبانی گام دوم انقلاب اسلامی انقلاب با توجه به آموزه‌های قرآنی و حدیثی.

۲. محورهای کنگره:

گام دوم، عقلا نیت و قرآن و حدیث	گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث
گام دوم و تمدن و قرآن و حدیث	گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی
گام دوم و غرب و شرق	گام دوم و آینده‌پژوهی
گام دوم و دانش‌های قرآنی و حدیثی	راهکارهای اجرایی سازی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
مبانی و مستندات قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم	رسالت طلاب جامعه المصطفی‌العالمیه در تحقق بیانیه گام دوم
نقش جوانان در تحقق بیانیه بیانیه گام دوم	نقش بانوان و خانواده در گام دوم انقلاب اسلامی

۳. شورای سیاست گذاری کنگره

حضرت آیت الله اعرافی رئیس هیئت امنای جامعه المصطفی العالمیه و ریاست حوزه های علمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی رئیس جامعه المصطفی العالمیه
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبادی معاونت پژوهش جامعه المصطفی العالمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر قنبری معاونت ارتباطات و بین الملل جامعه المصطفی العالمیه
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی العالمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین محمدی عراقی مسئول دفتر مقام معظم رهبری در قم
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر رستم نژاد معاونت آموزش حوزه های علمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی العالمیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکرمیبدی رئیس مدرسه عالی قرآن و علوم	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد علی رضایی اصفهانی رئیس مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی رئیس مدیر گروه علمی قرائات	حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر رئیس مدرسه عالی تفسیر
حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن پیرولی معاونت آموزش مجتمع قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی معاونت پژوهش مجتمع قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین حسن رضایی رییس پژوهشگاه المصطفی	حجت الاسلام والمسلمین مسلم احمد لوم معاون فرهنگی تربیتی مجتمع قرآن و حدیث

۴. شورای علمی کنگره

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن زمانی معاون اجتماعی حوزه های علمیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی ریاست محترم مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبد الکریم بهجت پور ریاست حوزه های علمیه خواران	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکر میبدی ریاست مدرسه عالی قرآن و علوم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبد الکریم بی آزار شیرازی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر ریاست مدرسه عالی تفسیر و علوم قرآن
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن پیرولی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی

معاون آموزش مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث	تهرانی مدیر گروه علوم و فنون قرائات مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین محمدی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حیدر طباطبائی مدیر گروه علوم حدیث مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر صاعد رازی نماینده انتشارات انقلاب اسلامی و سایت اینترنتی مقام معظم رهبری	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید یوسف موسوی معاون پژوهش مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا ستوده نیا عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد اسکندرلو مدیر گروه علوم قرآن مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر روشن ضمیر معاون پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی	حجت الاسلام والمسلمین حسین شیرافکن عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی مدیر گروه قرآن و علوم طبیعی مجتمع عالی قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد معاون آموزش حوزه های علمیه سراسر کشور
حجت الاسلام دکتر غلام جابر جعفری از کشور پاکستان و نمایندگی روسیه	دکتر حمیدرضا طوسی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی
دکتر فائق ولی زاده از کشور روسیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد یعقوب بشوی از کشور پاکستان
دکتر سید علی سید اف از کشور تاجیکستان	دکتر رییس اعظم شاهد از کشور هندوستان

۵. ارکان کنگره

مدیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی (ریاست مجتمع عالی قرآن و حدیث)

معاونت علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی

معاونت اجرایی: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین

۶. کمیته اجرایی کنگره

معاون علمی کنگره و قائم مقام مدیر: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی
 معاون اجرایی کنگره: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی
 معاون پیشتیبانی و منابع انسانی: حجت الاسلام والمسلمین خلیل زاد
 معاون ارتباطات و بین الملل: جناب آقای حسین حیدری
 معاون فرهنگی مجتمع عالی قرآن و حدیث: حجت الاسلام والمسلمین احمدلو

دبیرخانه کنگره

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین
 مسئول ارزیابی: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی
 مسئول روابط عمومی: حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی
 مسئول سایت و نشست های علمی: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت سمنانی

۷. کمیته های علمی کنگره

اول: کمیته گام دوم، علوم عقلی و قرآن و حدیث

مدیر کمیته:	دبیر کمیته:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد	حجت الاسلام دکتر محمد جواد دشتی

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد باقر قیومی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی عزیززی علویجه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی یوسفی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد غفاری	

دوم: کمیته گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر سید عیسی مسترحمی	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی
--	---

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین صاعد رازی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی واشیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی آقاصفیری	جناب حجت الاسلام والمسلمین میثم ناظمی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حامد دادسرشت تهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی همتیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالمومن حکیمی	حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالله توکلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین رفیعی	

سوم: کمیته گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت
---	--

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین عباس الهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حسین شفیعی دارابی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدهادی منصوری	حجت الاسلام والمسلمین سیدرضی زکی مرتضوی

چهارم: کمیته گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی آدریانی	دبیر کمیته: جناب آقای محمد زینلی
---	-------------------------------------

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین حمید الهی دوست	حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم ملکی
حجت الاسلام والمسلمین محسن جلالی	حجت الاسلام والمسلمین محمد قربانی مقدم
جناب آقای دکتر احمدی فراز	جناب آقای محسن برقی کار
سرکار خانم زهرا سهرابی	سرکار خانم زهرا توکلی

پنجم: کمیته گام دوم، انقلاب اسلامی و غرب و شرق از منظر قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن زمانی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر باقر ریاحی مهر
--	--

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد نوروزی	جناب آقای دکتر غلام حسین مقیمی
جناب آقای دکتر حسن رضایی هفتادر	جناب آقای دکتر سید حسین علوی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی براتی یزدی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر باقر ریاحی مهر

ششم: کمیته گام دوم، و دانش های قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر فاکر میبدی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر عبدالله جبرئیلی
--	---

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی طهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجعلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدحیدر طباطبائی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدصادق یوسفی مقدم

هفتم: کمیته گام دوم، آینده پژوهی قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروزی لک	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین
---	---

اعضای کمیته:

دکتر اسماعیل شراهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید جعفر رحمان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد کوهی	دکتر محمد رحیم عیوضی

هشتم: کمیته تخصصی بانوان

مدیر کمیته: سرکار خانم زینب بهجت پور	دبیر کمیته: سرکار خانم دکتر سمیه کامرانی
--------------------------------------	--

اعضای کمیته:

سرکار خانم دکتر زینب طیبی	سرکار خانم دکتر طاهره ماهرو زاده
سرکار خانم دکتر رقیه جاویدی	سرکار خانم دکتر عاطفه صادقی
سرکار خانم دکتر راضیه زارعی	سرکار خانم دکتر معصومه شریفی

نهم: کمیته بین الملل

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر محمد یعقوب بشوی از پاکستان	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمد عسکری از پاکستان
--	--

اعضای کمیته:

جناب آقای دکتر غلام جابر محمدی از پاکستان	جناب آقای دکتر رئیس اعظم شاهد از پاکستان
جناب آقای سید مجتبی رضوی از هندوستان	دکتر ترلان سیف الله اف از آذربایجان
دکتر منظر بیاتی از عراق	جناب آقای استیفان شفر از آلمان
جناب آقای رحمان دهلان از اندونزی	جناب آقای عبدالقادر محمد بلو از نیجریه
جناب آقای عباس خان فاضل اف از تاجیکستان	

۸. آثار کنگره

۱. شناخت نامه کنگره	۲. منبع شناخت بیانیه گام دوم
۳. نشست‌ها، کرسی‌ها و کارگاه‌های کنگره	۴. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد اول)
۵. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد دوم)	۶. چکیده مقالات کنگره (غیر فارسی)
۷. علم و عقل در گام دوم انقلاب اسلامی	۸. علوم و بیانیه گام دوم (جلد اول) (علوم اجتماعی. اقتصاد. سیاست. مدیریت)
۹. علوم و بیانیه گام دوم (جلد دوم) (علوم تعلیم و تربیت، روانشناسی و پزشکی)	۱۰. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد اول)
۱۱. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد دوم)	۱۲. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد اول)
۱۳. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد دوم)	۱۴. انقلاب اسلامی و غرب
۱۵. رویکرد قرآنی بانوان به گام دوم	۱۶. آینده‌پژوهی و مهدویت در گام دوم
۱۷. سبک زندگی و گام دوم (جلد اول)	۱۸. سبک زندگی و گام دوم (جلد دوم)
۱۹. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد اول) (زبان اردو)	۲۰. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد دوم) (زبان اردو)
۲۱. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد سوم) (عربی، انگلیسی)	۲۲. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد چهارم) (هندی، آذری، بنگالی، برمه‌ای، آلمانی، اندونیزی، تاجکی، فرانسوی، روسی، ترکی، بلتی و...)

تذکره: تمام آثار در سمیم بررسی و مشابهت‌یابی انجام شد و سه مقاله به خاطر مشابهت

بالا حذف شد.

۹. مجلات منتشرکننده مقالات کنگره:

۱. مجله علمی قرآن و علم
۲. مجله علمی مطالعات قرائت قرآن
۳. مجله علمی قرآن پژوهی خاورشناسان
۴. مجله علمی علوم حدیث تطبیقی
۵. مجله تخصصی مطالعات حدیث پژوهی
۶. مجله تخصصی قرآن و علوم
۷. مجله تخصصی مطالعات قرآن پژوهی نور وحی

۱۰. کنگره در آینه آمار

تعداد کل چکیده‌ها: ۱۶۹۶	مقالات پذیرفته شده: ۹۵۸
مقالات چاپ شده در مجلات: ۴۲	مجموع مقالات رسیده به کنگره: ۱۰۸۲
مقالات چاپ شده در مجلدات: ۲۸۲	مجلدات منتشرشده: ۲۲
تعداد ارزیابان: ۷۱	تعداد نشست‌ها: ۱۶۳
تعداد کرسی‌های علمی و ترویجی: ۸	تعداد کارگاه‌ها: ۴۰

تذکر: دو جلد مجموعه مقالات کنگره به صورت جداگانه توسط مرکز خواهران هرمزگان منتشر می‌شود.

۱۱. نرم افزارهای کنگره:

مجموعه آثار کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

۱۲. ارزیابان مقالات:

آقایان: محمد علی رضایی اصفهانی، محمدفاکر میبیدی، محمدحسن زمانی، مهدی رستم نژاد، غلامرضا بهروزی لک، حسین علوی مهر، سید عیسی مسترحمی، محمد امینی تهرانی، عباس علی واشیان، عباس الهی، محمد حسین صاعد رازی، علی کریم پور قراملکی، عبدالله جبرئیلی، حسن رضا رضایی، علی آقا صفری، محمدرضا حقیقت سمنانی، مهدی جهانی، علی رضا شاهین، محمداقبر ریاحی مهر، محمد جواد دشتی، محمد یعقوب بشوی، محمد عسکری ممتاز، عقیل یوسفی زارمی، سید مجتبی رحمانی، سید مجتبی رضوی اصیل، سیدرضی زکی مرتضوی، میثم ناظمی، علی فرهنگدیان، محمد حسین رفیعی، سید علی حسینی، سعید حسنی، حسین مرکزی مقدم، مجتبی انصاری مقدم، کامران اویسی، مهدی سازندگی، نجات یحیی، مجید ابوالقاسم زاده، عباس جوانشیر، علی اصغر کوراوند، محمدهادی منصوری، محمد حسین محمدی، علی محمد راهی، مهدی همتیان، ابوذر رجبی، حمید رضا کاظمی.

بانوان: زینب بهجت پور، زینب طیبی، نسترن بهرمان، منیژه کاشانی، محبوبه جوکار، معصومه حاجی مقصودی، مریم رمضانیان، نرگس رشیدی راوندی، سیده نفیسه حسینی واعظ، فاطمه طائبی، سمیه پاپی، حمیده کرمی، عفت رمضانیان، صدیقه بهرامی، فاطمه حسین آبادی، مریم افشارویگنی، حدیثه سلیمانی، فهیمه ربیعی، فاطمه قنبری، طاهره سادات ضیاء حسینی، فاطمه عطارد، مهدیه علوی فر، طیبه توکلی، سیده معصومه فاطمی، طاهره عبداللهی، زهرا فتحی، الناز جهان پور، راضیه شیرینی، پریوش علیزاده، فاطمه درویشی، صدیقه کاویانی.

۱۳. مراکز علمی همکار کنگره

۱. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها	۲. دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۳. مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه‌های علمیه	۴. مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۵. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	۶. مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابیطالب <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۷. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>	۸. مؤسسه پژوهش‌های قرآنی المهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۹. پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی	۱۰. مرکز تخصصی کلام ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>
۱۱. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	۱۲. مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن
۱۳. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم	۱۴. دانشگاه میبد
۱۵. دانشگاه معارف	۱۶. انجمن‌ها و قطب‌های علمی حوزه علمیه قم
۱۷. رادیو معارف	۱۸. شبکه قرآن و معارف سیمای جمهوری اسلامی ایران
۱۹. مؤسسه مطالعات اسلامی	۲۰. مرکز تخصصی امام خمینی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>
۲۱. دانشگاه امام صاق <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۲۲. دانشگاه قم
۲۳. مرکز تخصصی تفسیر ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>	۲۴. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم اصفهان
۲۵. انجمن قرآن پژوهی حوزه	۲۶. دانشگاه علامه طباطبائی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>
۲۷. جامعه الزهرا <small>عَلَيْهَا السَّلَام</small>	۲۸. مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران
۲۹. پژوهشگاه امام صاق <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۳۰. سیلیویکا
۳۱. مؤسسه فتوح اندیشه	۳۲. دانشگاه آزاد اسلامی
۳۳. دانشکده شهید محلاتی	۳۴. دانشگاه فرهنگیان
۳۵. معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه	۳۶. دانشگاه اشرفی اصفهان
۳۷. نمایندگی المصطفی اصفهان	۳۸. پژوهشگاه المصطفی

۱۴. نشانی پایگاه اطلاع رسانی کنگره

<http://hamayesh.miu.ac.ir/hadith/fa>

نشانی کانال کنگره در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/Conferencegam2>

سخن پایانی

در پایان لازم است از همه کارگزاران کنگره به ویژه مدیران محترم کمیته های علمی کنگره، معاونان محترم حجج اسلام دکتر امینی تهرانی و موسوی و اعضای دبیرخانه که با زحمات شبانه روزی و نویسندگان و ارزیابان محترم کتابها و مقالات و نیز همه کسانی که در آماده سازی آثار و برگزاری کنگره زحمت کشیدند به ویژه مسئول محترم انتشارات بین المللی المصطفی حجت الاسلام والمسلمین نویخت و همکاران انتشارات و ریاست امور مشترک مجتمع عالی امام خمینی رحمته الله علیه حجت الاسلام والمسلمین زهادت و به صورت خاص ریاست جامعه المصطفی عليه السلام العالمیه حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و معاون پژوهش المصطفی عليه السلام حجت الاسلام والمسلمین عبادی و نیز معاونت پژوهش حوزه های علمیه حجت الاسلام والمسلمین مقیمی که حمایت خاص از این کنگره نموده اند، تشکر کنم. اجرهم علی الله.

والحمد لله رب العالمین

مدیر علمی کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

محمد علی رضایی اصفهانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

مقدمه معاون علمی

بسم الله الرحمن الرحيم

هر روزی که سپری می‌شود و هر لحظه‌ای که به جلو می‌رویم برگه‌ای زرین از مدیریت داهیانه و حکیمانه ناخدای مدبر انقلاب اسلامی ایران مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای عنه‌السلام هویدا و آشکار می‌گردد.

یکی از این برگه‌های زرین و جلوه‌های درخشان مدیریتی ایشان «بیانیه گام دوم» انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران است. این بیانیه صحبت‌های بی‌پرده و شفاف یک مدیر و پدر دلسوزی برای فرزندان و ملت خود است که پس از طی زمانی ۴۰ ساله با همه سختی‌ها در حال عبور از مرحله‌ای سخت و ورود به مرحله مهم دیگری هستند که قرار است با پیمودن صحیح آن یک «پیچ تاریخی» در جهان معاصر اتفاق افتد.

بیانیه گام دوم آگاهی بخشی به منظور آماده کرده ملتی بزرگ برای مسئولیت‌های پیش روست. این بیانیه نقش راه انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به یک تمدن نوین اسلامی است. این بیانیه نشان از صداقت مدیری و رهبری فرزانه دارد که بدون تعارف همه خطرهای سختی‌های راه را برای روندگان آن، روشن می‌نماید و علاوه بر بیان نعمت‌ها و رویش‌های انقلاب اسلامی، ضعف‌ها و سختی‌ها را نیز بیان می‌نماید.

روشن و واضح است که بیانات و نوشته‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران متأثر از اندیشه‌های ناب ایشان است و این اندیشه‌های ناب در بستر قرآن و احادیث نورانی

اهل بیت علیهم السلام شکل یافته است. اندیشه‌هایی که از دوران کودکی و نوجوانی و جوانی تا میان سالی و بزرگ سالی همگی در اثر انس بسیار ایشان با قرآن و عترت شکل گرفته است. به یقین می‌توان گفت که برای همه عبارات ایشان در «بیانیه گام دوم» می‌توان مستندی از قرآن و حدیث یافت و به نوعی آن را با قرآن و حدیث ارتباط داد. وظیفه همه علاقه مندان به انقلاب اسلامی است تا ارتباط این بیانیه ارزشمند را با قرآن کریم بیش از پیش روشن نمایند و این امر مستلزم تلاشی در خور و شایسته است.

بر همین اساس کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب از منظر قرآن و حدیث در مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه و زیر نظر استاد فرزانه حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی که خود مفسری انقلابی و نواندیش است، شکل گرفت تا در این راستا به نوعی بیانیه گام دوم را با قرآن و حدیث بسنجد و مبانی و راهکارهای اجرایی این بیانیه را از قرآن و حدیث استخراج نماید.

در بررسی مقالات رسیده به کنگره مراحل متعددی طی شده است تا این کتب به حالت فعلی تبدیل شود. اگر چه ممکن است در رسیدن به این شرائط فعلی همه مقالات یکسان نباشند اما اهم مراحل که برای هر مقاله طی شده است را می‌توان در مراحل زیر معرفی نمود:

۱. ارسال مقاله توسط نویسنده به سایت کنگره
۲. ارزیابی اولیه چکیده توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۳. ارزیابی اولیه مقاله توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۴. ارزیابی ثانویه توسط ارزیاب تخصصی
۵. برخی از مقالات دو یا سه ارزیاب داشته‌اند به خاطر تخصصی بودن
۶. ارسال فایل اصلاحات به نویسنده
۷. ارسال مقاله اصلاح شده توسط نویسنده به دبیرخانه
۸. رویت مقاله اصلاح شده توسط ارزیاب و تأیید نهایی

۹. ارسال مقاله به کمیته مربوطه
۱۰. ارزیابی مجدد در کمیته جهت بررسی چاپ در کتاب
۱۱. ارسال اصلاحات کمیته به نویسنده
۱۲. ارزیابی توسط معاون علمی و دبیر علمی کمیته
۱۳. رفع اشکالات و ارسال به دبیر کمیته توسط نویسنده
۱۴. تأیید نهایی مقاله توسط کمیته و چاپ در کتاب
۱۵. بررسی مقالات در سمیم جهت مشابهت‌یابی
۱۶. بررسی مجدد چکیده و یکسان‌سازی چکیده‌ها
۱۷. شکل دهی مقالات تأیید نهایی معاون و دبیر علمی
۱۸. ارسال برای انتشارات

امید است تا این فعالیت‌ها گامی در راستای رسیدن به تمدن نوین اسلامی را فراهم سازد و موجبات خشنودی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف باشد.

قائم مقام و معاون علمی کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی ایران از منظر قرآن و حدیث

محمد امینی تهرانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

اعضاء کمیته تمدن و گام دوم

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر
دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت سمنانی

اعضاء:

حجت الاسلام والمسلمین استاد حسین شفیعی دارابی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد هادی منصور
حجت الاسلام والمسلمین استاد عباس الهی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدرضی زکی مرتضوی

مقدمه مدیر کمیته تمدن و گام دوم

تمدن یا حضاره از مفاهیم و موضوعات پر طرفدار جهان است که اندیشمندان حتی مورخان بزرگی چون جرجی زیدان، ویل دورانت، ابن خلدون و... به مباحثی از آن پرداخته‌اند، بررسی تمدن اسلامی از دیرباز مورد توجه بوده است اما با توجه به پیشرفت‌های دنیای غرب به‌ویژه دوران معاصر، تمدن اسلامی تحت الشعاع مسلمانان از نظر منابع فکری و ایده پردازی به‌ویژه بزرگترین منبع دینی آنان یعنی قرآن کریم دستورات و قوانینی متعالی را برای پیشرفت و سعادت بشر مطرح می‌کند امام خامنه‌ای دام ظلّه العالی در بیانیه موسوم به گام دوم انقلاب اسلامی چشم انداز کلی حرکت انقلاب اسلامی ایران را در چهل سال دوم ترسیم نموده است که بخش مهمی از آن را می‌توان یک مرحله برای ایجاد تمدن نوین اسلامی نامید وی از محدود متفکرانی است که در دوران معاصر با ایده تمدن نوین اسلامی برگرفته از قرآن و سنت را مطرح می‌کند دانشمندان زیادی همچون علامه طباطبائی رحمته‌الله علیه، امام خمینی رحمته‌الله علیه، شهید مطهری، شهید بهشتی و... به برخی از ایده‌ها یا قواعد یا اصول تمدنی به‌عنوان تمدن اسلامی بلکه به‌عنوان یک اصل و بنیان برای پیشرفت و سعادت بشر مطرح کرده‌اند اما این‌که تمدن نوین اسلامی چگونه و در چه مراحل شکل می‌گیرد از ایده‌های امام خامنه‌ای می‌باشد، وی دین را تنها برای احکام و عبادات فردی نمی‌داند، بلکه دین رسالت نظام‌سازی، جامعه‌سازی و انسان‌سازی و مانند آن دارد، همچنین وی تمدن با قید اسلام مقبولیت دارد و تحقق می‌یابد بنابر این اساس برای رسیدن به تمدن نوین

اسلامی، جامعه اسلامی باید مراحل طی نماید، اول: شکل‌گیری اقتدار اسلامی، دوم: تشکیل نظام اسلامی، سوم: تشکیل دولت اسلامی، چهارم: تشکیل جامعه یا حکومت اسلامی (که از این مرحله سبک زندگی اسلامی صرفاً در سطح گفتمان‌سازی در جامعه باقی خواهد ماند) پنجم: تمدن اسلامی، در واقع تمدن اسلامی تأثیرپذیری ملت‌ها از اسلام است. بر این در کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث، کمیته تمدن اسلامی از کمیته‌های کنگره شکل گرفت و اساتیدی از جمله استاد حجت‌الاسلام والمسلمین شفیعی دارابی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد هادی منصوری، استاد حجت‌الاسلام والمسلمین عباس الهی و جناب آقایان حجج اسلام دکتر سیدرضی زکی مرتضوی و محمدرضا حقیقت‌سمنانی به‌عنوان اعضاء کمیته فعالیت خود را آغاز نمودند جلسات متعددی (حدود ۲۰ جلسه) برای تعیین موضوعات پیشنهادی جهت فراخوان مقاله‌نویسی (صد موضوع پیشنهاد شد)، هماهنگی نشست‌های علمی، مقالات سفارشی، تعیین داور برای ارزیابی مقالات، پس از آن بررسی مقالات، برگزیدن مقالات برتر و در نهایت آماده‌سازی مقالات برای چاپ در یک مجلد انجام شده است لازم به ذکر است شش جلسه ویژه بررسی مقالات برتر در زمینه تمدن برگزار شد و اعضاء کمیته مقالات را مجدداً ارزیابی کردند و مقالات اصلاح شده دوباره بررسی و تأیید نهایی شد.

لازم به ذکر است از مجموعه مقالات کنگره تعداد ۲۷۹ مقاله مرتبط با موضوع تمدن توسط ارزیابان کمیته تمدن داوری شد.

ارزیابان: آقایان حجج اسلام: علوی مهر، منصوری، شفیعی دارابی، الهی، سید زکی، حقیقت، حسن رضارضایی، سیدمجتبی رحمانی، قراملکی و مرکزی.

همچنین ۲۰ مقاله سفارشی با موضوعات تمدنی یا موضوعات مرتبط با کنگره توسط اعضاء کمیته نگاشته شد. ۱۹ نشست علمی نیز توسط اعضاء کمیته با عناوین مرتبط با تمدن برگزار شد.

مجموعه پیش رو مقالاتی است که مورد بررسی و ارزیابی کمیته تخصصی تمدن کنگره قرار گرفته و از امتیاز بالا برخوردار بوده‌اند. این مقالات در جلد دوم در سه فصل ساماندهی

شده‌اند، فصل اول به مقالات مرتبط با شخصیت و تمدن نوین اسلامی پرداخته، فصل دوم مقالات مرتبط با جامعه و تمدن نوین آورده شده و فصل سوم به مقالاتی در موضوع عوامل انقراض و سقوط تمدن‌ها اختصاص یافته است.

حسین علوی مهر

مدیر کمیته تخصصی تمدن و گام دوم انقلاب

۱۹ آبان ۱۴۰۰

بخش اول

شخصیت ها و تمدن سازی

نقش آفرینی جوانان در بیانیه گام دوم انقلاب (با الگوگیری از داستان اصحاب کهف)

مریم بهمن (نویسنده مسئول)^۱

سید حسین شفیعی دارابی^۲

چکیده

نقش آفرینی جوانان در ادامه انقلاب اسلامی، از جمله محورهای مورد تأکید مقام معظم رهبری در بیانیه «گام دوم انقلاب» است. این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی تدوین یافت در پی پاسخ به این پرسش است که تحلیل نقش آفرینی جوانان در آینه بیانیه گام دوم با الگوگیری از داستان اصحاب کهف چگونه است؟ نتیجه برآمده از این تحقیق، اینست که: دوران جوانی موقعیتی ممتاز و مناسب برای دستیابی به فضایل معنوی و اخلاقی است. جوانان می‌توانند، با استفاده از شور و نشاط جوانی، پرهیز از راحت طلبی، داشتن امید، اعمال خلاقیت، نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی، و مبارزه همه‌جانبه با مظاهر فرهنگ

۱. طلبه سطح چهار تفسیر جامعه الزهرا سلام الله علیها.

bahmann9840@gmail.com

۲. سید حسین شفیعی دارابی مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، دکترای تفسیر و علوم قرآنی، هیئت علمی و

استادیار جامعه المصطفی علیه السلام، مدیر گروه تفسیر و علوم قرآنی جامعه الزهرا علیها السلام؛

Shafieidarabi@chmail.ir

غربی و... در جهت پیشرفت جامعه، و کسب عزت و اقتدار ملی تلاش نمایند و در روند تکاملی انقلاب و آرمان‌های والای آن نقش آفرین باشند. داستان قرآنی اصحاب کهف، بستر مناسبی است برای الگوگیری جوانان در عملیاتی نمودن سرفصل‌های مهم بیانیه گام دوم؛ زیرا قهرمانان جوان این قصه، با تکیه بر ایمان، توکل، امید به رحمت و یاری خداوند؛ مسیر مجاهده و هجرت را برگزیدند؛ و مورد تمجید الهی قرار گرفته و ماندگار شدند.

واژگان کلیدی: نقش جوانان، بیانیه گام دوم، الگوگیری جوانان، اصحاب کهف

مقدمه

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به عنوان برنامه راهبردی و تبیین‌کننده چشم‌انداز انقلاب اسلامی در سال‌های آینده نظام، در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از سوی رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای صادر و منتشر شده است. تحلیل مباحث این بیانیه می‌تواند اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی را بررسی و نقش اقبال مختلف را در ادامه مسیر انقلاب تبیین نماید (رشیدی، ۱۳۹۸: ۶۵ - ۳۹). در این بیانیه رهبر انقلاب با اشاره به ظرفیت‌های استفاده نشده انسانی و طبیعی کشور، جوانان را تشویق می‌کند که با تمرکز بر بهره برداری از دستاوردهای گذشته و ظرفیت‌های موجود به ارتقا و پیشرفت کشور خصوصاً در بخش تولید و اقتصاد ملی همت گمارند. در این بیانیه، جوانان به صورت ویژه مورد خطاب قرار گرفته‌اند و جهت توجه دادن به نقش متنوع آنان در مسیر پیش روی کشور، توصیه‌های هفتگانه در حوزه‌های علم و پژوهش، معنویات و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی را فراروی آنان قرار می‌دهد (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم؛ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

قهرمانان قصه قرآنی «اصحاب کهف»، جوانانی بودند که برای حفظ ایمان خود و با امید به لطف الهی، از زندگی مرفه و خانه و کاشانه خود هجرت کردند. الگوگیری از این داستان قرآنی برای اجرای سرفصل‌های بیانیه گام دوم ویژه جوانان راهگشاست. تحقیق حاضر در

پی پاسخ به این سؤال طرح ریزی شد که: تحلیل نقش آفرینی جوانان در آینه بیانیه گام دوم با الگوگیری از داستان اصحاب کهف چگونه است؟

۱. پیشینه تحقیق

خوشبختانه تاکنون، تحقیقات مختلفی پیرامون مسئله «جوانان» در آینه بیانیه گام دوم صورت گرفته است؛ از باب نمونه: ۱. مقاله «رسالت جوانان در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی» نوشته سجاد جعفری؛ در این مقاله به تبیین نقش جوانان در رشد و بالندگی تمدن نوین اسلامی پرداخته و ضمن برشمردن ویژگی‌های جوان مسلمان انقلابی، وظایف حکومت اسلامی در جهت شکوفایی استعداد جوانان و ایجاد شور و امید در ایشان نیز بیان شده است (جعفری، ۱۳۹۵). ۲. مقاله «نقش جوانان در ایجاد تمدن نوین اسلامی» نوشته سیده فاطمه زهرا حسینی؛ در این مقاله، ضمن اشاره به رابطه انقلاب اسلامی و تمدن اسلامی، نیز به نقش جوانان صدر اسلام پرداخته شده است (حسینی، ۱۳۹۸). البته تاکنون مقاله و تحقیق پیرامون نقش آفرینی جوانان با توجه به بیانیه گام دوم با الگوگیری از داستان اصحاب کهف انجام نشده است؛ بدین جهت می‌گوئیم: ساختار و محتوای این مقاله، امری بدیع و تازه محسوب می‌شود. با الگوگیری از مباحث مطرح شده پیرامون جوانان در بیانیه گام دوم، به طرح مباحث پیش روی می‌پردازیم:

۲. چستی «بیانیه گام دوم»

بیانیه گام دوم در چهل سالگی انقلاب اسلامی توسط رهبر انقلاب خطاب به ملت ایران انتشار یافت. در این بیانیه، مقام معظم رهبری پس از معرفی گذشته جمهوری اسلامی از آغاز تاکنون، آثاری چون ثبات، امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران، پیشرفت علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی، مشارکت مردمی در مسائل سیاسی و صحنه‌های ملی و استکبارستیزی، پیشرفت بینش سیاسی آحاد مردم در مسائل داخلی و بین‌المللی، مبارزه با بی‌عدالتی، افزایش معنویت و اخلاق در فضای عمومی

جامعه، ایستادگی در برابر زورگویان و مستکبران جهان را به عنوان برکات به دست آمده در پرتو اتکا به توانایی داخلی در طول چهل سال گذشته بیان فرمودند. اما راه طی شده تنها قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. و این جوانان هستند که باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار وارد مسیر شده و در گام دوم انقلاب در همه میدان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، بین‌المللی و عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت باید با مسئولیت‌پذیری و بهره از تجربه و عبرت‌های گذشته به سوی تمدن عظیم اسلامی گام بردارند (امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، خامنه‌ای؛ <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

۳. اهمیت فرصت جوانی و توجه به سر فصل‌های هفتگانه

از منظر آموزه‌های دینی، نعمت جوانی، یکی از نعمت‌های مهم خداوند محسوب می‌شود (مراجعه شود به فلسفی، ۱۳۸۸: ۹). رهبری انقلاب همواره جوانان را به اهمیت دوران جوانی توجه داده و آنان را تشویق می‌کند که این دوران را قدر دانسته و برای بروز استعداد‌های خدادادی مغتنم بشمرند (مقام معظم رهبری، دانشکده علوم دریایی نوشهر، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=81621388/7/14>).

در قرآن کریم، از «اصحاب کهف» به عنوان «فتیة» یاد می‌شود، درحالی که طبق بعضی از روایات آن‌ها از نظر سن و سال، جوان نبودند؛ از طرفی در برخی از روایات و متون تاریخی آمده است که آنان وزیر و صاحب منصب در دربار شاه جبار بودند، بنابراین منطقی است که بپذیریم که آن‌ها لزوماً در سن جوانی نبودند، این نشان می‌دهد که در منطق قرآن رعایت اصول جوانمردی، مانند پاک‌ی، گذشت، شهادت و رشادت به منزله جوانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲/۴۰۴). در تفسیر عیاشی از سلیمان بن جعفر همدانی روایت شده: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای سلیمان مقصود از «فتی» کیست؟ عرض کردم فدایت شوم نزد ما جوان را «فتی» گویند، فرمود: مگر نمی‌دانی که اصحاب کهف همگیشان کامل مردانی بودند و مع ذلک خدای تعالی ایشان را «فتی» نامیده است. ای سلیمان فتی کسی است که به خدا

ایمان بیاورد و پرهیزکاری کند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۳۹۳/۱۳ به نقل از عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۲۳/۲). در تفسیر قمی نیز آمده است: «فَقَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: إِنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِیْمِ كَانُوا فِي زَمَنِ مَلِكٍ جَبَّارٍ عَاتٍ وَ كَانَ يَدْعُو أَهْلَ مَمْلَكَتِهِ إِلَى عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ فَسَأَلَ لَمْ يُجِبْهُ قَتَلَهُ وَ كَانَ هُوَ لَاءِ قَوْمًا مُؤْمِنِينَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ» (قمی، ۱۳۶۳: ۳۲ / ۲)، «امام صادق علیه السلام در مورد «اصحاب کهف و رقیم» چنین فرمود: آن‌ها در زمان پادشاه جبار و گردن‌کشی بودند که اهل کشور خود را به پرستش بت‌ها دعوت می‌کرد، و هرکس را که دعوت او را اجابت نمی‌کرد، به قتل می‌رساند، این گروه (اصحاب کهف) جمعیتی با ایمان بودند که: خداوند بزرگ را پرستش می‌کردند (ولی ایمان خود را از دستگاه شاه جبار پنهان می‌کردند) «مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲/۳۹۵».

طبق گفته علامه طبرسی: «خداوند اصحاب کهف را جوان نامیده است، زیرا جوانی، دوره شکوفا شدن ایمان است». برخی گفته‌اند: جوانی دوره بذل و بخشش و ترک آزار و اذیت و شکایت است. در نظر عده دیگری منظور، ترک محرمات و داشتن خصال نیکوست (طبرسی، بی‌تا: ۲۰ / ۱۵). رهبر انقلاب همواره، اقشار مختلف را به داشتن امید و نگاه خوشبینانه به آینده دعوت کرده و آن را کلید اساسی همه قفل‌ها می‌نامند. ایشان می‌فرماید: «در طول این چهل سال- و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است» (امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب، ۲۲ / ۱۱/۱۳۹۷، خامنه‌ای؛ <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

ایشان دوری از ترس و نومیدی را به‌عنوان نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد جوانان قلمداد کرده و با اشاره به رویش‌های فراوان انقلاب خیز به‌سوی آینده را فراراه آن‌ها قرار می‌دهد

(خامنه‌ای، همان). امیدبخشی به جامعه موجب حرکت در مسیر ایمان و تحمل سختی‌ها در این راه خواهد بود. اصحاب کهف با امید به لطف و مدد الهی و در راه حفظ ایمانشان، از جامعه خود فاصله گرفتند و غارنشینی را بر زندگی در رفاه ترجیح دادند. آن‌ها ایمان داشتند که سختی‌ها، زودگذر و مقدمه آسایش است. «وَ إِذِ اعْتَرَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا وَ (به آن‌ها گفتیم:) هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می‌پرستند کناره‌گیری کردید، به غار پناه برید که پروردگارتان (سایه) رحمتش را بر شما می‌گستراند و در این امر، آرامشی برای شما فراهم می‌سازد» (کهف/۱۶) (قرائتی، ۱۳۸۳: ۵/۱۵۲). در آیات مختلف قرآن بیان شده که «اگر انسان گام‌های نخستین را در راه «الله» بردارد، و برای او به پاخیزد، کمک و امداد الهی به سراغ او می‌شتابد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲/۳۶۶ - ۳۶۵). خداوند در مورد اصحاب کهف می‌فرماید: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى آن‌ها جوانمردانی بودند که ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم» (کهف/۱۳). و در آیه دیگری نیز می‌فرماید: «وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا دَلَّهَايَ آن‌ها را محکم ساختیم و نیرو و توان بخشیدیم» (کهف/۱۴). در آیات دیگری از قرآن نیز این حقیقت مکرر مورد تأکید قرار می‌گیرد که اگر انسان در راه خدا مجاهده کند خدا او را به راه حق هدایت می‌نماید «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت/۶۹)، «وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادْنَاهُمْ هُدًى» آن‌ها که راه هدایت را پوییدند خدا بر هدایتشان می‌افزاید» (محمد/۱۷). این آیات بیان‌گر این حقیقت است که راه حق با موانع و دشواری‌های فراوانی روبروست که بدون لطف خدا نمیتوان در آن گام نهاد و به مقصود رسید و البته «لطف خداوند بالاتر از آن است که بنده حق جو و حق طلبش را در این مسیر تک و تنها بگذارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲/۳۶۶ - ۳۶۵).

رهبری انقلاب با برشمردن نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی به‌عنوان مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور وجود نسل جوان را فرصتی ارزشمند برای کشور قلمداد کرده و جوانان را به هفت سرفصل اساسی توجه می‌دهند که شامل

علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، و سبک زندگی است (امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، خامنه‌ای؛ <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

با تطبیق این سرفصل‌ها با داستان اصحاب کهف می‌توان در عملیاتی کردن این سرفصل‌های مهم از آیات قرآن کریم الگوگیری کرد.

۴. سرفصل‌های هفتگانه در نقش آفرینی جوانان در آینه بیانیه گام دوم انقلاب

۱.۴. نقش علم و پژوهش در تمدن ملت‌ها

تولید علم و فناوری از شاخص‌های اساسی تمدن یک جامعه است، خصوصاً وقتی که این افزایش علم متناسب با صنعت باشد. در این راستا تولید نیروهای تحصیل کرده در صنایع و سازمان‌های کشور و استفاده از نیروهای جوان تحصیل کرده برای رسیدن به اهداف اساسی توسعه و پیشرفت لازم و ضروری است. استفاده از مغزهای متفکر زمینه‌ساز پیشرفت و سازندگی جامعه است (جمالی نژاد، ۲۷، ۱۳۹۴). زیرا «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است» (امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، خامنه‌ای؛ <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

رهبر معظم انقلاب، می‌فرماید: «دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به کشورهای عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد». رهبر انقلاب از جوانان تحصیل کرده مطالبه می‌کنند که با احساس مسئولیت، سنگ بنای یک انقلاب علمی را در کشور گذاشته

و در ادامه راه شهدای انقلاب خصوصاً شهدای هسته‌ای به جهاد علمی بپردازند» (امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، خامنه‌ای؛ <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

در اندیشه رهبری، کلید تمدن‌سازی، علم و فناوری است. علم مولد قدرت و ثروت است و ملتی که علم ندارد، محکوم به عقب ماندگی و ذلت در معادلات جهانی است. در این اندیشه نفی غرب، به معنای نفی فناوری و علم و پیشرفت و تجربه‌های غرب نیست، بلکه باید در سایه معنویت از امکانات موجود استفاده شده و با «نهضت نرم‌افزاری تولید علم» و ایجاد یک «جهاد علمی» به پیشرفت علمی تمدن‌ساز دست یافت (غفاری هشجین، ۱۳۹۴).

در داستان قرآن اصحاب کهف، قهرمانان این داستان با بهره‌گیری از توان معرفتی، با ارزیابی شرایط جامعه و قلمرو فرمانروایی حکومت فاسد زمان خود و عدم امکان تغییر شرایط موجود و ساخت یک جامعه دینی، برای حفظ ایمان خود به غار پناه بردند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ زَمَانِي رَا بِه خَاطِر بِيَاوِر كِه آن جَوَانَان بِه غَار پِنَاه بَرْدَنْد» (كهف/۱۰)؛ «اوی الفتية» از ماده «اوی» گرفته شده که به معنی «جایگاه امن و امان» است، اشاره به این که این جوانان فراری از محیط فاسد، به غار پناه بردند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲/۳۵۹).

۲.۴. معنویت و اخلاق

رهبر انقلاب در سخنان خود بارها جوانان را به دین، تقوا، امانت، عفت دعوت می‌کنند (مقام معظم رهبری، دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24552>). طبق فرمایش رهبری، معنویت و اخلاق محور همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است و هر فرد باید با تلاش و مجاهدت هم خود رفتار اخلاقی و معنوی داشته و هم زمینه آن را در جامعه رواج دهد و از سویی با کانون ضد معنویت و اخلاق مبارزه کند (امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم

انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، خامنه‌ای؛ [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)
content?id=41673.

در داستان قرآنی اصحاب کهف، صحنه‌هایی از معنویت و اخلاق را مشاهده می‌کنیم. اصحاب کهف وزیران و صاحب‌منصبان بزرگ حکومت بودند که بر ضد حاکم زمان خود و دین و آیین مردم زمان خود قیام کردند و برای حفظ ایمان خود غارنشینی را بر زندگی پرنواز و نعمت ترجیح دادند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲/۳۶۶). «إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا هُوَ لَاءِ قَوْمَنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً هَنَكَامِي که قیام کردند گفتند پروردگار ما پروردگار آسمان‌ها و زمین است، ما به غیر او اله دیگری را نمی‌خوانیم، چرا که اگر بخوانیم در این هنگام از راه حق تجاوز کرده‌ایم ببین که مردم ما چگونه غیر خدا خدایانی گرفته‌اند.» (کهف/۱۵ - ۱۴). در تفسیر المیزان آمده است که: «این قسمت از گفتگوی اصحاب کهف، مملو از حکمت و فهم است، و در این فراز از گفتگوی خود خواسته‌اند ربوبیت ارباب بت‌ها از ملائکه و جن و مصلحین بشر را که فلسفه و ثنیت الوهیت آن‌ها را اثبات کرده باطل کنند، نه ربوبیت خود بت‌ها را که مشتی مجسمه و تصویری از آن ارباب و خدایان است. شاهد بر این معنا کلمه «علیهم» است که می‌رساند منظورشان ابطال ربوبیت ملائکه و جن و کمالین از بشر بوده، وگرنه اگر منظورشان ابطال ربوبیت مجسمه‌ها بود می‌فرمود: «علیها - اگر دلیل قاطعی بر ربوبیت آن‌ها نیاورند» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۳/۳۵۰ - ۳۴۹). از قید «وَرَبُّنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ» مشخص می‌شود آن‌ها با این که می‌دانستند که از طرف دشمنان دچار عذاب و شکنجه می‌شدند، ایمان خود را «رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» از مشرکین پنهان نمی‌کردند؛ و از قید، «إِذْ قَامُوا فَقَالُوا» استفاده می‌شود که این جوانان ابتدای مخالفتشان در مجلسی بوده که مرکز دعوت مردم به عبادت و پرستش بت‌ها بوده است و نیز در محیطی بوده است که مردم را از عبادت خداوند منع کرده و خداپرستان را شکنجه و آزار داده و یا می‌کشتند. در چنین مجلسی این جوانان برخاستند و علناً مخالفت خود را اعلام داشته از آن مجلس بیرون می‌آیند، و از مردم شهر کناره‌گیری می‌

کنند و به غار پناهنده می‌شوند: «وَإِذْ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ - و چون از ایشان و آنچه که به غیر خدا می‌پرستیدند کناره‌گیری نمودید، به غار پناهنده شوید» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۳/۳۵۱). در آیات بعدی نیز جلوه‌هایی از اخلاق در روابط بین این جوانان دیده می‌شود، در جایی که ایشان پس از برخاستن از خواب خواستند که یکی از خودشان را برای تأمین غذا به شهر بفرستند، سیاق محاوره ایشان و سیاق آیات محبت آنان به یکدیگر در راه خدا، برادری و مساوات، خیرخواهی و شفقت آنان را نسبت به هم را نشان می‌دهد. آن‌ها در سایه دین به درجه‌ای از برادری و مواسات می‌رسند که یکی از ایشان وقتی می‌خواهد پیشنهاد کند که کسی را برای تأمین غذا به شهر بفرستند «به یکی از رفقای من می‌گویند تو برخیز برو، می‌گویند یکی را بفرستید، و نیز نگفت فلانی را بفرستید. و وقتی هم خواست اسم پول را ببرد نگفت پولمان را و یا از پولمان به او بدهید برو، بلکه گفت: «پولتان را بدهید به یک نفرتان» و ورق را به همه نسبت داد، همه این‌ها مراتب برادری و مواسات و ادب آنان را می‌رساند». همچنین از جمله «فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكى طَعَاماً...» و «وَلْيَتَلَطَّفْ...» مراتب خیرخواهی آنان نسبت به هم به دست می‌آید. و جمله «إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ...» شفقت و مهربانی آنان را نسبت به یکدیگر نشان می‌دهد» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۳/۳۶۶ - ۳۶۵). در تفسیر نور هم آمده است که: «عبارت «وَلْيَتَلَطَّفْ» وسط قرآن کریم قرار دارد که به معنای مدارا و هوشیاری همراه با مهربانی است» (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۵۳/۵).

۳.۴. اهمیت مسئله «اقتصاد»

رهبری ایران با اشاره به ذخایر معدنی کشور، منابع عظیم زیرزمینی، سواحل دریایی، زمین‌های حاصل‌خیز، تنوع محصولات کشاورزی به ظرفیت‌های اقتصادی کشور پرداخته و جوانان را در این عرصه تاثیرگذار دانسته، و خطاب به آنان چنین فرمود: «ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده‌نشده طبیعی و انسانی در رتبه اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده‌نشده باشد و

پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد» (امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، خامنه‌ای؛ <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

رهبر انقلاب در اولین روزهای آغاز رهبری خود در سال ۱۳۶۸ در خصوص اهمیت اقتصاد و جنگ اقتصادی دشمن هشدار دادند (جهانگیری، ۱۳۹۷). در این زمینه ایشان می‌فرماید: «سومین نقطه امید آن‌ها واقعیت‌های دشوار اقتصادی و مشکلات مردم است که آن‌ها سعی می‌کنند این نکته را به اثبات رسانند که بالاخره مشکلات اقتصادی گریبان دستگاه را خواهدگرفت و نظام جمعوری اسلامی را به بن‌بست خواهد رساند» (مقام معظم رهبری، مراسم بیعت رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸/۳/۲۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2091>). در دیدگاه رهبری انقلاب، مسئله اقتصادی در همه زوایای زندگی افراد و حتی حفظ ایمان آن‌ها اهمیت دارد. ایشان می‌فرمایند: «در اسلام پرداختن به امور اقتصادی مردم جزو اوجب واجبات حکومت‌هاست. پیغمبر اکرم - طبق روایت - فرمود: «كاد الفقر ان يكون كفرا»^۱ مضمون این حرف، آن است که ما آمده‌ایم به مردم ایمان بدهیم؛ اگر نتوانیم نشانمان را به راحتی به دستشان برسانیم، ایمانشان از آن‌ها گرفته خواهد شد. واقع قضیه هم همین است. مسئله فقرزدایی و روان کردن کار اقتصادی در کشور، از جمله مسائل بسیار مهم است» (مقام معظم رهبری، نماز جمعه تهران/۲۸/۲/۱۳۸۰ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3066>).

در داستان اصحاب کهف آمده است که آن‌ها پس از بیداری از خواب طولانی تصمیم گرفتند که یک نفر را برای خرید غذا به شهر بفرستند. «فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ» (کهف/۱۹). آن‌ها در اقدام برای معاش زندگی به

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۳۰۷، الأمالی (للصدوق)، النص، ص ۲۹۵ الخصال، ج ۱، ص ۱۲ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا وَ كَادَ الْحَسَدُ أَنْ يَغْلِبَ الْقَدَرَ

سلامت معنوی خود توجه داشتند تا پاکیزه‌ترین نوع غذا را تهیه کنند و این امر نشانگر این مهم است که در مسائل اقتصادی و تأمین معاش و نیازهای ضروری افراد نیز عامل معنویت امری مهم و تعیین‌کننده است.

۴.۴. عدالت و مبارزه با فساد

یکی از رسالت‌های اصلی انبیاء، مبارزه با ظلم و ایجاد عدالت در جامعه است. حکومت عادلانه در نظر اسلام، حکومتی است که از اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی و زبانی خالی باشد (غلامی، ۱۳۹۴). «منظور از عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت و درآمد ملی در میان افراد جامعه است که با «کاهش نابرابری» و «کاهش فقر» مشخص می‌شود» (راجی، ۱۳۹۷). در بیانات رهبر انقلاب به این نکته اشاره شده است که پیگیری بحث عدالتخواهی در بستر معنویت امکان‌پذیر است و استفاده از نیروهای پرتلاش جوان برخوردار از تفکر بسیجی در مدیریت، همواره موجب دستیابی به نتایج درخشان بوده است. ایشان می‌فرمایند: «گفتمان عدالت و دقائق نظری آن به دلیل جامعیت و فراگیری و تأکید بر توزیع متناسب و عادلانه ثروت، قدرت و منزلت و ریشه داشتن در متون دینی و اصالت داشتن در رفتار پیشوایان شیعی، خصوصاً حضرت علی علیه السلام، یکتا راهبرد کارآمدی نظام اسلامی و اساس مشروعیت آن به‌شمار می‌آید». ایشان سه مؤلفه اساسی برای اضلاع این مثلث برمی‌شمرند که شامل جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم، مبارزه دائمی، قاطع و همه‌جانبه با ریشه‌ها و مظاهر فساد اقتصادی و بروکراسی از سوی حاکمیت، و پاسخگویی حاکمیت به مردم است (مقام معظم رهبری، دیدار جمعی از دانشجویان ۱۰/۸/۱۳۸۳/۳۲۵۷۱). (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32571383/8/10>).

در دیدگاه رهبری، عدالت و مبارزه با فساد، لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اخلاقی، اقتصادی و سیاسی اگر در بدنه حکومت‌ها ایجاد شود مشروعیت آن‌ها را ویران می‌کند، پس لازم است که «دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، به‌ویژه در درون دستگاه‌های

حکومتی» (امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، خامنه‌ای؛ <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

اصولاً رفتار مردم نسبت به فساد در جامعه سه گونه است:

الف: گروهی در فساد جامعه هضم می‌شوند. (آنان که هجرت نکنند و ایمان کامل نداشته باشند) «كُنَّا نَحْوُ مَعَ الْخَائِضِينَ».

ب) گروهی که در جامعه فاسد، خود را حفظ می‌کنند. (مثل اصحاب کهف) «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ».

ج) گروهی که جامعه فاسد را تغییر می‌دهند و اصلاح می‌کنند. (مثل انبیا و اولیا) «يُرَكِّبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (قرائتی، ۱۳۸۳: ۵/۱۴۷). اولین مرحله مبارزه با فساد آن است که فرد بتواند در جامعه هضم نشده و ایمان خود را حفظ کند.

اصحاب کهف با این‌که در یک زندگی پر زرق و برق و برخورداری از انواع ناز و نعمت به سر می‌بردند، برای حفظ ایمان و عقیده خود و مبارزه با طاغوت حاکم بر جامعه از همه این خوشی‌ها چشمپوشی کردند و به یک غار تهی از همه چیز پناه بردند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۵۷/۱۲).

۵.۴ - استقلال و آزادی

در بیانیه گام دوم استقلال ملی به معنی «آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان» و آزادی اجتماعی به معنی «حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه» بیان شده است. به فرموده رهبر انقلاب «استقلال و آزادی جامعه ما با خون هزاران جوان شجاع و فداکار به دست آمده است و باید به‌عنوان ثمره شجره طیبه انقلاب توسط دولت حراست و صیانت شود و از افراط و تفریط در حفظ حدود آن جلوگیری شود. از سویی نباید با توجیه و تأویل‌ها در معرض خطر قرارگیرد و از سویی نباید به بهانه استقلال به زندانی کردن سیاست و اقتصاد در مرزهای خود و به بهانه آزادی به تقابل با قانون و ارزش‌های الهی پرداخته شود» (امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب،

۱۳۹۷/۱۱/۲۲، خامنه‌ای؛ <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>.
 در داستان اصحاب کهف جوانان باایمان در ابتدای کار به شکستن سد تقلید و جداشدن از جامعه فاسد خود همت گماشتند. همین استقلال فکری باعث نجات و رستگاری آن‌ها شد. آن‌ها تصمیم گرفتند به جای سازش با محیط، سازنده محیط جدید بر اساس معیارهای دینی و عقیدتی خود باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲/۴۰۲). حرکت در راه آزادی و قیام در برابر ستمگران نیاز به ایمانی استوار و دلی مطمئن دارد.. «رَبِّظْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا». همین حرکت و تلاش در راه حق سبب رشد و هدایت انسان می‌شود. «آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى» (قرآنی، ۱۳۸۳: ۵/۱۴۸) و خداوند با توفیق و الطاف خود انگیزه‌های آنان را تقویت کرده و هدایتشان را افزایش می‌دهد (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳/۵۱۰).

۴.۶. عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

امور سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت، سه شاخصه اصلی در روابط بین المللی هستند. شکل‌گیری نهضت بیداری اسلامی و مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم، مبارزه با فریب و خدعه سردمداران نظام سلطه، جلوه‌های عزت کشور و ملت هستند که باید با شجاعت و مدیریت جهادی حفظ شود. طبق فرمایش رهبر انقلاب در مورد دولت‌های اروپایی دولت جمهوری اسلامی با حفظ مرزبندی خود و تعهد به ارزش‌های انقلابی و ملی خود به حل مشکلات خود با آن‌ها بپردازد، اما حساب آمریکا جداست و مذاکره با آن تنها موجب زیان مادی و معنوی خواهد بود (امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، خامنه‌ای؛ <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

عدم سازشکاری با محیط فاسد در داستان اصحاب کهف به خوبی نمودار است. این جوانان به علت عدم سازش با اکثریت گمراه جامعه به هجرت از این محیط همت گماشتند و برای حفظ ایمان خود از رفاه و نعمت‌های مادی چشم‌پوشی کردند و به انواع محرومیت‌ها و زندگی غارنشینی تن دادند تا موجب تقویت دستگاه ظلم و جور و شرک نشوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲/۴۰۳).

۴.۷. سبک زندگی مطلوب

حفظ سبک زندگی اسلامی در مقابل سبک زندگی غربی، جهاد همه جانبه و هوشمندانه را می طلبد (خامنه ای، ۱۳۹۷). اسلام و مبانی این دین برای زندگی انسان ها ارزش قائل شده و به همه زوایای زندگی توجه داشته است و روح معنویت را در همه ابعاد زندگی مانند خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف جاری و ساری می داند. رهبر انقلاب در ضمن بحث از نرم افزار تمدن اسلامی به سبک زندگی اسلامی توجه ویژه ای دارند. ایشان می فرمایند: «اما بخش حقیقی، آن چیزهائی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخش های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است» (مقام معظم رهبری، دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۲۳/۷/۲۰۲۳: <https://farsi.khamenei.ir/speech-7/23>، content?id=212521391).

جلوه ای از توجه به سبک زندگی سالم را در داستان اصحاب کهف و توجه به نوع غذای آنان مشاهده می کنیم. این جوانان بعد از بیدار شدن از خواب چندصد ساله یکی از افراد خود را به دنبال غذا فرستادند: «فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَاماً فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَ لِيَتَلَطَّفَ وَ لَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا اَكُنْ يَكُ نَفَرًا مِنْ خُودَتَانِ رَا بَا اَيْنِ سَكَّهَ اِي كِه دَارِيْدَ بَه شَهْرِ بَفْرَسْتِيْد، تَا بَنْگَرْدَ كَدَامَ يَكُ اَز اَن هَا غِذَايِ پَاكِيْزَه تَرِي دَارِنْد، وَ مَقْدَارِي اَز اَن بَرَايِ رُوْزِي شَمَا بِيَاوَرْد. اَمَا بَايْدَ دَقَّتْ كُنْد، وَ هِيْجَ كَسِّ رَا اَز وَضْعِ شَمَا آگَاه نَسَازْد»

(کهف/۱۹). آن‌ها «پاکی تغذیه» حتی در سخت‌ترین شرائط را رعایت کردند. زیرا «غذای جسم انسان اثر عمیقی در روح و فکر و قلب انسان دارد، و آلوده شدن به غذای حرام و ناپاک انسان را از راه خدا و تقوا دور می‌سازد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲/۴۰۴). بنابراین سبک زندگی سالم از جمله رعایت پاک بودن غذا برای رهروان راه حق لازم و ضروری است. امروزه مردم در مورد آلودگی‌های ظاهری غذا مانند ظرف‌های سرپوشیده و دور از آلودگی رعایت سلامت غذایی را می‌کنند، اما پاکی غذا شامل مفهومی وسیع‌تر بوده و دوری از آلودگی‌های باطنی مانند حرام، ربا، غش و تقلب را نیز شامل می‌شود. در روایات اسلامی در مورد غذای حلال و تأثیر آن در استجابات دعا و صفای قلب تأکید فراوانی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲/۳۷۶). کلمه «ازکی: پاکیزه‌تر» از ماده زکات است، و زکات طعام پاکیزه آن است. در تفسیر روح المعانی و فخر رازی «ازکی» را حلال‌تر معنا کرده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۸/۲۱۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۱/۴۴۶)؛ و برخی آن را پاک‌تر گفته‌اند ولیکن این‌که کلمه را به صیغه افعال تفصیل (ازکی) آورده به نظر همان معنای اول باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۳/۳۶۱).

نتیجه‌گیری

بیانیه گام دوم دارای سرفصل‌های مهم در مورد نقش‌آفرینی جوانان است. با تطبیق این سرفصل‌ها بر داستان قرآنی اصحاب کهف می‌توان در عملیاتی کردن این نقش‌ها به نتایج مطلوبی دست یافت. در دیدگاه رهبری معظم انقلاب دوران جوانی موقعیتی ممتاز برای کار جهادی در میدان معنویت، علم، اقتصاد، عدالت، سبک زندگی سالم و عزت ملی است. جوانان مؤمن، دانا، پرانگیزه و کارآمد می‌توانند با استفاده از شور و نشاط جوانی و با امیدبخشی به جامعه گام‌های مؤثری در ساختن جامعه و ادامه مسیر انقلاب بردارند. در داستان قرآنی اصحاب کهف نیز قهرمانان داستان با داشتن روحیه ایمان و معنویت و امید به رحمت الهی به مبارزه و جهاد با حکومت فاسد زمان خود قیام کردند و با انگیزه حفظ ایمان خود از زندگی مرفه خود دست کشیده و زندگی غارنشینی را اختیار کردند. آن‌ها به

جهت این روحیه حق‌گرایانه و عدالت‌طلب به‌عنوان مجاهدان و مهاجران در راه خدا در قرآن مجید مورد تمجید قرار گرفتند تا الگوی جوانمردان باایمان و حقیقت‌خواه در همه زمان‌ها باشند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، چاپ اول دار الکتب العلمیه.
۳. جعفری، سجاد، ۱۳۹۵ش، «رسالت جوانان در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی»، مجموعه چکیده آثار و مقالات برگزیده نهمین کنگره پیشگامان، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۴. جمالی نژاد، مهدی، علون آبادی، جعفر، ۱۳۹۴ش، «سازوکارهای توسعه کارکردی دانش بنیان کشور در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی، همایش ملی تمدن نوین اسلامی»، <https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=79534>
۵. جهانگیری، مصطفی، ۱۳۹۷ش، شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب، چاپ اول، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۶. حسینی، سیده فاطمه زهرا، ۱۳۹۸ش، «نقش جوانان در ایجاد تمدن نوین اسلامی، همایش ملی جستارهای پژوهشی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب»، <https://civilica.com/doc/977022>.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع رسانی: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid>.
۸. خامنه‌ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷ش، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، تهران، بی چاپ، نشر انقلاب اسلامی.
۹. راجی، سیدمحمدحسین، خاتمی، سیدمحمدرضا، ۱۳۹۷ش، صعود چهل ساله، مشهد، چاپ اول، آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی.
۱۰. رشیدی، امیرحسین، نصرت پناه، محمدصادق، مرادی، محمدحسین، ۱۳۹۸ش، «تحلیل گفتمان انتقادی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از روش نورمن فرکلان»، نشریه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۸۳، ص ۶۵-۳۹.
۱۱. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ش، تفسیر المیزان، موسوی، محمدباقر، قم، چاپ پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، بی‌تا، تفسیر مجمع البیان، نوری همدانی، حسین، تهران، چاپ اول،

فراهانی.

۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ق، تفسیر جوامع الجامع، عبدالحمیدی، علی و همکاران، قم، چاپ اول، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.

۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، تفسیر العیاشی، تهران، چاپ اول، مکتبه العلمیه الاسلامیه.

۱۵. غفاری هاشجین، زاهد، ناصرخاکی، حسن، ۱۳۹۴ش، «مؤلفه‌ها و راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن‌گرایان»، همایش ملی تمدن نوین اسلامی.

۱۶. غلامی، نادر، حسن‌خانی، حمیده، ۱۳۹۴ش، «کیفیت برنامه‌ریزی برای تشکیل دولت تمدن بزرگ اسلامی جهانی امام عصر (عج)»، همایش ملی تمدن نوین اسلامی.

۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، چاپ سوم، دار إحياء التراث العربی.

۱۸. فلسفی، محمدتقی، ۱۳۸۸ش، جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، چاپ نهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ۱۳۸۳ش، تهران، چاپ یازدهم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، تفسیر القمی، قم، چاپ سوم، دارالکتاب.

۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش، ترجمه قرآن (مکارم)، قم، چاپ دوم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، تهران، چاپ دهم، دارالکتب الإسلامیه.

نقش رهبران الهی در ایجاد تمدن‌ها (با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب)

ریحانه سادات هاشمی (شهیدی) (نویسنده مسئول)^۱

سحر هاشمی جوادی^۲

چکیده

پیامبران، در صدد ایجاد تمدن الهی برای انسان‌ها بوده‌اند. آنان سازه‌های تمدنی را بر اساس ارتباط با عالم ماوراء، برای ساختن جامعه به کار گرفته‌اند. ارکان نظام تمدن الهی بر اساس عقاید، اخلاق، اقتصاد، سیاست، حقوق و قوانین شکل می‌گیرد و انبیاء الهی در صدد اصلاح این ارکان بوده و دستاوردهای بزرگ علمی و فرهنگی در این راستا به دست آورده‌اند. سؤال این تحقیق در جهت شناسایی چگونگی نقش پیامبران در ایجاد تمدن هاست و اهمیت این موضوع در شناسایی مبانی حکومت الهی نهفته است که به دست انبیاء ایجاد شده و ضرورت آن شناخت نیازهای جامعه و اصلاح آن‌ها بر اساس عملکرد پیامبران پیشین است. با توجه به تمدن‌سازی انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم برای جهانیان، الگوگیری از شیوه‌های انبیاء در این امر راهکاری راهبردی در عرصه‌های مختلف

۱. استاد حوزه و هیأت علمی مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، مدرس جامعه الزهرا.

Rey.hashemi@chmail.ir

۲. فارغ التحصیل رشته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث. Sahar.hashemi77@gmail.com

است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که دستاوردهای حاکمیتی پیامبران در عرصه‌های دنیایی به پیشرفت جامعه منجر شده و از لحاظ اخروی سعادت انسان‌ها را تضمین کرده‌اند. این تحقیق بر اساس منابع کتابخانه‌ای و باشیوه توصیفی - تحلیلی به نگارش درآمده است.

واژگان کلیدی: پیامبران، تمدن، ارکان تمدن، بیانیه گام دوم

مقدمه

خداوند متعال انسان را جهت تکامل در زمین قرار داد و برای رهنمون شدن وی به سعادت در این کره خاکی انبیاء را به‌عنوان برگزیدگان عالم هستی، برای رشد و تکامل آن‌ها گسیل داشت. پیامبران در عالم هستی بر اساس منطقه مأموریت خویش بر اساس ظرفیت‌های موجود در محیط و افراد، سعی در ایجاد ارتباط بین خدا و مردم کرده و آن‌ها را به سوی پیشرفت مادی و معنوی دعوت می‌کردند.

شناسایی سازه‌های تمدنی انبیاء از آن‌جا اهمیت دارد که آنان با توجه به سازه‌های تمدنی سعی کردند ضمن ارتباط با خداوند متعال و عالم متافیزیک، انسان‌های اطراف خود را با خود و یکدیگر پیوند داده و در این راستا محیطی توحیدمحور در اعتلای جامعه تشکیل دهند.

ضرورت شناخت ارکان جامعه توحید محور انبیاء، انسان را بر آن می‌دارد که ارکان جامعه را شناخته و آن‌ها را بر اساس سازه‌های تمدنی بنیان نهد. ارکان جامعه، بر اساس این سازه‌ها بر چندین محور استوار است و نظام تمدنی بر پایه توحید بنا شده و سایر ارکان حول محور آن می‌چرخد. پیامبران بر پایه عقل، انسان‌ها را دعوت کرده و با محور قرار دادن اخلاق، سعی در ایجاد عدالت و قوانین الهی در جامعه کرده‌اند. سایر قوانین جامعه از قبیل سیاست و اقتصاد نیز حول محور عدالت الهی استوار گشته و جامعه توحیدی را بنیان نهاده‌اند. انبیاء در این راستا نه تنها زندگی اخروی انسان‌ها، بلکه زندگی دنیوی انسان‌ها را استعلا بخشیده و مردم را به مدینه فاضله راهنمایی کرده‌اند.

شناخت چگونگی عملکرد پیامبران در این راستا، کمک شایانی به دستیابی به مبانی حکومت اسلامی و راهکارهای اجرایی آن می‌کند. اهمیت و ضرورت این مطلب هنگام بررسی و شناخت نیازهای جامعه جهت اصلاح زیرساخت‌ها و بنای جامعه‌ای قوی و نیرومند از جهت قانون و مسائل اجرایی است.

شناسایی سازه‌ها و ارکان تمدنی انبیاء با بررسی منابع متقدم این امکان را فراهم می‌کند که با همگام‌سازی دانش‌های امروزی و بیانات مقام معظم رهبری با روش کتابخانه‌ای، امکان بهره‌وری از این سازه‌ها و ارکان تمدنی با شیوه توصیفی - تحلیلی در این مقاله فراهم شود.

۱. مفهوم‌شناسی

تمدن از ریشه «مدن» به معنی «شهر» است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۱۲/۴) که بعضی آن را از ریشه «دان» دانسته و میم آنرا زاید گرفته‌اند (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۴۴/۶). تمدن به معنی خروج از جهل و دخول به راه انسانیت و ترقی است (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۴۴/۶) و در منابع متأخر «تمدن» به معنی شهر نشینی (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰۲/۲، بستانی، ۱۳۷۵: ۸۰۰. قرشی، ۱۳۷۱: ۲۲۴/۶) آمده و به کسی که به اخلاق اهالی شهر در آید، «متمدن» می‌گویند (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۵۷/۱۱).

در قرآن «اعراف/۱۲۳» و نهج‌البلاغه «مدینه» به معنای شهر آمده است (امام علی علیه السلام، ۱۴۱۴: ۲۶۳)^۱، هرچند لفظ تمدن در قرآن به کار نرفته ولی واژه‌هایی همچون «قرن» و «قریه» مترادف آن است که مراد از آن فرایند رشد و بالندگی جامعه‌ای قدرتمند و ثروتمند بر پایه سنتها و قوانین است (عیسی زاده، ۱۳۹۶: ۵۴). واژه انگلیسی «Civilization» از ریشه «Civiliz» به معنای مدنیت و رهایی از وحشی‌گری است (حییم، ۱۳۶۹: ۲۳۵/۱).

تمدن در اصطلاح اشاره به شیوه زندگی در جامعه شهری یا همان اجتماعی شدن دارد

۱. «أَيْنَ الَّذِينَ... مَدَّنُوا الْمَدَائِنَ: کجایند آن‌ها که شهرها بنا کردند، خ: ۱۸۲».

(ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۲۲۹). به عبارت دیگر تمدن پدیده‌ای به هم تنیده است که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۵۸)، دینی و حتی هنر و ادبیات را شامل می‌شود (لوکاس: ۱۳۸۴، ۱۶/۱)؛ یعنی ارتباطات افراد یک جامعه در امور اجتماعی، و سیاسی و... را تمدن گویند. بنابراین تمدن صرف شهرنشینی نیست بلکه اشاره به باورها و فرهنگهای جامعه شهری دارد که با کمک آن‌ها انسان می‌تواند در مسیر کمال گام نهد.

ارکان؛ به نواحی قوی از اطراف کوه یا خانه یا قصر را «رکن» گویند که جمع آن آرکان می‌باشد (صاحب، ۱۴۱۴: ۲۴۸/۶).

پیامبر به عربی به معنای «نبی» (زمخشری: ۱۳۸۶، ۳۱) است که چنانچه از ریشه «نبو» گرفته شود به معنای کسی است «قدر و منزلت او بلند است و بر سایر خلق شرافت دارد» (ازهری، ۱۴۲۱: ۳۴۹/۱۵) و اگر از ریشه «نبأ» اخذ شود به معنای کسی است که از جانب خدا خبر می‌دهد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۶۲/۱). بنابراین پیامبران، کسانی هستند که از جانب خداوند خبر را گرفته و به مردم ابلاغ می‌کنند و دارای شرافت نزد خداوند می‌باشند.

بیانیه گام دوم: بیانیه‌ای که توسط مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ش در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران منتشر شد. این بیانیه با گذشت چهل سال از انقلاب، دومین گام انقلاب را «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» معرفی کرده است (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

۲. پیشینه تحقیق

منابع زیادی پیرامون تمدن نوشته شده است، ولی در رابطه با تمدن‌سازی انبیا منابع محدودی به نگارش درآمده است. کتاب «درستنامه تدبیر در سیره تمدن‌ساز انبیا علیه السلام» نوشته محمدحسین الهی‌زاده؛ پیرامون تمدن هر یک از انبیا به تنهایی سخن رانده، ولی به صورت موضوعی نقش تمدنی را بررسی نکرده و پر کردن این خلأ بر عهده این مقاله

است.

در رابطه با تمدن، پایان نامه «نقش پیامبران ابراهیمی در بنیان تمدن» از زهرا سلیمانی، تنها به نقش پیامبران ابراهیمی پرداخته و جنبه‌های ارشادی و سیاسی را به صورت جداگانه بررسی کرده است. این مقاله علاوه بر نقش پیامبران غیر ابراهیمی به برخی از تأثیرات تمدنی انبیاء به صورت مجموعی اشاره کرده است.

برخی مقالات تنها به نقش پیامبر اسلام ﷺ در تمدن‌سازی اشاره داشته‌اند؛ همچون «پیامبر اسلام ﷺ و جهان‌بینی تمدن ساز دینی؛ از شکرالله خاکرند، اصغر منتظرالقایم، ومحمدعلی چلونگر» حال آن‌که این تحقیق تأثیر عملکرد مجموع پیامبران را در طول دوران تمامی انبیاء مورد بررسی قرار می‌دهد.

این مقاله علاوه بر آنچه در منابع پیشین درباره تمدن‌سازی هر یک از انبیاء به صورت جداگانه مطرح شده است، به زیربنای تمدن‌ها از جمله سازه‌های تمدنی و ارکان تمدنی پرداخته و در نهایت به نمونه‌هایی از دستاوردهای حاکمیتی انبیاء در عرصه فناوری و اجرای قوانین الهی اشاره کرده است.

۳. سازه‌های تمدنی

سازه یعنی الگو یا روابط بین اجزای یک پدیده؛ چارچوب، محورها، ستون‌ها و پایه‌های یک پدیده، که دارای ارتباط خاصی بایکدیگر هستند تا کل پدیده را شکل دهند و زمینه و مرزهای فعالیت آن باشند (مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف، ۱۳۹۹).

خداوند متعال برای ایجاد تمدن برای بشریت برنامه‌ای قانونمند برای زندگی به پیامبران ارائه داده که حاوی پیشرفت‌های مادی و معنوی برای زندگی انسان است. در آیات فراوانی علاوه بر اشاره به جوامع متمدن گذشته، به بهره‌مندی آنان از امکانات مادی و معنوی اشاره می‌کند که می‌توان آن‌ها را به صورت زیر دسته‌بندی کرد.

الف) آیاتی که به تشکیل حکومت‌ها اشاره دارد؛ همچون حکومت سلیمان «بقره/۱۰۲، نمل/۱۸۱۶، ص/۳۸۳۴»، حکومت داود نبی «ص/۲۰-۱۷ و ۲۶، بقره/۲۵۱»، حکومت ذو

القرنین «کَهف/ ۹۸.۸۳»، حکومت یوسف «یوسف/ ۵۴، ۵۶، ۱۰۱.۱۰۰»، حکومت حضرت محمد ﷺ «توبه/ ۸۶، نور/ ۵۴.۵۳ و ۵۶، احزاب/ ۱۳ و ۳۶، محمد/ ۳۳، تغابن/ ۱۲، ...» که حکومت‌هایی است که به دست انبیاء به وجود آمده، اما حکومت‌های غیر الهی همچون حکومت فرعون «بقره/ ۴۹، اعراف/ ۱۰۳ و ۱۰۵ و غافر/ ۲۹ و...»، حکومت ملکه سبا «نمل/ ۲۳.۲۲، ۳۳.۳۲» نیز در آیات بدان اشاره شده است.

ب) آیاتی که به معماری و ساخت‌وسازها اشاره دارند: ساختن تندیس‌ها و ساختمان‌های عظیم توسط جنیان «سبأ/ ۱۳»، ساختمان‌سازی قوم ثمود «اعراف/ ۷۴»، سد فولادین ذوالقرنین «کَهف/ ۹۸.۹۶».

ج) آیاتی که به صنایع اشاره دارند: صنعت ذوب فلزات توسط ذوالقرنین «کَهف/ ۹۶»، صنعت سدسازی قوم سبأ «سبأ/ ۱۶»، گوساله سامری «طه/ ۸۸»، کشتی‌سازی نوح «قمر/ ۹، ۱۴.۱۳»، کشاورزی «انعام/ ۶، ابراهیم/ ۳۲، ...»، باغداری قوم ثمود «شعراء/ ۱۴۱.۱۴۸، دخان/ ۲۵ - ۲۶»، دامداری و چوپانی که شغل بسیاری از انبیاء بوده است مانند: حضرت موسی «قصص/ ۲۷، طه/ ۱۰، ۱۳، ۱۸.۱۷»، دختران حضرت شعیب ؑ «قصص/ ۲۳»، نجاری حضرت نوح ؑ «هود/ ۳۷، مؤمنون/ ۲۷»، آهنگری و زره‌بافی حضرت داوود ؑ «سبأ/ ۱۱.۱۰ و...».

د) آیاتی که به نیروهای نظامی اشاره می‌کنند: لشکر حضرت سلیمان ؑ «سبأ/ ۱۲.۱۳»، ملکه سبأ «نمل/ ۲۲، ۳۰، ۳۳»، لشکریان پیامبر اسلام ﷺ «آل عمران/ ۱۲۱»، ... و) آیاتی که به هنرها اشاره دارند: قصر آبگینه حضرت سلیمان ؑ «نمل/ ۴۴»، هنر مجسمه‌سازی «اعراف/ ۱۴۸، سبأ/ ۱۳.۱۲»، ساختن قصرها «اعراف/ ۷۴» و...

انبیای الهی سعی کرده‌اند از توانمندی‌هایی که خداوند در اختیار بشر نهاده، برای رشد و تعالی دنیوی و اخروی انسان‌ها بهره گرفته و تمدن الهی را در جامعه بشری بنیان‌گذاری کنند. ارتباط انبیاء با امت‌های پیشین از طرق گوناگون بوده که می‌توان آن‌ها را بر اساس سازه‌های تمدنی در چهار محور ارتباط با محیط، ارتباط با هم‌نوع، ارتباط با خود، ارتباط با

ماوراء بررسی کرد.

۱.۳. ارتباط با محیط

اولین نقش انسان‌ها در ایجاد تمدن را می‌توان در محور ارتباط با محیط بررسی کرد. انسان از ابتدایی‌ترین شکل اجتماع - یعنی چادر نشینی به یکجا نشینی روی آورد و به تدریج اجتماعات بشری را شکل داد و با ایجاد شهر، نخستین کانون اجتماع تمدنی بنیان شد (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۲۵). ابتدایی‌ترین تمدن پیامبران بر اساس آیات مربوط به حضرت آدم علیه السلام است که بر روی زمین فرود آمد و تمدن انسانی را بنا نهاد و زمان ادریس نبی علیه السلام این تمدن گسترش یافت (عسکری، ۱۳۸۶: ۱/۲۲۹۲۲۲۸) و تمدن‌سازی انبیا در شرق و غرب عالم گسترش یافت، زیرا خدا برای هر امتی رسولی فرستاد (نحل/۳۶) و هیچ امتی را بدون پیامبرها نکرد و با نایبان انبیا این رسالت را کامل کرد (مغنیه، ۱۴۲۴، ۲/۴۹۲). در نتیجه امنیت و رونق اقتصادی، زمینه ابداع و اختراع فراهم شد و درهای علم و معرفت به روی بشر گشوده شد و ابزار توسعه تمدنی و فرهنگی پدید آمد (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۲۷).

فرهنگ‌ها «رفتار ساز» و تمدن‌ها «فرهنگ ساز» هستند. فرهنگ، بخش نرم‌افزاری دستاورد بشری است و تمدن بخش سخت‌افزار این دستاوردها است که تکمیل‌کننده یکدیگر هستند. فرهنگ به معنای دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت (معین، ۱۳۸۸: ذیل واژه مورد نظر)، حرفه، فنون، هنر، آموختن، به کار بستن ادب، بزرگی، سنجیدگی، آموزش و پرورش، تربیت، آیین و رسوم و عقل کاربرد دارد (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه مورد نظر). فرهنگ مفهومی گسترده است که شامل ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای موجود در جوامع بشری می‌باشد. در اندیشه امام خمینی علیه السلام مفهوم تمدن از فرهنگ متمایز شده است، ایشان در مورد فرهنگ می‌فرمایند: «فرهنگ یک ملت در رأس تمدن واقع شده، فرهنگ باید فرهنگی موافق با تمدن باشد» (خمینی، بی‌تا: ۲۶۹/۴).
ویژگی‌ها و شاخصه‌های عمومی فرهنگ‌ها هویت بخش انسان بوده و وجه تمایز میان

تمدن‌هاست، ضمن این‌که فرهنگ میراث گذشتگان است که سرمایه‌های معنوی و آثار هنری، فکری و ادبی جامعه را دربرگرفته و به رفتار افراد جامعه نقش و شکل داده و ضمن این‌که محصول فکری انسان‌هاست، راهبر جامعه است که می‌توان آن را حاصل کمال بشری دانست (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۳۹).

۲.۳. ارتباط با هم‌نوع

یکی از سازه‌های تمدنی، ارتباط افراد یک جامعه با یکدیگر است. تمدن به معنی برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه است که تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را جایگزین آن سازد، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب به فعلیت رسیدن استعداد‌های سازنده آن‌ها باشد (جعفری، ۱۳۷۳: ۶/۲۳۳). انبیاء با افراد جامعه اعم از مؤمن، کافر و مشرک «اعراف/۵۹، ۶۵، ۷۳، ۸۵، ملک/۲۸» ارتباط برقرار می‌کردند. آیات قرآن حکایتگر این ارتباط است که پیامبران با بشارت و انداز اقوام آن‌ها را به سعادت دنیا و آخرت رهنمون می‌کردند «بقره/۲۱۳» و هر پیامبری از قوم خود برگزیده می‌شد و بر امت خود مبعوث می‌گردید (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۲/۳۱۲) بدین وسیله ایجاد ارتباط با هم‌نوعان به واسطه هم‌زبانی و آشنایی با فرهنگ افراد میسرتر می‌گردید، زیرا افراد هر جامعه پذیرش بیشتری به هم‌وطن خود دارند.

ارتباط با هم‌نوع امروزه منحصر به ارتباط فیزیکی نیست و یکی از راه‌های انتقال فرهنگ و وسایل ارتباطی است که در اختیار انسان‌ها قرار می‌گیرد. بر این فرهنگ کشورهایی که امکانات و وسایل ارتباطی را در اختیار دارند، بر فرهنگ‌های بومی تأثیرگذارند و یکی از ابزار جهانی سازی غرب استفاده از وسایل ارتباط جمعی است که فرهنگ‌های بومی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند و موجب تحقیر فرهنگ و هویت‌های فردی، قومی، ملی و مذهبی این ملل می‌گردند (ر.ک: خزایی، ۱۳۸۷).

گسترش وسایل ارتباط جمعی، فرصت آشنایی و شناخت ویژگی‌های فرهنگی جوامع

دیگر را می‌دهد و این امکان موجب شده تا فرهنگ‌ها، آداب و رسوم مختلف از مرزهای محدود ملی فراتر رفته و ارزش‌های مشترک جهانی در حال شکل‌گیری است (امیری، بی‌تا: ۱۷۳۰). هرچند وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها در اختیار همه کشورها قرار دارد، ولی به دلیل سیطره ابرقدرتها بر این رسانه‌ها، سانسور خبری و انتقال فرهنگ از سوی ابرقدرتها صورت گرفته و یکی از راه‌های انتقال فرهنگ سایر ملتها از راه بومی‌سازی این رسانه‌ها امکان‌پذیر است و این امری است که مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: ۱/۱/۱۴۰۰).

۳.۳. ارتباط با خود

نفس انسانی دارای امور فطری و ابعاد وجودی گوناگون است. یکی از ویژگی‌های انسان شناسی قرآن این است که مسأله «نفس یا خود» را به‌طور خاص مطرح کرده «مأئده/۱۰۵» و پیش از رابطه انسان با دیگران، ارتباط انسان را با خود تبیین کرده است. اگر این خود انسانی اصلاح شود، سایر امور نیز اصلاح شده و اگر این خود تخریب شود، سایر امور نیز به ویرانی کشیده خواهند شد (غضنفری و ضرغام: ۳۷/۱).

انسان موجودی خودآگاه بوده و به همین دلیل قدرت ایجاد ارتباط با خویشتن را داراست و بهتر از هرکس به خود و عملکردهای خود آشناست «قیامت / ۱۴ و ۱۵». این ارتباط به معنای پیوند و رابطه او با حقیقت خود در نظام هستی و توانایی‌های خویش می‌باشد (آل بویه، ۱۳۸۸: ۵۲/۵۹). ارتباط انسان با خود بر دو پایه خودشناسی و خودسازی استوار می‌گردد؛ یعنی انسان با خودشناسی می‌تواند استعدادهای خویش را شناخته و سپس بر اساس آن، خود را ساخته و به سوی کمال نهایی حرکت کند. انسان در وجود خود به صورت فطری از بینش‌ها و گرایش‌هایی برخوردار است و با استفاده از علم و آگاهی در کنار گرایش‌های فطری می‌تواند به کمال رهنمون شود. این علم در کنار گرایش‌های فطری منشأ ارتباط انسان با خویشتن می‌باشد (آل بویه، ۱۳۸۸: ۵۳/۵۹). پیامبران بر اساس تعالیم الهی، بینش‌های لازم را به انسان داده و موجب جهت‌دهی صحیح گرایش‌های انسان برای رسیدن

به تعالی و کمال مطلوب می‌شوند، آنان ابتدا ارتباط خود را با خدا تقویت کرده، آن‌گاه به ایجاد ارتباط بین خود و دیگران برای ارتباط انسان‌ها با خدا می‌پردازند.

در مقابل بینش الهی، بینش اومانیزم و مادیگرانه است که انسان را در جسم مادی منحصر کرده و از عظمت روحی او غافل شده است. در این بینش انسان هدفی جز لذات جسمانی نداشته و از استعداد های وجودی خود تنها در راه ارضای خود و سودجویی از دیگران بهره‌جسته و موجبات انحطاط شخصیت انسانی می‌شود (آل بویه، ۱۳۸۸: ۵۳/۵۹) و در پی آن موجب ضایع شدن حقوق دیگران می‌گردد. این امر موجب دور شدن انسان از حقیقت الهی خود شده و هرچند به ظاهر به مدنیت مادی دست یافته، اما در حقیقت از وجود حقیقی و فطری خود فاصله گرفته و از تمدن حقیقی یعنی حیات طیبه مادی و معنوی فاصله می‌گیرد.

پیامبران درصدد احیای فطرت انسانی بوده و انسان‌ها را به سوی حیات الهی سوق می‌دهند، بر همین اساس قرآن انسان‌ها را به سوی حیات طیبه دعوت می‌کند «انفال/۲۴»، حیاتی که بر مبنای اندیشه و ایمان به خدا در جهت منطقی و تعالی قرار گرفته است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۴۵/۹). به دست آوردن این کمال انسانی جز از راه ایمان و عمل صالح امکان‌پذیر نیست «نحل/۹۷» امری که انبیای الهی در پی آن بوده‌اند و با تحقق آن زمینه‌های تمدن اسلامی در حیطه فردی شکل می‌گیرد.

نمونه عملی ارتباط انسان با خود را می‌توان در مؤمن آل‌یس یافت که نه تنها خود با هدایت انبیای الهی به نهایت درجه ایمان رسید، بلکه دیگران را نیز دعوت به توحید کرده و در حمایت خود از انبیای الهی کوتاهی نکرد و در این راه شربت شهادت نوشید و در جوار قرب رحمت الهی قرار گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳۵۶/۱۸).

۴.۳. ارتباط با ماوراء

خداوند متعال عالم هستی را به صورت یک مجموعه منسجم و با برنامه‌ریزی کامل آفرید. تمام اجزای این مجموعه به صورت هماهنگ با یکدیگر عمل کرده و در یکدیگر

اثرگذار هستند. نظم و هماهنگی موجود در آفرینش موجودات و عالم هستی، دلیل بر وجود هدف و غرض برای آفرینش است و نشان از مدبری عالم، با اراده‌ای حکیمانه دارد (آل بویه، ۱۳۸۸: ۴۸/۵۹).

خداوند از طریق پیامبران با انسان‌ها ارتباط برقرار کرده و برنامه زندگی انسان‌ها را سامان می‌دهد. این ارتباط گاه به صورت مستقیم با خداوند بوده و گاه از طریق فرشته وحی انجام می‌پذیرد. خداوند ارتباط وحیانی را بر تمامی انبیاء مطرح کرده «نساء/۱۶۳» و از این طریق اموری را آموزش می‌دهد که انسان‌ها پیش از آن اطلاعی درباره آن نداشته‌اند «هود/۴۹». خداوند متعال منکران نزول وحی بر پیامبران را سرزنش کرده و پیامبر ﷺ به انسان‌ها تذکر می‌دهد که الله پروردگار شماست، چرا با اندکی تذکر در صدد فهم الوهیت، خلقت و تدبیر الهی بر نمی‌آیید؟ (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۱۰/۱۰)

ارتباط انسان با خداوند باعث رشد و تعالی آن‌ها شده و در مقابل انسانی که خدا را فراموش کند، اسمای حسنی و صفات علیای الهی را به فراموشی می‌سپارد که ارتباط مستقیم با صفات ذاتی انسان دارد و کسی که خدا را فراموش کرد، نیاز ذاتی خود را به خدا از یاد برده و خود را در هستی مستقل می‌پندارد و گمان می‌کند حیات، قدرت و علم را از خود دارد و سایر اسباب طبیعی عالم را مستقل پنداشته و گمان می‌کند که خود این اسباب تأثیرگذار یا تأثیرپذیر هستند (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۹/۲۱۹).

برخی تمدن را مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی دانسته‌اند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۰۷/۹) که رهاورد انبیای الهی است. مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را به معنای همراهی علم با اخلاق، مادیات با معنویات و قدرت سیاسی با عدالت دانسته که در مقابل آن تمدن غربی وجود دارد که نشانه‌های انحطاط آن، علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و قدرت بدون عدالت در دنیای امروز مشهود است (پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

خداوند به‌عنوان قانون‌گذار عالم هستی، مجموعه قوانین را تحت عنوان دین از طریق

انبیا در اختیار بشر قرار داده است. دین به عنوان عاملی رفتارساز، پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی بوده و به نیازهای تمدنی از قبیل ساختار و سیستم‌های اداره‌کننده جامعه پاسخی پایدار می‌دهد. انبیاء از طریق ارتباط با ماوراء این نیازها را پاسخ داده و انسان‌ها را به سمت کمال هدایت کرده و به سوی رشد جامعه و تمدن سوق می‌دهند.

۴. ارکان نظام تمدن و نقش پیامبران در ایجاد آن

واژه «رکن» به معنای اطراف یک چیز و بخش قوی آن است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۴۳۰) که بدان تکیه می‌شود (ابن درید، ۱۹۸۸: ۲/۷۹۹. راغب، ۱۳۷۴: ۳۶۵). بنابراین ارکان تمدن، بخش‌هایی از تمدن است که برپایه آن‌ها تمدن بنیان‌گذاری شده و بدون آن‌ها تمدن پایرجا نمی‌ماند.

مدنیت و تمدن در عالم هستی توسط انبیای الهی بر اساس دعوت و حیانی پایه‌گذاری شده است «بقره/۴۶. انبیاء/۹۳. مؤمنون/۶۰». خداوند متعال برای رساندن انسان‌ها به تعالی، پیامبران را واسطه فیض در عالم هستی در امور مادی و معنوی قرار داده است «اعراف/۵۹، ۶۵، ۷۳، ۸۵». پیامبران برای رساندن انسان‌ها به غایت هستی، واسطه ایجاد قابلیت در انسان‌ها بوده (لطیفی، ۱۳۸۶: ۲/۶۰۵۹) و بر اساس سازه‌های تمدنی، راه صعود برای سایر انسان‌ها را فراهم می‌کنند. بر اساس درجات انبیاء مختلف، تمدن‌های مختلفی بنیان‌گذاری شده تا بدانجا که پیامبران اولوالعزم پایه‌گذاران تمدن‌های بزرگ بوده و پیامبر اسلام ﷺ تمدن بزرگ نوین اسلامی را بنیان‌گذاری کرد.

ارکان زیادی برای تمدن در منابع مختلف نام برده شده است؛ از جمله: امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، معرفت و بسط هنر (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۲۸)، دین‌باوری و خدامداری (اداره کل معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۲: ۱/۲۱)، یکتاپرستی، عدالت، آزادی تعقل و اندیشه (بینش، ۱۳۸۸: ۲۶.۲۲)، فرهنگ، علم و اقتصاد (ترکی، ۱۳۹۸: <https://shahrekord.iqna.ir/fa/news>)، ...

مقام معظم رهبری شاخصه‌های تمدن اسلامی را بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت

های مادی و معنوی دانسته‌اند که خداوند برای سعادت و تعالی انسان در عالم طبیعت و وجود انسان قرار داده است. تمدن اسلامی را می‌توان در حکومت مردمی، قوانین قرآنی، اجتهاد، پرهیز از ارتجاع و التقاط، رفاه و ثروت عمومی، استقرار عدالت، رهایی از اقتصاد ویژه خواری و ربوبی، اخلاق انسانی، دفاع از مظلومان، تلاش و کار و ابتکار مشاهده کرد که از لوازم این تمدن‌سازی نگاه اجتهادی به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، تا روابط بین‌الملل و غیره است (<https://www.leader.ir>: ۱/۹/۱۳۹۲).

در این مقاله ارکان تمدن اسلامی بر شش پایه جهان‌بینی توحیدی، عقلانیت و خردورزی، معنویت و اخلاق محوری، قانون و عدالت محوری، سیاست و اقتصاد بنیان نهاده شده است تا کلیات تمامی ارکان نام برده توسط سایر اندیشمندان را در برگیرد.

۱.۴. عقاید دینی بر اساس جهان‌بینی توحیدی

عقاید تمدن‌های الهی مبتنی بر توحید بنیان‌گذاری شده است که نبوت و معاد نیز جزء ارکان اصلی آن محسوب می‌شود. محور دعوت انبیاء بر اساس پذیرش توحید «توبه/۳۱»، انبیاء/۲۵» و ایمان به خداوند متعال و کتاب‌های او و پیامبران او و عدالت «حدید/۲۵» و معاد «صافات/۴»، «۵، ۱۱» قرار دارد. توحید نخستین شعار همه پیامبران الهی بوده است که از جمله ایشان می‌توان حضرت نوح، عاد، ثمود، شعیب را نام برد که با عبارت «یا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ: ای قوم من، خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست» قوم خود را به یکتاپرستی دعوت می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ۲۱۹-۲۵۰).

در نهادهای حقوقی الهی منشأ قانون‌گذاری خداوند متعال است «انعام/۵۷»، حکومت و سیاست با او مشروعیت یافته و اقتصاد بر پایه قسط و عدالت شکل می‌گیرد «هود/۸۵»، انعام/۱۵۲». قرآن سنگ بنای تمدن‌های انسانی را خدا می‌داند چرا که اساس خلقت موجودات، مانند خلقت باران «بقره/۲۲»، باغ‌ها «انعام/۹۹»، انواع غذاها، گیاهان، درختان «عبس/۲۴ - ۳۲» علم و معرفت و توان انتقال آن به دیگر نسل‌ها «علق/ ۴ - ۵» منسوب به

خداوند متعال است.

اعتقاد به خداوند تمدن انسانی را از پوچ‌گرایی بازداشته و موجبات آرامش جامعه را فراهم می‌سازد. در چنین تمدنی در کنار عقل معاش، عقل معاد اهمیتی دو چندان می‌یابد، زیرا مبنای جهان‌بینی توحیدی، به این دنیای فانی ختم نشده، بلکه آغازی برای زندگی جاودانه اخروی است (شکرانی، ۱۳۹۶: <https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=93228>).

در جهان‌بینی الهی بهره‌گیری مادی از جهان تنها عامل تأمین خوشی انسان نیست، بلکه ارزش‌های معنوی تضمین‌کننده سعادت انسانی است و سعادت فرد از سعادت جامعه جدا نیست (مطهری، بی‌تا: ۵۱۷/۱۶). در جهان‌بینی مادی ترک لذت‌گرایی بی‌معنی است، حال آن‌که در جهان‌بینی الهی تقویت جسم و روح در کنار یکدیگر قرار گرفته و به تعالی روح انسانی می‌انجامد و انبیای الهی ضمن آموزش بهره‌مندی صحیح جسم از لذت‌های مادی، به پرورش روح انسان‌ها پرداخته و با پرورش جسم و روح در کنار هم موجبات تعالی انسان‌ها را فراهم می‌آورند.

۲.۴. عقلانیت و خردورزی

خداوند متعال انسان‌ها را به سوی خردورزی و تعقل دعوت کرده و پیامبران در دعوت توحیدی خود و راهنمایی انسان‌ها بر خردورزی و تعقل انسان‌ها پای فشرده‌اند «آل عمران/۶۵، انعام/۱۵۱، اعراف/۱۶۹، هود/۵۱ و...». از این رو خدا یهودیان و مسیحیان را سرزنش می‌کند که به جدل‌های بیهوده در مورد انبیاء پیشین پرداخته‌اند و از عقل خود در این راه بهره نمی‌برند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۶۰۴/۲).

انبیای الهی انسان را به سوی تفکری هدفمند فرا می‌خوانند، نه از نوع تفکراتی که در قرون وسطا وجود داشت یا تفکرات مادی از نوع پراگماتیسم امروز جهان، بلکه تفکری حاصل از افزایش نظام معرفتی که درهای دانش را به سوی انسان می‌گشاید (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۶۵). تمدنی شکوفا خواهد شد که بر اساس یک نظام فکری صحیح بنیان‌گذاری

شده باشد، عقلانیت و خردورزی بن‌مایه تمدن نوین اسلامی است (فرزانه، ۱۳۹۷: ۱۹۷). رهبر انقلاب بعثت پیامبر ﷺ را دعوت مردم به عرصه تربیت عقلانی، اخلاقی و قانونی دانسته و فرموده‌اند: «در درجه اول، تربیت عقلانی است. یعنی نیروی خرد انسانی را استخراج کردن، آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن، مشعل خرد انسانی را به دست انسان سپردن، تا راه را با این مشعل تشخیص بدهد و قادر بر طی کردن آن راه باشد» (بیانات در سالروز عید سعید مبعث، <https://www.leader.ir>، ۱۳۸۸/۴/۲۹).

عقلانیت و خردورزی در پرتو علم و دانش به شکوفایی رسیده و می‌تواند راه‌های خرد را به درستی طی کند، به همین دلیل آیات قرآن به علم آموزی در اسلام اهمیت بسیار داده و آن را بر هر زن و مرد مؤمنی واجب کرده است، زیرا موجب تقوا و یقین و معرفت نفس و معرفت پروردگار و... است (امام جعفر علیه السلام، ۱۴۰۰: ۱۳) و انبیاء برای استخراج گنجینه‌های عقل (امام علی علیه السلام، ۱۴۱۴: ۴۳)^۱ در جامعه دامن همت به کمر زده تا انسان‌ها و جامعه را از جهل رهانیده و آن‌ها را به سوی کمال انسانی رهنمون شوند.

مقام معظم رهبری از روایت «العلم سلطان: علم اقتدار است» (امام علی علیه السلام، ۱۴۰۴: ۳۱۳/۲۰) استفاده کرده و فرمودند: «هر کس این اقتدار را داشت، می‌تواند حرکت کند» (بیانات در دیدار نخبگان جوان <https://www.leader.ir>، ۱۳۸۹/۷/۱۴) و «هر کس این اقتدار را داشته باشد، می‌تواند به همه مقاصد خود دست پیدا کند» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، <https://www.leader.ir>، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). انبیای الهی نیز از طریق علم آموزی به امت خویش درصدد ارتقای امت به این حد بوده تا با افزایش علمی و عملی امت آن‌ها را به مقاصد دنیوی و اخروی الهی برسانند.

۳.۴. معنویت و اخلاق محوری

اخلاق الهی مبتنی بر باید‌ها و نبایدهایی است که از سوی خداوند متعال بر پایه

۱. «قال علی علیه السلام: «أَنْبِيَاءٌ... يُبَيِّرُوا لَكُمْ دَقَائِنَ الْعُقُولِ»، خطبه ۱.

اعتقادات توحیدی بنا نهاده شده است. یکی از اهداف قرآن شکل‌گیری اخلاق و رفتار الهی انسان‌ها بر روی زمین است. انبیاء برای اصلاح و تکمیل اخلاق انسانی در جامعه مبعوث شدند (طبرسی، ۱۳۷۰: ۸).^۱ جامعه‌ای می‌تواند به پویایی و رشد برسد که افراد جامعه اصول، ارزشها و اخلاق را شناخته و با اجرای قوانین همگام با ارزش‌ها و اصول، جامعه را به سوی تکامل و معنویت پیش ببرند.

پیامبری می‌تواند مردم را به معنویت سوق دهد، که خود گرفتار مادیات نباشد، (قرائتی، ۱۳۸۸، ۴/۴۸۰) خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ: حجر/۸۸؛ به داشته‌های دیگران چشم مدوز»، و خدا از همان کودکی پیامبر ﷺ را تحت تعلیم ملکی قرار داد تا به وی مکارم اخلاق را آموزش دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۰/۵۰۵). رسول خدا ﷺ فرمود: «أمرت أن آخذ العفو من أخلاق الناس: من مأمور شدم به این‌که اخلاق متوسط مردم را پیشه کنم (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۸/۳۸۵).

امام صادق ﷺ اخلاق نیکو را کنار نیکوکاری موجب آبادانی شهرها دانسته (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۱۰۰)^۲ که یکی از ارکان تمدن‌سازی در جوامع بشری است. اسلام که از ادیان تمدن‌ساز است، بر دو پایه اجرایی و ارزشی استوار است. نظام ارزشی اعم از ارزشهای فردی و اجتماعی در بردارنده همه جنبه‌های تربیتی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی جامعه است (بینش، ۱۳۸۸: ۲۰۲).

این امر بیان‌گر آن است که اخلاق رکن و اساس تمدن الهی را تشکیل می‌دهد، به همین دلیل مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم در یکی از سرفصل‌های دعوت جوانان، گرایش به معنویت و اخلاق را مدنظر قرار داده و فرموده: «معنویت به معنی برجسته‌کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت،

۱. «قال رسول الله ﷺ: إِنَّمَا يُعِثُّ لِأُمَّتِهِ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».

۲. امام صادق ﷺ: «الْبِرُّ وَحُسْنُ الْخُلُقِ يَعْزِمَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ».

تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است» (امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، خامنه‌ای؛ <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

برخی مسائل اخلاقی را تنها یک امر خصوصی یا منحصر در امور معنوی می‌دانند که در سرای دیگر اثرگذار است، درحالی‌که مسائل اخلاقی آثار مادی و معنوی در زندگی اجتماعی بشر دارد که جامعه انسانیت بدون آن‌ها مفهوم زندگی واقعی انسانی را از دست خواهد داد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۵/۱).

نمونه عملی تأثیرگذاری رهبران الهی بر جوامع از راه اخلاق و معنویت، رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی علیه السلام است. ایشان در زمانی که سقوط اخلاقی، اخلاق و معنویت را در عالم منزوی کرده بود، با رویکرد دینی و اخلاقی دل‌های جوانان را به سود دین و اخلاق دگرگون کرد و مجاهدت‌های جوانان با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد (ر. ک: امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). امام خمینی با الگوگیری از شیوه انبیای الهی اخلاق و معنویت را محور انقلاب اسلامی قرار داده و رهبر انقلاب نیز بر این سیره پافشاری کرده و آن را یکی از اساسی‌ترین محورهای حفظ تمدن اسلامی دانسته‌اند.

۴.۴. قانون و عدالت محوری

قانون یکی از ارکان تغییرناپذیر تمدن الهی است که در قرآن تحت عنوان «سنت» از آن یاد شده است «آل عمران/۱۳۷» و «سنت» آن روشی است که باید در جامعه سیر شود (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲۱/۴). قوانین الهی بر اساس شریعتی است که از سوی خداوند متعال بر انبیای الهی نازل شده و اوصیای آن‌ها در صدد اجرای آن‌ها در جامعه برآمده‌اند. حضرت آدم علیه السلام نخستین بشر روی زمین، به‌عنوان نبی برگزیده شد، ولی اولین پیامبری که دارای کتاب و قانون و شریعت در جامعه بشری شد، حضرت نوح علیه السلام است که نخستین پیامبر

اولوا العزم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲/۹۸)، زیرا در زمان ایشان جامعه بشری گسترده شده بود و برای ایجاد نظم در جامعه نیازمند قانونی فراگیر بود.

از دیدگاه اسلام تاریخ بر اساس ضوابط و قوانین سیر می‌کند که تحت تدبیر الهی استمرار دارد و سنت الهی غیر قابل تبدیل و دگرگونی است «فتح/۲۲». تحولات تاریخ، از صعود تا سقوط تمدن‌ها تابع ضوابط خاصی است که جامعه بشری در پرتو آگاهی از آن‌ها، زمینه سعادت‌مندی خود را فراهم می‌آورد. این ضوابط، واکنش در برابر عملکرد و کنش‌های جوامع هستند که بر اساس عملکرد فرد و جامعه محقق می‌شوند. بنابراین نیک‌بختی و بدبختی هر جامعه عکس‌العمل طبیعی کنش‌های اختیاری افراد و جامعه است (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۰/۱۶۶).

خداوند متعال به امت‌ها هشدار داده است که ملتی سرنوشت خود را تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که خود موجب دگرگونی سرنوشت خود شوند. «رعد/۱۱» قوم سبأ نمونه تمدن درخشانی است که افراد آن از نعمت بهره‌مند شده، اما پس از تغییر افکار و اعمال، موجب ارتجاع خود و جامعه شده و نعمت‌ها را از دست داده و گرفتار سختی و بلا شدند. «سبأ/۱۷-۲۰».

از محورهای اساسی قوانین الهی، عدالت محوری است که یکی از ارکان تمدن الهی به شمار می‌رود. عدالت محوری در لسان و عملکرد تمام انبیای الهی نمود داشته و «در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است» (امام خامنه‌ای؛ بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) و آیات و روایات، تأکید چشمگیری بر اصل عدالت دارند^۱ و خداوند متعال، هدف از ارسال پیامبران را اجرای عدالت بیان کرده است «حدید/۲۵». نمونه آن را می‌توان در عملکرد پیامبر ﷺ دید، ایشان با بی‌عدالتی‌های جاری در جامعه مبارزه کرده و بر اساس قوانین الهی در جوامع یهود و اسلام عمل کرده و حکم قصاص را در دو قبیله بنی قریظه و بنی نضیر به صورت مساوی به

۱. ظلم و ستم حدود ۲۹۰ بار در قرآن کریم تفسیر شده است.

اجرا درآورد، حال آن که پیش از این حکم قصاص تنها در مورد بنی قریظه به اجرا در می آمد، و بنی نضیر در این رابطه مصون بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴/۴۰۶). عدالت به بخش ویژه ای از ارکان تمدنی اختصاص ندارد و در تمامی ابعاد آن وجود دارد، ولی علت عمده حفظ سایر شاخصه های تمدنی می باشد. در تمدن الهی سعادت انسان ها به وسیله به کارگیری و اجرای عدالت تضمین شده و هدف از کارکرد عدالت و اجرای آن سعادت و هدایت انسان به سمت رشد توحیدی می باشد (ر.ک: کارگر، ۱۳۹۵، ۲۷/۱۷۰)، در مقابل کفرپیشگی به درگاه خداوند و مبارزه با انبیای الهی همواره موجب فروپاشی تمدن ها شده است.

۵.۴. سیاست

سیاست در لغت به معنای پاس داشتن ملک، نگاه داشتن حفاظت، نگاهداری، حراست، حکم راندن بر رعیت، رعیت داری کردن، حکومت، ریاست، داوری آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه مورد نظر) و در اصطلاح «اخلاق مردم باشد از راه ارشاد به راه راست و آن صفت انبیا است در باطن، و در ظاهر و راه و روش سلاطین و علماء است و قانون موضوعه برای رعایت آداب و مصالح و انتظام جوامع بشری است» (سجادی، ۱۳۷۳: ۲/۱۰۲۶).

سیاست الهی مبتنی بر آموزه هایی است که بر اساس فرامین الهی و عدالت محوری بنیان گذاری شده است. قرآن به عنوان جامع ترین و آخرین کتاب الهی، در مورد تشکیل حکومت و ضرورت آن «مائده/۴۰» و حتی اداره آن «حدید/۵۷، آل عمران/۱۵۳» نظرات بسیار دقیقی در آیات متعدد ذکر کرده است. سیاست پیامبران معطوف به هدایت جامعه است و آنان در صدد حاکم کردن اصول اخلاق انسانی در جامعه هستند که به آن اخلاق زمامداری یا اخلاق سیاسی می گویند که از مسائل کلیدی نظریه قدرت است (مفتح، ۱۳۸۷: ۲/۱۰۰).

پیامبرانی همچون حضرت سلیمان علیه السلام که حکومت تشکیل دادند، همراهی دین با

سیاست را در ادیان الهی به اثبات رساندند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۹۱/۸)، در زمان بنی اسرائیل نیز مردم برای نجات از دست طاغوت به پیامبر خود پناه برده و از او خواستند، امیری لایق برای آنان نصب کند که این امر بیان‌گر پیوستگی دین و سیاست در آیین‌های پیش از اسلام است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ۲/۲۴۷). در دین اسلام نیز پیامبر ﷺ در عرصه حکومت، سیاست را بر اساس قوانین الهی در جامعه اجرایی می‌کرد که یکی از آن‌ها اعلام برائت از مشرکین بود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۹/۱۹۶.۱۹۷).

پیامبران به‌عنوان بنیان‌گذاران سیاست اخلاقی باید چنان عادلانه عمل کنند، که اگر جای ایشان با مردم عوض شود، همان عمل را به‌عنوان مردم از جانب حاکم نسبت به خود و جامعه بپسندد. این سیاست اخلاقی مبتنی بر اخلاق سیاسی است (مفتح، ۱۳۸۷: ۲/۱۰۳.۱۰۴). بنابراین انبیاء کامل‌ترین شکل سیاست را در جوامع تمدنی بنیان‌گذاری کرده‌اند که ناظر به ظاهر و باطن، خواص و عوام است (احمدی طباطبائی، ۱۳۸۰: ۱۴/۳۲).

۴.۶. اقتصاد

اقتصاد دینی مبتنی بر اموری است که بر اساس قوانین الهی بنیان‌گذاری شده است. قرآن مالک اصلی دنیا را خداوند متعال می‌داند «آل عمران/۱۰۹» که به انسان حق مالکیت اعتباری و دنیوی را عطا کرده است، از این رو حقوق اقتصادی دیگران محترم بوده و کسی حق ندارد آن را ناعادلانه به کار بندد «بقره/۱۸۸، نساء/۲۹».

از آنجاکه سرمایه اصلی در عالم هستی از آن خداوند متعال است و آن را در اختیار بشر قرار داده است، انبیای الهی، نمایندگان اصلی خدا در این زمینه بوده و آنان نیز به امر خداوند متعال به شکلی عادلانه در جامعه مدیریت و توزیع کرده و با شیوه‌های مخالف با دستورات الهی به مبارزه برخاسته‌اند.

پیامبر ﷺ طبق حکم الهی بعد از شکست بنی‌نضیر درصدد تقسیم غنائم برآمد، درحالی‌که عده‌ای از مسلمانان خواستار تقسیم غنائم طبق زمان جاهلیت بودند. خداوند به آنان اخطار داد که نباید اموال در دست ثروتمندان بگردد؛ این یک اصل اقتصادی در اسلام

است که در عین احترام به مالکیت خصوصی، اموال را به گونه‌ای در جامعه به گردش در می‌آورد که ثروت در دست گروهی متمرکز نشده و در جامعه به صورت عادلانه به تقسیم شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۵۰۱/۲۳).

مقام معظم رهبری در مورد نقش حاکمیت دین توسط انبیا می‌فرمایند: «پیغمبران همه آمدند تا جامعه‌ای را بر اساس ارزشهای الهی به وجود آورند؛ یعنی در واقعیت زندگی مردم تأثیر بگذارند. بعضی توانستند و مبارزاتشان به نتیجه رسید؛ بعضی هم نتوانستند. این جنبه از زندگی پیغمبر که مظهر قدرت خدا در زمین و در میان بشر و مظهر حاکمیت و ولایت الهی در میان مردم است، استمرار پیدا می‌کند» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2751>، ۱۳۷۴/۲/۲۸).

۵. دستاوردهای انبیاء در تمدن‌سازی

ادیان الهی بر اساس نظام‌های ارزشی و اجرایی استوار هستند و انبیای الهی تمدن را بر اساس این پایه‌ها بنیان‌گذاری کرده و دستاوردهای زیادی داشته‌اند (ر.ک: وحیدی منش، ۱۳۸۶: ۱۲۳/۳۴۱۵). نظام ارزشی اعم از ارزشهای فردی و اجتماعی دربردارنده همه جنبه‌های تربیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است (بینش، ۱۳۸۸: ۲۰۲).

انبیا همراه با برآورده کردن نیازهای روحی بشر در قالب ادیان توحیدی، به نیازهای مادی و معیشتی مردم هم توجه می‌کردند. خداوند تأمین نیازهای ابزار رفاهی را به خود نسبت داده «اعراف/۲۵» و سایر نیازهای مادی انسان‌ها را در زمین فراهم کرده و امور مورد نیاز را مسخر و رام بشر کرده است «حج/۶۵» تا با استفاده از آن‌ها به کمال توحیدی برسد «لقمان/۲۲».

۱.۵. دستاوردهای حاکمیتی در عرصه فناوری‌های دنیایی

انبیای الهی با استفاده از امکانات دینی و دنیوی به تدریج تمدن‌ها را به وجود آوردند. حضرت آدم علیه السلام اولین پیامبر با آموزش الهی به کشاورزی و دامداری مشغول شد. حضرت ادريس علیه السلام اولین پیامبری بود که خط نوشت و خیاطی کرده و علم نجوم و حساب و هیأت را

آموزش داد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۰۲/۶). سایر پیامبران نیز با انجام کارهای مختلف به پیشرفت بشر در ایجاد تمدن یاری رساندند. حضرت نوح علیه السلام با نجاری، حضرت هود علیه السلام با تجارت، حضرت ابراهیم علیه السلام با چوپانی و کشاورزی، حضرت داود علیه السلام با زره‌سازی و آهنگری، حضرت سلیمان علیه السلام متخصص فن (حکومتداری) «سبأ/۱۲»، حضرت موسی علیه السلام کارگری و چوپانی، حضرت عیسی علیه السلام گردشگری، حضرت محمد صلی الله علیه و آله با انجام کارهای مختلف (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۷/۱۰۰. سیوطی، ۱۴۰۴: ۵۷/۱) به گسترش علم و فناوری و تمدن و تکنولوژی کمک کردند.

برخی از انبیای الهی همچون حضرت سلیمان علیه السلام، «بقره/۱۰۲، نمل/۱۸۱۶، ص/۳۸۳۴»، داود علیه السلام «ص/ ۱۷. ۲۰ و ۲۶، بقره/۲۵۱»، ذوالقرنین «کهف/ ۹۸۸۳»، یوسف علیه السلام «یوسف/ ۵۴، ۵۶، ۱۰۱-۱۰۰»، و حضرت محمد صلی الله علیه و آله «توبه/ ۸۶، نور/ ۵۴.۵۳ و ۵۶، احزاب/ ۱۳ و ۳۶، محمد/ ۳۳، تغابن/ ۱۲، ...» قادر به تشکیل حکومت شدند و گستره تمدن را از قوم و قبیله خود فراتر برده و به محدوده وسیعتر تحت سیطره خویش گسترش دادند.

هر یک از انبیای الهی بر اساس حرفه و شغل خود به پیشبرد اهداف دینی و دنیوی کمک کرده و تمدن را در سرزمین‌های خود به ارمغان آوردند. حضرت سلیمان علیه السلام با قدرت حاکمیتی که داشت از انس و جن برای ساختن بناهای عظیم بهره گرفت «سبأ/۱۳» ارگ بزرگ اورشلیم یکی از این آثار است که کتاب مقدس ساخت آن را در کوه صهیون گزارش کرده است و هم اکنون این اثر ارزشمند باقی است (Ishida, "Solomon", The Anchor Bible Dictionary ۲۶. آوریل/۲۰۲۱م). وی با استفاده از هنرهای تجسمی «سبأ/۱۳-۱۳» قصر آبنگینه‌ای ساخته بود که موجبات تعجب ملکه سبا را فراهم آورد «نمل/ ۴۴».

سد فولادین ذوالقرنین از دیگر آثار تمدنی است که از بزرگ مردان الهی باقی مانده است. این سد بین دریای خزر و دریای سیاه واقع شده و بقایای دیوار آهنی در این نواحی هست که احتمالاً همان سد کوروش یا ذوالقرنین باشد (باستانی پاریزی، <https://>

[http://fa.wikipedia.org/wiki/%D%A%B%AD%82%9D%84%9D%7A%AD%88%9D%0B%8A](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D%A%B%AD%82%9D%84%9D%7A%AD%88%9D%0B%8A/fa.wikipedia.org/wiki/%D%A%B%AD%82%9D%84%9D%7A%AD%88%9D%0B%8A)، چنان که بر اساس آیات قرآن در این سد آهن زیادی به کار رفته و بین دو کوه ساخته شده است «کَهف/۹۸۹۶».

حضرت نوح علیه السلام ضمن تلاش‌های پیگیر برای هدایت معنوی قوم خود تنها موفق به جذب تعداد محدودی از افراد قوم خود گردید. وی با استفاده از سازه‌های محیطی و ارتباط با ماوراء اقسام به ساختن کشتی عظیمی کرد که بدون امداد الهی ممکن نبود. «هود/۳۷، مؤمنون/۲۷» او با آموزش الهی توسط جبرئیل کشتی عظیمی را ساخت «قمر/۱۳» که طول آن ۸۰۰، عرض آن ۵۰۰ و ارتفاع آن ۸۰ ذراع بوده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۵۹۵/۲) و بنابر منابع یهودی ابعاد آن ۳۰۰، در ۵۰، در ۳۰ بوده است (حسینی‌زاده، ۱۳۹۲: ۶۰)؛ ولی بنابر وقایع تاریخی و حجم وسیع موجودات، حجم کشتی در منابع اسلامی به واقعیت نزدیکتر به نظر می‌رسد.

حضرت ابراهیم علیه السلام ساختمان کعبه را بازسازی کرد، «بقره/۱۲۷» و پایه‌های خانه کعبه را به کمک حضرت اسماعیل علیه السلام بنیان نهاد (حویزی، ۱۴۱۵: ۱/۱۲۵). از نشانه‌های آن، فرو رفتن جای پای حضرت ابراهیم علیه السلام بر روی سنگی است که مقام ابراهیم نامیده شده (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷/۲۵۶. ابن ابی حاتم، ۱۴۱۵: ۱/۲۲۶) و جایگاه نماز طواف برای حاجیان است.

حضرت عیسی علیه السلام رفتاری وحدت‌ساز در راستای ایجاد امت واحد داشت. وی با استفاده از معجزات الهی از جمله خلقت پرنده، زنده کردن مردگان، شفای بیماران «مائده/۱۱۰» به ایجاد جامعه تمدنی پرداخت. این مسیر نیز پس از ظهور امام زمان علیه السلام تداوم خواهد یافت و با یاری حضرت مهدی علیه السلام پشت وی نماز گذارده (حر عاملی، ۱۴۲۵: ۱۶۲/۲) و مدینه فاضله را تحقق خواهند بخشید.

۱. «و إنه لیخرج من صلب الحسین أمة أبرار أمناء معصومون قوامون بالقسط، و منا مهدي هذه الأمة الذي یصلي عیسی بن مریم خلفه».

حضرت موسی علیه السلام با علم و حکمت به اصلاح جامعه نابسامان زمان خود پرداخت «قصص/۱۴». وی سیاست و تربیت را در هم آمیخت، با منطق و رسانه بر رقیبان غلبه یافت، با گسترش حوزه موحدان تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد، با تثبیت پایه‌های حکومت به پیاده‌سازی فرهنگ نماز پرداخت، با دولتی مصلح و کارآمد به مدیریت فتنه‌ها و مدیریت بحران پرداخت (منتظر القائم و سلیمانی، ۱۳۸۲: ۱۳۴).

اثر بزرگ تمدنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله در آغاز حکومت ایشان، ایجاد شهرنشینی و تمرکز دولت اسلامی بود که با عنوان مدینه النبی با محوریت ساخت مسجدالنبی آغاز گردید (بحرانی، ۱۴۱۵: ۸۴۷/۲. سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۷۷/۳). حضرت محمد صلی الله علیه و آله در زمانی که اقتصاد، بهداشت، سیاست و... جایگاهی در جامعه آن زمان نداشت؛ برای مدیریت اقتصادی مردم را به بازرگانی، صنایع، کسب سود و اصلاح امور معیشت و حفظ اموال و ثروت دعوت می‌کرد (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۵۶/۳، ۱۶۶، ۱۶۷ و ۱۹۲) و پرداخت مالیات را برای پیشبرد جامعه از طریق خمس «انفال/۴۱»، زکات «نساء/۱۶۲»، جزیه «توبه/۲۹»، ... را ارائه کرد. وی از لحاظ بهداشتی، استحمام، مسواک، ... (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۷۴/۱-۳۷۶) و از لحاظ سیاسی تعامل با حکومت‌های ایران (مسعودی، بی‌تا: ۲۲۵) و روم و... را بنیانگذاری نمود. ایشان از لحاظ نظامی، لشکرهای عظیم مسلمانان را به وجود آورد و یکی از نوآوری‌های پیامبر کندن خندق در جنگ احزاب بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۳۳/۸) که کمک شایانی به پیروزی سپاه اسلام کرد.

۲.۵. دستاوردهای حاکمیتی خرد و کلان در عرصه اجرای قوانین الهی

مهم‌ترین هدف انبیا، هدایت انسان‌ها به سوی کمال نهایی از طریق کسب کمالات در دنیا بوده است، به همین دلیل آن‌ها از امکانات مادی برای سعادت اخروی انسان‌ها استفاده می‌کردند. در رأس اهداف انبیا، توحید و سپس تزکیه و تعلیم انسان‌ها، استقرار عدالت و ایجاد حیات طیبه به معنای رشد و شکوفایی عقل و علم، آرامش روحی، آسایش مادی و بالاتر از همه تکامل معنوی بشر است (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت

عید مبعث (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47510، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱). جنبه اقتدار الهی، حاکمیت دین و اراده پروردگار در میان بشر را از تداوم معارف انبیا، کلمه توحید و فضایل و ارزشهای دینی است (بیانات در دیدار جمعی از پاسداران خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۵: https://www.leader.ir/fa/speech/1228) در قلمرو حیات اجتماعی، هدف رسیدن به عدالت اجتماعی است و انبیای الهی به سمت عدالت به معنای کلی سیر کرده‌اند، ولی بشر امروزی در پی قسط به این معناست که عدل خرد شده و به شکل عدالت اجتماعی درآید. هدف انبیا در قلمرو زندگی اجتماعی مقدمه‌ای برای رسیدن به همان هدف در قلمرو فردی یعنی تحول درونی افراد است (خامنه‌ای بیانات در کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۱۱/۱: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3089). خدا به انسان‌ها دستور داده که به قسط عمل کنند «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» و این امر به عنوان یک قانون کلی برای همه انسان‌هاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۶۲/۴) و به پیامبر خویش نیز دستور اجرای قسط می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۴۳/۶)، پیامبر نه تنها در مجامع عمومی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴۳۹/۲۳) که در معاشرت با همسران نیز عدالت را رعایت می‌کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳۸۶/۱۷).

یکی از ابزار کاربردی پیشرفت مادی و معنوی «علم» است که انبیای الهی با کسب علم از درگاه الهی آن را در اختیار سایر انسان‌ها نهاده و به تناسب درک انسان‌ها به ترویج علوم در عصر خویش پرداخته‌اند. «انبیاء/۱۵۱» حضرت آدم علیه السلام علم را به صورت مستقیم و کامل از خدا آموخت «بقره/۳۱» و حضرت ادریس اولین شخصی است که با قلم نوشت (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۲۴/۲) و آغاز دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با خواندن «علق/۱» آغاز شد و خدا در قرآن به «قلم» قسم یاد کرد «قلم/۱». بنابراین عرصه علم و فرهنگ یکی از اساسی‌ترین مقوله‌های تمدن دینی انبیا محسوب می‌شود. انبیا برای زدودن جهل در جامعه مبعوث شده‌اند، جهلی که مقابل عقل است نه علم؛ زیرا گاهی علم در خدمت جاهلیت قرار می‌گیرد، مثل دنیای امروز که دانش بشری در خدمت جاهلیتی قرار گرفته که انبیا در صدد زدودن آن

بوده‌اند. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۵/۲/۱۶
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33011>)

رشد و تعالی جامعه در سایه امنیت فردی و اجتماعی کسب می‌شود و پیامبرانی که به حاکمیت در سطح کلان دست یافتند، در سطوح عالی با مبارزه با مستکبران برآمده و سایر انبیا نیز در حد توان خود این مهم را پیگیری کرده‌اند، زیرا حاکمان غیر الهی به دلیل دنیا طلبی همواره موجب فساد و از بین رفتن امنیت افراد بوده‌اند «نحل/۳۴». انبیا بر اساس قوانین الهی در صدد ایجاد نظام سیاسی بوده‌اند، زیرا از طریق استقرار آیین حکمرانی، امکان مدیریت و راهبری این مسئولیت سنگین فراهم می‌آید (امام خامنه‌ای ۱۳۹۹/۱۱/۲۱؛ بیانات در سخنرانی به مناسبت عید مبعث، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47510>)

پیامبران در کنار دعوت توحیدی وظیفه داشتند تا مردم را از طاغوت‌ها نجات دهند «نحل/۳۶» و با طاغوت مبارزه کنند «نساء/۷۶». وجود و هویت پیامبران در امتداد تاریخ جریان دارد و این جریان در تعلیم و دین و راه آن‌ها ادامه پیدا می‌کند و به این ترتیب دین و معارف انبیا هم‌اکنون در دنیای امروز مشاهده می‌شود، و معارف والای بشری زاینده تفکرات پیامبران است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۱۰؛ بیانات در اعضای برگزارکننده ستاد رحلت امام، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3294>)

خداوند متعال عبرت‌آموزی از حکومت‌های گذشته را به انسان گوشزد کرده «آل عمران/۱۳۷» تا امت‌ها با مرور تاریخ گذشتگان دوباره مرتکب خطای آنان نشوند «یوسف/۱۳۹».

نتیجه‌گیری

تمدن در جوامعی شکل می‌گیرد که از حالت ابتدایی خارج شده و دارای ابعاد مختلف اجتماعی شده باشند. انسان‌ها در این جوامع برای پیشرفت نیازمند ارتباط با خود، محیط و هم‌نوعان بوده و از این طریق سازه‌های تمدنی شکل می‌گیرد. در جوامع الهی، نقطه اتصال

این سازه‌ها از طریق انبیا به منبع قانون‌گذاری یعنی خداوند متعال امکان‌پذیر می‌گردد. بعثت پیامبران در هر جامعه بر ارکان تمدنی آن جامعه استوار می‌گردد که محوریت آن جهان‌بینی توحیدی است که باید در آن جامعه تسری یافته و بر آن اساس سایر ارکان تمدنی شکل گیرد. اجرای قوانین الهی با پذیرش مردم در جامعه متمدن امکان‌پذیر می‌گردد که این ارکان مبتنی بر عقلانیت بوده و ارتباط مردم با ماوراء از طریق ایجاد معنویت شکل می‌گیرد. اجرایی کردن تمدن الهی در جامعه بر پایه قوانینی است که بر اساس عدالت‌محوری شکل گرفته و اقتصاد و سیاست نیز همگام با آن برنامه‌ریزی شده باشند.

انبیای الهی در طول تاریخ متناسب با اقوام مختلف درصدد اجرای این تمدن الهی بوده‌اند که هر یک از عملکردهای پیامبران، بخشی از مسیر امروزی تمدن الهی را بر انسان‌های معاصر هموار می‌سازد. هرچند تمامی پیامبران موفق به ایجاد حکومت نشدند، اما انبیای الهی که به امور حکومتی دست‌یافتند، هر یک دستاوردهای مختلفی برای آیندگان به ارمغان آوردند.

پیامبران در جهت توسعه دنیای مردم به فناوری‌های مختلفی دست یافتند که تنها برخی از آن‌ها در اختیار آیندگان قرار گرفت و در بسیاری موارد فقط اخبار آن‌ها به این نسل رسیده و قابل تجزیه و تحلیل توسط انسان معاصر است. اجرایی کردن قوانین الهی یکی از مهم‌ترین وظایف انبیا بوده که موجب سامان بخشیدن به دین و دنیای مردم بوده است؛ مجموع این دستاوردهای حاکمیتی، برنامه‌ای منسجم از تمدن‌سازی در حال حاضر در اختیار بشر قرار داده است.

استفاده از مجموع این دستاوردها را می‌توان در انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام یافت که سعی در استفاده بهینه از مجموع دستاوردهای دینی و دنیوی انبیاء و ائمه اطهار را فرا روی خود قرار داد. مقام معظم رهبری علیه السلام به‌عنوان ادامه‌دهنده راه امام خمینی علیه السلام از آموزه‌های الهی استفاده کرده و در این مسیر نه تنها پس از حضرت امام علیه السلام، به این آموزه‌ها در ایران اسلامی عمل کرد، بلکه نقشه راه را فراتر از این قرار داده و با ارسال

پیامی تمامی، جوانان غرب را به این راه دعوت نمود. ایشان پس از چهل سالگی انقلاب، گام دوم انقلاب اسلامی را جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی قرار داد تا جوانان با استفاده از این کلان‌پروژه، قدم در راه وسیع‌تری نهاده و جامعه‌ای درخشان از معنویت و پرهرو از لحاظ دینی و دنیوی را در پرتو انوار الهی بسازند و در این راه گام‌های بلندی در این انقلاب برداشته و عصر جدیدی را در این عالم آغاز کرده و سبک زندگی اسلامی را در دنیا فراگیر کنند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. نهج البلاغه، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، دارالهجره، قم.
۳. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹ق، محقق: طیب، اسعد محمد، عربستان. ریاض، چاپ سوم، مکتبه نزار مصطفی الباز.
۴. ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، محقق: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، چاپ اول، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی؛ ۱۳۸۵ش، علل الشرایع، قم، چاپ اول، کتاب فروشی داورى.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی؛ ۱۳۶۲ش، الخصال، محقق: مصحح: علی اکبر غفاری، قم، چاپ اول، جامعه مدرسین.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی؛ ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، محقق: مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، ج ۳، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی.
۸. ابن خلدون، عبد الرحمن بن خلدون (م ۸۰۸)، ۱۳۷۵ش، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، چاپ هشتم، انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. ابن درید، محمد بن حسن، ۱۹۸۸م، جمهرة اللغة، بیروت، چاپ اول، دارالعلم للملایین.
۱۰. ابن سعد، محمد بن سعد الهاشمی البصری (م ۲۳۰)، ۱۹۹۰/۱۴۱۰، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، چاپ اول، دارالکتب العلمیة.
۱۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴ق، محقق: مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم، چاپ اول، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، چاپ سوم، دارصادر.
۱۳. احمدی طباطبائی، سید محمد رضا؛ تابستان ۱۳۸۰، «پیوند اخلاق و سیاست در اندیشه غزالی»، مجله: علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۱۴.
۱۴. اداره کل معاونت سیاسی سازمان صدا و سیما، تابستان ۱۳۸۲، «ارکان تمدن و نقش انقلاب اسلامی در اعتلای مجدد تمدن اسلامی»، فصلنامه مدیریت فردا، سال اول، شماره ۱.
۱۵. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، ۱۴۲۱ق، بیروت، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی.

۱۶. اسلامی فرد، زهرا، ۱۳۸۹، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، چاپ دوم، دفتر نشر معارف.
۱۷. امام جعفر صادق علیه السلام، امام ششم علیه السلام، مصباح الشریعة؛ بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۱۸. امیری، مهدی، بی تا، «ابعاد و پیامدهای جهانی شدن»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۷۳۰.
۱۹. آل بویه، طاهره، ۱۳۸۸، «ارتباط انسان با خدا»، نامه جامعه، شماره ۵۹.
۲۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، چاپ اول.
۲۱. بستانی، فواد افرام، ۱۳۷۵ ش، فرهنگ ابجدی، ۱ جلد، تهران، چاپ دوم، اسلامی.
۲۲. بهشتی، محمد، ۱۳۶۹ ش، فرهنگ صبا، چاپ دوم، بی جا.
۲۳. بینش، عبدالحسین؛ ۱۳۸۸، آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی، قم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، چاپ اول، انتشارات زمزم هدایت.
۲۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <https://www.leader.ir/fa>.
۲۵. ترکی، محمد علی؛ ۱۳۹۸، «فرهنگ، علم و اقتصاد؛ ارکان تمدن نوین اسلامی»، خبرگزاری بین المللی قرآن، iqna.ir.
۲۶. جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۷، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز برنامه ریزی و تدوین متون درسی، نشر: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، چاپ دوم، دفتر نشر معارف.
۲۷. جعفری، علامه محمدتقی، ۱۳۷۳، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، جلد ۶، تهران، بی جا، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۲۵ ق، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت، چاپ اول، اعلمی.
۲۹. حسینی زاده، سید عبد المجید، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، «کشتی نوح در قرآن، تورات و روایات اسلامی و یهودی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره سوم.
۳۰. حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، مصحح: هاشم رسولی، قم، چاپ چهارم، اسماعیلیان.
۳۱. حمیم، سلیمان، ۱۳۶۹، دیگشنری انگلیسی-فارسی، بی جا، فرهنگ معاصر.

۳۲. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، «بیانیه گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>.

۳۳. خامنه‌ای، سید علی، <https://www.leader.ir>.

۳۴. خزایی، حسین؛ ۱۳۸۷، «هویت و فرهنگ در عرصه فرهنگی ایران»، شماره ۷۰، زمانه.

۳۵. خمینی، روح‌الله، بی‌تا، صحیفه امام، تهران، جلد ۴، بی‌چا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.

۳۶. دهخدا، ۱۳۷۷ش، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپ اول، دانشگاه تهران.

۳۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ۴ جلد، تهران، چاپ دوم، مرتضوی.

۳۸. رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷ش، قم، چاپ اول، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.

۳۹. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۳۸۶ش، مقدمه الادب، تهران، چاپ اول، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.

۴۰. سجادی، جعفر؛ ۱۳۷۳ش، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، چاپ سوم، کومش.

۴۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر؛ ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، چاپ اول، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله علیه.

۴۲. شکرانی، یاسین؛ ۱۳۹۶، تمدن، حمید رضا؛ «واکاوی نقش تعلیم و تربیت مبتنی بر قرآن کریم در تمدن‌سازی اسلامی»، همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان‌شهر معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد، دوره ۱، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، www.Sid.ir.

۴۳. صاحب، اسماعیل بن عباد؛ ۱۴۱۴ق، المحيط فی اللغة، محقق / مصحح: آل یاسین، محمدحسن، بیروت، چاپ اول، عالم الکتب.

۴۴. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ۹، ۱۹، لبنان - بیروت، چاپ دوم، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

۴۵. طبرسی، حسن بن فضل؛ ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ش، مکارم الاخلاق، قم، چاپ چهارم، الشریف الرضی.

۴۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل‌الله یزدی، طباطبائی، هاشم رسولی، تهران، چاپ سوم، ناصر خسرو.

۴۷. عسکری، مرتضی؛ ۱۳۸۶، عقاید در اسلام، مترجم: کرمی، محمدجواد؛ تهران، چاپ اول، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۴۸. عیسی زاده، عیسی؛ زمستان ۱۳۹۶، «عوامل انقراض تمدن‌ها از منظر قرآن»، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال دوم، شماره ۶.
۴۹. غضنفری، دکتر علی؛ ضرغام، محمد؛ بهار و تابستان ۱۳۹۷، «ارتباط انسان با خویش در سبک زندگی ایمانی در فرهنگ قرآنی»، پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت، شماره ۱.
۵۰. فرزانه، محمد باقر؛ خیاط، علی؛ صفریور، هادی؛ پاییز و زمستان ۱۳۹۷، «تبیین ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و چهارم، شماره سوم، (پیاپی ۱۱۸).
۵۱. فریدون رضائی، مرتضی اکبری، بهار و تابستان ۱۳۹۴، «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)»، دو فصلنامه علمی مطالعات الگوری پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۵.
۵۲. فعالیت‌های اقتصادی پیامبران، ۱۶ بهمن ۱۳۹۴، خبرگزاری بین المللی قرآن، <https://iqna.ir>، کد خبر: ۳۴۷۲۷۴۵.
۵۳. فوزی، یحیی؛ صنم‌زاده، محمود رضا؛ زمستان ۱۳۹۱، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (علیه السلام)»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ۹.
۵۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ۱۳۸۸ ش، تهران، چاپ اول، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۵۵. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱ ش، قاموس قرآن، ۷ جلد، تهران، چاپ ششم، دارالکتب الاسلامیه.
۵۶. کارگر، محمود؛ پاییز ۱۳۹۵، «جایگاه عدالت در تمدن‌سازی از منظر فارابی، امام و مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش، ویژه علوم سیاسی، ش ۲۷.
۵۷. کلینی، محمد بن یعقوب؛ ۱۴۰۷، الکافی، محقق: مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، چاپ چهارم، دارالکتب الإسلامیه.
۵۸. گوستاولویون، تمدن اسلام و عرب، ۱۳۳۴، ترجمه سید محمد تقی فخر، تهران، چاپ چهارم، انتشارات علمی.
۵۹. لطیفی، رحیم، تابستان ۱۳۸۶، «اثبات امامت و واسطه فیض»، فصلنامه مشرق موعود، سال اول، شماره دوم.

۶۰. لوکاس، هنری، ۱۳۸۴، تاریخ تمدن، جلد ۱، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، چاپ ششم، سخن.
۶۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی.
۶۲. محمدی، سید محمد حسین؛ ۱۳۸۷، «اصول و ضوابط حاکم بر سیر تمدن‌ها»، تاریخ درآیین پژوهش، شماره ۲۰.
۶۳. مسعودی، علی بن حسین (م ۳۴۵)، بی تا، التنبیه و الاشراف، تصحیح عبد الله اسماعیل الصاوی، القاهرة، دار الصاوی، (افست قم: مؤسسه نشر المنابع الثقافة الاسلامیة).
۶۴. مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، دار الکتب العلمیة - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۶۵. مطهری، مرتضی؛ بی تا، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، بی جا، انتشارات صدرا.
۶۶. معین، محمد، ۱۳۸۸، فرهنگ معین، ۶ جلدی، بی جا، امیرکبیر.
۶۷. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، ۱۴۲۴ق، قم، چاپ اول، دار الکتب الاسلامی.
۶۸. مفتاح، محمد هادی؛ تابستان ۱۳۸۷، «اخلاق سیاسی در رفتار پیامبر ﷺ»، فصلنامه علوم حدیث، سال سیزدهم، شماره ۲.
۶۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ ۱۳۸۷، اخلاق در قرآن، ۳ جلدی، جلد ۱، قم، بی جا، انتشارات امام علی بن ابیطالب ؑ.
۷۰. منتظر القائم، اصغر؛ سلیمانی، زهرا؛ زمستان ۱۳۸۹، «تمدن سازی انبیای ابراهیمی؛ فتنه ها و راهکارها (مطالعه موردی؛ حضرت موسی ؑ)»، تاریخ درآینه پژوهش، سال هفتم.
۷۱. مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف. ۱۳۹۹/۱۰/۲۸. <http://isin.ir>.
۷۲. وحیدی منش، حمزه علی، ۱۳۸۶، «عناصر تمدن ساز دین اسلام، حوزه های تخصصی علوم اسلامی منطق، فلسفه و کلام اسلامی کلام دین پژوهی فلسفه دین، معرفت شماره ۱۲۳.
۷۳. ویکی پدیا، «ذوالقرنین»، ۱ فوریه ۲۰۱۸، به نقل از کتاب ذوالقرنین و کوروش کبیر نوشته مولانا ابوالکلام آزاد، ترجمه باستانی پاریزی، <https://fa.wikipedia.org>
۷۴. ویکی پدیا، ۲۶ آوریل ۲۰۲۱م، «سلیمان»، Ishida, "Solomon", The Anchor Bible Dictionary.

بخش دوم

جامعه و تمدن نوین اسلامی

جایگاه جمعیت در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

حسن نجفی (نویسنده مسئول)^۱

سیده زهرا عابدیان^۲

چکیده

جمعیت و فرزندآوری، ارزش بالایی در استحکام و توسعه یک تمدن دارد. برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی، تربیت نسلی است شجاع، دانشمند، متدین، مبتکر، پیش‌گام، خودباور، غیور. تحقق عینی چنین تمدنی با پرورش نسلی جوان میسر خواهد بود. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان نقطه عطفی در جمهوری اسلامی ایران در راستای ایجاد تمدنی نوین، نیروی انسانی مستعد و کارآمد را مهم‌ترین ظرفیت امید بخش کشور در تحقق تمدن نوین اسلامی دانسته است. با عنایت بر آسیب‌های وارده بر اثر کاهش جمعیت بر امت اسلامی، توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری به‌عنوان ولی فقیه و مجتهد جامع الشرایط، می‌تواند مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی را هموار نموده و شاهد پیشرفت قابل توجهی در این امر بود.

۱. دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران. hnajafih@yahoo.com

۲. سطح ۲ مدرسه عالی حضرت آمنه سلام الله علیها، s.z.abedian@gmail.com

این تحقیق به روش تحلیلی و توصیفی و گردآوری کتابخانه‌ای با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، به بررسی جایگاه جمعیت در تحقق تمدن نوین اسلامی می‌پردازد برخی نتایج به دست آمده عبارت است از: نیروی انسانی مستعد، نقشی کلیدی در تشکیل امت اسلامی؛ قدرت بخشی اقتصادی، دفاعی - امنیتی و سیاسی کشور ایفا کرده و شرایط لازم جهت تشکیل امتی نیرومند را فراهم می‌آورد.

کلید واژه‌ها: فرزندان آوری، جمعیت، تمدن نوین اسلامی، بیانیه گام دوم انقلاب

مقدمه

قدرت و رشد هر جامعه در ابعاد مختلف آن؛ نظامی، اقتصادی، سیاسی و... منوط و وابسته به میزان و تعداد افراد آن جامعه است. موضوع جمعیت و فرزندان آوری پدیده مهمی در جامعه بوده و ارزش بالایی در استحکام و توسعه یک کشور دارد. در سال‌های اخیر، رهبر معظم انقلاب، به صورت ویژه بر این امر خطیر توجه داشته و بیانات فراوانی در نقد کاهش جمعیت و ضرورت توجه بیش از پیش بر این مسئله داشته‌اند.

اهمیت این موضوع تا بدانجاست که در آیات و روایات بسیاری به این موضوع اشاره شده و مورد مدح قرار گرفته است. سیره اهل بیت علیهم‌السلام و علمای دین نیز به صورت نظری و عملی بر این منوال بوده و متخصصان رشته‌های مرتبط به این مسئله، بر مسئله ازدیاد نسل و فرزندان آوری، تأکید داشته‌اند.

فرزندان آوری، علاوه بر آن که آثار و برکات قابل توجهی در بعد روحی - جسمی خانواده دارد، مهم‌ترین رکن برنامه‌ریزی آینده جامعه و عامل پیشرفت، افزایش ثروت، نیرومندی و اقتدار حکومت می‌گردد.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان نقطه عطفی در جمهوری اسلامی ایران در راستای ایجاد تمدنی نوین، در اسلام گام برداشته است. این بیانیه با تبیین متفاوت، در عین نوآوری و خلاقیت، با بهره‌مندی از رویکردی تاریخی و مستند، و با روایتی زیبا و خوش ساخت از اصل انقلاب اسلامی، چالش‌ها، بحران‌ها، عبرت‌ها، دستاوردها و ظرفیت‌ها، با

روند پژوهی سیر به سوی تمدن نوین اسلامی و تکیه بر شناخت مزیت‌های کلیدی و الزامات جهش در چله دوم انقلاب، ضمن تجویز راهبردهای اساسی، با تصریح به الزامات درونی و حفظ ساحت بیرونی، نوید بخش تحولات عمیق و گسترده‌ای است. بیانیه گام دوم، اهمیت بحث در خصوص فرزندآوری و ازدیاد نسل را بیش از پیش افزایش داده است. از جمله اهدافی که در مسیر ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد و مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اشاره فرموده‌اند، عبارتند از: علم و پژوهش، عدالت، عزت ملی، استقلال و آزادی، اقتصاد و.... در تمام موارد مورد اشاره، جهت دستیابی به نتیجه مطلوب، نیازمند حضور جمعیتی پر قدرت و انرژی می‌باشیم.

موضوع فرزندآوری و جایگاه آن، با آغاز تشکیل حکومت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در گذر زمان تحقیقات و پژوهش‌هایی در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است. از جمله مقالات و کتبی که در این راستا به نگارش درآمده‌اند، عبارتند از:

- جمعیت و توسعه: ابعاد و چالش‌ها، صادقی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های آسیا و اقیانوسیه.

- کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، حسینی طهرانی، علامه طباطبائی

- نقش و جایگاه جمعیت ایران در تمدن نوین اسلامی، ترابی، کنفرانس ملی مولفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب.

- واکاوی جایگاه جمعیت در اسلام و نگاهی به جایگاه آن در نظام اسلامی، فولادی، معرفت فرهنگی اجتماعی.

در کتب و مقالات نام برده شده، به بحث جمعیت، اهمیت افزایش آن و تبعات کاهش آن در پیشرفت و ترقی جامعه اسلامی اشاره شده است. مقاله حاضر، به صورت منسجم‌تر به بحث جایگاه افزایش جمعیت و فرزندآوری در جهت دستیابی بر غایات و اهداف گام دوم انقلاب که غایت اصلی آن ایجاد تمدن اسلامی است، پرداخته خواهد شد که در متون اشاره

شده، بر این منظر کمتر توجه شده است.

با توجه به افزایش روحیه راحت طلبی و مسئولیت ناپذیری در تربیت فرزند؛ تهاجم فرهنگی و تغییر سبک زندگی (تجمل گرایی)؛ رواج تفکرات فمینیستی؛ مشکلات اقتصادی و توطئه و مکر دشمنان، صدمات جبران ناپذیری در تفکر و اعتقاد بر ازدیاد نسل در میان اعضای خانواده ایجاد شده است. تحلیل و بررسی فواید فرزندآوری و تأثیر آن بر قدرت سیاسی، اقتصادی، دفاعی و... به عنوان مؤلفه‌های اساسی بر تشکیل تمدن نوین اسلامی، می‌تواند قدمی باشد در تغییر نگرش‌ها و توجه به ازدیاد نسل در اذهان عمومی.

در پاسخ به این که جایگاه جمعیت در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر گام دوم انقلاب چیست، مقاله حاضر ابتدا با اشاره بر نقش جمعیت و فرزندآوری در اسلام، جایگاه تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم و نقش جمعیت در تحقق تمدن نوین اسلامی، به شیوه توصیفی - تحلیلی می‌پردازد.

۱. نقش جمعیت و فرزندآوری در اسلام

جمعیت به عنوان اساس و پایه تشکیل سرزمین، از جمله موضوعاتی است که در عصر حاضر توجه زیادی را به خود معطوف کرده است. بررسی بحث جمعیت و فرزندآوری در دین اسلام به عنوان شریعتی که دارای تعالیم کامل و جامع می‌باشد، حائز اهمیت است. توجه به آیات و روایات و نظر علمای دینی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوع جمعیت و فرزندآوری پرداخته‌اند، نمایانگر اهمیت و تأکید بر بنیان خانواده و جمعیت مطلوب در دین اسلام است.

۱.۱. جمعیت و فرزندآوری در آیات

قرآن کریم به صورت صریح و مستقیم امر به فرزندآوری نکرده است، اما تأمل در بسیاری از آیات و توجه به تفاسیر و مفاهیم آن‌ها این یقین را ایجاد می‌کند که ازدیاد نسل امری مطلوب و پسندیده است. از جمله مواردی که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد، عبارتند از:

۱.۱- ۱. فطری بودن تمایل به فرزندآوری

در اثبات فطری بودن تمایل به فرزندآوری، همین بس که انسان‌هایی که از موهبت داشتن فرزند محروم هستند، تمام تلاش خود را برای داشتن راه جایگزین از جمله داشتن فرزند خوانده می‌کنند. از جمله مصادیق این مورد آیه ۲۱ سوره یوسف است که عزیز مصر پس از خرید حضرت یوسف علیه السلام، به همسر خود می‌گوید: «أَكْرِمِي مُثُوهُ عَسَىٰ أَن يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا؛ تا در اینجاست گرامیش بدار، شاید به ما سودی برساند، یا او را به فرزندی بپذیریم». از این جمله چنین استفاده می‌شود که عزیز مصر فرزندی نداشت و در اشتیاق فرزند به سر می‌برد، هنگامی که چشمش به این کودک زیبا و برومند افتاد، دل به او بست که به جای فرزند برای او باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۵۸/۹).

۱.۱- ۲. موهبت الهی بودن ازدواج و فرزند

ازدواج، امری مقدس، مبارک و واجب است. خداوند متعال در آیه ۷۲ سوره نحل می‌فرماید: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَيْنًا وَحَفْدَةً؛ خدا برای شما از میان خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان فرزندان و فرزند زادگان پدید آورد». از جمله نعمت‌های پروردگار آنست که توالد و تناسل سلسله بشر را این چنین مقرر فرموده، در آغاز حوا را آفرید و در اثر ازدواج با آدم ابوالبشر علیه السلام فرزندان پسر و دختر از آن دو بوجود آمد و در هر مرتبه از توالد فرزندان پسر و دختری می‌آفریند و با یکدیگر ازدواج نموده انس گیرند و ایتلاف یابند و بدین اساس نسل بشر در جهان باقی بماند، فرزندان پسر نواده و فرزندان دختر حفیده و نواده دختری نامیده می‌شوند، این بزرگترین نعمتی است که آفریدگار ارزانی فرموده و چنانچه بشر از آن اعراض نمایند و رابطه سببی و ازدواج را نادیده بگیرند، نسل بشر قطع می‌شود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۴۹۱/۹).

۱.۱- ۳. فرزند به عنوان یار و مددکار

در قرآن کریم فرزند به عنوان امداد، یار و مددکار انسان معرفی شده است. در آیه ۱۲ سوره

نوح آمده است: «وَيُؤْتِكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنِينَ؛ و شما را به اموال و فرزندان مدد کند». کلمه "امداد" به معنای رساندن مدد به دنبال مدد دیگر است و مدد به معنای هر چیزی است که آدمی را در رسیدن به حاجتش کمک کند، اموال و فرزندان نزدیک‌ترین کمک‌های ابتدایی برای رسیدن جامعه انسانی به هدف‌های خویش است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۲۰/۴۵).

۱.۱-۴. حرمت سقط جنین

آیه ۱۲ سوره ممتحنه و آیه ۱۵۱ سوره انعام از جمله آیاتی هستند که قتل فرزند ولو به روش سقط جنین را نهی کرده‌اند. مرحوم طبرسی در تفسیر آیه «وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ» می‌فرماید؛ و فرزندانشان را نکشند بروحی از وجوه نه زنده بگور کنند و نه سقط جنین نمایند (مترجمان، ۱۳۶۰: ۹/۴۶۴).

در آیه ۱۵۱ سوره انعام از کشتن کودکان به دلیل گرسنگی نهی می‌کند. «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِّنْ إِمْلَاقٍ؛ آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه بر حرمت قتل حتی در دوران جنینی اشاره می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «از این آیات برمی‌آید که عرب‌های دوران جاهلی نه تنها دختران خویش را به خاطر تعصب‌های غلط زنده به گور می‌کردند بلکه پسران را که سرمایه بزرگی در جامعه آن روز محسوب می‌شد، نیز از ترس فقر و تنگدستی به قتل می‌رسانیدند خداوند در این آیه آن‌ها را به خوان گسترده نعمت پروردگار که ضعیف‌ترین موجودات نیز از آن روزی می‌برند توجه داده و از این کار باز می‌دارد. با نهایت تأسف این عمل جاهلی در عصر و زمان ما در شکل دیگری تکرار می‌شود، و به عنوان کمبود احتمالی مواد غذایی روی زمین، کودکان بی‌گناه در عالم جنینی از طریق "کورتاژ" به قتل می‌رسند. گرچه امروز برای سقط جنین دلائل بی‌اساس دیگری نیز ذکر می‌کنند، ولی مسئله فقر و کمبود مواد غذایی یکی از دلائل عمده آن است. اینها و مسائل دیگری شبیه به آن، نشان می‌دهد که عصر جاهلیت در زمان ما به شکل دیگری تکرار می‌شود و "جاهلیت قرن بیستم" حتی در جهانی وحشتناک‌تر و گسترده‌تر از جاهلیت قبل از اسلام است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۴/۶).

۲.۱. جمعیت و فرزندآوری در روایات

در روایاتی که از لسان مبارک اهل بیت علیهم السلام جاری شده است، می‌توان بر اهمیت موضوع ازدیاد نسل و فرزندآوری دست یافت. برخی از روایات که در این موضوع نقل شده‌اند، عبارتند از:

- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكْثِرُوا الْوُلْدَ، أَكْثِرْ بِكُمْ الْأُمَّمَ غَدًا، اولاد و فرزندان را زیاد کنید چرا که روز قیامت با کثرت امت خودم بر سایر امم مواجه می‌باشم» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۸/۱۱). کثرت فرزند موجب کثرت امت و فخر و مباهات رسول خدا صلی الله علیه و آله در قیامت می‌شود.

- وَ قَالَ: تَنَاجَحُوا تَكْتُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ؛ ازدواج کنید و فرزند بیاورید. من به وسیله شما، حتی فرزندان سقط شده شما، در روز قیامت بر امت‌ها مباهات می‌کنم (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۰/۱۰۰)؛ اهمیت داشتن فرزند به حدی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرزندان سقط شده (به صورت شرعی و خارج از اختیار) امت را نیز باعث فخر و مباهات دانسته‌اند.

- وَ عَنْهُ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام أَنِّي اجْتَنَبْتُ طَلَبَ الْوَلَدِ مُنْذُ حَمْسِ سِنِينَ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَهْلِي كَرِهَتْ ذَلِكَ وَ قَالَتْ إِنَّهُ يَشْتَدُّ عَلَيَّ تَرْبِيَتُهُمْ لِقَلَّةِ الشَّيْءِ فَمَا تَرَى فَكَتَبَ علیه السلام إِلَيَّ اظْلُبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَزُرُّهُمْ (کلینی، ۱۴۰۷، ۳/۶)؛ بکر بن صالح می‌گوید در نامه‌ای به امام موسی کاظم علیه السلام نوشتم که مدت ۵ سال است از فرزندآوری خودداری کرده‌ام به خاطر این که همسرم تمایلی به این کار ندارد و می‌گوید تربیت فرزند با وضعیت فقر ما سخت است، امام علیه السلام در پاسخ فرمودند فرزند بیاور خدایوند روزی آن‌ها را می‌دهد.

- امام رضا علیه السلام: چون خدا خواهد به بنده‌ای خیری دهد، نمیرد تا فرزند خود را ببیند و روایت است هر که بی‌اولاد بماند و بمیرد چنانست که در میان مردم نبوده، و هر که بمیرد و فرزندی بگذارد چنان است که نمرده (ترجمه میرباقری، ۱۳۶۵: ۴۱۹/۱).

این احادیث و احادیثی از این قبیل با هدف تشویق و ترغیب بر فرزندآوری، نشان دهنده اهمیت جایگاه فرزندآوری در دین مبین اسلام است که نباید از این مهم غافل شد.

۱.۳. فرزندآوری از منظر فقه

آیات و روایات مورد بحث نشان‌گر اهمیت و تأکید بر فرزندآوری و افزایش جمعیت در آموزه‌های اسلامی است. افزایش نسل در سبک زندگی اسلامی، تابع شرایط خاصی نیست، بلکه به حکم اولی، در تمام زمان‌ها (عصر و صنعتی) و در همه شرایط (توانمندی یا تهیدستی)، مستحب موکد است. از این رو دستور به تکثیر نسل همواره به‌عنوان یک راهبرد معقول به منظور دستیابی به اهداف متعالی اسلام، به قوت خود باقی است (ملکوتی‌نیا و روزبهانی، ۱۳۹۷: ۵۶).

از ادله جواز پیشگیری از فرزندآوری می‌توان به اصل اباحه و قاعده سلطنت اشاره کرد، زیرا اصل بر مباح بودن چنین عملی است و بنا بر اصل سلطه هر کس بر اعضاء و جوارح خود، انسان می‌تواند از انعقاد نطفه خود جلوگیری کند؛ یعنی انسان مالک رحم و نطفه خود نیز است (قتبرپور، ۱۳۹۴: ۲۲۰). بنابراین با توجه به آیات و روایات، در حالت عادی و طبیعی، باقی گذاشتن نسل امری مطلوب و راجح بر هر مسلمانی است و نه امری لازم و واجب.

با توجه به این‌که برخی نیازهای انسان ثابت و در همه اعصار موجود است، دین اسلام احکام خاص و ثابتی را برای این نیازها قرار داده است. اما باید دانست در گذر زمان و بر اساس مصالح و مفاسد، برخی نیازهای انسان دائماً در حال تغییر و تحول می‌باشد. جهت حل مسائل پیش آمده در موضوعات این چنینی، اسلام به حاکم جامعه اسلامی این اختیار را داده است تا با لحاظ مصلحت جامعه، احکام حکومتی را صادر کرده و به اداره جامعه اسلامی بپردازد.

اضطرار، عسر و حرج، یا کاهش جمعیت مسلمانان، از جمله مواردی است که می‌تواند به دستور حاکم جامعه اسلامی (حکم حکومتی)، حکم وجوب یا حرمت به خود بگیرد.

زمانی که جمعیت یک کشور رو به اضمحلال باشد، درخصوص فرزندآوری صحت حکم حکومتی سازگاری دارد، زیرا چنین حکمی دخالت در حریم خصوصی اشخاص نیست، چون منافع جمع و مصلحت نظام در میان است؛ در واقع مخالف با نص شرعی نیست، چرا که حکم فرزندآوری فی نفسه نه واجب است و نه حرام، بلکه مستحب است. بنابراین، الزام افراد بر باروری و فرزندآوری از جانب حاکم شرع تصرف در سلطنت افراد تلقی نمی‌شود، زیرا در زمان غیبت، قوام جامعه اسلامی به ولایت ولی امر مسلمین بستگی دارد؛ چنان که قرآن کریم میفرماید: «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء: ۵۹). بنابراین، ولی فقیه و مجتهد جامع الشرایط می‌تواند از تکثیر نسل در منطقه‌ای از جامعه اسلامی به صورت موقت ممانعت کند، یا گاهی به خاطر کاهش جمعیت مسلمانان در یک منطقه، حکم به افزایش جمعیت دهد.^۱

۲. جایگاه تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

تمدن‌سازی، از جمله موضوعاتی است که در دهه اخیر در جهان اسلام رونق قابل توجهی داشته است. انقلاب اسلامی ایران به عنوان آغازگر تجدید حیات تمدن نوین اسلامی برای امت اسلامی و جوامع اسلامی پیام احیای هویت اسلامی و بازگشت به تمدن و فرهنگ اسلامی را به ارمغان آورده است و در این مسیر، مولفه‌ها و شاخص‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مختلفی را مورد توجه قرار داده است. در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند.

بیانیه گام دوم دارای آموزه‌ای جامع و کامل است. بیانیه به صورت شفاف آرمان بزرگی را

۱. جهت مطالعه بیشتر، مراجعه کنید: قنبرپور، بهنام، پژوهشی بر قلمرو اختیارات حکومت اسلامی و تدابیر آن در جلوگیری از کاهش نسل / مظاهر، معصومه، فواعد ناظر بر تکثیر موالید، موسوی، سید حسن، حکم ثانوی فرزنددار شدن

برای انقلاب اسلامی با عنوان «ایجاد تمدن نوین اسلامی» بیان می‌کند. به عبارتی هدف غایی انقلاب اسلامی ایران را ایجاد تمدن نوین اسلامی بیان می‌کنند. بررسی نکاتی در این خصوص، ضروری است.

۱.۲. نقش جمعیت در تحقق تمدن نوین اسلامی

هر تمدنی برای شکل‌گیری، نیازمند سرزمین است. از جمله عواملی که برای تمدن سازی مورد توجه قرار می‌گیرد، عبارتند از عوامل دفاعی و سیاسی، علمی - پژوهشی، اقتصادی و... بالطبع لازمه دستیابی به عوامل مذکور، حضور جمعیتی قوی و مقتدر در سرزمین است تا بتوان به وسیله این جمعیت، به هدف اصلی که تشکیل تمدنی نو و عزتمند است، دستیافت. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب نیروی انسانی مستعد و کارآمد را مهم‌ترین ظرفیت امید بخش کشور در تحقق تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند. معظم له در بیانیه فرموده‌اند: «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است... اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷: ۳۱). در ذیل برخی از عوامل تشکیل دهنده یک تمدن و نقش جمعیت بر آن‌ها بررسی می‌گردد.

۱.۱-۲. نقش جمعیت بر امت سازی

تمدن نوین اسلامی چشم‌انداز مشترک امت اسلامی است که برای دستیابی به آن، فرایندی قابل شناسایی است که در آن تشکیل نظام اسلامی، دولت اسلامی و امت اسلامی، مقدمه دستیابی به تمدن نوین اسلامی است. از این رو نظام‌سازی و امت‌سازی، دو مؤلفه مهم اسلام و تمدن اسلامی است (فولادی و حسینی، ۱۳۹۸: ۶۶).

امت مفهومی منحصر به فرد است. در قرآن کریم، مفاهیم اجتماعی متعددی مانند: امت، قوم، قبیله، حزب و... به کار رفته است که نشان دهنده توجه به زندگی اجتماعی

انسان و جوامع بشری است (قاسمی و بهزادی و حسینی، ۱۳۹۳: ۲/۲۲۹). بنابراین می‌توان گفت؛ مراد از امت اسلامی، گروه وسیعی از مردم است که تحت رهبری و هدایت مشترک هستند و به سوی هدفی واحد در حرکت‌اند (بیدالله خانی، ۱۳۹۳: ۲/۳۱۷). وحدت امت اسلامی و حرکت با هدف تشکیل امت واحده، به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه امت اسلام و سراسر جهان اسلام است، به گونه‌ای که در نهایت، نوید بخش تشکیل امت واحده اسلامی باشد (همان). با توجه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای؛ اتحاد دنیای اسلام مراتبی دارد؛ پایین‌ترین مرتبه‌اش این است که جوامع اسلامی، کشورهای اسلامی، دولت‌های اسلامی، اقوام اسلامی، مذاهب اسلامی، علیه هم دست به تعرض نزنند، با هم معارضه نکنند، به یکدیگر ضربه نزنند؛ این قدم اول است. البته بالاتر از این، این است که دنیای اسلام علاوه بر این که به یکدیگر ضربه نمی‌زنند، در مقابل دشمن مشترک هم دست به دست هم بدهند، اتحاد واقعی و کافی داشته باشند، از یکدیگر دفاع کنند. این هم یک قدم بالاتر است؛ از این بالاتر هم این است که کشورهای اسلامی، ملت‌های اسلامی هم‌افزایی کنند. کشورهای اسلامی از لحاظ علمی، از لحاظ ثروت، از لحاظ امنیت، از لحاظ قدرت سیاسی در یک سطح نیستند، می‌توانند به یکدیگر کمک کنند، هم‌افزایی کنند، آنهایی که بالاترند در هر بخشی، دست آن کسانی را که پایین‌تر هستند بگیرند؛ این هم یک مرحله‌ای از وحدت است. مرحله بالاتر هم این است که همه دنیای اسلام متحد بشوند در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی. این چیزی است که جمهوری اسلامی هدف غایی قرار داده: رسیدن به تمدن اسلامی، منتها تمدن متناسب با این زمان، تمدن نوین اسلام. اینها مراتب وحدت است (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4401698/08/24>).

آنچه واضح است این است که امت اسلامی با وحدت و اتحاد میان اعضای خود معنا و مفهوم می‌یابد. اعضای یک امت و به عبارتی جمعیت تشکیل دهنده امت دارای آثار عظیم و منشأ بسیاری از امور است.

رهبر معظم انقلاب در خصوص ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی در بیانیه گام دوم انقلاب به این نکته اشاره می‌فرمایند که انقلاب پرشکوه ملت ایران، «بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین» انقلاب عصر جدید است (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۱۱). در بخش دیگر از بیانات خود در مورد برداشتن گام‌های استوار در آینده که در راستای امت‌سازی قدرتمند است، جوانان را خطاب قرار داده و از آن‌ها دعوت می‌کنند تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز نمایند (همان: ۱۶). اشاره و تأکید معظم له بر مردمی بودن انقلاب و نقش جوانان در تحقق تمدن نوین اسلامی، بیان‌گر حائز اهمیت بودن بحث جمعیت در تحقق و ثبات امت‌سازی است. هر چه افراد بیشتری در تحقق یک امت و تمدن دخیل باشند، درصد انحطاط و ضربه‌پذیری آن تمدن کاهش خواهد یافت و هرچه جمعیت موجود نیروی جوان باشد، اهداف مورد نظر در تحقق تمدن، با سرعت و انگیزه قابل توجهی پیش خواهد رفت.

جهان اسلام با جمعیتی بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون نفر پس از جهان مسیحیت، دومین جمعیت بزرگ مذهبی است. از نظر میزان گسترش جمعیت مسلمانان در مناطق مختلف جهان نیز آمارها بسیار روشن‌گر هستند. از کل ۳۹ کشور آسیایی، ۲۱ کشور جزء کشورهای اسلامی‌اند. همچنین از ۵۸ کشور آفریقایی، بیست کشور آن مسلمان هستند. در قاره اروپا فقط دو کشور اسلامی آلبانی و بوسنی هرزگوین وجود دارند؛ ولی مسلمانان با مهاجرت به کشورهای بزرگ اروپایی چون انگلستان، فرانسه، آلمان و ایتالیا توانسته‌اند جمعیت‌های چند میلیونی را در این کشورها به وجود آورند. همچنین از مجموع ۱۹۲ کشور جهان، هم اکنون ۵۷ کشور در کنفرانس اسلامی عضویت دارند (بیدالله خانی، ۱۳۹۳: ۲/۳۳۷). کاملاً مشخص است که تعداد کشور اسلامی که منشأ ایجاد و تشکیل آن، وجود جامعه و گروه‌ها و مجموعه‌های انسانی است، تا چه اندازه می‌تواند در دستیابی و تشکیل تمدن نوین اسلامی اثرگذار باشند.

۱.۲-۲. نقش جمعیت بر قدرت اقتصادی

از آن جایی که امور مادی در ایجاد بسترهای مادی و معنوی و شکوفایی یک تمدن نقش اساسی دارد، توجه به امور اقتصادی به عنوان ابزار کارآمد مورد تأکید است. اقتصاد، به ویژه نوع اقتصاد مقاومتی، اقتدار ملی، استقلال و خود کفایی اقتصادی را فراهم می‌کند و در نهایت نقش محوری در تمدن نوین اسلامی دارد. رهبر معظم انقلاب، بارها بر اعتلای اقتصادی و پیشرفت مادی به عنوان هدف قطعی تمدن اسلامی تأکید کرده‌اند. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب بر اهمیت اقتصاد تأکید کرده و می‌فرمایند: «اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است... اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و با کیفیت و توزیع عدالت محور و مصرف به اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی این جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده است، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷: ۳۹).

اقتصاد زمانی واجد توان پایداری و مقاومت فوق‌العاده می‌گردد که محوریت آن توده‌های مردمی باشند، مقصود از مردمی کردن اقتصاد، حساس کردن آن‌ها به اقتصاد و سپس درگیر نمودن مردم به عنوان مصرف‌کننده‌ای فعال در اقتصاد است. گام بعدی درگیر کردن مردم به عنوان تولیدکننده و توزیع‌گر فعال و مهم‌تر از همه دخالت دادن مردم در توسعه کشور و رقم زدن توسعه مشارکتی که بسیار وسیع‌تر از دخالت دادن صرف سرمایه‌های مردم در اقتصاد است. بنابراین می‌بایست توانمندسازی آحاد مردم در دستور کار قرار گیرد تا زمینه برای مؤثر همه افراد در فعالیت‌های مولد اقتصادی فراهم شود (موهبتی و ضیائی‌ان، ۱۳۹۷: ۳).

امروزه، نقش و اهمیت نیروی انسانی در فرایند تولید و ارائه خدمات در جوامع بشری به عنوان مهم‌ترین عامل مشخص شده است. با نگاهی به مراحل تمدن بشری مشخص می‌

شود که نقش نیروی انسانی از نیروی کار ساده به سرمایه انسانی تکامل یافته است، چرا که پیشرفت تکنولوژی بدون تحولات نیروی انسانی فاقد کارایی است، امروزه تحولات و رشد بهره‌وری نیروی کار موجب ارتقای سازمان‌ها و به تبع آن توسعه اقتصاد می‌شوند. در همین راستا تأمین شرایط و فعال‌سازی امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد، از راهبردهای تحقق اقتصاد مقاومتی است (محمودی، ۱۳۹۷: ۲). توسعه کارآفرینی، مشارکت حداکثری مردم در اقتصاد کشور، افزایش بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری، افزایش تولید داخلی، مدیریت مصرف و افزایش ارزش افزوده به‌عنوان اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی هستند، بنابراین تحقق اقتصاد مقاومتی در سایه توسعه کارآفرینی، مشارکت حداکثری آحاد جامعه، بهبود فضای کسب و کار، ارتقای آموزش و مهارت منابع انسانی، بهبود الگوهای مصرف مردم و در واقع به‌طور کلی بهبود وضعیت سرمایه انسانی امکان‌پذیر می‌باشد (خان‌باشی و بستان‌منش، ۱۳۹۴: ۳۳).

در بیانیه گام دوم انقلاب، رهبر معظم انقلاب پس از بیان مشکلات موجود در حوزه اقتصاد؛ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و... را به‌عنوان راه‌های حل مشکلات اقتصادی دانسته و فرمودند: «بی‌گمان یک مجموعه جوان و دانا و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۴۱). به منظور دستیابی بر اقتصاد موفق می‌بایست چرخه تولید و تربیت نسل جوان و نیرومند، به صورت هدفمند پیگیری شود تا جامعه از این جهت دچار مشکل نشود. بنابراین، جمعیت انسانی، به‌عنوان سرمایه ملی، عامل مهم و تأثیرگذار بر فعالیت‌های اقتصادی و وضعیت رفاهی هر کشور محسوب شده و مسیر را در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی هموار می‌نماید.

۳- ۱- ۲ نقش جمعیت بر اقتدار دفاعی - امنیتی

اقتدار دفاعی - امنیتی از ابزارهای تمدن‌سازی نوین اسلامی است. اقتدار دفاعی - امنیتی یکی از ابعاد اقتدار ملی است که شکل کارآمدی از مجموعه توانمندی‌های نظامی، انتظامی، اطلاعاتی، حفاظت و اطلاعات و بسیج مردمی در چارچوبی مقبول و مشروع با پشتیبانی سایر مولفه‌های قدرت ملی و استفاده از امکانات مادی و معنوی کشور برای دفع تهدیدات و خطرات دشمنان خارجی و داخلی و دفاع از ارزش‌ها، آرمان‌ها و منافع ملی در راستای سیاست‌های دفاعی - امنیتی می‌باشد (رشیدزاده، ۱۳۸۸: ۱۲). در تأکید این موضوع، رهبر انقلاب می‌فرماید: «قدرت دفاعی برای یک کشور حیاتی است، برای اقتدار یک ملت حیاتی است. اگر این قدرت دفاعی را ملت‌ها نداشته باشند، آن کسانی که اهل تجاوز و تعرض و سوء استفاده و دخالت کردن و دست‌اندازی به دیگر کشورها و ملت‌ها هستند - که امروز نمونه‌هایش را دارید در دنیا می‌بینید: آمریکا و بعضی از کشورهای دیگر - آن‌ها را راحت نمی‌گذارند؛ اگر قدرت دفاعی در یک کشوری وجود نداشته باشد، دیگران آن‌ها را راحت نمی‌گذارند و به همه چیز آن‌ها تعرض می‌کنند که امروز می‌بینید به بعضی از کشورها چه تعرض‌هایی می‌شود (بیانات در ارتباط تصویری با مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، ۹۹/۰۷/۲۱: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46633>). ایشان [خصوصیتی] که باید نیروهای دفاعی ما به آن توجه داشته باشند، مسئله عمل به آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «معنای این آیه این است که غافلگیر نشوید؛ معنایش این است که اگر چنانچه دشمنی به شما حمله کرد، شما بر اثر کمبود امکانات، کمبود سلاح و مهمات، کمبود آمادگی، خسارت تحمل نکنید، که خسارت شما خسارت ملت است، خسارت شما اسلام است (دیدار جمعی از فرماندهان، ۹۴/۱/۳۰). آمادگی نیروهای مسلح برای حکومت اسلامی یک ضرورت است. آمادگی همیشگی، باعث می‌شود دشمن از فکر حمله به حکومت اسلامی ترس داشته باشد. این آمادگی‌ها به

حکم آیه فوق بر نیروهای مسلح کشور و بر همه آحاد جامعه لازم است (حبیب‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۷).

بنابراین قدرت دفاعی - امنیتی باید از ویژگی‌هایی برخوردار باشد که امنیت ملی کشور را تأمین نماید، برای آحاد جامعه اسلامی رفاه و آسایش را فراهم کند، منافع ملی را تضمین کرده و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ضمن تعامل سازنده از اصول و بنیان‌های اساسی انقلاب اسلامی حفاظت و حراست نماید (ایزدی و دولت‌شاه، ۱۳۹۶: ۱۸۲) در تمام موارد و نکاتی که به امنیت ملی و ابعاد آن اشاره می‌شود، نقش محوری مردم و جمعیت دیده می‌شود (خرمشاد و طرح‌زادگان، ۱۳۹۷: ۱۱۰). به فرموده آیت‌الله خامنه‌ای: «وجود نیروهای مسلح مستقل، آگاه، مبتکر، شجاع، فداکار، بدون این‌که گلوله‌ای هم شلیک بکنند، برای یک کشور امنیت‌آور است» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-91/06/28>) (content?id=20997). ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان را از برکات انقلاب اسلامی معرفی کرده و این تسلیم‌ناپذیری، صیانت و پاسداری از انقلاب را خصوصیت شناخته شده ایران و ایرانی و جوانان این مرز و بوم دانستند. ایشان قدرت ملت ایران را چنان می‌دانند که معتقدند غرب امروز، برای مقابله سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی ایران خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بینند. وجود جمعیتی پرشور، انقلابی به همراه حضور نسل جوان و مصمم موجب تحقق این اقتدار و صلابت در بخش امنیتی شده است.

اکثر کشورهای پرجمعیت جهان، کشورهای قدرتمند جهان نیز هستند. البته نه این‌که هر کدام جمعیت بیشتری دارد، قدرت ملی آن نسبت به دیگری بیشتر است. همچنان‌که مشاهده می‌شود کشور چین با ۱۳۲۱۸۵۱۸۸۸ نفر به‌عنوان پر جمعیت‌ترین کشور دنیا به لحاظ قدرت ملی بعد از آمریکا و روسیه قرار دارد. این در حالی است که جمعیت آمریکا و روسیه روی هم تنها ۳۳٪ جمعیت چین را شامل می‌شود. علاوه بر آن کشور انگلستان با دارا بودن ۴/۵٪ جمعیت چین به لحاظ قدرت ملی بعد از چین در رتبه چهارم جهانی است.

(حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳۱). اگرچه نمی‌توان کشوری را به علت آن که جمعیتی بیشتر از سایر کشورها دارد، قوی‌ترین کشور دانست؛ اما این مسئله نیز حقیقت دارد که اگر کشوری جز دولت‌های پرجمعیت جهان نباشد، نمی‌تواند به قدرتی درجه یک تبدیل شود و این مقام را حفظ کند (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۲۲۲). در نتیجه، بزرگ‌ترین وظیفه در زمینه قدرت دفاعی و نفوذ آن برای حفظ تعادل و بقا - به‌عنوان مولفه‌ای قابل توجه در تشکیل و قدرت تمدنی اسلامی و نوین - برعهده جمعیت آن است.

۱.۲ - ۴ - نقش جمعیت بر قدرت سیاسی

حکومت و قدرت سیاسی عاملی مؤثر و نقش آفرین در تمدن‌ها و نیز احیای تمدن اسلامی است. تمدن بدون حکومت شکل نمی‌گیرد. هیچ تمدنی در طول تاریخ بدون حکومت شکل نگرفته است؛ نه این‌که هر جا حکومت بوده، تمدن هم بوده است. پس، قطعاً مجموعه امکانات یک حکومت به رشد تمدن متعلق به آن کمک می‌کند (رضایی، ۱۳۹۱: ۳۴۲). قدرت، در بعد سیاسی عبارت است از توانایی در تأمین هدف‌ها و منافع داخلی خارجی خود (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۱۸۸). بعد سیاسی قدرت ملی یکی از ابعاد تعیین‌کننده‌ای است که نقشی اساسی در ظهور و بروز اقتدار ملی دارد. این بعد از قدرت ملی دارای مولفه‌ها و شاخص‌هایی است که گسترش مولفه‌های آن می‌تواند زمینه‌ساز ظهور و بروز اقتدار ملی شود (کاظمی، ۱۳۹۸: ۱۵۳). بعد سیاسی قدرت ملی دارای مولفه‌های زیادی چون مدیریت سیاسی، سیاست خارجی، نخبگان کارآمد، ماهیت حکومت، دیپلماسی عمومی، اعتقادات (ایدئولوژی) اسلامی و... می‌باشد (همان: ۱۶۱).

از عوامل مهم و تأثیرگذار بر قدرت سیاسی، بسیج مردمی است. بسیج عمومی مردم اشاره به گردهم آمدن مجموعه‌ای از انسان‌ها حول محور و هدفی خاص است، که در هر کشوری و با هر آیین و مسلکی می‌تواند مشاهده شود (بدرا، ۱۳۹۷: ۶۵). مقام معظم رهبری، بسیجی را هر یک از آحاد ملت می‌دانند که در هرجایی که به حضور او نیاز هست، آماده باشد (بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویون؛

https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8994۸۰/۰۸/۲۱). در حقیقت، نقش مردم در نظام‌های مردم‌سالار دارای اهمیت بالایی است. نظام‌های مردم‌سالار تکیه قدرت خود را بر روی عنصر مردم قرار می‌دهند. در واقع، نظام‌های مردم‌سالار به منظور پیشبرد هدف‌های سیاسی خود اقدام به بسیج سیاسی مردم می‌کنند. در مردم‌سالاری دینی مردم نقش تعیین‌کننده در روندهای سیاسی و اداره جامعه دارند. مردم به‌عنوان یکی از پایه‌های مشروعیت سیاسی در نظام مردم‌سالاری دینی تلقی می‌شوند. جدا از نقش مشروعیت‌بخش در نظام مردم‌سالاری دینی، مردم با مشارکت سیاسی از جمله رأی دادن و حضور در انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی و خارجی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی، به روندها و نهادهای سیاسی شکل می‌دهند. بنابراین رضایت و حضور سیاسی - اجتماعی مردم نقش کلیدی در تقویت بعد سیاسی قدرت ملی و تقویت اقتدار ملی در عرصه منطقه‌ای و جهانی دارد (کاظمی، ۱۳۹۸: ۱۶۴).

رهبر معظم انقلاب در بخش‌های مختلف بیانیه بر اهمیت قدرت سیاسی یک کشور و تأثیر آن بر ایجاد تمدنی قوی و اسلامی، اشاره کرده‌اند. ایشان به اوج رسیدن مشارکت مردمی و ارتقاء بینش سیاسی آحاد مردم را از جمله برکات بزرگ انقلابی اسلامی دانسته و در این خصوص می‌فرمایند: “انقلاب، مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، فتنه با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید. همچنین فرمودند، بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه شگفت‌آوری ارتقاء داد... این‌گونه روشنفکری میان عموم مردم در همه کشور و همه ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای جوانان و نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت (بیانیه گام دوم، ۲۲: ۱۳۹۷). معظم له، حفظ استقلال و آزادی و حراست از آن‌ها که نشانگر قدرت یک کشور است را وظیفه تمام افراد به‌ویژه دولت‌ها، بیان کرده‌اند. از منظر ایشان، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن مظاهر عزت جمهوری است و دولت و ملت ایران در راستای حفظ قدرت و عزت خود می‌بایست حکیمانه و مصلحت‌جویانه و از

موضع انقلابی مشکلات خود را با دیگر کشورها به ویژه مستکبران جهان حل نماید. تحقق این اهداف در گرو جمعیتی عظیم، جوان، مقتدر و انقلابی است و شاید همین امر سبب گشته است که رهبر معظم انقلاب در عبارات مختلف در بیانیه بر حضور جوانان تأکید داشته‌اند. تحقق نیروی جوان انقلابی، مستلزم توجه به امر فرزندآوری و مسائل مربوط به آن می‌باشد.

بنابراین، بسیج مردمی به عنوان معیاری در قدرت بخشی بعد سیاسی نقش مهمی را ایفا نموده و مسیر تحقق به تمدن نوین اسلامی را هموار می‌نماید. این امر نشانگر اهمیت توجه بر مفهوم جمعیت و آثار تأثیرگذار آن بر قدرت سیاسی است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه جمعیت در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی انجام شد. در ابتدا، با تأمل در آیات، روایات و مسئله فقهی مرتبط، مشخص شد بحث جمعیت و فرزندآوری در دین اسلام و تشکیل تمدنی اسلامی حائز اهمیت است. پس از اثبات اهمیت موضوع جمعیت و فرزندآوری، عواملی که در تشکیل یک تمدن تأثیرگذار است، بررسی گردید. امت‌سازی، عوامل اقتصادی، دفاعی - امنیتی، سیاسی و... مؤثرترین عوامل در این حوزه می‌باشد. بالطبع پیشرفت همه‌جانبه در مسیر دستیابی به تمدن نوین اسلامی، نیازمند نیرو و جمعیت پرتوان و مقتدر است که با تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه، در پیشبرد این هدف والا گام برداشته، تمام موانع و آسیب‌های موجود در این مسیر را رفع نموده و شاهد تحقق تمدنی نو و اسلامی در جوامع اسلامی و دیگر جوامع باشیم.

بدیهی است هر تمدنی که بر اساس اسلام بنا شود، ولایت‌مداری رکن اصلی آن است و بدون رهبری ولایی به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. ولی فقیه و مجتهد جامع‌الشرایط می‌تواند از تکثیر نسل در منطقه‌ای از جامعه اسلامی به صورت موقت ممانعت کند، یا گاهی به خاطر کاهش جمعیت مسلمانان در یک منطقه، حکم به افزایش جمعیت دهد. رهبر معظم

انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، نیروی انسانی مستعد و کارآمد را مهم‌ترین ظرفیت امید بخش کشور در تحقق تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند. برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی تربیت نسلی است شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور. تحقق عینی چنین تمدنی با نگاهی فرآیندی به نظام تعلیم و تربیت دینی میسر خواهد بود؛ به این معنا که باید تمام فرآیندهای لازم برای تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی تبیین و طراحی و حلقه‌های لازم برای اجرای طرح تمدن‌سازی دینی تکمیل شوند.

خانواده‌ها به‌عنوان نهادی تأثیرگذار در جامعه؛ اصحاب رسانه به‌عنوان مراجع فرهنگی؛ قوای سه‌گانه حاکمه و نهادهای مرتبط، می‌بایست بیش از پیش در راستای این هدف مهم گام برداشته، موانع را برطرف نموده و بر اهمیت این موضوع تأکید نمایند. از جمله مسائل مربوط در این حوزه که می‌تواند راهگشا باشد، عبارتند از: همکاری سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی بر افزایش آگاهی جامعه نسبت به فواید و آثار فرزندآوری و توجه به آسیب و چالش‌های پیش روی کاهش جمعیت، به‌ویژه با ارائه آمار و اطلاعات علمی؛ فراهم آوردن زیرساخت‌ها و لوازم فرزندآوری و از میان برداشتن اسباب کم توجهی به این موضوع؛ از جمله فراهم آوردن امنیت شغلی و اقتصادی مناسب؛ ارائه تسهیلات مناسب و طرح‌های تشویقی در راستای فرزندآوری؛ کاهش هزینه‌های باروری و درمان کودکان پس از تولد؛ گسترش تبلیغات فرهنگی برای نسل حاضر و نسل‌های آینده توسط مراکز فرهنگی و اصحاب رسانه؛ تغییر سبک زندگی، کاستن روحیه تجمل‌گرایی و افزودن روحیه مسئولیت‌پذیری در محیط خانه توسط اعضای خانواده و...

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه انصاریان، ۱۳۸۳ ش: اسوه، قم.
۲. ایزدی، مصطفی، دولت‌شاه، بهروز، گفتمان ولایت فقیه در حوزه اقتدار دفاعی - امنیتی، فصلنامه مطالعات دفاعی امنیتی، سال پانزدهم، شماره ۶۷، بهار ۱۳۹۶.
۳. بدرا، محمدشتا، «تبیین تاریخی پیدایش بسیج در ایران با تأکید بر نقش بسیج در انقلاب کبیر اسلامی ایران، پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷.
۴. بیانات مقام معظم رهبری برگرفته از سایت www.khamenei.ir.
۵. بیدالله خانی، آرش، «امت واحده اسلام، مبنای هستی‌شناختی هویت اسلامی»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امت اسلامی، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، جلد ۲، ۱۳۹۳.
۶. حافظ‌نیا محمدرضا و ولیقلی‌زاده، علی و احمدی‌پور، زهرا، «بررسی و تحلیل نقش جمعیت در وزن ژئوپلیتیکی ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۳، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸.
۷. حبیب‌زاده، قاسم، «ابعاد امنیت از منظر امام خامنه‌ای»، فصلنامه امنیت ملی، سال نهم، شماره ۳۱، بهار ۱۳۹۸.
۸. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، چاپ اول، تهران، انتشارات لطفی، جلد ۹، ۱۴۰۴.
۹. خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، چاپ اول، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۷.
۱۰. خان‌باشی، محمد، بستان‌منش، غلامرضا، «سهم سرمایه‌های انسانی و نیروی کار در تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی»، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۸۵، مهرماه ۱۳۹۴.
۱۱. خرمشاد، محمدباقر، طراح‌زادگان، فرخ، «راهبردهای جمعیتی تحکیم اقتدار و امنیت اسلامی ایران»، فصلنامه امنیت ملی، سال نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸.
۱۲. خیری، حسن، «رویکرد فرآیندی اسلام در تمدن‌سازی»، مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی و نشر المصطفی، ۱۳۹۱.

۱۳. رشیدزاده، فتح‌الله، «توسعه و تحکیم قدرت و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۸.
۱۴. رضایی، حسن، «مزیت‌های رقابتی جهان اسلام در مسیر تمدن‌سازی نوین»، مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی و نشر المصطفی، ۱۳۹۱.
۱۵. سعادت، احمد، «عقلانیت اسلامی؛ مبنای تمدن نوین اسلامی»، مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی و نشر المصطفی، ۱۳۹۱.
۱۶. طبرسی، حسن بن فضل، ترجمه: میرباقری، ابراهیم، مکارم الأخلاق، چاپ دوم، تهران، انتشارات فراهانی، جلد ۱، ۱۳۶۵.
۱۷. عرفان، امیر محسن، «بازاندیشی در ضرورت‌های رویکرد تمدنی به آموزه مهدویت»، مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی و نشر المصطفی، ۱۳۹۱.
۱۸. فاکر میبدی، محمد، «تمدن نوین اسلامی هدف آرمانی انقلاب اسلامی»، کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۹.
۱۹. فرزانه، محمدباقر و خیاط، علی و صفرپور، هادی، «تبیین عوامل ایجاد تمدن اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، دوره ۲۴، شماره ۱۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
۲۰. فولادی، محمد و حسینی، فاطمه سادات، «تحلیلی بر ابعاد و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی، از منظر مقام معظم رهبری»، مجله معرفت اخلاقی، سال دهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
۲۱. قاسمی، زهرا و بهزادی، محمدحسین و حسینی، سید محمد حسین، «امت اسلامی از دیدگاه قرآن»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امت اسلامی، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، جلد ۲، ۱۳۹۳.
۲۲. قنبرپور، بهنام، «پژوهشی بر قلمرو اختیار حکومت اسلامی و تدابیر آن در جلوگیری از کاهش نسل»، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۹۴.

۲۳. کاظمی، احسان، «راهبردهای سیاسی تقویت اقتدار ملی ج. ا. ایران با تأکید بر اولویت بندی مؤلفه‌های بعد سیاسی قدرت ملی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۱۷، شماره ۶۷، پاییز ۱۳۹۸.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، چاپ اول، قم، انتشارات دارالحدیث، جلد‌های ۶ و ۱۱، ۱۴۲۹.
۲۵. گروه مطالعات امنیت، تهدیدات قدرت ملی، شاخص‌ها و ابعاد، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷.
۲۶. مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهانی، ج ۹، ۱۳۶۰.
۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، چاپ دوم، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، جلد ۱۱۰، ۱۴۰۳.
۲۸. محمودی، مجید، «نقش سرمایه انسانی در تحقق تمدن نوین اسلامی»، اولین همایش ملی مدیریت، اقتصاد و اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۷.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۶، ۱۳۷۴.
۳۰. ملکوتی‌نیا، علی و روزبهبانی، زینب سادات، «بررسی و نقد اندیشه «فرزند کمتر، زندگی بهتر» در جامعه معاصر ایران با رویکرد اسلامی»، ماهنامه معرفت، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۹۷.
۳۱. مورگنتا، ه، سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
۳۲. موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد ۲۰، ۱۳۷۴.
۳۳. موهبتی، یاسر و ضیائیان، مهدیه، «بررسی ضرورت پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در ایران»، مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۷.

جامعه‌سازی دینی در قرآن کریم با رویکرد بیانیه گام دوم

محمدرضا حقیقت سمنانی (نویسنده مسئول)^۱

حسین علوی مهر^۲

محمدفاکر میبیدی^۳

چکیده

تحقق تمدن نوین اسلامی، در گرو مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی در سطح امت اسلامی و پس از آن در عرصه جهانی است، این مراحل توسط مقام معظم رهبری در مواضع گوناگون مطرح شده است، یکی از ارکان اساسی در این مراحل، جامعه‌سازی دینی است که به‌طور خاص در بیانیه گام دوم مطرح شده است، با توجه به جایگاه ویژه این موضوع در مباحث اجتماعی خصوصاً تمدن‌سازی نوین اسلامی این پژوهش به روش تحلیلی توصیفی و بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای به موضوع جامعه‌سازی دینی در قرآن کریم می‌پردازد.

بر اساس نتایج به دست آمده در این تحقیق، ماهیت دین اسلام ماهیتی اجتماعی و

۱. دانشجویی دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه (mohammad.hagh54@yahoo.com)

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه (halavimehr5@gmail.com)

۳. استاد تمام و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه (M_FAKER@MIU.AC.IR)

قوانین و دستورات آن نیز اجتماعی است، قرآن کریم خصوصاً در آیه ۲۰۰ آل عمران، مؤمنین را مکلف به جامعه‌سازی بر محور دین می‌کند، جامعه‌سازی بر محور ترابط فکری و عملی میان مؤمنین با یکدیگر در همه شوون حیات جمعی که منجر به هم‌افزایی در نیروهای آحاد جامعه جهت نیل به سعادت دنیوی و اخروی جامعه خواهد شد. نتیجه جامعه‌سازی دینی، حصول فلاح اجتماعی در دنیا و آخرت خواهد بود.

کلید واژگان: جامعه‌سازی دینی، رابطه، بیانیه گام دوم، تمدن نوین اسلامی

مقدمه

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را درگذراز چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهارده گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند.

بیانیه «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نافداه) هست» نزدیک خواهد کرد.

در مرحله اول، یعنی وقوع انقلاب اسلامی می‌توان مهم‌ترین مسئله را تلاش برای براندازی رژیم طاغوتی پهلوی و کسب اختیارات برای تحقق بسته دین بیان کرد؛ مرحله دوم، یعنی تأسیس نظام اسلامی را می‌توان از ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ تا ۱۲ آذر همان سال که به همه‌پرسی قانون اساسی منجر شد نامید که طی آن «هندسه عمومی جامعه» شکل گرفت. به عبارتی،

ما در این مرحله شاهد شکل‌گیری نظام اسلامی به‌طور اجمالی هستیم. این مرحله و تثبیت آن و البته متمیم نظام‌سازی تا پایان جنگ تحمیلی ادامه می‌یابد. مرحله سوم، دولت اسلامی است. در مرحله دولت اسلامی آنچه اهمیت دارد اسلامی شدن روش و منش دولتمردان می‌باشد. به عبارتی در این بخش که به تدریج رخ می‌دهد به دنبال نظام‌سازی تفصیلی و تحقق آن هستیم.

مرحله چهارم که تمدن نوین اسلامی است در گرو طی مراحل چهارگانه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی و جامعه اسلامی است. در مرحله انقلاب اسلامی و نظام اسلامی پشت سر گذاشته شده است و اینک در مرحله دولت اسلامی قرار داریم. لازمه اسلامی شدن دولت، اسلامی شدن روش و منش دولتمردان است. به عبارتی، هم نظامها و سیستم‌های نظری عملی، برآمده از مبانی شناختی هنجاری دین اسلام باشند و هم الگوی رفتاری دولتمردان از آموزه‌های دین اسلام تبعیت نماید. از این رو مهم‌ترین مسئله در شکل‌گیری دولت اسلامی و پس از آن جامعه اسلامی و در نتیجه تکثیر این الگو و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، امتداد عملی دین و یا به تعبیر دیگر امتداد سیاسی اجتماعی فلسفه است.

پژوهش حاضر جامعه‌سازی دینی در قرآن کریم را با محوریت آیه: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا* (آل عمران) بررسی می‌کند.

در این پژوهش ابتدائاً جایگاه جامعه و مباحث اجتماعی در قرآن کریم روشن شده سپس به جامعه‌سازی در قرآن کریم با محوریت آیه مرابطه پرداخته خواهد شد. بر این مرابطه ایجاد پیوندهای اجتماعی در راستای جامعه‌سازی و برقرار کردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها و افعال و کارهای آحاد جامعه در همه شئون زندگی است تا با برقراری این روابط همه‌جانبه و هم‌افزایی اجتماعی در ساحت فکر و عمل آحاد جامعه، جامعه‌ای منسجم زیر لوای اولیای دین بر محور قرآن و معارف دینی شکل بگیرد و جامعه به فلاح و سعادت حیات جمعی خود نائل شود.

روش پژوهش در این تحقیق توصیفی و تحلیلی است و روش گردآوری منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد نوشتاری است.

۱. پیشینه

به‌طور عام همه تفاسیر شیعه و سنی ذیل آیه به تبیین آیه ۲۰۰ آل عمران به اجمال یا تفصیل در کتب تفسیری پرداخته‌اند اما به‌طور خاص مقالاتی در این زمینه نوشته شده، که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

مقاله بررسی جامعه‌سازی قرآن در بستر تاریخی نزول نوشته رضا شکرانی و هادی سلیمی، مقاله تحلیل تفسیری جایگاه و نقش «مصابره» و «مربطه» در پیوند با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با محوریت آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، این مقاله درصدد تبیین مربوطه به معنی مربوطه با امام زمان برپایه تفسیر روایی از آیه شریفه است که به حیث جامعه شناختی و سایر جهات و تفسیر آیه به روش قرآن به قرآن پرداخته است، همچنین مقاله‌ای توسط آیت الله جوادی با نام آزادی اندیشه، بهترین راه مربوطه، نگارش یافته که در نویسنده در مقدمه درصدد آن است ترابط فکری مطرح در آیه را با مفهوم آزادی اندیشه پیوند دهد اما محوریت مقاله بحث آزادی است نه مربوطه، همچنین مقاله‌ای با عنوان عوامل هم‌افزایی و دستاوردهای آن در همکاری اجتماعی از منظر قرآن کریم با تأکید بر نگاه علامه طباطبایی رحمه الله تعالی نگاشته شده که اعم از آیه ۲۰۰ آل عمران است و عوامل گوناگون همکاری‌های اجتماعی را در کل تفسیر المیزان بررسی کرده است.

اما مقاله حاضر در سه بخش پیرا تفسیری، تفسیری و پساتفسیری به‌طور جامع و از جهات گوناگون مربوطه در جامعه را بر اساس آیه ۲۰۰ آل عمران تبیین و تفسیر نموده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۱.۲. جامعه

واژه جامعه، مؤنث جامع و اسم فاعل از کلمه «جمع» و در لغت به معنای گرد آمدن، کنار هم قرار دادن اشیاء، نزدیکی جسمی به جسم دیگر یا چندین جسم به همدیگر و گروهی از مردم است. به نظر خلیل فراهیدی جمع بر گرد آوردن دلالت دارد. همچنین اسمی است برای گروهی از مردمان و «جماعه» عدد هرچیز و کثرت تعداد آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۱ / ۲۳۹) به نظر ابن فارس و راغب اصفهانی جمع به معنای ضمیمه نمودن و پیوند و پیوستن چیزی به چیزی است. (ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ۱ / ۴۷۹، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱ / ۲۰۱)

اجتماع در اصطلاح جامعه‌شناسان و فیلسوفان این فن، هیئت و ترکیبی است از اشخاص موجود؛ اما جامعه به وضع و حالت انسان‌ها یا حیواناتی گفته می‌شود که بر پایه قانونی مشترک زندگی کنند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۲۵) هنوز جامعه‌شناسان نتوانسته‌اند تعریفی دقیق از «جامعه» ارائه کنند؛ ولی از مجموع تعریف‌ها برای این دو واژه می‌توان تفاوت‌های زیر را برشمرد:

۱. جامعه، وضع و حالت انسان‌ها یا حیواناتی را گویند که بر اساس قانونی مشترک زندگی می‌کنند؛ اما اجتماع صرف گرد آمدن و نزدیکی دو یا چند چیز را گویند.

۲. جامعه انسانی می‌تواند بر اساس اراده انسان‌ها حالات و اقسام متعددی داشته باشد؛ اما اجتماع لزوماً چنین نیست.

۳. جامعه از اعضایی شکل گرفته و دارای هدف مشخصی است؛ لیکن جمع شدن افراد مختلف و اجتماع کردن آنان چه بسا هدف معینی نداشته باشد.

۴. مطابق تعریف برخی از جامعه‌شناسان، جامعه ابداعی انسانی است که بر اساس قراردادهای جمعی شکل می‌گیرد؛ اما لازم اجتماعی بودن گروه این چنین نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۲۷)

شهید مطهری در کتاب جامعه و تاریخ تلاش کرده تا تعریف جامعی از جامعه ارائه دهد

ایشان می‌نویسد: جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند... زندگی دسته جمعی این نیست که گروهی از انسان‌ها در کنار یکدیگر و در یک منطقه زیست کنند و از یک آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده نمایند... زندگی انسان که اجتماعی است به معنی این است که ماهیت اجتماعی دارد: از طرفی نیازها، بهره‌ها و برخورداریها، کارها و فعالیتها ماهیت اجتماعی دارد و جز با تقسیم کارها و تقسیم بهره‌ها و تقسیم رفع نیازمندیها در داخل یک سلسله سنن و نظامات میسر نیست، از طرف دیگر نوعی اندیشه‌ها، ایده‌ها، خلق و خوبیها بر عموم حکومت می‌کند که به آن‌ها وحدت و یگانگی می‌بخشد، و به تعبیر دیگر، جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبریک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و آرمانها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند (مطهری، بی‌تا: ۱/ ۱۸)

در نتیجه می‌توان گفت جامعه گروه‌هایی از آحاد انسانی است که بایکدیگر وجوه مشترک و منافع مشترک دارند و بر این بایکدیگر تعاملی پایدار جهت رفع نیازهای یکدیگر برقرار کرده این گروه‌های انسانی ارتباطات و پیوندهای وسیع و گوناگون فکری، فرهنگی، اقتصادی و... بایکدیگر دارند و هر یک نقش ویژه‌ای در تحقق اهداف جامعه به عهده دارند. بر اساس آنچه در تعریف جامعه بیان شد جامعه دینی جامعه‌ای است که وجه مشترک و نیاز عالی آحاد آن جامعه، دین و همه ارتباطات و تعاملات اجتماعی در آن بر محور معارف دینی است. لذا جامعه‌سازی دینی نیز به معنای ساخت جامعه بر محور معارف و احکام دین به رهبری یک رهبر شایسته دینی است.

۲.۲. مرابطه

مرباطه در لغت به معنای بستن چیزی و ملازمت و مواظبت بر چیزی است. خلیل فراهیدی ربط که ریشه مرابطه است را به معنی بستن و الرِّبَاطُ را به معنی آنچه که با آن چیزی را ببندند دانسته است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۷/ ۴۲۲)

همچنین مواظبت بر چیزی را رباط گویند و مرابطه به معنی مواظبت نسبت به جایی است که در آن از یورش دشمن بترسند مانند مرزو حدود میان دو دشمن. همچنین به بستن اسبان و خود اسب نیز اطلاق شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۷ / ۴۲۲، ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۷ / ۳۰۲) ابن فارس شدت، ثبات و ملازمت را از معانی ربط دانسته و مرابطه را ملازمت نسبت به مرزهای دشمن دانسته (ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ۲ / ۴۷۸)

به نظر راغب اصفهانی بستن چیزی به جایی برای حفظ آن را ربط می‌گویند و رباط به معنی کاروانسرا هم به همین معنا است لذا معنای مرابطه محافظت بر چیزی است، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱ / ۳۳۸)

اما در اصطلاح مفسرین، طبرسی معنای ربط را شد و بستن دانسته و معتقد است برای هرکسی که در حصار پناه گیرد و در آن از دشمنان بیرون حصار از خود دفاع کند استعمال شده است همچنین به صف کردن و آماده نمودن اسبان برای مقابله با دشمن معنای دیگر ربط است. از منظر طبرسی رباط به معنی مرابطه از باب مفاعله بین دونفر است یعنی هر قدر و به هر شکل که دشمن برای جنگ با شما لشکر و مرکب آماده می‌کنند شما نیز برای جنگ با ایشان فراهم نمایید (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲ / ۹۱۸)

از منظر علامه طباطبائی مراد از مرابطه در آیه شریفه ۲۰۰ آل عمران جامعه‌سازی و برقرار کردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها و افعال و کارهای آحاد جامعه در همه شوون زندگی است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۴ / ۹۲)

آیت الله جوادی نیز «ربط»، «رباط» به معنای ملازمت و مواظبت بر کاری دانسته. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۰) و محکم کردن و بستن چیزی در موضع یا موضوعی تا بر حالت استواری بماند را معنای ربط ذکر نموده است. از منظر ایشان «مرباطه»، تحقق ارتباط بین مردم (وابسته شدن و وابستگی پیدا کردن) است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۱)

ایشان مرابطه را برقراری رابطه و ایجاد جامعه‌ای منسجم زیر لوای اولیای دین خدا دانسته و معتقد است این کار نخستین وظیفه اسلامی و دینی است براین اساس هم باید جامعه را بر

محور دین ساخت و هم جامعه ساخته شده را حفظ کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۹۲)

در نتیجه مرابطه ایجاد پیوندهای اجتماعی در راستای جامعه‌سازی و برقرارکردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها و افعال و کارهای آحاد جامعه در همه شوون زندگی است تا با برقراری این روابط همه‌جانبه و هم‌افزایی اجتماعی در ساحت فکر و عمل آحاد جامعه، جامعه‌ای منسجم زیرلوی اولیای دین بر محور قرآن و معارف دینی شکل بگیرد.

۳.۲. صبر

صبر در لغت به معنی حبس و خود نگهداری است. خلیل فراهیدی صبر را نقیض جزع و بی‌تابی دانسته است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۷ / ۱۱۵) به نظر ازهری و ابن‌فارس صبر به معنی حبس کردن است (ازهری، بی‌تا: ۱۲ / ۱۲۱، ابن‌فارس، ۱۳۹۹ق: ۳ / ۳۲۹)

راغب اصفهانی نیز امساک در تنگنا و نگاه داشتن نفس از آنچه عقل و شرع دستور به نگاه داشتن از آن می‌دهند را معنای صبر می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱ / ۴۷۴) به نظر آیت‌الله جوادی آملی صبر، پایداری در برابر سختی‌ها و ناملایمات زندگی و خویش‌داری از شکایت به غیر خداست و صابر کسی است که در صحنه‌های گوناگون آزمون، مانند انجام طاعت، پرهیز از معصیت و در تلخی مصیبت، بردباری و پایداری کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۶۹)

ایشان معتقدند صبر در فرهنگ معارف دینی به معنای سکوت نیست، بلکه به معنای مقاومت و ایستادگی در برابر سختی‌ها و ناملایمات زندگی است که همواره به عنوان آزمون الهی انسان را همراهی می‌کند؛ مانند رنج و مشقت در تحصیل علم، در انجام دادن فرایض و نوافل، در پرهیز از معصیت و در تلخی مصیبت. «صابر» کسی است که در همه این صحنه‌ها پایداری کند و در هیچ عرصه‌ای جزع نکند، در صحنه عمل به وظیفه حضور داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۲)

اقسام صبر

صبر سه قسم است: صبر در اطاعت؛ صبر از معصیت؛ صبر بر مصیبت. توضیح لزوم صبر در این موارد به این است که «طاعت» دستور خداوند مطلقاً بدون صبر دشوار است؛ خواه در ادراک معارف دینی باشد یا عمل به فروع شرعی، چون فراگیری معارف نیز چه واجب عینی باشد یا کفایی و حتی آموختن مستحبات، «تکلیف» است و نوعی دشواری را همراه دارد و بدون صبر به دست نمی‌آید، چنان‌که پرهیز از گناهان نیز که لذت‌ها و جاذبه‌های زودگذر نفسانی دارند: النار حَفَّتْ بالشهوات دشوار و نیازمند صبر است؛ نیز تحمل مصیبت و سوانح ناگوار، بدون رنج میسر نیست و صبر و بردباری را می‌طلبد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ۷۸۰ / ۱۶)

مستند کلام آیت‌الله جوادی آملی در تقسیم صبر روایتی از رسول خدا ﷺ است که می‌فرماید «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عَلَى الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الْمُعْصِيَةِ... صبر بر سه قسم است: صبر در مصیبت و صبر بر طاعت و صبر از گناه، پس هر که بر مصیبت صبر کند تا آن را با تسلی خوبی رد کند، خدا برایش ۳۰۰ درجه نوید که میان هر درجه تا درجه دیگر باندازه فاصله میان آسمان و زمین باشد و هر که بر طاعت صبر کند خدا برایش ۶۰۰ درجه نوید که میان هر درجه تا درجه دیگر باندازه فاصله میان قعر زمین تا عرش باشد و هر که از گناه صبر کند، خدا برایش ۹۰۰ درجه نوید که میان هر دو درجه باندازه فاصله میان قعر زمین تا پایان عرش باشد». (بحرانی ۱۴۱۵ ق: ۳/۲۵۱).

تفاوت صبر و مصابره

مصابره باب مفاعله است و این نکته اصلی در تفاوت صبر و مصابره است چراکه مفاعله دلالت بر انجام طرفینی کار دارد در نتیجه صبر امری فردی و مصابره امری اجتماعی دانسته شده است. علامه طباطبائی امر به صبر در آیه را به قرینه مقابله، صبر فردی دانسته اما صابروا که به صیغه مفاعله آمده و به معنی مصابره است را تحمل اذیت‌ها به صورت دسته جمعی و به شکل هم افزایی اجتماعی می‌داند که آحاد جامعه در صبر ورزیدن بر صبر

دیگران تکیه می‌کنند و ویژگی صبر در وجودشان دو چندان می‌شود و تأثیر صبر در آنان بیشتر می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴ / ۹۱)

آیت‌الله جوادی نیز معتقد است، مفسران کوشیده‌اند کلمه (صابروا) و کلمه (رابطوا) را به گونه‌ای معنا کنند که مقتضای هیئت باب مفاعله که میان دو طرف است در آن محفوظ بماند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۳) ایشان نیز بر همین اساس اطلاق امر (اصبروا) را شامل همه موارد صبر انفرادی دانسته و نسبت به فرمان (صابروا) معتقد است همه مصادیق صبر جمعی را دربر می‌گیرد.

صبر فردی در نگاه آیت‌الله جوادی یعنی هر کس شخصا موظف به صبر است؛ و صبر جمعی یعنی با هم صبر کردن و تبادل صبر داشتن، انسان در کارهای اجتماعی باید با سایر هم‌نوعان خویش صبر کرده و ضعف دیگران را با صبر خود جبران کند، ایشان معتقد است صبر گروهی مرحله برتر صبر است که اگر تحقق یابد سبب استواری و قوت نظام اجتماعی می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۶۹)

۳. سیر تکون تا تکامل جوامع در قرآن

با توجه به سیری که بر اساس قرآن کریم برای جوامع تعریف نموده مرابطه‌ای که در آیه شریفه مطرح است مربوط به جامعه تکامل یافته است لذا لازم است سیر رشد جوامع از تکون تا تکامل بررسی شود.

الف) مدنی بالطبع بودن انسان

انسان فطرتا اجتماعی به وجود آمده، به گواه تاریخ و آثار به جای مانده از نخستین انسان‌ها نوع انسان فطرتا به صورت اجتماعی خلق شده و همواره در روی زمین از آغاز تا کنون به صورت اجتماعی زیسته است (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴ / ۹۲) علامه ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره نیز بر این نکته تأکید نموده‌اند که نوع انسانی فطرتا بر اجتماع و تعاون خلق شده است (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۲ / ۱۱۱)

اصل اجتماعی بودن برای ساختار انسان، طبیعی است نه اضطراری، هرچند تعادل متقابل، پذیرش قانون عدل مدار، قبول محکمه حق محور و مانند آن، نسبت به فطرت وی طبیعی و نسبت به طبیعت طین زده او تحمیلی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ۲۴) ایشان سپس به سخن خواجه نصیر اشاره می‌کند که واژه انسان از ریشه «اُنس» است؛ یعنی خصلت طبیعی او زندگی با همنوعان است و ریشه تمدن، مدینه است؛ به این معنا که زندگی اجتماعی جز از طریق تعاون امکان پذیر نیست. او ناچار است که در جامعه برای رفع نیازهای خویش با همنوع خود زندگی کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ۲۵)

انسان به جهت بهره‌گیری از دیگران و به استخدام درآوردن آنان به اجتماع روی آورده است. انسان چون می‌بیند همنوعان او همانند وی در پی سودجویی و منافع خود هستند، به قانون مشترک تن می‌دهد تا به مقدار لازم به آن‌ها نفع برساند و از آنان سود جوید و از طریق مسالمت آمیز و در پرتو مقررات به هدف خود برسد، بنابراین او بر اثر طبیعت اولی که در نهاد و نهان دارد، فرشته‌خو و متمدن نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ۴۲)

در نتیجه متمدن بالطبع یا مستخدم بالطبع بودن انسان، منوط به چگونگی تفسیر تمدن و مدنیت است. اگر تمدن به معنای دینداری و عدل محوری باشد، انسان طبیعی به این معنا مدنی بالطبع نیست؛ اما چنانچه به معنای زندگی جمعی باشد، انسان مدنی بالطبع است، زیرا در اصل طبع خود، مستخدم بالطبع است و طبیعت استخدام‌گرایی وی او را به سمت زندگی اجتماعی می‌کشاند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ۴۳)

ب) ریشه تکون نهادهای اجتماعی

هر فردی از فرد و یا افراد دیگر همان را می‌خواهد، که آن دیگران از او می‌خواهند، همانطور که او می‌خواهد از دیگران بهره‌کشی کند، باید اجازه دهد دیگران هم به همان اندازه از او بهره‌کشی کنند، در نتیجه انسان پی برد باید اجتماعی مدنی و تعاونی تشکیل دهد، و بعد از تشکیل اجتماع فهمید که دوام اجتماع، و در حقیقت دوام زندگی منوط بر این است که اجتماع به نحوی استقرار یابد که هر صاحب حقی به حق خود برسد، و مناسبات و روابط

متعادل باشد و این همان عدالت اجتماعی است حکم بشر به اجتماع مدنی و عدل اجتماعی حکمی است که اضطرار، بشر را مجبور کرد به این که آن را بپذیرد، چون اگر اضطرار نبود هرگز هیچ انسانی حاضر نمی شد دامنه اختیار و آزادی خود را محدود کند، این است معنای آن عبارت معروف که می گویند "الانسان مدنی بالطبع" است (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۱۱۷/۲)

ج) چگونگی تکون نهادهای اجتماعی

اولین نهاد اجتماعی شکل گرفته در جوامع انسانی نهاد خانواده است که با ازدواج تحقق یافته و عامل طبیعی جهاز تناسلی انسان بستر اصلی برای شکل گیری این نهاد اجتماعی در جوامع بشری بوده است که برای تحقق آن نیاز به دوفنر است اما سایر نیازهای طبیعی انسان موجب شد بر اساس قاعده استخدام افراد دیگر را نیز برای رفع نیازهای خود به خدمت بگیرد و لازمه چنین امری بسط سلطه و تحمیل اراده شخص قوی تر بر ضعیف تر بود، که این روش به صورت مفهوم ریاست تجلی یافت و از نهادهای اجتماعی کوچک تر مثل خانواده و عشیره شروع شد تا نهادهای بزرگتری چون قبیله و امت که به صورت طبیعی کسی که قدرت، مال، شجاعت و فرزند بیشتری داشت رئیس می شد تا آن جا که هرکس دانایی بیشتری برای حکومت و سیاست داشت به ریاست رسید. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/ ۹۳)

د) تکامل جوامع

بعد اجتماعی روح انسان مانند سایر خصلت های روحی و ادراکی انسان دارای قابلیت رشد و نمو و تکامل است این ویژگی انسان از ابتدا کامل نبوده و همراه با تکامل مادی و معنوی انسان کامل می شود و اساسا تفاوتی میان این ویژگی ماهوی با سایر ویژگی های روحی انسان نیست و مانند دیگر خصلت ها که مرتبط با قوه علم و اراده به تدریج تکامل می یابند بعد اجتماعی روح انسان نیز بر محور رشد علم و اراده تکامل می یابد... (طباطبائی،

۱۳۹۰ش: ۹۲/۴)

تجربه‌های پی‌درپی که در سایر انواع موجودات شده به‌طور قطع ثابت کرده که هر نوع از انواع موجودات در سیر تکاملی خود متوجه به‌سوی هدفی است که متناسب با خلقت و وجود او است و نظام خلقت او را به‌سوی آن هدف سوق می‌دهد، انسان هم یک نوع از انواع موجودات است و از این قانون کلی مستثنا نیست.... اسلام هدف نهایی نوع بشر و کمالی است که بشر با غریزه خود روبه‌سوی می‌رود، چه توجه به این سیر خود داشته باشد و یا نداشته باشد، عاملی که ظهور و رسوخ سنت‌های اجتماعی بدان نیازمند است، عزم قاطع آورنده و همت بلند است که در راه رسیدن به هدفش دچار سستی و خستگی نگردد (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۱۳۲/۴) طلب سعادت حقیقی در فطرت نوع انسان به ودیعه سپرده شده و سعادت حقیقی انسان تسلط بر کرسی جسم و جان و تسلط بر حیات اجتماعی خویش با حظی است که می‌تواند از سلوک خود در دنیا و آخرت بگیرد، این همان اسلام و دین توحید است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۱۳۱/۴)

در نتیجه انسان فطرتاً اجتماعی خلق شده و همواره در روی زمین از آغاز تا کنون به صورت اجتماعی زیسته است، اجتماعی بودن انسان ریشه در خصلت استخدام و برای رفع نیازهای یکدیگر است و طبیعت استخدام‌گرایی وی او را به سمت زندگی اجتماعی کشانده است اولین نهاد اجتماعی شکل گرفته در جوامع انسانی نهاد خانواده است که با افزایش نیازها نهادهای بزرگ‌تر نیز به مرور شکل گرفته همچنین بعد اجتماعی روح انسان مانند سایر خصلت‌های روحی و ادراکی انسان دارای قابلیت رشد و نمو و تکامل است و هر نوع از انواع موجودات در سیر تکاملی خود متوجه به‌سوی هدفی است که متناسب با خلقت و وجود او است و نظام خلقت او را به‌سوی آن هدف سوق می‌دهد طلب سعادت حقیقی در فطرت نوع انسان به ودیعه سپرده شده و رسیدن به آن با تسلط بر حیات اجتماعی حاصل می‌شود که دستور مرابطه در آیه شریفه برای تحقق این سعادت در حیات اجتماعی مومنان است.

۴. بعد اجتماعی اسلام

اسلام دینی دارای ماهیت اجتماعی است و احکام آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم اجتماعی است.

الف) اهتمام قرآن به جایگاه جامعه

تعبیری در قرآن هست که از مجموع آن‌ها می‌توان مفهوم جامعه را به دست آورد؛ مانند قوم، قبیله، قریه، طائفه، ملت، امت و ناس که مفهوم جامعه را می‌رسانند. برخی از این واژه‌ها در قرآن بسیار تکرار شده که این خود، بر اثر تلازم یا تداعی یاد شده، نشان اهتمام قرآن به جایگاه جامعه است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۳۴) از منظر قرآن کریم جامعه نیز مانند فرد زنده است و دارای علائم حیاتی مانند وجود و عمر و کتابیو حتی شعور و فهم و عمل و اطاعت و معصیت است (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۹۶/۴)

ب) اجتماعی بودن احکام اسلام

دین اسلام توجه خاصی به مسائل اجتماعی دارد و تنها دینی است که بنیانش بر اجتماع بنا شده علی‌رغم گستره دامنه اعمال انسان به اجناس و انواع و اصناف غیرقابل شمارش دین اسلام همه احکام خود را بطور شگفت‌آوری بر آن اعمال، بسط و گسترش داده و همه این احکام را در قالب‌های اجتماعی ریخته است و روح اجتماع را به نهایت درجه امکان در کالبد احکامش دمیده است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۹۴/۴)

شدت اهتمام اسلام به امور اجتماعی نظیرش در هیچ یک از ادیان و سنن ملت‌های متمدن نیست، اسلام مهم‌ترین احکام و شرایع خود از قبیل حج و جهاد و نماز و انفاق را و خلاصه تقوای دینی را بر اساس اجتماع قرار داده و علاوه بر این که قوای حکومت اسلامی را حافظ و مراقب تمامی شعائر دینی و حدود آن کرده و علاوه بر این که فریضه دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از تمامی منکرات را بر عموم واجب نموده، به همین جهت اهتمام به امر اجتماع در حکومت و نظام اسلامی بیش از هر نظام دیگر است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۹۴/۴)

اسلام در تمام احکامش جهات اجتماعی را لحاظ کرده البته در هر یک از موارد متناسب با آن مورد نوع اجتماعیت حکم رعایت شده است. در برخی موارد به صورت مستقیم حکمی اجتماعی تشریح شده و در برخی موارد به صورت غیر مستقیم، در مسئله جهاد، اجتماعی بودن را به طور مستقیم تشریح کرده و دستور داده حضور در جهاد و دفاع به آن مقداری که دشمن دفع شود واجب است و در روزه و حج فرموده بر هر کسی که مستطیع و قادر به انجام آن دو باشد و عذری نداشته باشد واجب است که لازمه آن اجتماع مردم برای روزه و حج است. در روز عید فطر، این اجتماع به حد کامل می‌رسد، و نیز وقتی مکلف به زیارت خانه خدا گردید قهرا با سایر مسلمانان یک جا جمع می‌شود، و در روز عید قربان این اجتماع به حد کامل می‌رسد یا نمازهای پنجگانه یومیه که بر هر مکلفی واجب کرده، و جماعت را در آن واجب نساخته، اما این رخصت را در روز جمعه تدارک و تلافی کرده و اجتماع برای نماز جمعه را بر همه واجب ساخته، این هم یک نوع دیگر اجتماعیت است... به جماعت خواندن نمازهای یومیه را مستقیماً واجب نکرده ولیکن آن قدر سفارش بدان نموده و از ترک آن مذمت کرده که به جای آوردنش سنت شده، و بر مردم لازم کرده که بطور کلی سنت را اقامه کنند (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/۱۲۷)

۵. قلمرو بعد اجتماعی اسلام

اسلام ابعاد اجتماعی را در همه معارف اساسی خود در قوانین عبادات، معاملات، سیاسات لحاظ کرده و بر این می‌توان از اجتماعیت اسلام سخن گفت، (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/۱۲۷)

از منظر آیت الله جوادی نیز مهم‌ترین شاهد برای اجتماعی بودن اسلام این است که در متون دینی (کتاب و سنت) مسائل اخلاقی و احکام به صورت اجتماعی تشریح شده است... پس بی‌تردید تعالیم اسلام حتی در مسائل اعتقادی و اخلاقی و احکام فقهی و حقوقی به ابعاد اجتماعی نظر دارد و شئون اجتماعی اسلام از امور بدیهی بوده و به استدلال

نیاز ندارد. با نگاه به تعالیم و دستوره‌های آسمانی اسلام می‌توان ابعاد اجتماعی آن را با سه منظر کلی بررسی کرد:

۱. بخشی از احکام و تعالیم اسلام به گونه‌ای است که اجرا و اقامه آن‌ها بی‌شکل‌گیری جامعه و حضور مردم در عرصه اجتماعی، مقدور و میسر نیست؛ نظیر جهاد، حج، نماز جمعه، ادای امانت، امر به معروف و نهی از منکر...

۲. در برخی تعالیم اسلام به اجتماع تصریح نشده است؛ لیکن شارع نامستقیم حضور مردم را لازم شمرده است؛ مانند نماز جماعت، رسیدگی به مشکلات دیگران، عیادت بیماران، برآوردن حاجات مسلمانان، پرهیز از تعاون بر اثم و عدوان، تعاون بر قسط و عدل، تشییع جنازه، دادن قرض الحسنه به یکدیگر...

۳. دستورها و تعالیم کلی اسلام یعنی خطوط کلی اسلام، مهم‌ترین بخش دین است که اجتماعی است. در مباحث پیشین به این نکته اشاره شد که انبیای الهی دو کار اساسی کرده‌اند: جامعه را شکوفا ساختند؛ متفکران را به جامعه‌شناسی ترغیب و تشویق کردند. اجتماعی بودن خطوط اصلی و کلی دین بدین معناست که بر مبنای فطرت انسانی، اساس اسلام، اجتماعی یعنی در جامعه اجرا شدنی است. گذشته از این که بخش عظیمی از اصول و کلیات دین، اجتماعی است، جنبه‌های عبادی و اخلاقی آن نیز در این راستا تشریح شده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۲۱۵)

در نتیجه ماهیت اسلام دینی اجتماعی است و اسلام تنها دینی است که بنیانش بر اجتماع بنا شده، علی‌رغم گستره دامنه اعمال انسان به انواع غیرقابل شمارش دین اسلام همه احکام خود را بر همه آن‌ها گسترش داده و همه این احکام را در قالب‌های اجتماعی ریخته است و روح اجتماع را به نهایت درجه امکان در کالبد احکامش دمیده است. در برخی موارد به صورت مستقیم حکمی اجتماعی تشریح شده و در برخی موارد به صورت غیر مستقیم، قوانین اجتماعی اسلام از بروز اختلاف‌های شدید که مایه تباهی و ویرانی جامعه است جلوگیری می‌کند و تحقق کامل آن با پیاده‌سازی رابطه در جامعه اسلامی تأمین‌کننده

سعادت جامعه است.

۵. تطبیقی بر آیات

آیه ۲۰۰ آل عمران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۲۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و بایکدیگر مرابطه داشته باشید و از خدا پروا نمایید امید است که رستگار شوید (۲۰۰)

سوره آل عمران به اتفاق تمام مفسران و دانشمندان علوم قرآن مدنی است. این سوره بعد از سوره انفال و قبل از سوره احزاب، هشتاد و نهمین سوره‌ای است که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد. (زرکشی، ۱۴۱۰ق: ۲۸۱/۱، بهجت پور، ۱۳۹۴ش: ۳۹۶)

سوره مبارکه «آل عمران» هم اصول معارف دینی را دربر دارد و هم بسیاری از مسائل فرعی دین را مطرح فرموده است. آیات مربوط به اصول معارف دین، مانند آیات توحیدی: (شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...) و (قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ...) و آیات مربوط به وحی و رسالت، مانند آیه مباهله و آیه (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ...). آیات مربوط به فروع دین، مانند آیات جهاد که بسیاری از آن‌ها در این سوره آمده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۸۰)

آیات ۱ - ۱۸: قطعی بودن انتقام الهی از کافران به آیات، و نقش تقوا در ایجاد مقاومت در برابر زینت‌های دنیا (بهجت پور، ۱۳۹۴ش: ۳۹۷) آیات ۱۹ - ۹۹: آسیب‌شناسی و انتقاد از اهل کتاب به ویژه مسیحیان. آیات ۱۰۰ - ۱۲۰: توصیه به مؤمنان و راهنمایی آنان درباره اهل کتاب. آیات ۱۳۸ - ۱۵۸: راهنمایی مؤمنان درباره عوامل و حکمت‌های شکست در جنگ (همان ۳۹۹). آیات ۱۷۶ - ۲۰۰: بیاناتی در جهت ایجاد شکیبایی و استمرار استقامت و مراقبت بر مرزهای اعتقادی و اسلامی (همان ۴۰۱)

یکی از مبانی آیت الله جوادی آملی در فهم کلیت یک سوره قاعده «رد العجز الی الصدر» است بر همین اساس ایشان ارتباط آیه آخر با اولین آیه و سایر معارف سوره را چنین تبیین فرموده‌اند: یکی از فنون ادب و بلاغت آن است که پایان گفتار یا نوشتار، عصاره معارف و

مسائل مطروح در متن مقال یا مقالت باشد. این نکته ادبی و بلاغی از نظر قرآن کریم دور نمانده است، از این رو آیات پایانی این سوره مبارکه چکیده‌ای از مطالب و معارف سوره را در خود گردآورده و آخرین آیه آن نیز دورنمایی از معارف اصولی و مسائل فرعی مطرح شده در سوره را به تصویر کشیده و راه رسیدن به آن‌ها را فراسوی سالکان راستین رسم فرموده است. اطلاق (اصبروا)، (صابروا) و (رابطوا) هر دو بخش اصول معارف و مسائل فرعی مطرح شده در سوره را دربرمی‌گیرد، (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۸۰)

آیه مورد بحث با مجموع آیات این سوره ارتباط و پیوند مفهومی دارد و در واقع راه دستیابی به همه معارف سوره است، چون در این سوره اصول معارف دینی و بسیاری از مسائل فروع دین مطرح شده است که لازمه فراگیری آن‌ها داشتن ملکه صبر و استقامت است، از این رو خداوند در آیه پایانی سوره به صبر، مصابره، رابطه و تقوا فرمان داده است، بنابراین آیه مورد بحث به منزله ارائه راه حل برای نیل به مطالب این سوره است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۱) فرمان خداوند سبحان به صبر، مصابره، رابطه و تقوا در این آیه، توصیه‌ای راجع به تحمّل فراگیری همه معارف و مسائل این سوره است تا فلاح نهایی که ثمر اندیشه‌های صائب و انگیزه‌های صالح است، حاصل شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۶۹)

علاوه بر آنچه آیت الله جوادی در ارتباط با این آیه ۲۰۰ و سایر آیات فرمودند می‌توان گفت در آیات قبل خداوند، پیامبر را از انفعال در برابر کفار بر حذر داشته و اهل کتاب را گونه‌شناسی می‌کند، گروهی از اهل کتاب که واقعا ایمان دارند در مقابل گروهی که دین فروشی می‌کنند، به نظر می‌رسد پس از دشمن‌شناسی و راهکارهای مقابله با دشمن در انتهای سوره خداوند راهکارها و چگونگی ارتباط و حیات جمعی در جامعه مومنانه را در برابر جامعه کفر و شرک ترسیم نموده را مؤمنین را مکلف به جامعه‌سازی بر محور قرآن و رسول می‌کند.

شأن نزول

در شأن نزول آیه شریفه روایاتی نقل شده که مبین معنا یا مصداق مرابطه است، مقصود از مرابطه در آیه شریفه بر اساس روایات، انتظار برای نماز، مرابطه با ائمه، جهاد و مرزبانی و امر بیهوده معروف ونهی از منکر است.

الف) انتظار برای نماز

از رسول خدا ﷺ روایت شده که به ابوذر فرمود: آیا میدانی آیه اصبروا... در چه چیزی نازل شده؟ ابوذر فرمود: پدر و مادرم فدایت، معنایش را من نمی‌دانم، پیامبر خود فرمود: یعنی در انتظار نمازی برای نماز بعد بودن، سپس فرمود: ای اباذر کثرت رفت و آمد به مساجد همان مرابطه مطرح شده در آیه است. (طبرسی، ۱۳۷۰ ش: ۴۶۷، مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰/۳۷۰) مرحوم طبرسی نیز در مجمع البیان روایاتی ذیل آیه شریفه از اهل بیت و صحابه نقل کرده، بر اساس روایتی از پیامبر ﷺ و روایتی از امیرمؤمنان علی ﷺ مراد از رابطوا منتظر ماندن برای نمازها یکی بعد از دیگری است. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۲/۹۱۸)

قمی در روایت دیگری از امام رضا ﷺ روایت کرده که در روز قیامت هنگامی که ندا می‌دهند، صابرین کجا هستند؟ عده‌ای از مردم بلند می‌شوند، و هنگامی که ندای دهند متصبرون کجا هستند؟ عده دیگری بر می‌خیزند، راوی می‌پرسد این دو گروه چه کسانی هستند؟ حضرت در جواب می‌فرماید: صابرون کسانی هستند که بر ادای فرائض صبر کردند و متصبرون کسانی هستند که بر اجتناب از محارم صبر کردند (قمی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۱۲۹)

برخی مفسران بر اساس روایات گذشته آیه را به این دلیل که در زمان رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم مرابطه به معنای مرزداری، موضوعاً منتفی بوده است، به معنای انتظار برای نماز اختصاص داده‌اند، گرچه روح ترابط عبادی و در مسجد به انتظار فرا رسیدن وقت نماز بعدی نشستن فضیلتی انکارناپذیر است؛ اما نظام زندگی بر این بنا نشده است که انسان چندین ساعت وقت خویش را در مسجد بگذراند و در امور اقتصادی محتاج بیگانگان باشد؛

علاوه آن که کار و تلاش تجاری، زراعی، صناعی و مانند آن با عبادت و ارتباط با خدا منافات ندارد. بیع و تجارت مردان الهی را از یاد خدا باز نمی‌دارد: (رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ... (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ۱۶ / ۷۸۶) اطلاق مرابطه به معنای انتظار برای نماز برای آن است که این عمل راه نفوذ شیطان را از نفس آدمی سد می‌کند و مانع از شهوات می‌شود که همان جهاد اکبر است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ۱۶ / ۷۹۲) در نتیجه انتظار بعد از نمازی برای فرارسیدن وقت نماز بعدی، مصداق منحصر مرابطه نیست، بلکه مرابطه مصادیق نظامی، اجتماعی و مانند آن نیز دارد، گرچه در زمان خاصی مانند برهه‌ای از صدر اسلام، زمینه امثال آن در مسائل نظامی یا اجتماعی نبوده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ۱۶ / ۷۸۷)

همچنین صبر بر نمازهای پنج‌گانه، صبر بر مصیبت‌ها، صبر از گناهان، صبر بر همه واجبات، صبر بردین و صبر بر تحمّل آزار و اذیت در راه اولیای خدا و ائمه هدی علیهم‌السلام همگی از مصادیق عموم و اطلاق امر (اصبروا) است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ۱۶ / ۷۸۸)

ب) جهاد و مرزبانی

تفسیر قمی شخصی از امام سجاد علیه‌السلام از شأن نزول این آیه ۲۰۰ آل عمران را می‌پرسد حضرت می‌فرماید: مرابطين از نسل ما خواهند بود. (قمی، ۱۴۰۴ ق: ۲ / ۲۳) ظاهراً مرابطه در این روایت به معنای جنگ و جهاد است. لذا مرزداران را نیز از همین جهت مرابطون می‌گفتند. شاید مقصود امام این بوده که مرابط و آن جنگی که به آن امر شده‌ایم هنوز زمانش نرسیده است؛ از نسل ما یک گروه مجاهدی خواهد آمد که رسالت آنان مجاهدت و جنگ است.

همچنین از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده که مراد از صبر در آیه صبر بر مصائب و دشمنان و لشکر کشی در مقابل دشمنان است.. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۲ / ۹۱۸) در روایتی نیز شأن نزول آیه، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علی بن ابیطالب علیه‌السلام و حمزه سیدالشهداء دانسته شده است (کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۹۹) که باتوجه به جهاد آنان در مقابل کفار است.

صبر بر دین، صبر بر وعده الهی، صبر بر جهاد و لشکر کشی در برابر دشمنان نیز روایات دیگری است که طبرسی از صحابه در معنای آیه نقل کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲/ ۹۱۸)

رباط به معنی مرزداری و محافظت از مرزها و آمادگی دائم برای صیانت از حدود و ثغور اسلامی، از مصادیق آیه و مربوط به گروهی خاص و زمانی مخصوص است... معنای دیگر رباط، ایجاد رابطه با آحاد و افراد جامعه است که بر پایه آیه (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) شکل می‌گیرد. مهم‌تر از آن، که از بارزترین مصادیق آیه است، ارتباط با امام و اولیای دین و ائمه معصومین علیهم‌السلام است که اگر حاصل شود، تضمین‌کننده سعادت و سیادت دنیا و آخرت مردم و نظام اسلامی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶/ ۷۹۲)

ج) ارتباط با ائمه و اطاعت از آنان

مرابطه با ائمه از جمله شان نزول‌هایی است که برای مرابطه نقل شده و می‌توان گفت بارزترین و کامل‌ترین مصداق مرابطه نیز، ارتباط با اولیای دین و امامان معصوم علیهم‌السلام است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶/ ۷۷۰)

عیاشی روایات متعددی با این مضمون نقل کرده که مراد از مرابطه بر قراری مرابطه با ائمه علیهم‌السلام است. علامه مجلسی مرابطه با ائمه را اطاعت از ائمه و انقیاد نسبت به آنان و انتظار فرج آنان دانسته که نوعی معارضه و مبارزه با دشمنان اهل بیت است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۸/ ۸۰)

همچنین در تفسیر قمی از امام صادق علیه‌السلام صبر در مصائب معنای «اصبروا» صبر بر فرائض معنای «صابرو» و مرابطه با ائمه اهل بیت معنای «رابطوا» دانسته شده است. (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱/ ۱۲۹)

مرابطه با ائمه اگر حاصل شود، تضمین‌کننده سعادت و سیادت دنیا و آخرت مردم و نظام اسلامی است. بنابراین برقراری رابطه و ایجاد جامعه‌ای منسجم زیر لوای اولیای دین خدا نخستین وظیفه اسلامی و دینی است و این سخن که پیش از استقرار نظام، جامعه‌ای

نیست تا بدان پیوندیم، نارواست، زیرا هم باید جامعه را ساخت و هم جامعه ساخته شده را حفظ کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۹۲)

البته این که در برخی روایات مراد از (رابطوا) ارتباط با ائمه اطهار علیهم السلام است از باب «جری و تطبیق» است نه تفسیر، زیرا هنگام نزول آیه شریفه، شخص پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زمامدار مسلمانان بوده است و این که مسلمانان در هر عصری باید با امام و رهبر خود رابطه داشته باشند از مصادیق رابطه است؛ اما تبیین و تفسیر مصداق شایع آن، ارتباط مسلمانان با یکدیگر است. بار معنوی فرمان رابطه در پرتو همکاری اجتماعی متجلی است و سعادت و رستگاری جامعه بی روح تعاون و پیوند اجتماعی کامل نخواهد بود، از همین رو بعد از فرمان رابطه می فرماید: (وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ). (صابروا) نیز به صبر و تحمل اجتماعی اشاره دارد، بنابراین دو واژه (صابروا) و (رابطوا) به جنبه اجتماعی اسلام نظر دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۲۱۳)

د) امر به معروف و نهی از منکر

عیاشی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه نقل کرده مراد این است که امر بمعروف و نهی از منکر کنید، سپس اضافه نمود چه کار زشتی بالاتر از ستم بر ما اهل بیت و کشتن ما است؟ رابطوا یعنی ارتباط در راه خدا داشته باشید و راه بین مردم و خدا ما هستیم، ما مرزهای نزدیکیم هر کس از ما دفاع کند دفاع از پیامبر و شریعت او نموده (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱ / ۲۱۲)

یکی از مصادیق رابطه اصل امر به معروف و نهی از منکر و اجرای آن توسط مردم و حاکمیت است علامه طباطبائی معتقد است اسلام ضمانت اجرای تمامی احکامش را به عهده اجتماع گذاشت، (چه احکام مربوط به عقاید را و چه احکام مربوط به اخلاق و اعمال را) علاوه بر این که حکومت و مقام ولایت اسلامی را نیز مأمور کرد تا سیاست و حدود و امثال آن را با کمال مراقبت و تحفظ اجرا کند (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴ / ۱۰۱) مؤمنین نسبت اجتماع، مانند دیده بانانی هستند که اجتماع خود را بسوی خیر سوق می دهند، یعنی امر به معروف و نهی از منکر نموده، حدود خدایی را حفظ می نمایند و اوصاف اجتماعی آن‌ها را که

ناشی از ایمان آنان است، بیان نموده که مؤمنان با امر به معروف و نهی از منکر اجتماع صالحی را به وجود می‌آورند (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۹ / ۳۹۶)

در نتیجه شأن نزول‌های گوناگونی برای آیه شریفه نقل شده، براین اساس رابطه مصادیق فراوان نظامی، اجتماعی و... دارد، مانند انتظار بعد از نمازی برای فرارسیدن وقت نماز بعدی، آمادگی و پا به رکاب بودن در راه خدا، مرزداری و محافظت از مرزها و آمادگی دائم برای صیانت از حدود و ثغور اسلامی، ایجاد رابطه با آحاد و افراد جامعه و ارتباط با اولیای دین و امامان معصوم علیهم‌السلام، امر به معروف و نهی از منکر اما مفهوم آیه ارتباط مسلمانان بایکدیگر و همکاری‌های اجتماعی در راستای جامعه‌سازی بر محور دین است. همه این روایات می‌تواند مصادیق اوامر سه‌گانه باشد. علامه طباطبائی معتقد است اطلاق اوامر سه‌گانه در آیه، علت تفاوت این روایات است، چراکه این اطلاق شامل همه این مصادیق می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴ / ۱۳۳) آیت‌الله جوادی نیز معتقد است همه این روایات از باب تطبیق و بیان مصداق است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۸۶)

مفهوم عام آیه، ایجاد رابطه با آحاد و افراد جامعه دینی در همه شئون است و اطلاق اوامر سه‌گانه در آیه علت تفاوت این روایات است و همه این روایات از باب تطبیق و بیان مصداق است.

۶. جایگاه رابطه در جامعه‌سازی دینی

از منظر علامه طباطبائی رابطه در آیه مورد نظر شریفه ۲۰۰ آل عمران فرمانی بر ایجاد اجتماع و برقرار کردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها و افعال و کارهای آحاد جامعه در همه شئون زندگی است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴، ۹۲)

از منظر آیت‌الله جوادی اگر مصابره جایگزین صبر فردی شود و رابطه جای حراست و نگهداری انفرادی از مرزهای دینی را بگیرد، نقص ناشی از رنجش و خستگی بعضی با توانمندی و پایداری افراد دیگر ترمیم خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۵)

قوانین اجتماعی اسلام از بروز اختلاف‌های شدید که مایه تباهی و ویرانی جامعه است

جلوگیری می‌کند از منظر قرآن کریم آحاد جامعه باید از منظر فکری ترابط داشته باشند و افکار خود را به هم پیوند داده و محکم کنند و در تعلیم و تعلم به هم درآمیزند، تا از خطر هر حادثه فکری و هر شبهه‌ای که از ناحیه دشمن القا می‌شود به وسیله آیاتی که برایشان تلاوت می‌شود راحت گردند، که تدبر در آن آیات ریشه هر شبهه و هر مایه اختلافی را می‌خشکاند (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/۱۳۰) متأسفانه ما مسلمانان در عصر حاضر اجتماع فکری و تفکر اجتماعی و آزادی عقیده را از دست داده‌ایم... و سیره کلیسا بر ما حاکم گشته و به دنبالش دل‌هایمان از هم جدا گردیده و ضعف و سستی عارضمان شده، مذهب‌ها مختلف، و مسلک‌ها گوناگون شده است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/۱۳۱)

بر این نقش مرابطه در جامعه دینی اتصال و ارتباط فکری و عملی مؤمنین در همه شوون بر محور دین است که این هم افزایی اجتماعی موجب تکامل جامعه و رفع نقائص فردی خواهد شد.

مرباطه چون شامل همه همکاری‌های اجتماعی از جمله همکاری در زمینه صبر است اعم از صبر اجتماعی (صابرو) و صبر فردی (اصبرو) است. و میان این سه ارزش ارتباطی تشکیکی در قوت و ضعف است یعنی صبر فردی مرحله‌ای پایین‌تر است و صبر جمعی قوت بیشتری داشته و مرابطه کمال آن است.

از منظر علامه طباطبائی صبر امری فردی و مصابره صبر به صورت دسته جمعی است، مرابطه اما اعم از مصابره است یعنی هم شامل صبر دسته جمعی است و هم شامل سایر همکاری‌ها و هم افزایی‌های اجتماعی در حوزه دین در همه شوون زندگی است (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/۹۲)

آیت‌الله جوادی معتقد است امر (اصبرو) ناظر به صبر فردی و به این معناست که هر کس موظف به صبر است؛ اما (صابرو) ناظر به صبر جمعی و به معنای با هم صبر کردن است و به مؤمنان می‌فرماید: صبرهایتان را با هم تبادل کنید؛ نه این که هر یک به تنهایی صبر کنید، زیرا صبر هراسانی محدود است و برخی زود می‌رنجند و خسته می‌شوند، پس طبق فرمان (اصبرو)

وصایرو) انسان موظف است در کارهای فردی صبر انفرادی پیشه کند و در کارهای اجتماعی نیز با سایر هم‌نوعان خویش صبر کرده و ضعف دیگران را با صبر خود جبران کند، چنان‌که ضعف او نیز با صبر دیگران جبران خواهد شد. «مصایره» در برابر رقیب (مصایره خارجی) به معنای استقامت در قبال پایداری طرف مقابل است و در کار خیر جمعی (مصایره داخلی) به معنای روی هم قرار دادن صبرها و با هم صبر کردن و کمک کردن به صبر دیگران و ترمیم ضعف‌های فردی با توان جمعی و ترمیم ناشکیبایی یکدیگر به حلم و بردباری خود است. صبر گروهی مرحله برتر صبر است که اگر تحقق یابد سبب استواری و قوت نظام اجتماعی می‌گردد. «مربطه» نیز معنایی مشابه همین معنا دارد و طبق این معنا اگر مصایره جایگزین صبر فردی شود و مربوطه جای حراست و نگهبانی انفرادی را بگیرد، نقص ناشی از رنجش و خستگی بعضی با توانمندی و پایداری افراد دیگر ترمیم خواهد شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶/ ۷۷۰)

در نتیجه مربوطه شامل همه همکاری‌های اجتماعی از جمله همکاری در زمینه صبر است اعم از صبر اجتماعی (صایرو) و صبر فردی (اصبرو). میان سه ارزش صبر، مصایره و مربوطه ارتباطی تشکیکی در قوت و ضعف است، یعنی صبر فردی مرحله‌ای پایین‌تر است و صبر جمعی قوت بیشتری داشته و مربوطه کمال آن است. طبق فرمان (اصبرو و صایرو) انسان موظف است در کارهای فردی صبر انفرادی پیشه کند و در کارهای اجتماعی نیز با سایر هم‌نوعان خویش صبر کرده و ضعف دیگران را با صبر خود جبران کند صبر گروهی مرحله برتر صبر است که اگر تحقق یابد سبب استواری و قوت نظام اجتماعی می‌گردد و مربوطه سبب اتصال همه قوای جامعه و پایداری جامعه در راستای نیل به فلاح اجتماعی خواهد شد.

تقوا تکمیل‌کننده صبر و مصایره و مربوطه است و پیاده‌سازی این سه در جامعه زیر سایه تقوا جامعه رابه فلاح تام می‌رساند.

در نگاه علامه طباطبائی با توجه به این‌که مراد از امر به صبر و مصایره و مربوطه رسیدن به حقیقت سعادت و رستگاری در دنیا و آخرت است و با این امور انسان به بخشی از سعادت

دنیوی و آخروی می‌رسد نه تمام آن برای اکمال سعادت در ادامه دستور به تقوا داد که رستگاری تام حقیقی است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/۹۲)

آیت‌الله جوادی معتقد است بار معنوی فرمان رابطه در پرتو همکاری اجتماعی متجلی است و سعادت و رستگاری جامعه بی‌روح تعاون و پیوند اجتماعی کامل نخواهد بود، از همین رو بعد از فرمان رابطه می‌فرماید: (وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ). (صابروا) نیز به صبر و تحمل اجتماعی اشاره دارد، بنابراین دوواژه (صابروا) و (رابطوا) به جنبه اجتماعی اسلام نظر دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۲۱۳) همچنین فرمان خداوند سبحان به صبر، مصابره، رابطه و تقوا در این آیه، توصیه‌ای راجع به تحمل فراگیری همه معارف و مسائل این سوره است تا فلاح نهایی که ثمر اندیشه‌های صائب و انگیزه‌های صالح است، حاصل شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶/۷۶۹)

از منظر آیت‌الله جوادی علت ذکر تقوا آن است که روشن شود اطاعت از او امر سه‌گانه فقط اختصاص به فلاح در دنیا ندارد و شامل آخرت نیز می‌شود چرا که آیه با خطاب به مؤمنان راجع به صبر و مصابره و رابطه آغاز می‌شود و با فرمان به تقوا پایان می‌پذیرد و ثمره آن که فلاح است بازگو می‌شود تا کسی نپندارد فرمان (اصبروا)، (صابروا) و (رابطوا) تنها برای بهره دنیوی است، بلکه صبر، مصابره و رابطه همراه تقوا، خیر دنیا و سعادت آخروی را به ارمغان می‌آورد و از مجموع خیر و سعادت دنیایی و آخرتی به «فلاح» تعبیر می‌شود. بر این، هر که برای رسیدن به منافع دنیوی محض صبر کند، به امر (اصبروا) عمل نکرده است و به «فلاح» نخواهد رسید، زیرا خداوند به صبر در سایه تقوا فرمان داده است. فصل مقوم احکام مزبور (صبر، مصابره و رابطه) همان تقواست و پروای الهی (تقوا) در هر موردی حکمی خاص دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶/۷۷۸)

در نتیجه تقوا تکمیل‌کننده صبر و مصابره و رابطه است و پیاده‌سازی این سه در جامعه زیر سایه تقوا جامعه رابه فلاح تام می‌رساند. رستگاری جامعه بی‌روح تعاون و پیوند اجتماعی کامل نخواهد بود و علت ذکر تقوا آن است که روشن شود اطاعت از او امر سه‌گانه

فقط اختصاص به فلاح در دنیا ندارد و شامل آخرت نیز می‌شود.

تأثیر ارزش‌های چهارگانه فوق در اجتماعی بودن جمیع شوون دین اسلام و معارف اساسی اسلام تجلی می‌یابد (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴ / ۱۲۷) که عمل به آن و پیاده‌سازی آن در جامعه موجب حل اختلافات و تضادها و تعارضات اجتماعی منجر به فساد و انحلال جامعه می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴ / ۱۲۹) و جامعه‌ای بر محور معارف حق ایجاد می‌شود که آحاد جامعه بایکدیگر ترابط فکری و عملی دارند و با هم افزایش اجتماعی و وحدت در سایه تقوای جمعی فلاح دنیوی و اخروی را برای جامعه خود به ارمغان می‌آورند. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴ / ۱۳۰)

لذا می‌توان گفت هریک از این ارزش‌ها موجب تقویت و شکوفایی ارزش دیگر شده و دیگری را تکامل می‌بخشد صبر فردی پشتوانه صبر جمعی و صبر جمعی تکامل یافته صبر فردی است که با مرابطه میان آحاد جامعه و امام جامعه بر محور تقوای الهی موجب تحقق و عینیت ارزش‌ها در جامعه می‌شود.

۲ چنانچه اوامر سه‌گانه مطرح در آیه به همراه تقوای الهی در جامعه نهادینه‌سازی شود نتیجه آن فلاح جامعه خواهد بود. صبر، مصابره و مرابطه همراه تقوا، خیر دنیا و سعادت اخروی را به ارمغان می‌آورد و از مجموع خیر و سعادت دنیایی و آخرتی به «فلاح» تعبیر می‌شود.

اما هرکدام از آن‌ها بدون یکدیگر و بدون تقوای الهی منجر به فلاح نخواهد شد. بر این، هر که برای رسیدن به منافع دنیوی محض صبر کند، به امر (اصبروا) عمل نکرده است و به «فلاح» نخواهد رسید، زیرا خداوند به صبر در سایه تقوا فرمان داده است.

فصل مقوم احکام مزبور (صبر، مصابره و مرابطه) همان تقواست و پروای الهی (تقوا) در هر موردی حکمی خاص دارد، چنان که انسان گاهی نباید مقاومت کند، بلکه باید تسلیم شود؛ و آن جایی است که مقاومت بر باطل و در برابر حق باشد.

صبر بر مصیبت نیز تنها در سایه تقوا پسندیده است و مطلق چنین صبوری، یعنی بدون

همراهی تقوا، نمی تواند ممدوح باشد، چون ایستادگی و جزع نکردن در برابر مصیبت بدون تنبّه، صبری نیست که خدا بدان فرمان داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۸)

لازمِ مصابره با تقوا آن است که انسان در مسائل اجتماعی نیز با صبر نظریه دیگران را بشنود و آن را تحمّل کند، زیرا در امور اجتماعی اگر نظریه یک نفر با دیگران موافق نباشد، فرد باید برای طرح آرای دیگران آماده باشد و جلوگیری از نظریه پردازی یا ارائه نظر، با کیان مصابره هماهنگ نیست، وگرنه توافق آرای همگان ممکن نیست و با رأی اقلیت نیز نمی توان هیچ نهاد یا ارگان یا کشوری را اداره کرد و کارهای جمعی را به فرجام رسانید.

به علاوه، اگر کسی نظریات دیگران را در کمال بردباری استماع کند، زمینه استماع افکار خود را برای دیگران هموار کرده است، زیرا هم نوعان وی در خواهند یافت که مصابره او بر اساس تقوا بوده است نه بر مبنای تحمیل رأی خود بر دیگران.

هر سه امر مزبور دارای صفت ممدوح و صفت مذموم است؛ و قرآن کریم جوامع انسانی را با رهنمودی تقوایی به آن صفت ممدوح و محمود فرامی خواند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۹)

بار معنوی فرمان مرابطه در پرتو همکاری اجتماعی متجلی است و سعادت و رستگاری جامعه بی روح تعاون و پیوند اجتماعی کامل نخواهد بود، از همین رو بعد از فرمان مرابطه می فرماید: (وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ). (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۲۱۳)

بر اساس آنچه بیان شد آیه شریفه دستوری برای جامعه سازی بر محور معارف دینی و مبتنی بر هم افزایی و ارتباطات اجتماعی در جمیع شوون دینی است که غایت اوامر مطرح شده در آیه شریفه رساندن جامعه به فلاح و سعادت دنیوی و اخروی است (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۹۱ / ۴)

علامه طباطبائی مطلب دقیقی را از دو کلمه (صابروا و رابطوا) استنباط کرده اند که (صابروا و رابطوا) مستقیم متوجه مؤمنان است؛ به این معنا که صبرهایتان را با هم تبادل کنید؛ نه این که هریک به تنهایی صبر کنید، (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۴)

از منظر آیت الله جوادی نیز (صابروا) و (رابطوا) خطاب به مؤمنان است؛ بدین معنا که با

هم صبر و رباط داشته باشید، زیرا صبر هر انسانی محدود است؛ بعضی زود می‌رنجند و خسته می‌شوند. اگر مصابره جایگزین صبر فردی شود و رابطه جای حراست و نگهبانی انفرادی از مرزهای دینی را بگیرد، نقص ناشی از رنجش و خستگی بعضی با توانمندی و پایداری افراد دیگر ترمیم خواهد شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶/ ۷۷۵)

در نتیجه مخاطب آیه شریفه مؤمنین و آیه دستوری برای جامعه‌سازی بر محور معارف دینی و مبتنی بر هم‌افزایی و ارتباطات اجتماعی در جمیع شوون دینی است.

از آنچه بیان شد روشن می‌شود علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی آملی رابطه را امری در درون جامعه دینی تعریف و رابطه را سازنده اجتماع دینی و خطاب به مؤمنین دانسته‌اند این امر، وظیفه مؤمنین را در برقراری ارتباط فکری و عملی حول محور قرآن و پیامبر و ولی جامعه با اتصال همه قوا به هم و هم‌افزایی اجتماعی برای تحقق اهداف دین روشن می‌کند.

در نتیجه امر به رابطه امری منحصر به مؤمنین است، رابطه سازنده اجتماع دینی و وظیفه مؤمنین در برقراری ارتباط فکری و عملی حول محور معرف دین با اتصال همه قوا به هم و هم‌افزایی اجتماعی برای تحقق اهداف دین است.

در اصول فقه احکام از جهت اختلاف در حیث منشأ صدور به مولوی و ارشادی تقسیم شده‌اند؛ اگر حکمی از حیث مولویت مولا صادر شده باشد حکم مولوی است و همین حکم است که بنا بر نظر مشهور اگر لزومی باشد، موضوع حکم عقل به استحقاق پاداش بر اطاعت و عقاب بر ترک آن واقع می‌شود. غالب اوامر و نواهی شارع از قسم مولوی محسوب می‌شوند و ظهور اولی خطابات شارع در مولویت است.

اما اگر حکم از حیث این‌که شارع یکی از عقلاست، نه این‌که مولا و امر است و صرفاً برای حفظ مصلحت مکلف یا دفع مفسده‌ای از اوصادار شود حکم ارشادی است. حیث صدور حکم ارشادی حیث نصیحت و نشان دادن مصلحت یا مفسده است.

امر مولوی به امری گفته می‌شود که به انگیزه بعث و برانگیختن مکلف به انجام مامور به در خارج صادر می‌شود؛ به بیان دیگر، امر مولوی عبارت است از طلب حقیقی چیزی از

مکلف، به منظور رسیدن به مصلحت موجود در آن، به گونه‌ای که به امتثال آن پاداش، و به مخالفت آن، کیفر داده می‌شود (مظفر، ۱۴۱۵ق: ۲۷۲/۱).

محقق اصفهانی نیز در تعریف حکم مولوی می‌نویسد: مولویت از صفات امر است و آن جایی است که بما هو مولا و سید حکم کند، یعنی به داعی بعث انشاء کند و امر ارشادی آن است که به داعی نصیحت و ارشاد به آنچه بر مورد امر باری شود باشد؛ یعنی آمر بما هو ناصح و مرشد امر می‌کند نه بما هو مولا و سید. (محقق اصفهانی، ۱۴۲۹ق: ۱۷۰/۲)

از آنجاکه خدای متعال در این آیه شریفه خطابش متوجه مؤمنین است و چنانچه بیان شد از منظر علامه طباطبائی آیه شریفه مؤمنین را مکلف به جامعه‌سازی با ارتباطات گسترده بر محور قرآن می‌کند و از طرفی صبر و مصابره و مرابطه را مقید به تقوا و حفظ قصد قربت می‌کند چنانچه آیت‌الله جوادی این‌گونه تبیین فرمودند لذا اوامر چهارگانه مولویت داشته و انجام آن واجب و ترک آن بر مؤمنین حرام است.

در نتیجه چنانچه در اصول فقه مقرر شده اصل در اوامر مولویت است و خطاب در این آیه شریفه نیز متوجه مؤمنین است در نتیجه مؤمنین را مکلف به جامعه‌سازی با ارتباطات گسترده بر محور قرآن می‌کند همچنین صبر و مصابره و مرابطه را مقید به تقوا و حفظ قصد قربت که نشانه مولوی بودن حکم است و تکلیفی اجتماعی برای مؤمنین جهت نیل به فلاح در حیات اجتماعی ایجاد کرده است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی جامعه‌سازی دینی در قرآن کریم با رویکرد بیانیه گام دوم پرداخته است.

۱. تحقق تمدن نوین اسلامی، در گرو مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی در سطح امت اسلامی و پس از آن در عرصه جهانی است، این مراحل توسط مقام معظم رهبری در مواضع گوناگون مطرح شده است، یکی از ارکان اساسی در این مراحل، جامعه‌سازی دینی است که به‌طور خاص در بیانیه گام

دوم مطرح شده است.

۲. انسان فطرتاً اجتماعی خلق شده، اجتماعی بودن انسان ریشه بر اساس قاعده استخدام و برای رفع نیازهای یکدیگر است، اولین نهاد اجتماعی شکل گرفته در جوامع انسانی نهاد خانواده است که با افزایش نیازها نهادهای بزرگ‌تر نیز به مرور شکل گرفته، ماهیت اسلام دینی اجتماعی است و علی‌رغم گستره دامنه اعمال انسان، همه احکام خود را بر همه رفتارهای بشرگسترش داده، احکام را در قالب‌های اجتماعی ریخته و روح اجتماع را به نهایت درجه امکان در کالبد احکامش دمیده است. تحقق کامل اسلام اجتماعی با پیاده‌سازی رابطه در جامعه اسلامی به وقوع می‌پیوندد.

۳. رابطه ایجاد پیوندهای اجتماعی در راستای جامعه‌سازی و برقرار کردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها و افعال و کارهای آحاد جامعه در همه شوون زندگی است تا با برقراری این روابط همه‌جانبه، جامعه‌ای منسجم زیر لوای اولیای دین بر محور قرآن و معارف دینی شکل بگیرد.

۴. نقش رابطه در جامعه دینی اتصال و ارتباط فکری و عملی مؤمنین در همه شوون بر محور دین است که این هم‌افزایی اجتماعی موجب تکامل جامعه و رفع نقائص فردی خواهد شد. میان سه ارزش صبر، مصابره و رابطه ارتباطی تشکیکی در قوت و ضعف است، و رابطه کمال آن است. طبق فرمان (اصبروا وصابروا) انسان موظف است در کارهای فردی صبر انفرادی پیشه کند، در کارهای اجتماعی با سایر هم‌نوعان خویش صبر کند و ضعف دیگران را با صبر خود جبران کند صبر گروهی مرحله برتر صبر است و رابطه سبب اتصال همه قوای جامعه و پایداری جامعه در راستای نیل به فلاح اجتماعی خواهد شد.

۵. مخاطب آیه شریفه مؤمنین و آیه دستوری برای جامعه‌سازی بر محور معارف دینی و مبتنی بر هم‌افزایی و ارتباطات اجتماعی در جمیع شوون دینی است. امر به رابطه امری در درون جامعه دینی و منحصر به مؤمنین است، رابطه سازنده اجتماع دینی و وظیفه مؤمنین برای تحقق اهداف دین است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. ابن فارس، ۱۳۹۹ق: معجم مقاییس اللغة، دارالفکر، محقق: عبد السلام محمد هارون، بیروت.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق: لسان العرب، دارصادر، ج ۳، بیروت.
۴. ازهری، محمد بن احمد، بی تا، تهذیب اللغة، دار احیاء التراث العربی، نسخه غیر مصححه. بیروت لبنان.
۵. اصفهانی، محمد حسین، ۱۴۲۹ق: نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، چاپ دوم، بیروت.
۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ق: البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسة البعثه، مرکز الطباعة و النشر، قم.
۷. بهجت پور، عبدالکریم، ۱۳۹۴ش: شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم، مؤسسه تمهید، قم - ایران.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ش: تسنیم، محقق: عابدینی، عبدالکریم، اسراء، قم.
۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ش، جامعه در قرآن، محقق: مصطفی خلیلی، اسراء، قم.
۱۰. خامنه ای، سید علی، پایگاه اطلاع رسانی: khamiinei.ir
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق: المفردات فی غریب القرآن، دارالقلم، الدار الشامیه، محقق: صفوان عدنان الداودی، دمشق بیروت.
۱۲. زرکشی، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۰ق: البرهان فی علوم القرآن، دارالمعرفة، ج ۱، بیروت.
۱۳. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق: المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ج ۲، لبنان - بیروت.
۱۴. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰ش: مکارم الأخلاق، الشریف الرضی، ج ۴، قم.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناشر: ناصر خسرو مصحح: یزدی طباطبائی، فضل الله، رسولی، هاشم ج ۳، تهران.
۱۶. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق: تفسیر العیاشی، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم المطبعة العلمیه، ج ۱، تهران.

۱۷. فراهیدی، خلیل، العین، ۱۴۰۹ق: مؤسسة دار الهجرة، تحقیق الدكتور مهدی المخزومی الدكتور ابراهیم السامرئی، چ ۲، ایران.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق: تفسیر القمی، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب دار الكتاب، چ ۳، قم.
۱۹. کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، تفسیر فرات الکوفی، مؤسسة الطبع والنشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی محقق / مصحح: کاظم، محمد، چ ۱، تهران.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار (ط - بیروت)، دار احیاء التراث العربی، چ ۲، بیروت.
۲۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۴ق: مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم دار الکتب الإسلامیة، چ ۲، تهران
۲۲. مطهری، مرتضی، بی تا، جامعه و تاریخ، صدرا، تهران.
۲۳. مظفر، محمدرضا، ۱۴۱۵ق، اصول الفقه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.

طراحی و تبیین رابطه انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر قرآن کریم

یاسین توکلی (نویسنده مسئول) -^۱

روح اله توکلی -^۲

عبداله توکلی^۳

چکیده

هدف این پژوهش طراحی و تبیین روابط انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر آموزه‌های قرآن کریم است. بر اساس آموزه‌های دینی، تمدن‌سازی؛ نظام‌سازی، نهادسازی و جامعه‌سازی از خودسازی انسان شروع می‌شود و انسان هسته اصلی تغییر و تعالی تمدن نوین اسلامی است. این پژوهش، با رویکرد کیفی و به روش تحلیل مضمون و شبکه مضامین، این موضوع را مورد بررسی قرار داده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد روابط انسان بر اساس آموزه‌های قرآن در ۵ مضمون

۱. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، معاونت توسعه منابع و امور دانشجویی دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه

الزهرا تبریز. y.tavakkoli@cfu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی مشاوره و راهنمایی دانشگاه فرهنگیان اردبیل rohollah.tavakoli.76@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان تبریز

فراگیر؛ رابطه انسان با خودش، رابطه انسان با انسان‌های دیگر، رابطه انسان با طبیعت، رابطه انسان با آخرت و رابطه انسان با خدا، قابل تبیین و تحلیل است. رابطه انسان با خودش به دو مضمون سازمان دهنده؛ خودشناسی و خودسازی تحلیل شده است. رابطه انسان با انسان‌های دیگر به دو مضمون سازمان دهنده؛ عدل و احسان تحلیل یافته است. رابطه انسان با طبیعت به چهار مضمون سازمان دهنده؛ تسخیر، تسلط، تخریب و تهدید تحلیل گردیده است. رابطه انسان با آخرت به دو مضمون سازمان دهنده؛ مسئولیت و پاداش سازماندهی شده است. رابطه انسان با خدا که محور همه روابط انسان است به مضمون سازمان دهنده عبودیت و بندگی تحلیل شده است. هریک از این مضامین از چندین مضمون پایه تشکیل یافته است. مجموع مضامین اصلی و یا پایه که در این پژوهش از متن قرآن استخراج شده ۴۶ مضمون می‌باشد. همه مضامین در یک شبکه مضامین درهم تنیده که الگویی برای تمدن‌سازی نوین اسلامی است، طراحی گردیده است.

کلید واژه‌ها: روابط انسان، تمدن‌سازی نوین اسلامی، آموزه‌های قرآن

مقدمه

قرآن کریم منشا و خواستگاه تحول و تعالی هر تمدنی را تغییر و تحول در انسان تعریف می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (الرعد/۱۱) خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند. این آیه کلید تمدن‌سازی و پیشرفت و نگاه به آینده تمدن اسلامی است. چرا که به روشنی بیان شده است که پیشرفت و تحول اجتماعی، مبتنی بر تحول درونی و روانی افراد است و افراد عنصر سازنده جامعه و تمدن هستند. همه مراحل تمدن‌سازی؛ نظام‌سازی، نهادسازی و جامعه‌سازی از خودسازی انسان شروع می‌شود و انسان هسته اصلی تغییر و تعالی تمدن نوین اسلامی است.

قرآن کریم نقطه آغازین تمدن اسلام را خودسازی پیامبر اکرم ﷺ و روابط انسانی ایشان در سایه لطف و رحمت الهی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِيُنذِرَ لَكُمْ، وَلَوْ كُنْتُمْ فَظًّا

عَلِيظَ الْقَلْبِ لَا نَقْضُوا مِنْ حَوْلِكَ، فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ، فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/۱۵۹)؛ به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق می شدند، پس از (بدی) آنان درگذر و برای آن‌ها طلب آمرزش کن و (برای دلجویی آن‌ها) در کار (جنگ) با آن‌ها مشورت نما، لیکن آنچه تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده، که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد. این آیه شریفه را می توان نقشه راه تمدن سازی نوین اسلامی قلمداد کرد که کلید واژه اصلی آن، نوع روابط پیامبر اکرم ﷺ با خدا و خلق خدا است که سبب ایجاد بزرگترین تمدن روی زمین گردیده است و با گذشت یک و نیم قرن از ایجاد آن بر قلب بیش از دو میلیارد مسلمان جهان حکومت می کند.

ارتباطات انسانی و نقش آن در پیشرفت و تعالی فردی و اجتماعی او، بر کسی پوشیده نیست. این مسئله از نیازهای فطری انسان به زندگی اجتماعی و نقطه آغاز تمدن سازی انسان است. به دلیل اهمیت و نقش حیاتی موضوع روابط انسان در سرنوشت فردی و اجتماعی او، حوزه های مختلف دانش بشری به این موضوع پرداخته است. روانشناسان، جامعه شناسان و خیلی از اندیشمندان حوزه های مختلف علمی به تبیین و تحلیل روابط انسان پرداخته اند. برخی دیدگاه ارتباطی را دیدگاهی روانشناختی از شخصیت انسان دانسته اند که بر اساس آن شناخت شخصیت از طریق شناخت نوع ارتباط هایی که فرد با خود، خداوند، دیگران و طبیعت برقرار می کند میسر می شود. این دیدگاه با یک رویکرد تحولی نوع ارتباط های چهارگانه فوق را در مراحل مختلف رشد تشریح و جهت گیری های فرد را معین می سازد (معتمدی، ۱۳۹۲: ۱۳/۱۲۶).

کیلانی در تبیین روابط انسان آن را به پنج دسته تقسیم نموده است:

- رابطه میان انسان با آفریدگار، یعنی رابطه عبودیت.
- رابطه میان انسان با طبیعت، یعنی رابطه تسخیر.
- رابطه انسان با انسان، یعنی رابطه عدل و احسان.

- رابطه میان انسان و زندگی، یعنی رابطه ابتلا.

- رابطه میان انسان با آخرت، یعنی رابطه مسئولیت و پاداش (کیلانی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). ایشان معتقد است محور همه روابط انسان را، رابطه عبودیت تشکیل می‌دهد در صورتی که به نظر می‌رسد ایشان از ارتباط مهم و حیاتی انسان با خود، غفلت کرده و رابطه انسان با خود در معارف اسلامی از اهمیت محوری برخوردار بوده و همه روابط انسان از نوع رابطه انسان با خود سرچشمه می‌گیرد.

معتمدی در پژوهشی با عنوان؛ سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی (ارتباط با خود، خدا، دیگران و طبیعت)، معتقد است، سبک زندگی وقتی مطلوب است که فرد به تمام روابط چهارگانه خودش توجه داشته باشد و اهمیت هر یک از این تعاملات را در چهارچوبی که دستورات اسلامی مشخص کرده‌اند، مد نظر داشته و نسبت به آن‌ها غفلت نرزد (معتمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶).

تحقیق دیگری به بررسی فرهنگ اسلامی تعامل انسان با محیط زیست و طبیعت در قرآن پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد؛ قرآن چهار نوع رابطه را میان انسان و طبیعت مطرح می‌کند که از میان این چهار نوع ارتباط، رابطه تسخیر رابطه مناسب و مورد تأکید آموزه‌های قرآنی است. همچنین در این تحلیل ۳۰ مضمون کلیدی برای تبیین ابعاد؛ چرایی، چیستی و چگونگی رابطه انسان با طبیعت از منظر قرآن کریم شناسائی و تحلیل شده است. بر اساس مطالب یاد شده می‌توان الگوی جامعی برای تعامل سازنده انسان با طبیعت ارائه نمود. در این الگو، خاستگاه و فلسفه تعامل انسان با طبیعت را می‌توان در مضمون عبودیت و بقاء و تعالی نوع بشر جست‌وجو کرد. هدف و فلسفه خلقت انسان بندگی خداوند و معرفت اوست (توکلی، ۱۳۹۴، نهمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی، سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی).

علاوه بر پژوهش‌های صورت گرفته در موضوع رابطه انسان، تحقیقات گسترده‌ای نیز در بحث تمدن‌سازی اسلامی صورت گرفته است. در مجال کوتاه به بخشی از پژوهش‌های

انجام یافته در مورد تمدن اسلامی و ملاک و معیارهای پیشرفت آن اشاره می‌نماییم. یکی از پژوهش‌ها به بررسی مبانی و معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که دینداری، علم و معرفت، آزادگی و کرامت و تأمین معیشت ۴ معیار در شاخص پیشرفت انسانی مورد نظر اسلام می‌باشند. بر این، شاخص پیشرفت انسانی علاوه بر در نظر گرفتن معیارهای شاخص توسعه انسانی متعارف از جمله علم، سلامت و رفاه نسبی، مقوله‌های دیگری چون دینداری، معرفت، و کرامت و آزادگی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. معیارهای معرفی شده برای پیشرفت انسانی مبتنی بر مبانی فکری اسلام از جمله نگاه متعالی اسلام به انسان و تکامل قرار دارد (خلیلیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۷/۲).

گروه دیگری از محققین در بررسی و تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری به عوامل باطنی و ظاهری پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که تمدن نوین اسلامی برای ایجاد و بقاء، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی دارد که برخی همانند توجه به علم، تساهل و تسامح، تلاش و پشتکار در تمدن‌های دیگر نیز یافت می‌شود و برخی از آن‌ها همانند مبنا بودن دین و اخلاق، توجه به عقلانیت معرفتی و ارزشی، خاص تمدن نوین اسلامی است. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد نخستین عامل ایجاد تمدن نوین اسلامی، عامل باطنی است که با ایمان و مکتب و شرایط و مقتضیات و رهبری قابل دست یافتن هست و عامل دیگر عامل ظاهری است. از مهم‌ترین پایه‌های تمدن اسلامی، عدالت و دادگری است که در جایجای قرآن کریم با دو تعبیر قسط و عدل از آن سخن به میان آمده است (فرزانه و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۷/۳).

یافته‌های پژوهشی که درباره پیشران‌های تمدن ساز و آینده تمدنی انقلاب اسلامی صورت گرفته نشان می‌دهد. انقلاب اسلامی دارای دو چالش مهم است؛ ایجاد تمدن اسلامی و تقابل تمدنی با جهان غرب. در این تحقیق نظام مردم سالاری دینی جمهوری اسلامی، رابطه سالم بین دین و سیاست و حفظ سرمایه اجتماعی سه پیشران اصلی برای

ساختن آینده کشور معرفی شده است (عیوضی، فلاح حسینی، ۱۳۹۵). در تحقیقی با عنوان؛ گرایش اجتماعی در تفاسیر قرآن پیشران مؤثر در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی، به نقش حیاتی آموزه‌های وحیانی در شکل‌گیری و هویت بخشی به تمدن نوین اسلامی پرداخته شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد رویکرد اجتماعی به قرآن، گرچه به هر دو بعد تمدن (مادی و معنوی) نظر دارد، عمدتاً درصدد اصلاح بعد معنوی تمدن است. آنچه در این بُعد مهم است، سبک زندگی مردم و فرهنگ حاکم بر تعاملات آنان با همدیگر و با دیگر ادیان و مذاهب است که از کلیدی‌ترین مسائل در تفاسیر اجتماعی است. همچنین رویکرد اجتماعی به قرآن، از جهات گوناگونی بر شکل‌گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی تأثیر زیادی دارد. برخی از مهم‌ترین این موارد عبارتند از: هویت بخشی به جامعه اسلامی؛ عینی کردن ارزشها و به صحنه آوردن تعالیم قرآن؛ تطابق دادن آموزه‌ها با ظرفیت اجتماعی در قلمرو حیات انسان‌ها؛ وحدت بخشیدن به امت اسلامی برای مقابله با دشمنان؛ تبیین سنتهای الهی درباره حیات و زوال تمدن‌ها؛ معرفی نظامهای سیاسی، اجتماعی و اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی؛ و توجه به تعلیم و تربیت نسلی نو مبتنی بر آموزه‌های قرآنی برای ساختن تمدنی نوین، مطابق با معارف حقیقی اسلام (مولوی، ۱۳۹۷، ۳/۱۵۷). در تحقیق حاضر به نقش مهم رویکرد اجتماعی به قرآن در هویت بخشی به تمدن اسلامی و اصلاح روابط انسانی و شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی تأکید و اشاره شده است.

بی‌تردید در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی نقش رهبر، نقش اساسی و غیر قابل انکار است. مقام معظم رهبری، رسیدن به تمدن نوین اسلامی را در پنج مرحله ترسیم نموده‌اند. مرحله اول آن انقلاب است، که در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. مرحله دوم تشکیل یک نظام اسلامی است، که ملت ایران در ۱۳ فروردین سال ۱۳۵۸ به نظام جمهوری اسلامی آری گفتند. مرحله سوم دولت اسلامی است، که ایشان معتقدند ما اکنون در این مرحله به سر می‌بریم. مرحله چهارم و پنجم عبارت است از

جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی (فرزانه و همکاران، ۱۳۹۷). مقام معظم رهبری درباره معنا و چیستی تمدن نوین اسلامی نیز می‌فرمایند: تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه‌جانبه می‌باشد، اگر ما به دنبال یک مصداق عینی و خارجی برای درک معنای تمدن نوین اسلامی باشیم می‌توانیم بگوییم هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی می‌باشد (بیانات رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳). مقام معظم رهبری در خصوص بالندگی و حرکت رو به جلو انقلاب برای تمدن‌سازی می‌فرماید: انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدید نظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمد الله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند (حسینی خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب: ۳).

بررسی پیشینه و ادبیات تحقیق نشان می‌دهد با وجود پژوهش‌های بسیاری که در مورد تمدن اسلامی و روابط انسان صورت گرفته، تحقیق و پژوهشی با متدولوژی علمی برای بررسی و تبیین روابط انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی بر پایه قرآن صورت نگرفته است. با توجه به اهمیت موضوع تمدن‌سازی نوین اسلامی که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز به آن تأکید و بر پژوهش و تحقیق نیز اشاره شده، فلذا تبیین روابط انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر قرآن و در شرایط موجود جامعه از یک سو، و اسلام ستیزی غرب از سوی دیگر، اهمیتش را صد چندان می‌کند.

هدف نهایی نظام جمهوری اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی بر اساس مبانی و آموزه‌های تمدن ساز اسلام است. نقش برجسته و اساسی انسان تربیت یافته در طراز تمدن

اسلامی و روابط او با خدا، خود و جهان پیرامون در تکوین و تعالی تمدن نوین اسلامی بر کسی پوشیده نیست. این تحقیق تلاش دارد نقش و جایگاه برجسته روابط انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی را از منظر آموزه‌های قرآن مورد بررسی قرار دهد و الگویی از روابط انسان در قرآن، ارائه نماید. بنابراین این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است: قرآن کریم روابط انسان را در تمدن‌سازی نوین اسلامی چگونه ترسیم کرده است؟

۲. روش پژوهش

این تحقیق از نوع پژوهش کیفی است و برای پاسخ دادن به سؤال پژوهش، از روش تحلیل مضمون^۱ و شبکه مضامین^۲ استفاده کرده است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (پراون و کلارک، ۲۰۰۶ و عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). به‌طور کلی تحلیل مضمون روشی است برای: الف - دیدن متن؛ ب - برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب؛ ج - تحلیل اطلاعات کیفی؛ د - مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ؛ ه - تبدیل داده‌های کیفی به کمی (Boyatzis, 1998, P. 4). بنابراین در تحلیل مضمون، همه منابع داده‌ها، بررسی و مضامین کل داده‌ها، تحلیل و تفسیر می‌شود. شبکه مضامین نیز روش مناسبی در تحلیل مضمون است که آتراید - استیرلینگ^۳ (۲۰۰۱) آن را توسعه داده است. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). شبکه مضامین بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این

1 - Thematic Analysis

2 - Thematic Network

3 - Attride-Stirling

مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). با توجه به روش‌های متنوع در تحلیل مضمونی می‌توان از انواع مختلف مضامین استفاده کرد. در این تحقیق از مضامین؛ اصلی، سازمان دهنده و فراگیر استفاده شده است. روش جمع‌آوری و کدگذاری مضامین در سطوح مختلف چنین می‌باشد که ابتدا بر اساس سئوالات و پیشینه نظری تحقیق و علاقه تحلیل‌گر، ابتدا مضامین فراگیر مشخص و به همین ترتیب برای مضامین سازمان دهنده و نیز مضامین کلیدی کدهایی اختصاص و با روش استقرائی و مطالعه دقیق متن مضامین استخراج و طبقه‌بندی می‌شوند.

جامعه آماری این تحقیق همان نمونه آماری یعنی قرآن است. گزاره‌های قرآنی به صورت هدفمند و در راستای اهداف و سئوالات تحقیق استفاده شده است. واحد تحلیل در این تحقیق آیه می‌باشد. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دوروش؛ تحلیل مضمون و شبکه مضامین استفاده می‌شود. برای این‌که مضامین انتخاب شده، مضامین مرتبط به اهداف و سوال‌های تحقیق باشد و برای سنجش اعتبار و روایی تحقیق از نظرات صاحب نظران، اساتید و خبرگان موضوع استفاده شده است و نیز دقت شده تا مضامین مختلف در راستای پاسخ به سوال‌ها و بر اساس مبانی نظری و پیشینه انتخاب گردد.

۳. یافته‌های تحقیق

یافته‌های این تحقیق در پنج سطح برای تبیین روابط پنج‌گانه انسان در قرآن تدوین شده است. هرچند ممکن است که انسان غیر از این پنج نوع رابطه، ارتباطات دیگری هم داشته باشد. اما بر اساس یافته‌های پیشینه و ادبیات تحقیق برای انسان پنج نوع رابطه؛ یعنی رابطه انسان با خود، رابطه انسان با انسان‌های دیگر، رابطه انسان با طبیعت، رابطه انسان با آخرت و رابطه انسان با خدا، متصور است. بنابراین، پیش فرض این پژوهش، بر مبنا قرار دادن پنج نوع رابطه برای انسان، صورت گرفته است.

۱.۳. تبیین رابطه انسان با خود

بر اساس آموزه‌های قرآن ۱۲ مضمون اصلی از بررسی رابطه انسان با خود در قرآن استخراج شده است. این مضامین در دو مضمون سازمان دهنده؛ خودشناسی و خودسازی مقوله‌بندی شده است. خودسازی مقدمه جامعه‌سازی است. خودسازی اتفاق نمی‌افتد مگر این‌که انسان از ظرفیت‌های درونی و بیرونی خود جهت شناخت خویشتن استفاده نماید. بر اساس آموزه‌های قرآن، ارتباط انسان با خود بر دو ستون استوار گشته است؛ خودشناسی و خودسازی. از این‌رو در آموزه‌های قرآن بر خودشناسی و استفاده انسان از ظرفیت‌های خدادادی جهت شناخت خویش و خودسازی تأکید شده است. قرآن می‌فرماید: «وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ شَيْئًا وَّجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَّالْاَبْصَارَ وَّالْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ» (النحل/۷۸)؛ و خداست که شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد درحالی‌که چیزی نمی‌دانستید، و برای شما گوش و چشم و دل قرارداد تا حقایق را درک کنید و باشد که سپاس بگذارید. خودشناسی در معارف دینی انواع و مراتبی دارد؛ شهید مطهری آن را در هشت عنوان توضیح می‌دهد: خود آگاهی فطری، فلسفی، جهانی، طبقاتی، ملی، انسانی، عرفانی و پیامبرانه (شهید مطهری، همچنین امام خمینی علیه السلام خودشناسی را عامل جهان‌شناسی و در جایگاه انسان در جهان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «الإنسان الكامل كما أنهما امرأة شهود الحق ... مرآة الأشياء كلها» (امام خمینی، ۱۴۰۶ق، ص ۵۹)؛ شناخت جهان از راه معرفت نفس، به شناخت جایگاه انسان در جهان و نسبت انسان با جهان کمک می‌کند و این می‌تواند در سلوک و خودسازی مؤثر باشد. شناخت جهان نیز به شناخت انسان کمک می‌کند. جدول شماره (۱) رابطه انسان با خود از منظر آموزه‌های قرآن را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱) مضامین رابطه انسان با خود از منظره آموزه‌های قرآن

شماره	آیات	ترجمه	مضمون اصلی
۱	بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (القیامه/۱۴) فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ، خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ	بلکه انسان خود بر (نیک و بد) خویش به خوبی بیناست. انسان برای این که رستاخیز را باور کند باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است. او از آبی جهنده آفریده شده است.	بصیرت
۲	وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (الاسراء/۷۰)	به راستی ما فرزندان آدم را به موهبت عقل و خرد گرامی داشته و آنان را در دریا بر کشتی‌ها و در خشکی بر مرکب‌ها سوار نموده و از خوراکی‌های مطبوع به آنان روزی داده و آنان را بر بسیاری از کسانی که آفریده‌ایم چنان که باید برتری بخشیده‌ایم.	کرامت
۳	فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (الروم/۳۰)	حال که روشن شد آفرینش و تدبیر در اختیار خداوند است و او هیچ گونه شریکی ندارد و کسانی که از وی روی گردانده‌اند در قیامت راه نجاتی ندارند، پس روی خود را به سوی این دین [تسلیم خدا بودن] بگردان و بسوی آن که به راست یا چپ گرایش یابی، تنها به آن چشم بدوز. بر این دین پایدار باش؛ دینی که فطرت خدادادیت تو را به آن گرایش می‌دهد؛ همان فطرتی که خداوند همه انسان‌ها را بر آن آفریده است. آفرینش خدا دگرگونی ندارد و با اختلاف افراد و اختلاف زمان‌ها و مکان‌ها، تغییر و تبدیل نمی‌پذیرد. این است دین استوار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.	فطرت

خلقت	<p>سپس آن نطفه را لخته خونی ساختیم، آن گاه آن لخته خون را به صورت پاره گوشتی [که گویی] جویده شده درآوردیم؛ پس آن قطعه گوشت را استخوان‌هایی چند ساختیم، آن گاه استخوان‌ها را با گوشت پوشانیدیم، سپس آن را آفریده‌ای دیگر ساختیم (به او حقیقت انسانی بخشیدیم). پس خداوند که بهترین آفرینندگان است پرخیر و برکت است.</p>	<p>ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (المؤمنون/۱۴).</p>	۴
روح	<p>پس از آن، نسل او را از راه ولادت، از چکیده‌ای که آبی پست و بی‌مقدار بود آفرید. پس چون آن را درست کردم و در آن از روح خود (روح مبارک و شایسته منسوب به خودم) دمیدم، همگی برای (تعظیم) او سجده کنان به رو درافتید.</p>	<p>ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (السجده/۹) فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَعَمُوا لَهُ سَاجِدِينَ (ص/۷۲)</p>	۴
اعتدال	<p>تا خدا به آن‌ها پاداش کامل عطا کند و از فضل و کرم باز بر ثوابشان بیفزاید که او (خطای مؤمنان را) بسیار بیامزد و به شکر گزاران احسان فراوان کند.</p>	<p>لِيُؤْفِقَهُمْ أَجْرَهُمْ وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (الفاطر/۳۰)</p>	۵
ذکر	<p>پس ربوبیت بی‌همتای خدا و روز جزا را به مردم تذکرده که توفیق تذکردهنده‌ای.</p>	<p>فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (غاشیه/۲۱).</p>	۶
توبه	<p>و هر که عمل زشتی از او سرزند یا به خویشتن ستم کند سپس از خدا طلب آمرزش و عفو نماید خدا را بخشنده و مهربان خواهد یافت.</p>	<p>وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا (النساء/۱۱۰)</p>	۷
ایمان و	<p>هر کس از مرد یا زن کاری شایسته کند و با</p>	<p>مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ</p>	۸

عمل صالح	ایمان باشد، قطعاً او را به حیاتی پاک زنده خواهیم داشت و به چنین کسانی بر پایه بهترین کاری که انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.	هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ	
اندیشه‌ورزی	چگونه شما مردم را به نیکوکاری دستور می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید و حال آن‌که کتاب خدا را می‌خوانید، چرا اندیشه نمی‌کنید؟	۹ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (البقره / ۴۴)	
هدایت	ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مراقب خویشتن باشید، مبادا پس از آن که راه یافته‌اید کسانی که گمراه شده‌اند به شما زبانی برسانند و گمراهتان کنند. بازگشت شما و آنان همگی به سوی خداست، آن‌گاه شما و آنان را از حقیقت فرجام آنچه می‌کردید آگاه خواهد ساخت.	۱۰ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ	
قدرت تشخیص	ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا کنید، برای شما نیرویی قرار می‌دهد که به وسیله آن حق را از باطل تشخیص دهید، و بدی هایتان را از شما می‌زداید و گناهانتان را می‌آمرزد، و خدا دارای فضلی بزرگ است.	۱۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (الانفال / ۲۹)	

۳-۲. تبیین رابطه انسان با انسان‌های دیگر

ارتباط انسان با انسان‌های دیگر از فطرت و طبیعت اجتماعی انسان سرچشمه می‌گیرد. در آموزه‌های قرآن این ارتباط نقش حیاتی در تمدن‌سازی نوین اسلامی دارد. بهترین شکل ارتباط انسان با انسان‌های دیگر در آموزه‌های قرآن رعایت حق و حقوق دیگران و احترام و احسان معرفی شده است. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (النحل/۹۰)؛ خداوند به شما فرمان

می‌دهد تا برای پدید آمدن جامعه‌ای صالح، با مردم به عدل و داد رفتار کنید و به آنان نیکی کنید و حق خویشاوند را به او بپردازید، و شما را از کار زشت و ناپسند و از ظلم و سرکشی باز می‌دارد. خدا به شما پند می‌دهد، باشد که دریابید نیکی‌بخشی شما در به کار بستن این اندرزهاست.

شهید مطهری رحمته‌الله در تبیین رابطه عدل بین انسان‌ها می‌فرماید: «ما افراد بشر فردی از نوع خود را که نسبت به دیگران قصد سوئی ندارد، به حقوق آن‌ها تجاوز نمی‌کند، هیچ‌گونه تبعیضی میان افراد قایل نمی‌گردد، در آنچه مربوط به حوزه حکومت و اداره اوست، با نهایت بی‌طرفی، به همه به یک چشم نگاه می‌کند، در مناقشات و اختلافات افراد دیگر، طرفدار مظلوم و دشمن ظالم است؛ چنین کسی را دارای نوعی از کمال (عدالت) می‌دانیم و روش او را قابل تحسین می‌شماریم و خود او را عادل می‌دانیم (مرتضی مطهری، عدل الهی، ص ۴۵).

بنابراین یکی از مهم‌ترین مولفه‌هایی که انسان باید در روابط خود با انسان‌های دیگر رعایت کند عدالت و مساوات است. این مؤلفه همچنین در شکل‌گیری تمدن اسلامی نیز به‌عنوان مولفه‌ای مهم و تأثیرگذار است. چون بدون وجود عدالت هیچ تمدنی دوام و بقا نمی‌یابد. عدالت و مبارزه با فساد؛ این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است (حسینی خامنه‌ای، بیانیه گام دوم: ۱۱). قرآن در کنار امر به عدالت و احسان و دوری از ظلم و تعدی، انسان‌ها را به برادری؛ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات/۱۰) و مهربانی و ترحم به یکدیگر؛ «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (الفتح/۲۹) و الفت و دوستی؛ «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال/۶۳) تعاون و همکاری؛ «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده/۲) توصیه می‌کند. جدول شماره (۲) مضامین اصلی ارتباط انسان با انسان‌های دیگر را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲) مضامین ارتباط انسان با انسان های دیگر از منظر قرآن

مضمون	ترجمه	آیات	تفسیر
زندگی اجتماع ی	ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را باز شناسید.	يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (الحجرات / ۱۳)	۱
عدالت	ای اهل ایمان، حرمت شعایر خدا و ماه حرام را نگه دارید و متعرض هدی و قلابد نشوید و تعرض زایران خانه محترم کعبه را که در طلب فضل خدا و خشنودی او آمده اند حلال نشمارید، و چون از احرام بیرون شدید صید کنید. و عداوت گروهی که از مسجد الحرام منعان کردند شما را بر ظلم و بی عدالتی وادار نکند.	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا (المائدة / ۲)	۲
احسان	خداوند به شما فرمان می دهد تا برای پدید آمدن جامعه ای صالح، با مردم به عدل و داد رفتار کنید و به آنان نیکی کنید و حق خویشاوند را به او بپردازید، و شما را از کار زشت و ناپسند و از ظلم و سرکشی باز می دارد. خدا به شما پند می دهد، باشد که دریابید نیکیبختی شما در به کار بستن این اندرزهاست.	إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (النحل / ۹۰)	۳
تعاون و همکاری	شما مؤمنان یکدیگر را در نیکوکاری و تقوایبشگی یاری دهید و در گناه و تجاوز به یکدیگر کمک نکنید، و از خدا پروا	وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (مائده / ۲)	

	کنید که خداوند سخت کیفر است.		
صدقت	این عمل که سخن بگویید و خلاف آن کنید بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می‌آورد.	كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (الصف / ۳)	۴
نوع دوستی	به حقیقت مومنان همه برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران ایمانی خود صلح دهید و خدا ترس و پرهیزکار باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی گردید امید است که خدا دوستی میان شما و دشمنانتان برقرار گرداند و خدا قادر و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است..	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (الحجرات / ۱۰) عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (الممتحنه / ۷)	۵
انفاق	و آنان که در مال و دارایی خود حقی معین و معلوم گردانند. کیست که خدا را قرض الحسنه دهد تا خدا بر او به چندین برابر بيفزاید و خداست که می‌گیرد و می‌دهد، و همه به سوی او بازگردانده می‌شوید.	وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ (المعارج / ۲۴) مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (البقره / ۲۴۵)	۶
برابری	آن کسی که شما را از یک نفس آفریده است.	وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ (الانعام / ۹۸)	۷
دوری از بدبینی ه ای بی جا	ای اهل ایمان از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز تجسس نکنید و غیبت یکدیگر را روا مدارید، هیچ یک از شما آیا دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده خود را خورد. البته کراهت و نفرت از آن دارید و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (الحجرات / ۱۲)	۸

<p>وحدت</p>	<p>و همگی به ریسمان الهی (قرآن و پیامبر) که شما را به خدا پیوند می دهد، چنگ زنید و از اختلاف و پراکندگی بپرهیزید، و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که دشمن یکدیگر بودید و او میان دل های شما الفت انداخت و در پرتو نعمت او با یکدیگر برادر شدید، و آن گاه که بر پرتگاه گودالی از آتش بودید پس شما را از آن رهایی بخشید. بدین سان خدا آیات خود را برای شما بیان می کند، باشد که شما راه یابید.</p>	<p>وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (ال عمران / ۱۰۲)</p>	<p>۹</p>
<p>دوستی و الفت</p>	<p>محمد (ﷺ) و سلم) فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قویدل و سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند</p>	<p>مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (الفتح / ۲۹)</p>	<p>۱۰</p>

۳ - ۳. تبیین رابطه انسان با خدا

در آموزه های قرآن، بهترین مضمونی که می تواند رابطه انسان با خدا را نشان دهد، مضمون بندگی است. قرآن در ترسیم رابطه بندگی انسان می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات / ۵۶)؛ من جنیان و آدمیان را جز برای این که مرا پرستند نیافریدم. خداوند در آیه دیگر، بندگی انسان ها را به همه امت های جهان تسری داده و آن را رسالت بزرگ انبیای الهی معرفی می کند و می فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (النحل / ۳۶)؛ و قطعاً، در میان هرامتی پیامبری برانگیختیم با این پیام که: خدا را پرستید و از هر معبودی جز او دوری گزینید. پس از میان هرامتی کسانی بودند که خدا آنان را هدایت کرد و از میان آنان کسانی نیز بودند که گمراهی برایشان ثابت گشت. پس ای مشرکان، در زمین گردش کنید و بنگرید فرجام کسانی که پیامبران را دروغگو شمردند چگونه بوده

است؟

بر اساس آموزه‌های قرآن، رابطه انسان با خداوند یک رابطه یک طرفه و یک سویه نیست که فقط انسان‌ها خداوند را عبادت کنند بلکه یک رابطه دوطرفه است و خداوند به انسان‌ها از خودشان نزدیک‌تر و مهربان‌تر است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (البقره/۱۸۶)؛ و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند، بدانند که من به آنان نزدیکم، دعای دعاکننده را. آن‌گاه که مرا بخواند. اجابت می‌کنم، پس باید دعوت مرا بپذیرند و به درگاه من دعا کنند و به من ایمان بیاورند که دعایشان را اجابت می‌کنم، امید آن که در دعایشان به درگاه خدا راهیاب شوند. و در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «وَ لَيُنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (الحج/۴۰)؛ و قطعاً خدا کسانی را که او را یاری می‌دهند یاری خواهد کرد، چرا که خدا نیرومند و شکست‌ناپذیر است.

در معارف دینی یکی از نموده‌های بارز بندگی خداوند، عبادت است. عبادت بهترین شکل ابراز بندگی و عشق خالصانه به درگاه الهی است. هرچند خود عبادت نیز مصادیق و نموده‌های مختلف؛ آئینی، اجتماعی، آفاقی و انفسی دارد. جدول شماره (۳) مضامین رابطه انسان با خداوند را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳) مضامین رابطه انسان با خداوند در قرآن

شماره	آیات	ترجمه	مضمون
۱	وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. (الذاریات / ۵۶) وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ. (انبیا / ۲۵).	من جنیان و آدمیان را جز برای این که مرا بپرستند نیافریدم. و ما پیش از تو هیچ پیامبری را به رسالت نفرستادیم مگر این که به او وحی می کردیم که: معبودی شایسته پرستش جز من نیست، پس شما و امت هایتان مرا بپرستید.	بندگی
۲	يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ. (فاطر / ۱۵). يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (الرحمن / ۲۹)	ای مردم، شما میاید که به خدا نیازمندید، و خداست که بی نیاز است و کارهایش همه پسندیده و زیباست. . هر آنچه در آسمانها و زمین است از او می خواهند و او نیز هر روز در کار جدیدی است.	فقر
۳	الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (الرعد / ۲۸)	آنان که ایمان آوردند و کشتی دلشان با یاد خدا آرامش پیدا می کند اما این را بدانید تنها با همین یک چیز است که دلها آرامش پیدا می کند.	نیاز به کمال
۷	يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي (الفجر / ۲۷ تا ۳۰)	ای نفس مطمئن به سوی پروردگار خود برگرد درحالی که تو از او راضی و او از تو راضی است. پس در جمع بندگانم و در بهشتم داخل شو.	راضی و مرضی

۳.۴. تبیین رابطه انسان با محیط زیست

رابطه انسان با محیط زیست و طبیعت از جمله مسائلی است که تمدن بشری را به چالش کشیده و سبب بروز بحران‌های عظیم؛ زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی گردیده است. از این رو یکی از مسائل جدی و مهم تمدن‌ها در هزاره سوم، مسائل زیست محیطی و جلوگیری از تخریب بی‌رویه طبیعت است و تمدن‌سازی نوین اسلامی نیز از این چالش عظیم جهانی، منطقه‌ای و کشوری در امان و مستثنی نمی‌باشد. بر اساس آموزه‌های قرآن، فساد در زمین پیامد اعمال نادرست انسان است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (الروم/۴۱)؛ بر اثر شرک ورزیدن مردم و گناهانی که مرتکب می‌شوند، فساد و تباهی، خشکی و دریا را فراگرفت. تا خداوند وزر و وبال برخی از رفتارها و باورهای نادرست مردم را به آنان بچشاند، باشد که از شرک و گناه بازگردند و به توحید و فرمانبرداری از او گردن نهند. از این رو قرآن کریم انسان را به اصلاح تمدن خویش دعوت می‌کند و می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...» (اعراف/۵۶) زمین را بعد از اصلاح، فاسد نکنید.

قرآن کریم طبیعت را برای بهره‌مندی صحیح انسان مقرر فرموده است: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» (الاعراف، ۱۰) و همه طبیعت را مسخر انسان قرار داده؛ «سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ» (الحج، ۶۵). اما انسان را مسئول، مکلف و امانتدار ساخت تا به حقوق طبیعت احترام بگذارد و امانتدار لایقی برای آبادانی و اصلاح آن باشد؛ «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود، ۶۱). اصلاح و بهبود تعامل سازنده انسان با طبیعت در تمدن‌سازی نوین اسلامی از جمله اهداف و آرمانهای جمهوری اسلامی است. در آموزه‌های اسلامی به خصوص در قرآن کریم، طبیعت ذخایر و منابع خود را بی‌منت در اختیار انسان قرار داده تا انسان با زندگی شرافتمندانه و عزتمندانه راه عبودیت و تعالی را طی نماید.

جدول شماره (۴) مضامین رابطه انسان با محیط زیست در قرآن

شماره	آیات	ترجمه	مضمون
۱	<p>أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ (الحج / ۶۵)</p> <p>وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (الجاثیه / ۱۳)</p>	<p>آیا ندیدی که هر چه در زمین است خدا مسخر شما گردانید و کشتی به فرمان او در دریا سیر می‌کند... و آنچه در آسمانها و زمین است تمام را مسخر شما گردانید و اینها همه از سوی اوست. در این کار نیز برای مردم با فکرت آیاتی کاملاً پدیدار است.</p>	تسخیر عام
۲	<p>وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ (ابراهیم / ۳۲ و ۳۳)</p> <p>وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَازِرَ فِيهِ وَلَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (النحل / ۱۴)</p>	<p>و کشتی‌ها را مسخر شما کرد تا به امر او به روی آب دریا روان شود و نهرها را به اختیار شما جاری گردانید و خورشید و ماه گردنده و شب و روز را برای شما مسخر کرد. و هم او خدایی است که دریا را برای شما مسخر کرد تا از گوشت تر و تازه آن تغذیه کنید و از زیورهای آن استخراج کرده و تن را بیارابید و کشتی‌ها را در آن روان بینی که سینه آب را می‌شکافند و تا از فضل خدا روزی طلبید و باشد که شکر خدا را به جای آرید.</p>	تسخیر خاص
۳	<p>وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ (الاعراف / ۱۵۶)</p> <p>رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا (الغافر / ۷)</p>	<p>و رحمت من همه موجودات را فراگرفته است. ای پروردگاری که علم و رحمت بی‌منتهايت همه اهل عالم را فرا</p>	رحمت

	گرفته است.		
۴	هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ (الملك / ۱۵)	او آن خدایی است که زمین را برای شما نرم و هموار گردانید پس شما در پست و بلندی‌های آن حرکت کنید و از روزی او خورید و بازگشت همه خلاق به سوی اوست.	بهره‌مندی
۵	هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ (هود / ۶۱)	او خدایی است که شما را از زمین آفرید و برای عمارت و آباد ساختن آن برگماشت پس شما از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاه او توبه کنید.	آبادانی
۶	وَأَتَاكُمْ مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (ابراهيم / ۳۴)	و از انواع نعمتهایی که از او درخواست کردید به شما عطا فرمود و اگر نعمتهای خدا را بخواهید به شماره آورید هرگز حساب آن نتوانید کرد باز انسان سخت ستمگر و کفر کیش و ناسپاس است.	ظلم
۷	كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ وَلَا تَطْعَمُوا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوِيَ (طه / ۸۱)	از این رزق حلال و پاکیزه که نصیبتان کردیم تناول کنید و در آن طغیان و سرکشی نکنید و گرنه مستحق غضب و خشم من می‌شوید و هر کس که مستوجب خشم من گردید همانا خوار و هلاک خواهد شد.	تعدی
۸	وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (المائدة / ۸۶)	و آنان که کافر شدند و تکذیب آیات ما نمودند ایشان اهل جهنم‌اند.	تضییع
۹	فَكَفَرْتَ بِنِعْمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسٍ	نعمت‌های خدا را کفران کردند خدا	خوف

	هم بموجب آن کفران و معصیت طمع گرسنگی و بیمناکی را به آن‌ها چشانیید و چون لباس سراپای وجودشان را پوشاند	الجُوعَ وَ الْحَوْفَ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (النحل / ۱۱۲)	
کفران نعمت	و اگر کفران کنید عذاب من بسیار سخت است.	وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (ابراهیم / ۷)	۱۰
اسراف	و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد.	وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ المُسْرِفِينَ (الاعراف / ۳۱)	۱۱
فساد	فساد و پریشانی به کرده بد خود مردم در همه بر و بحر زمین پدید آمد تا خدا هم کیفر بعضی اعمالشان را به آن‌ها بچشاند باشد که باز گردند.	ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (الروم / ۴۱)	۱۲

۳- ۵. تبیین رابطه انسان با جهان آخرت

بر اساس آموزه‌های قرآن، انسان موجودی مسئول و پاسخگوست. مسئول و پاسخگو بودن انسان هم در سرنوشت این جهانی و هم در سرنوشت آن جهانی او تاثیرگذار است. در درجه اول انسان در مقابل خداوند مسئول و پاسخگو است و این نظارت درونی چقدر در انجام کارها و وظایف فردی و اجتماعی او می‌تواند منشا خیر و برکت باشد و در پیشبرد اهداف جامعه و تمدن‌سازی نوین اسلامی مؤثر باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (الاسراء/۳۶)؛ و از باورها، رفتارها و گفتارهایی که بدان‌ها علم نداری پیروی مکن، زیرا گوش و چشم و دل، از همه اینها سؤال می‌شود که آیا آنچه را دریافته بودند علم بود یا شک و تردیدی به همراه داشت. هیچ عمل و رفتاری از انسان بدون سؤال و جواب نخواهد بود به طوری که حتی اعضا و جوارح انسان به‌عنوان شاهد اعمال انسان گواهی خواهد داد. خداوند در برابر این مسئولیت بزرگ، جزا و پاداش ابدی خواهد داد. خداوند می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»

(الرحمن/ ۶۰)؛ این است احسان خدا به کسانی که از مقام او می‌ترسند؛ مگر سزای نیکی جز نیکی است؟

بر اساس آموزه‌های دینی، چنین به نظر می‌رسد که جاده مسئولیت جاده یک طرفه است. انسان مسئول هرگز انتظار برآورده شدن حق و حقوق خود را ندارد بلکه او تلاش می‌کند مسئولیت خود را در قبال دیگران و جامعه به نحو شایسته به انجام برساند. از این رو این رابطه نقش حیاتی در تمدن‌سازی نوین اسلامی دارد. امروز از چالش‌های مهم جامعه ما، عدم مسئولیت‌پذیری سلسله مراتب جامعه است. مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در همه مراحل؛ خودسازی، نظام‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی نوین اسلامی نقش برجسته و اساسی دارد. جدول شماره (۵) مضامین رابطه انسان با جهان آخرت را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۵) مضامین مربوط به رابطه انسان با جهان آخرت از منظر قرآن

شماره	آیات	ترجمه	مضمون
۱	يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (المائدة/ ۱۰۹). وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ (زخرف/ ۴۴).	روزی که خداوند همه پیامبران را گرد می‌آورد و به آنان می‌گوید: از سوی مردمی که به سویشان فرستاده شدید چه پاسخی به شما داده شد؟ می‌گویند: ما چنان‌که باید آگاهی نداریم، تو هستی که همه نهران‌ها را می‌دانی. و همانا این قرآن برای تو و امتت وسیله یادآوری خداست، و دیری نخواهد گذشت که درباره آن از شما سؤال خواهد شد.	مسئولیت پیامبران و رهبران جامعه
۲	فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (زخرف/ ۵۴). قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ	پس فرعون با این سخن قومش را سبک مغز ساخت در نتیجه آنان هم از او فرمان بردند، چرا که مردمی فاسق	مسئولیت امت‌ها و پیروان آنان

	<p>بودند. و خدا به آنان می‌گوید: در میان امت‌هایی از جنّ و انس که پیش از شما درگذشتند، به آتش دوزخ درآیید. هرگاه گروهی به آن جا وارد شوند،</p>	<p>مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا آذَرُكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَادِهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَصْلُونَا فَأَتَيْهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنَّ لَا تَعْلَمُونَ (الاعراف/۳۸).</p>	
<p>مسئول در مقابل نعمت‌های الهی</p>	<p>سپس آن روز که دوزخ را بنگرید، درباره هر نعمتی که به شما ارزانی شده است از شما سؤال خواهد شد.</p>	<p>ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (تکواثر/۸).</p>	<p>۳</p>
<p>مسئول دیگران</p>	<p>ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌هایتان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ‌ها خواهند بود، نگه دارید. و به مال یتیم - جز به بهترین وجهی که برای او سودآورتر است - نزدیک نشوید تا به توانایی خود برسند، و به پیمان‌ها وفا کنید که قطعاً پیمان‌ها مورد سؤال قرار خواهند گرفت.</p>	<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ (تحریم/۶). وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (الاسرا/۳۴).</p>	<p>۴</p>
<p>مسئولیت در قبال خود</p>	<p>و از باورها، رفتارها و گفتارهایی که بدانها علم نداری پیروی مکن، زیرا گوش و چشم و دل، از همه اینها سؤال می‌شود که آیا آنچه را دریافته بودند علم بود یا شک و تردیدی به همراه داشت. نماز را به پا دارید و زکات بدهید و بدانید که آنچه برای خود پیش می‌فرستید در نزد خدا خواهید یافت</p>	<p>وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (الاسرا/۳۶). وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (البقره/۱۱۰)</p>	<p>۵</p>

	همانا خداوند به اعمال شما آگاه است.		
۶	هر کسی نزد خدا در گرو دستاورد خویش است.	كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَةً (مدثر/۳۸).	ضمنات اعمال
۷	هرکس در کار خیری وساطت کند، از فرجام نیک آن بهره‌ای خواهد داشت، و هرکس در کار شری میانجیگری کند، از فرجام سوء آن نصیبی خواهد برد، و خدا بر انجام هر کاری تواناست و آن را برپا می‌دارد.	مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصيبٌ مِنْهَا وَ مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيَّ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْبِتًا (نسا/۸۵).	عمل و عکس‌العمل
۸	هرکس از مرد یا زن کاری شایسته کند و با ایمان باشد، قطعاً او را به حیاتی پاک زنده خواهیم داشت و به چنین کسانی برپایه بهترین کاری که انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.	مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (النحل/۹۷).	حیات طیبه

۳.۶. شبکه مضامین روابط پنگانه انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر قرآن

جدول شماره (۶) مضامین اصلی، سازمان‌دهنده و فراگیر روابط انسان را در تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر قرآن نشان می‌دهد. این جدول همبستگی و همپوشانی روابط پنجگانه انسان را در مسیر رسیدن به کمال و ایجاد تمدن نوین اسلامی ترسیم می‌کند.

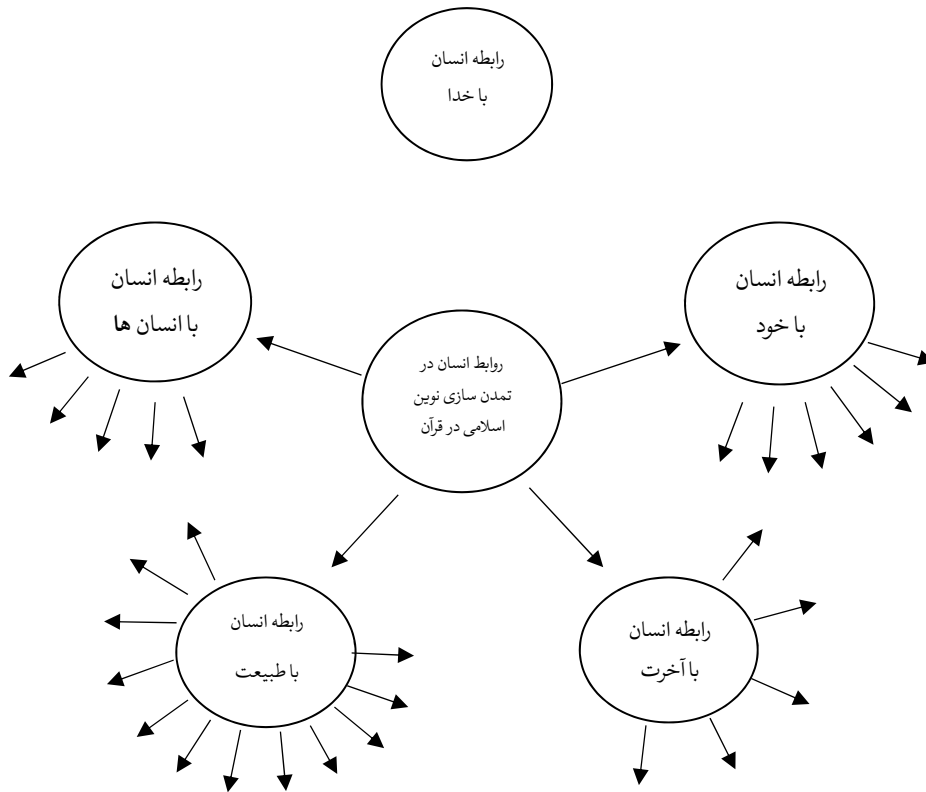
جدول شماره (۶) مضامین اصلی، سازمان دهنده و فراگیر رابطه انسان از منظر قرآن

مضامین اصلی	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	
مضامین اصلی	خودشناسی	بصیرت	
		کرامت	
		فطرت	
		روح	
		خلقت	
	خودسازی	اعتدال	
		تذکر	
		توبه	
		ایمان و عمل صالح	
		اندیشیدن	
		هدایت	
		قدرت تشخیص	
		عدل	زندگی اجتماعی
			عدالت
برابری			
صداقت			
نوع دوستی			
احسان	انفاق		
	احسان		
	دوری از بدبینی های بی جا		
	تعاون و همکاری		
	وحدت		
	دوستی و الفت		
		بندگی	
		فقر	

رابطه انسان با خدا	عبودیت	نیازکمال
		راضی و مرضی
رابطه انسان با طبیعت	تسخیر	تسخیر عام
		تسخیر خاص
		رحمت
	تسلط	بهره‌مندی
		آبادانی
	تخریب	ظلم
		فساد
		اسراف
	تهدید	تعدی
		تضییع
		خوف
		کفران نعمت
رابطه انسان با آخرت	مسئولیت	پیامبران و رهبران جامعه
		امت‌ها و پیروان آنان
		نعمت‌های الهی
		دیگران
		خود
	جزا و پاداش	ضمانت اعمال
		عمل و عکس‌العمل
		حیات طیبه

شبکه مضامین، شبکه‌ای از روابط بین مضامین است. شبکه مضامین روابط بین مضامین فراگیر با مضامین سازمان دهنده و نیز با مضامین اصلی را در یک شبکه درهم تنیده نشان می‌دهد. شکل شماره (۱) شبکه مضامین روابط پنج‌گانه انسان در تمدن‌سازی

نوین اسلامی را از منظر قرآن نشان می‌دهد. این شکل نشان می‌دهد که در تمدن‌سازی نوین اسلامی شبکه‌ای منسجم از روابط انسان وجود دارد که بایستی در راستای تحقق هدف اصلی؛ تمدن‌سازی نوین اسلامی و به عبارتی حیات طیبه، سامان دهی و هدایت شود. همچنین این شبکه نشان می‌دهد برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، توجه به همه ابعاد روابط انسانی به صورت یک پارچه نیاز هست و نمی‌توان به توسعه روابط انسانی بدون توجه به ارتباط انسان به طبیعت و محیط زیست توجه کرد.



شکل شماره (۱) شبکه مضامین رابطه انسان در تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر قرآن

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد؛ در تمدن‌سازی نوین اسلامی، روابط انسان به‌عنوان عنصر سازنده تمدن، نقش اساسی و مهمی در تکوین و تعالی آن دارد. چنانچه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به خودسازی، نظام‌سازی و تمدن‌سازی نوین اسلامی تأکید و هم‌بر نقش جوانان و تلاش‌های علمی و تحقیقاتی توصیه فرموده‌اند. بر اساس پیشینه و ادبیات تحقیق و نیز آموزه‌های قرآن؛ روابط انسان در ۵ مضمون فراگیر؛ رابطه انسان با خودش، رابطه انسان با انسان‌های دیگر، رابطه انسان با طبیعت، رابطه انسان با آخرت و رابطه انسان با خدا مقوله‌بندی شده است. رابطه انسان با خودش بر اساس آموزه‌های قرآن به دو مضمون سازمان‌دهنده؛ خودشناسی و خودسازی تحلیل شده است. رابطه انسان با انسان‌های دیگر بر اساس آموزه‌های قرآن به دو مضمون سازمان‌دهنده؛ عدل و احسان تقسیم شده است. رابطه انسان با طبیعت بر اساس آموزه‌های قرآن به چهار مضمون سازمان‌دهنده؛ تسخیر، تسلط، تخریب و تهدید تحلیل گردیده است. رابطه انسان با آخرت بر اساس آموزه‌های قرآن به دو مضمون سازمان‌دهنده؛ مسئولیت و پاداش تحلیل یافته است. رابطه انسان با خدا که محور همه روابط انسان است به مضمون سازمان‌دهنده عبودیت و بندگی تحلیل شده است. هریک از این مضامین از چندین مضمون پایه تشکیل یافته است. مجموع مضامین اصلی و یا پایه که در این پژوهش از متن قرآن استخراج شده ۴۶ مضمون می‌باشد.

با وجود فقر منابع پژوهشی در موضوع تحقیق و به‌خصوص در رابطه انسان با خود که فونداسیون و پایه روابط دیگر انسان را تشکیل می‌دهد، یافته‌های این تحقیق با نتایج تحقیقات ارائه شده در پیشینه هماهنگی و همپوشانی دارد. از طرفی هر یک از این روابط با توجه به گستردگی و ابعاد پیچیده روابط انسان، به پژوهش‌های مستقل و بین‌رشته‌ای نیاز دارد.

بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت؛ هر یک از مضامین استخراج شده از قرآن کریم، عنصر اصلی و سازنده تمدن نوین اسلامی را تشکیل می‌دهند. بر اساس

آموزه‌های قرآن، قدم اول تمدن‌سازی نوین اسلامی را خودسازی انسان تشکیل می‌دهد. در بحث خودسازی، شناخت خود؛ استعدادها و قوت‌ها در کنار ضعف‌ها و نقص‌ها، مقدمه خودسازی و شکوفایی انسان است. خداوند در بسیاری از آیات انسان را به خودشناسی و خودسازی دعوت کرده است.

در نتیجه خودسازی و خودشکوفایی انسان، روابط جدیدی شکل می‌گیرد که در تمدن‌سازی نوین اسلامی نقش حیاتی دارد. از آنجایی که رابطه انسان با خود، اساس روابط دیگر را شکل می‌دهد به عبارت دیگر وقتی هویت و شخصیت فرد بر اساس مبانی قرآنی شکل گرفت، روابط او با انسان‌های دیگر نیز بر مبنا و معیار قرآن شکل خواهد گرفت. قرآن رابطه انسان با انسان‌های دیگر را بر میزان عدالت و احسان تعریف می‌کند. علی علیه السلام در شرافت عدل و احسان، عدالت را شریفتر و تاثیرات آن را عمومی‌تر از احسان قلمداد می‌کند. جامعه‌ای که روابط انسان‌های آن بر معیار عدل و احسان شکل گرفته باشد، در ارتباط با طبیعت، به جای تهدید و تخریب طبیعت و محیط زیست، به درک و فهم قوانین حاکم بر طبیعت برآید و ایمان داشته باشد که هیچ رفتار و عملی از ایشان بدون پاسخ و جزا و پاداش نخواهد بود و خود را مسئول و پاسخگوی اعمال و رفتار خود بداند، این چنین انسانی بنده واقعی خداوند می‌باشد که می‌تواند؛ حیات طیبه و تمدن نوینی را پایه‌ریزی کند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه انصاریان، ۱۳۸۳ ش: اسوه، قم.
۲. نهج البلاغه. (۱۳۸۴). گردآورنده: شریف‌رضی، ترجمه محمددشتی قم: چاپ دوم، انتشارات وجدانی.
۳. امام خمینی، روح الله (۱۴۰۶ق). تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس. قم:
۴. انتشارات مؤسسه پاسدار اسلام.
۵. توکلی، یاسین (۱۳۹۴)، فرهنگ اسلامی تعامل انسان با طبیعت و محیط زیست از منظر قرآن کریم، نهمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی، تهران، سالن اجلاس سران کنفرانس اسلامی.
۶. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۷. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، صفحات ۳ و ۱۱.
۸. خلیلیان، محمدجمال و جوشقانی نایینی، سید حمید و عسکری، قاسم و بیدار، محمد (۱۳۹۲)، مبانی و معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره دوم، ص ۷۷-۱۰۲.
۹. دارایی، محمد و فرمehنی فراهانی، محسن و رهنما، اکبر (۱۳۹۵)، تبیین نقش اصل تربیتی تولی و تبری در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دیدگاههای مقام معظم رهبری، مجموعه مقالات دومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
۱۰. عابدی جعفری، حسن و تسلیمی، محمد سعید و فقیهی، ابوالحسن و شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دو پاییز و زمستان ۹۰.
۱۱. عیوضی، محمد رحیم و فلاح حسینی، مهسا (۱۳۹۵)، پیشران‌های تمدن ساز و آینده تمدنی انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات دومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
۱۲. فرزانه، محمد باقر و خیاط، علی و صفر پور، هادی (۱۳۹۷)، تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین

اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، دوره ۲۴، شماره ۱۱۸.

۱۳. کیلانی، ماجد عرسان، (۱۹۳۷)، فلسفه تربیت اسلامی، ترجمه بهروز رفیعی، انتشارات سمت تهران.

۱۴. مطهری مرتضی، (۱۳۵۲)، عدل الهی، انتشارات صدرا.

۱۵. مطهری، مرتضی، انسان در قرآن- PDF/ensan-dar-goran.pdf
[http://www.aviny.com/library/motahari/PDF/ensan-](http://www.aviny.com/library/motahari/PDF/ensan-dar-goran.pdf)

۱۶. معتمدی، عبدالله (۱۳۹۲)، سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی (ارتباط انسان با خود، خداوند، دیگران و طبیعت)، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی (ویژه نامه سبک زندگی) سال چهارم، شماره ۱۳، ص ۱۲۶.

۱۷. مولوی، محمد (۱۳۹۷) گرایش اجتماعی در تفاسیر قرآن پیشران مؤثر در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی، دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال دوم، شماره سوم، ص ۱۴۱-۱۶۰.

منابع انگلیسی

1. Boyatzis, R. E. (1998), Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage.
2. Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
3. Holloway, I. & Todres, L. (2003), "The Status of Method: Flexibility, Consistency and Coherence", Qualitative Research, Vol. 3, No. 3, Pp. 345-357

بخش سوم

عوامل انقراض و سقوط تمدن ها

عوامل انقراض تمدن‌ها از منظر قرآن و حدیث

فاطمه غلامی (نویسنده مسئول)^۱

محبوبه کیانی^۲

چکیده

تمدن و تمدن‌سازی از مهم‌ترین مسائل جامعه و حکومت اسلامی است. بیانیه گام دوم بسان چراغ هدایتی، راهبر ملت به سوی تمدنی متعالی است که تدوین و نگارش آن توسط امام خامنه‌ای (دامت برکاته)، نشان از دغدغه‌مندی ایشان نسبت به ایجاد تمدن نوین اسلامی است. رهبری تأکید دارند که برای ادامه راه و ساختن تمدنی که زمینه ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشد، باید شناخت دقیق و درستی نسبت به گذشته داشته باشیم. لذا مهم‌ترین منابع اخبار گذشتگان برای عبرت‌آموزی، آیات و روایات هستند. در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای، و با نگاه ویژه به بیانیه گام دوم انقلاب، عوامل انقراض تمدن‌ها از منظر قرآن و احادیث در چهار بعد عقیدتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است، که با بررسی چالش‌ها و آسیب‌هایی که منجر به انقراض تمدن شده است نسبت به عوامل عدم پایداری تمدن اسلامی هشدار می‌دهد. از

۱. طلبه سطح ۳ رشته تفسیر قرآن و کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام z.gholami135@gmail.com

۲. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه حضرت زینب علیها السلام ملایر k.kiani8320@yahoo.com

جمله این عوامل عدم تکافل، توازن و عدالت اجتماعی، هنجارشکنی و فساد در اخلاق، دوری از استقلال و آزادی، غفلت از نظارت و کنترل اجتماعی، خرافه‌گرایی و انحراف در دین، عدم وجود زمامدارن شایسته و... است. باید توجه داشته باشیم که اصلاح جامعه انسانی برای تمدن‌سازی یا بقای تمدنی متعالی و پایدار، فقط با ضوابط و اصول الهی میسر است.

کلید واژه‌ها: انقراض، تمدن، قرآن، احادیث، بیانیه گام دوم انقلاب، عوامل عقیدتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی

مقدمه

هدف دولت اسلامی، ایجاد زمینه‌های تشکیل تمدن اسلامی است. تمدنی متعالی مبتنی بر قرآن و سنت. تمدن‌های بسیاری در طول تاریخ وجود داشته که در اثر عواملی منقرض گشته‌اند. علم به چالش‌ها و آسیب‌های یک تمدن، ما را برای حفظ تمدن موجود یاری می‌کند. قرآن کریم مسائل مربوط به ملت‌های گذشته را به‌عنوان اندرز مطرح می‌کند تا ما با تفکر درباره آن‌ها عبرت بگیریم و به سرنوشت آن‌ها دچار نشویم: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ و ما نفرستادیم پیش از تو، جز مردانی از اهل آبادیها که به آن‌ها وحی می‌کردیم! آیا (مخالفتان دعوت تو) در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است! آیا فکر نمی‌کنید. (یوسف: ۱۰۹)

رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، که منشوری برای تداوم و ثبات تمدن است و حاوی نقاط قوت و چراغ راه پیشرفت تمدن اسلامی است؛ بیان می‌کنند: «برای برداشتن گام‌های استوار در آینده باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت. اگر ما از گذشته عبرت نگیریم در آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهیم گرفت.» ائمه علیهم‌السلام هم به مراتب ما را به عبرت از گذشته توصیه می‌کنند: امام علی علیه‌السلام میفرماید: «اعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَّمَ

المُسْتَكْبِرِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ بَأْسِ اللَّهِ وَ صَوْلَاتِهِ وَ وَقَائِعِهِ وَ مَثَلَاتِهِ؛ مردم از آنچه که بر ملت های متکبر گذشته، از کیفرها و عقوبت ها و سختگیری ها و ذلت و خواری فرود آمده عبرت گیرید». (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۹۲، ص ۲۷۵) وقتی که قرآن کریم، روایات و بیانات رهبر معظم انقلاب، مولفه ها و شاخصه های ثبات و عدم انقراض تمدن ها را مطرح می کنند، وظیفه ما اینست که با تحقیق و تبیین این موارد و با عبرت گیری و تعقل در آنها بهترین تمدن را تشکیل، و بدنبال پیشرفت و غنی شدن آن باشیم و در مقابل، از بوجود آمدن عوامل انقراض آن جلوگیری کنیم. نوشته حاضر با نگاهی وسیعتر نسبت به مکتوبات گذشته و البته مبتنی بر قرآن، احادیث و بیانیه گام دوم نگاشته شده است که آن را از دیگر آثار استثنا می کند. روش دستیابی به منابع در نوشته حاضر، روش نقلی و وحیانی است که اطلاعات به روش کتابخانه ای گردآوری شده و به شکل توصیفی و گزارشی پردازش شده است. با ملاک قرار دادن قرآن کریم و بررسی آسیب ها و چالش های مختلفی که جوامع در گذشته با آن روبه رو شده اند و موجب عذاب و نابودی آنها شده است؛ در می یابیم که عوامل متعددی موجب انقراض تمدن ها می شود، عواملی که احادیث هم آنها را تأیید می کنند. این عوامل در جوامع امروزی هم امکان وجود دارند و باید مراقب آنها باشیم. رهبری با آسیب شناسی که نسبت به عمر چهل ساله انقلاب داشتند اقدام به تدوین بیانیه گام دوم انقلاب نموده و در آن محورهای اساسی و توصیه هایی را بیان فرمودند. این مقاله در کنار قرآن و سنت، نگاه ویژه ای به بیانیه گام دوم داشته و بر اساس کلیات و جزئیات آن، گردآوری شده است. حاصل تحقیقات در این منابع، دستیابی به دوازده عامل انقراض تمدن در چهار بعد عقیدتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که به تبیین آنها می پردازیم. این عوامل عبارتند از:

- الف) عوامل عقیدتی: ۱. عدم اعتقاد به توحید ۲. خرافه گرایی و انحراف در دین
- ب) عوامل فرهنگی: ۱. هنجارشکنی و فساد در اخلاق ۲. از دست دادن نعمات و فرصتها به واسطه کفران نعمت
- ج) عوامل سیاسی: ۱. دوری از استقلال و آزادی ۲. عدم وجود زمامداران شایسته ۳.

ظلم و ستمگری

د) عوامل اجتماعی: ۱. عدم تکافل و توازن و عدالت اجتماعی ۲. تنزل آستانه امید ۳. وجود تفرقه و اختلاف ۴. غفلت از نظارت و کنترل اجتماعی ۵. ناامنی و نبود امنیت.

۱. پیشینه

در پیشینه بررسی این موضوع مشاهده می‌کنیم که نسبت به موضوع تمدن و تمدن‌سازی پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. اما با این عنوان خاص یعنی عوامل انقراض تمدن‌ها از منظر قرآن و حدیث به صورت جامع و با رویکرد بیانیه گام دوم انقلاب، مقاله و یا کتابی یافت نشد. اما به موضوعات مرتبط و نزدیکی دسترسی پیدا شد که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۱. عیسی زاده، عیسی، ۱۳۹۶، عوامل انقراض تمدن‌ها از منظر قرآن، فصلنامه مطالعات

راهبردی ناجا، سال دوم، شماره ۶

در این مقاله، شش مورد از عوامل انقراض تمدن‌ها از دیدگاه قرآن بررسی شده است که از بیانات مقام معظم رهبری هم بهره برده‌اند. این شش مورد عبارتند از: ۱. ظلم ۲. بی‌توجهی به مسئولیت اجتماعی ۳. اشرافی‌گری ۴. کفران نعمت ۵. تکذیب آیات ۶. گناه و فساد) از نقاط قوت این نوشته استفاده از بیانات رهبری درباره تمدن‌سازی است که همگی با مطالعات ایشان و آگاهی و اشرافشان نسبت به قرآن، سنت و تاریخ هستند. نویسنده، مطالب و سرفصل‌های مطرح شده را به خوبی تبیین کرده و به آن‌ها پرداخته است. اما با این‌که از سخنان رهبری درباره تمدن‌سازی استفاده شده اما به همه شاخص‌های مطرح شده توسط رهبری که خود نویسنده در مقاله ذکر کرده نپرداخته است. بطور مثال شاخصه های تمدن قرآن از نظر رهبری را بیان کرده و در آن به مواردی چون عدالت، اقتصاد، پرهیز از تحجر و ارتجاع اشاره شده اما در متن مقاله به آن نپرداخته است، درحالی‌که نویسنده می‌توانست از سخنان معصومین علیهم‌السلام که از جمله منابع دینی است استفاده کنند.

۲. ولی پور، عبدالله، عابدینی، ناصر، ۱۳۹۳، بررسی عوامل انقراض تمدن‌ها از منظر قرآن

مجید با بررسی مصادیق، فصلنامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن و حدیث، سال ششم، شماره ۲۲

در این مقاله تنها به چهار مورد از عوامل انقراض تمدنها و فقط از دید قرآن مجید پرداخته شده است: (۱. شرک به خدا ۲. تکذیب پیامبران ۳. ظلم ۴. سرکشی مترفین) مطالب این نوشته از نظر چینشی، مناسب و به صورت سلسله مراتب ذکر شده‌اند و از انسجام محتوایی خوبی برخوردار است. اما وقتی از دیدگاه قرآن یک مسئله بررسی می‌شود باید به صورت جامع، تحقیق به سرانجام برسد. عوامل انقراض تمدنها در قرآن، کم نیستند ولی نویسنده فقط به چهار مورد پرداخته است.

۲. مفهوم‌شناسی

تمدن

برای کلمه تمدن از نظر لغوی، معانی گوناگونی بیان شده است که به ذکر دو مورد بسنده می‌کنیم: ۱. تمدن از ریشه «مدن» به معنای شهرنشین شدن یا همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی و سیاسی است. (معین، ۱۳۸۶: ۴۸۴/۱) ۲. تمدن مشتق از مدینه و مدینه موضع اجتماعی اشخاص است که با انواع حرفه‌ها و صناعات تعاونی که سبب تعیش بود، زندگی می‌کنند. (طوسی، ۱۴۱۳: ۲۰۹)

در بیان معنای اصطلاحی تمدن اقوال مختلفی وجود دارد، از متداولترین معانی تمدن می‌توان گفت: «تمدن به معنای تشکل انسان‌ها با روابط عالی و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی آن در همه ابعاد ممکن است.» (جعفری تبریزی، ۱۳۷۷: ۱۶۶/۵) تمدن فرهنگ ریشه دار و حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی انسان هاست. چنان‌که اسلامی فرد، تمدن را مظهر مادی و معنوی فرهنگ قلمداد کرده است. (اسلامی فرد، ۱۳۸۹: ۲۱) آیت‌الله جوادی آملی تمدن را نظامی اجتماعی می‌داند که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان می‌یابد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۴۸)

مفهوم تمدن از نظر مقام معظم رهبری: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد.» بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری. (۱۳۹۲/۰۶/۱۴) [https://farsi.khamenei.ir/newspart-\(index?tid=1712&npt=2](https://farsi.khamenei.ir/newspart-(index?tid=1712&npt=2)

۳. عوامل افول و زوال تمدن‌ها

۱.۳. عوامل عقیدتی

۱.۳-۱. عدم اعتقاد به توحید

شرک یعنی این که برای خداوند هم‌تراز قرار دهیم و به دنبال اثبات شریک برای خداوند باشیم، این همان بت پرستی است. مسئله توحید از اساسی‌ترین موضوعات قرآن است. سرآمد برنامه همه پیامبران دعوت به توحید و اجتناب از طاغوت است. هر پیامبری که در طول تاریخ آمده اولین مطلب تعلیمی‌اش توحید و یکتاپرستی بوده چراکه، این توحید و عدم شرک است که پایه تمدن و حافظ بقای آن است و از انقراضش جلوگیری می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی توحید را عالیترین سیر فکری و بالندگی انسان، و دور شدن از آن را مایه هلاکت می‌داند. (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۹۲) خداوند در آیه ۳۶ سوره نحل بجهت هدایت انسان‌ها را به عاقبت و سرنوشت مشرکینی که خدا را تکذیب کردند ارجاع می‌دهد، عاقبتی که نشان از ریشه‌کن شدن و انقراض آن‌ها دارد: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود! (نحل: ۳۶) از مصادیق تکذیب کنندگانی که منقرض شدند تمدن و مردم زمان حضرت نوح علیه السلام بود:

«وَنَصْرَانَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَعْرِضْنَا عَنْهُمْ أَجْمَعِينَ»؛ و او (نوح) را در برابر جمعیتی که آیات ما را تکذیب کرده بودند یاری دادیم؛ چراکه قوم بدی بودند؛ ازاین رو همه آن‌ها را غرق کردیم. «انبیاء: ۷۷»

پیامبران پیوسته مردم را به یکتاپرستی و توحید دعوت می‌کردند، تلاش وافر آن‌ها در این امر برای بوجود آمدن یک تمدن توحیدی بود. به‌عنوان نمونه حضرت موسی علیه السلام، مردم زمان خود را به توحید فرا می‌خواند. او در این راه حتی فرعون را که در آن زمان در نگاه مردم، مقام خدایی داشت را به باور توحیدی دعوت می‌کرد: «فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزْكِيَ* وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ»؛ وبه او بگو: آیا می‌خواهی پاکیزه شوی؟! و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا از او بترسی (و گناه نکنی)؟! (نازعات: ۱۸ و ۱۹)

شرک به خداوند و عدم اعتقاد به توحید آثار زیادی دارد: ۱. مشرک گمراه است: «...وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»؛ و هر کس برای خدا همتایی قرار دهد، در گمراهی دوری افتاده است. (نساء: ۱۱۶) ۲. بهشت بر مشرک، حرام و جایگاه او آتش است: «مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ»؛ هر کس شریکی برای خدا قرار دهد، خداوند بهشت را براو حرام کرده است و جایگاه او دوزخ است. (مائده: ۷۲) ۳. آمرزش و بخشش الهی شامل مشرک نمی‌شود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ»؛ خداوند (هرگز) شرک را نمی‌بخشد (نساء: ۴۸) با این توصیفات، انسانی که گمراه بوده، بخشش و آمرزش خداوند شامل او نمی‌شود و حتی بهشت براو حرام، و جایگاهش جهنم است، قطعاً نابود خواهد شد و این وضعیت در یک تمدن اسلامی هم باعث زوال و نابودی آن تمدن می‌شود. پس از مهم‌ترین عوامل بقای یک تمدن عدم وجود شرک در آن تمدن است. انسانی که خدا را به‌عنوان تنها معبود جهان قبول داشته باشد، با انگیزه و توان فراوان در پی کسب رضایت اوست و افعالش را منطبق بر توحید انجام می‌دهد و هدف تعالی افعالی او می‌شود.

اگر افراد عادی به حال خود رها شوند، از راه راست منحرف می‌شوند هرچند که در صنعت و تکنولوژی به جایی برسند که زیر دریایی بسازند. مردم ژاپن و چین با آن همه

پیشرفت علمی و صنعتی، زیر خط فقر فرهنگی هستند زیرا همچنان در برابر بت، که مصنوع بشر است کرنش می‌کنند این همان بت پرستی در جهان نوین است. آیت‌الله جوادی آملی در این باره میفرماید: «بشر با انحراف از توحید، ره به منزل نمی‌برد. اکنون نیز بسیاری از مردم به ظاهر متمدن به بت پرستی مدرن مبتلایند ممکن است در صنعت پیشرفت کنند اما وقتی خود را از وحی بی‌نیاز بدانند به جای غمخوار جامعه بودن خونخوار مظلومان خواهند بود.» (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۲)

بهترین نقش فردی و اجتماعی در ایجاد تمدن و حفظ و وقایع آن این است که تمام حرکت‌ها، ایده‌ها، گرایش‌ها و نگرش‌های انسان‌ها را در جهت مبدا واحد و هدفی کامل که همان ایده‌های مطلق و برتر هستی است سوق دهد. (صدر، ۱۳۶۱: ۵۹) وقتی که باور توحیدی در یک جامعه نهادینه و به‌طور عمومی رایج باشد، عامل مهمی در همکاری همگانی مردم، در پیشبرد اهداف و ترویج فرهنگ واحد مورد قبول جامعه است. در واقع تمدن یکپارچه شکل گرفته که مهم‌ترین مؤلفه در این جا عدم وجود تضاد مقابل هم است، چیزی که موجب پیشرفت شگرف یک تمدن می‌شود. در چنین جامعه‌ای، والاترین مرتبه انسان‌گرایی حقیقی در خداباوری حقیقی تحقق پیدا کرده و هویت انسان در جامعه معنا پیدا می‌کند و زمینه ساز حرکت او در ایجاد تمدن و تکامل می‌گردد. (بهجت پور، ۱۳۸۷: ۲۴۸/۱). شرک و بت پرستی در طول تاریخ باعث انقراض تمدن‌های فراوانی شده یکی از سوره‌های قرآن که از این موارد یاد کرده سوره مبارکه اعراف است. در آیات متعددی از این سوره، سرگذشت اقوامی چون قوم عاد، شعیب، نوح و ثمود ذکر شده که به علت شرک و بت پرستی نابود شدند. لذا بنابر اشتراکات کلامی و نتیجه‌ای این موارد، به ذکر یک نمونه بسنده می‌کنیم:

از اقوامی که شرک عامل فروپاشی آن‌ها شده، قوم عاد است. حضرت هود علیه السلام به‌عنوان پیامبر، بین آن‌ها برانگیخته شد و در اولین اقدام، آن‌ها را به یکتاپرستی فراخواند: "وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ؛" و به سوی قوم عاد، برادرشان

«هود» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! تنها خدا را پرستش کنید که جز او معبودی برای شما نیست! آیا پرهیزگاری پیشه نمی‌کنید؟!» (اعراف: ۶۵) اما عده کثیری مخالفت کرده، او را دروغگو خوانده و به خدای یگانه ایمان نیاوردند، که نتیجه این کار نابودی و زوال آن‌ها بود. «فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَّعْنَا دَايِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ»؛ سرانجام، او و کسانی را که با او بودند، برحمت خود نجات بخشیدیم و ریشه کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند، قطع کردیم (اعراف: ۷۲). ذکر کردیم که این اقوام به خاطر عدم ایمان و اعتقاد به توحید و به خاطر بت پرستی و شرکشان عذاب شدند.

۱.۳-۲. خرافه‌گرایی و انحراف در دین

خرافه عقاید بی‌بنیان و مطالب موهوم است. (دهخدا، ۱۳۴۴: ۳۸۷/۲۱) و انحراف دینی دوری از اهداف اصلی خلقت و رضایت خداوند است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۴۵۵/۹) انبیا آمدند تا انسان‌ها دچار خرافات و انحرافات نشوند. حقیقت دعوت انبیا اصلاح زندگی زمینی انسان است و آنان در حد توان کوشیده‌اند تا بشر را به مسیر تمدن توحیدی هدایت کنند و از انحرافات و موهومات باز دارند چنان‌که حضرت شعیب علیه السلام فرمودند: «قَالَ يَا قَوْمِ... مَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَاكُمْ عَنْهُ إِنَّ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ»؛ ای قوم من..... من هرگز نمی‌خواهم چیزی که شما را از آن باز می‌دارم، خودم مرتکب شوم! من جز اصلاح - تا آن جا که توانایی دارم - نمی‌خواهم. (هود: ۸۸) (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۴۳۰/۱۵) بعد از این که مردم هدایت شدند، اگر بعد از هدایت و ایمان آوردنشان، درباره مسائل دینی عقیدتی دچار خرافات و انحرافات شده و از هدایت دور شوند، تمدن الهی موجود شکننده و آسیب‌پذیر خواهد بود. امام علی علیه السلام در این باره فرمودند: «هرکس هدایت نشود، گمراهی هلاکش می‌کند» (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۲۸، ص ۵۳) مومنان یک جامعه به‌منزله یک پیکرند و سرنوشتشان به هم مرتبط است. پیوند سرنوشت‌ها موجب می‌شود که تخلف و انحراف یک فرد، در همه جامعه تأثیر بگذارد؛ چنان‌که یک بیماری واگیر در صورتی که معالجه نگردد، از فرد به جامعه سرایت نموده و سلامت آن را به خطر می‌اندازد. یک تمدن برای بقا نیازمند

حضور افراد هدایت شده است، لذا کسانی که منحرف شوند، یک عده دیگر را هم با خود منحرف می‌کنند. چراکه منحرفان، اسیر شیطان شده و او را معیار کار خود قرار داده‌اند و شیطان نیز آن‌ها را دام خود قرار داده: امام علی علیه السلام: «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكَاً وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَكَاً». (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۷، ص ۳۵)

به طور مثال تمدنی که حضرت موسی علیه السلام بنیان نهاد وقتی که برای مدتی کنار قوم خود نبود، فهمید که گوساله پرست شده‌اند و گوساله زرین را می‌پرستند که در واقع با یک خرافه‌گرایی و یک انحراف، تمدن توحیدی نوپای حضرت موسی رو به زوال نهاد که البته با برخورد و روشنگری ویژه حضرت موسی جامعه بیدار شد: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلَ فْتُوبُوا إِلَى بَرِّئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَرِّئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»؛ و زمانی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید! پس توبه کنید؛ و به سوی خالق خود باز گردید! و خود را به قتل برسانید! این کار، برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است. سپس خداوند توبه شما را پذیرفت؛ زیرا که او توبه‌پذیر و رحیم است. (بقره: ۵۴) منظور از کشتن خود در این آیه اینست که حکم مرتد منحرف برگشته از دین الهی، مرگ است.

نمونه انحراف اجتماعی عصر حاضر در ایران و در فتنه سال ۱۳۸۸ رخ داد، مسئولینی که منحرف شدند و مردمان زیادی را هم با خود به انحراف کشاندند. خدای را سپاس که با تدبیر رهبر فرزانه‌مان این انحراف به انقراضمان نینجامید. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی تحریف و دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند، فقط برای این که ملت و نظام منحرف شده و نابود شوند. این که جمهوری اسلامی ایران با لطف حق، همچنان با صلابت و با اقتدار پابرجاست به این دلیل است که این نهضت، منحرف نشده و این عدم انحراف، ریشه در ثبات اعتقادات مبنایی این نظام دارد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳)

۴. عوامل فرهنگی

۱.۴. هنجارشکنی و فساد در اخلاق

اخلاق عبارتست از ملکات و هیئتهای نفسانی که اگر نفس به آن متّصف شود، به سهولت کاری را انجام می‌دهد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۷۳) اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، راستگویی، شجاعت و... است. ارزش‌های اخلاقی در یک جامعه می‌تواند باعث قوام و استحکام تمدن و فرهنگ شود و درمقابل، سست شدن و نابودی این ارزش‌ها موجب انقراض تمدن می‌شود. یکی از دلایل انحطاط تمدن‌ها رواج فساد اخلاقی بوده است. امام علی علیه السلام، نهایت کار و محصول فساد فاسدان را عذاب و بدبختی معرفی کرده است. (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۲، ص ۲۹) ابن‌خلدون هم یکی از علل سقوط تمدن‌ها را سست شدن اعتقادات دینی و تعالیم مذهبی و از بین رفتن ارزش‌های اخلاقی و فضایل در جامعه می‌داند. (ابن‌خلدون، ۱۳۶۲: ۵۶۹/۱) شواهد تاریخی نشان می‌دهد آن‌گاه که فرمانروایان و مردم گرفتار فساد اخلاقی شدند، زمینه فروپاشی تمدنشان فراهم گردید (اخوان، ۱۳۹۶: <https://www.taghrib.org/fa/article/print/800>)

تزلزل در حکومت‌ها و تمدن‌ها از آنجایی شروع می‌شود که انسان به دنبال هوای نفس خویش می‌رود و برده آن می‌شود. امام علی علیه السلام نتیجه پیروی از هوای نفس را، مرگ می‌دانند: «مَنْ جَرَى فِي عِنَانِ أَمَلِهِ عَثَرَ بِأَجَلِهِ» (رضی، ۱۳۹۰: حکمت ۱۹، ص ۴۴۷) درحالی‌که پاداش کسی که از هوای نفسش پیروی نکند جز بهشت نیست: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَقَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»؛ و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی بازدارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست. (نازعات: ۴۰ و ۴۱) مشخص می‌شود که این‌گونه انسان‌ها هستند که باعث رشد و ترقی تمدن می‌شوند و الا انسان‌هایی که از هوای نفس تبعیت کرده و دچار فساد اخلاقی شوند، نه تنها کمکی به پیشرفت تمدن نمی‌کنند، حتی موجب تضعیف و انقراض تمدن می‌شوند. ویل دورانت عامل اصلی زوال تمدن‌ها را از بین رفتن ارزش‌های دینی و اخلاقی، افراط در لذت طلبی، مشغول‌لهو و لعب شدن و... می‌داند.

(ویل دورانت، ۱۳۷۸: ۱۸/۱). پیامبران به‌طور مستمر در پی ترویج فضایل اخلاقی بوده‌اند چراکه می‌دانستند تمدن دینی با فضایل اخلاقی مستحکم می‌شود. ارزش‌های اخلاقی فطرتاً در انسان وجود دارند چراکه انسان فطرتاً پاک و حق‌گراست و این فطرت تغییرناپذیر است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَیْمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ»؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند. (روم: ۳۰) نفس پلید و ناپاک، عاری از هرگونه ارزش‌های اخلاقی است. در نتیجه مردمان تمدنی که عاری از ارزش‌های اخلاقی باشند رستگار نخواهند بود و تمدنشان به انقراض کشیده خواهد شد، در واقع تا زمانی یک تمدن پابرجاست و منقرض نمی‌شود که انسان‌های آن تمدن پابرجا باشند، لکن تمدن بدون وجود آدمیان اصلاً وجود نخواهد داشت. قرآن کریم راه رستگاری انسان‌ها را پاکی و تزکیه نفس می‌داند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»؛ هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده. (شمس: ۹) به همین علت است که پیشوایان دینی ما برای رسیدن به تمدن متعالی و از دست رفتن تمدن الهی موجود، در صدد زنده کردن و پویایی ارزش‌های اخلاقی و تزکیه نفس مردم یک جامعه بودند. تزکیه نفس نسبت به منکرات، افکار و افعال ناهنجار است. قرآن کریم یکی از راه‌های رهایی از کارهای ضد ارزش و منکر را، نماز معرفی کرده است: «وَأَقِمْ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»؛ نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه بازمی‌دارد (عنکبوت: ۴۵) اینجاست که می‌فهمیم چرا نماز ستون دین است؛ زیرا متضمن ارزش‌های اخلاقی و تزکیه نفس آدمی است. دریافتیم که فساد اخلاقی نابودکننده تمدنهاست و فاسد جز شقاوت، عذاب، بدبختی، خسران و نابودی عاقبت دیگری ندارد. بر ماست که با تزکیه نفس، فساد اخلاقی را از خود دور کرده و به سرشت و فطرت پاک خود بازگردیم؛ و اولین گام در این تزکیه، اقامه نماز است. در منابع مختلف دینی راه‌های دیگری برای اصلاح فساد ذکر شده بطور مثال: ۱. امام علی علیه السلام راه حل اصلاح همه فسادها را، اصلاح نیت، محبت الهی و

درخواست عفو از خدا می‌داند. (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۷۸، ص ۲۴۳) ۲. یکی از راه‌هایی که قرآن کریم برای دچار نشدن به فساد مطرح می‌کند، یاد و ذکر نعمت‌های خداست: «فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»؛ نعمتهای خدا را متذکر شوید! و در زمین، به فساد نکوشید. (اعراف: ۷۴)

معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) حکومت‌ها برای رواج فضایل اخلاق نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند باید حکومت خود، منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشد و زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کند. با انقلاب اسلامی ایران معنویت و اخلاق افزایش چشمگیر داشته است. معنویت و اخلاق ملتی که تبلیغات مروج فساد و بی‌بند و باری در طول دوران پهلوی، به آن ضربه‌های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم کشانده بود و این رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی ایران بود که دل‌های مستعد و نورانی را مجذوب کرد و فضا به نفع دین و اخلاق دگرگون شد آن هم در دورانی که سقوط اخلاقی روز افزون غرب و پیروانش و تبلیغات پرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است و این یک معجزه از انقلاب است. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) پس زندگی اجتماعی زمانی سبب تمدن و تکامل است که از مبادی ایمانی و اخلاقی نشئت بگیرد، اما اگر برای تأمین لذات و شهوات باشد عامل هبوط و سقوط تمدن است.

۲.۴. از دست دادن نعمات و فرصت‌ها به واسطه کفران نعمت

وقتی خداوند متعال به ما نعمتی می‌دهد، تنها انتظاری که از ما دارد شکرگزاری است و این تشکر با استفاده درست از این نعمات حاصل می‌شود. این قانون خداست که اگر کسی قدر نعمات الهی را نداند، از او پس گرفته می‌شود. خداوند متعال در آیه ۷ سوره مبارکه

ابراهیم میفرماید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»؛ و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است. ناسپاسی از نعمت‌های خداوند مصداق ستمکاری است. اما این ستم را انسان در واقع در حق خودش انجام می‌دهد: «وَوَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْعَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كَلُومًا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»؛ و ابر را بر شما سایبان قرار دادیم؛ و «من» [شیره مخصوص و لذیذ درختان] و «سلوی» [مرغان مخصوص شبیه کبوتر] را بر شما فرستادیم؛ (و گفتیم: «از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید!» [ولی شما کفران کردید!]) آن‌ها به ما ستم نکردند؛ بلکه به خود ستم می‌نمودند. (بقره: ۵۷) تمدن‌ها و مردمان زیادی بودند که به خاطر ناسپاسی نسبت به نعمات الهی عذاب شده و منقرض شدند: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيْبَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فِتْلَكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيْلًا»؛ و چه بسیار از شهرها و آبادی‌هایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاک کردیم! این خانه‌های آنهاست (که ویران شده) و بعد از آنان جز اندکی، کسی در آن‌ها سکونت نکرد (قصص: ۵۸). از آنجاکه قرآن، برای همه اعصار و دوره‌هاست نکته مهمی که از این آیه باید برداشت کنیم این است که نعمت‌های خدا در این زمان چه نعمتی است که ما باید قدر آن را بدانیم. منظور از نعمت‌های الهی همان ولایت اهل بیت است. یاد نعمت‌های الهی رمز رستگاری است زیرا یاد نعمت‌ها عشق و محبت می‌آورد، محبت اطاعت در پی دارد و اطاعت نیز رستگاری به دنبال دارد. (نور قرآنی، ۱۳۹۸: ۳/۹۶)

احادیث متعددی هم مؤید این مطلبند که کفران نعمت عامل هلاکت است: «إِنَّ لِلَّهِ [تَعَالَى] فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا؛ فَمَنْ آذَاهُ زَادَهُ مِنْهَا، وَمَنْ قَصَرَ فِيهِ حَاطِرٌ بِرَوَالٍ نِعْمَتِهِ»؛ خدا را در هر نعمتی حقی است، هر کس آن را بپردازد، فزونی یابد، و آن کس که نپردازد و کوتاهی کند، در خطر نابودی قرار گیرد. (رضی، ۱۳۹۰: حکمت ۲۴۴، ص ۴۸۴)

۵. عوامل سیاسی

۱.۵. دوری از استقلال و آزادی

آزادی امت باعث شکوفایی استعدادها می‌شود و شکوفایی استعدادها مستقیماً رشد دهنده فرهنگ جامعه است و این‌گونه تمدن‌ها بوجود آمده و غنی می‌شوند. امام علی علیه السلام در وصف کشورداری خویش خطاب به مردم می‌فرماید: «أَعْتَقْتُكُمْ مِنْ رَبِّقِ الدُّلِّ وَ حَلَقِ الضَّمِيمِ»؛ از بندهای بردگی و ذلت شما را نجات داده، و از حلقه‌های ستم رهایی بخشیدم. (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۵۹، ص ۲۱۰) در واقع امام علی علیه السلام برای رشد و بالندگی تمدن، به برطرف کردن یکی از آسیب‌های مورد توجه جامعه پرداخته است. حال اگر مردم در جامعه‌ای از نعمت آزادی سلب شوند، فرهنگ تضعیف شده و تمدن هم رو به نابودی خواهد گذاشت، زیرا ملت برده یا استعمار زده احساس ذلت می‌کنند و همین ذلت سبب انقراض تمدن است. نعم الهی باید فراگیر باشد یعنی همگی بایست از نعم الهی استفاده کنند. وقتی فرد یا جماعتی، از نعمتی محروم شوند اول احساس حقارت و کوچکی می‌کنند سپس از فرهنگ و نظام حاکم متنفر می‌شوند و نهایتاً برای رسیدن به حقشان مبارزه می‌کنند و یا آماده مبارزه هستند. وجود گروهی که فرهنگ رایجی را قبول نداشته باشند عامل سستی و انقراض تمدن حاکم می‌شود چراکه آن افراد، در تلاش برای تغییر وضع موجود و در پی نابود کردن آن فرهنگ غلط هستند. نابودی فرهنگ برابر است با نابودی تمدن موجود. آیه ششم سوره مبارکه ابراهیم به نعمت آزادی مردم زمان حضرت موسی اشاره می‌کند که از دست فرعون نجات یافتند و فرعون نابود شد: «وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ»؛ و (به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «نعمت خدا را بر خود به یاد داشته باشید، زمانی که شما را از (چنگال) آل فرعون رهایی بخشید. حضرت موسی علیه السلام که دغدغه بردگی بنی اسرائیل را داشت فرعون را به دلیل برده‌داری و استثمار بنی اسرائیل سرزنش میکرد: «وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛ آیا این منتی است که تو بر من می‌گذاری که بنی اسرائیل را برده خود ساخته‌ای. (شعراء: ۲۲) بنی اسرائیل که از برده بودن و ظلم

و استبداد فراعنه به ستوه آمده بودند با روحیه آزادیخواهی خود از تمدن مصر خارج و تمدن الهی را بوجود آوردند. در نتیجه یکی از مهم‌ترین دلایل انقراض تمدن مصر، همین برده داری های فراوان آن دوران توسط فراعنه بود. به همین خاطر است که رهبران الهی همواره به دنبال بازگرداندن آزادی برای انسان‌ها بوده‌اند. وقتی انسان برده باشد و مورد استثمار دیگران باشد در واقع دچار اسارت فکری، عقلی، ذهنی و فرهنگی هستند. انسان برای تعقل و تفکر آزادانه باید اسیر و برده نباشد. خداوند در قرآن بسیار به اهمیت تفکر و اندیشه و تعقل اشاره نموده و آزادی مادی و معنوی افراد جامعه لازمه تفکر و اندیشه سالم است چنان‌که از نخستین رسالت‌های انبیای الهی، آزاد کردن بندگان و مبارزه با طاغوت است. آخرین پیامبر الهی، حضرت محمد ﷺ در آن زمان انسان‌ها را به آزادی بشارت می‌داد: «يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد. (اعراف: ۱۵۷) در گذشته آزادی به معنای برده نبودن نسبت به افراد دیگر بود اما امروزه معنایی گسترده‌تر هم پیدا کرده این‌که فرد و یک جامعه تحت سیطره استعمار کشور دیگری نباشد یعنی آزاد است. آزادی کشور ایران از تحمیل و زورگویی قدرت های سلطه‌گر جهان با خون صدها هزار انسان والا و شجاع به دست آمده که باید آن را حفظ کرد. (امام، خامنه‌ای بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://www.farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

۲.۵. عدم وجود زمامداران شایسته

اگر یک تمدن فاقد زمامداران شایسته باشد قطع به یقین زوالش حتمی است. چراکه آن‌ها صلاحیت لازم را ندارند و چنین افرادی نه تنها باعث پیشرفت و غنی‌تر شدن تمدن نمی‌شوند بلکه تمدن را هم نابود می‌کنند. قرآن کریم به این امر اشاره می‌کند و می‌فرماید: «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ»؛ چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آن‌ها، که نجاتشان دادیم!

وآنانکه ستم می‌کردند، از تنعم و کامجویی پیروی کردند؛ و گناهکار بودند (و نابود شدند). (هود: ۱۱۶) در نتیجه یک تمدن دچار افول نمی‌شود و روبه سقوط نمی‌نماید که رهبر و زمامدارانی شایسته، عادل، عالم و عامل به دین در رأس کار باشد. اولین شخص عامل به دین باید رهبر جامعه باشد چنان که امام علی علیه السلام میفرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ»؛ کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد. (رضی، ۱۳۹۰: حکمت ۷۳، ص ۴۵۴) تمدنی که حکم خدا را اجرا کند دچار افول و زوال نمی‌شود اجرای حکم در سراسر یک بلاد توسط زمامداران انجام می‌گیرد، در قرآن کریم به اعمال سرپرستان و رهبران جامعه اشاره شده که باید چه کارهایی انجام دهند، و خودشان اولین عاملان به آن دستوراتند سپس مردم را به آن فرا میخوانند: ۱. «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ همان کسانی که هر گاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست. (حج: ۴۱) ۲. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛ سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند، (پیروزند؛ زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است. (مائده: ۵۵ و ۵۶)

مقام معظم رهبری برای زمامداری امور مختلف کشور تأکید بر مدیریت توسط جوانان دارند. ایشان فرموده‌اند: «برای رسیدن به آرمان‌های بلند نظام در جمهوری اسلامی ایران، یعنی تمدنی اسلامی - و حیاتی قوی و متعالی، که زمینه ساز ظهور امام زمان باشد، مسیری افتخارآمیز طی شده است اما آنچه که برای ادامه این مسیر مهم است وجود جوانان در راس کار و مدیریت کشور است چراکه سرعت عمل و ابتکار جوانان نقطه قوت آنان است. جوانان انقلابی، فعال و اندیشمند در همه عرصه‌ها چه دینی چه اخلاقی چه در عرصه عدالت باید

زیربار مسئولیت روند و با این روند، ایران عزیز اسلامی تبدیل به یک نظام پیشرفته اسلامی می‌شود. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>)

۳.۵. ظلم و ستمگری

ظلم در اصطلاح قرآن شامل هرگونه انحراف از موازین حق و تجاوز از حدود و قوانین حاکم بر فرایند تکامل موجود است یا انجام هر نوع عملی که مغایر وضعیت صحیح یا حرکت و تغییر تکاملی پدیده‌هاست. (پایدار، ۱۳۵۶: ۵۸). واژه ظلم به قدری معنای گسترده‌ای دارد که شامل هرگونه گناه و فساد است. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۹۰) منظور از ظلم در قرآن کریم یک کار واحد و خاص نیست بلکه طبق آیات قرآن کریم، به کارها و انحرافات مختلفی ظلم می‌گویند: ۱. در آیه ۱۵۷ سوره انعام، ظلم به معنای تکذیب آیات الهی است: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا»؛ پس چه کسی ستمکارتر است از کسی که آیات خدا را تکذیب کرده و از آن روی گردانده است. ۲. در آیه ۱۳ سوره لقمان، ظلم به معنای شرک به خداست: «يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»؛ ای پسر عزیزم، هرگز شرک به خدا نیاور که شرک، بسیار ظلم بزرگی است. ۳. در آیه ۲۳ سوره توبه، ظلم به معنای اطاعت از کفار است: «إِنْ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ اگرچه آن‌ها کفر را بر ایمان بگزینند، و هر کس از شما آنان را دوست گیرد چنین کسانی بی شک ستمکارند.

با بررسی آیات مختلف قرآن کریم درمی‌یابیم که ظلم و ستم یکی از مهم‌ترین دلایلی است که از سوی قرآن به عنوان منقرض‌کننده تمدن و امت‌های قبلی ذکر شده است: ۱. «فَكَأَيُّ مَن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ»؛ چه بسیار شهرها و آبادی‌هایی که آن‌ها را نابود و هلاک کردیم درحالی‌که (مردمش) ستمگر بودند. (حج: ۴۵). ۲. «وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ»؛ و هنگامی‌که فرستادگان ما (از فرشتگان) بشارت (تولد فرزند) برای ابراهیم آوردند، گفتند: «ما اهل این شهر و آبادی را [بوجه شهرهای قوم لوط اشاره کردند] هلاک خواهیم کرد، چراکه اهل آن ستمگرند» (عنکبوت: ۳۱) ۳. «وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا

الْفُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَا ظَلَمُوا؛ ما اَمّت های پیش از شما را، هنگامی که ظلم کردند، هلاک نمودیم. (یونس: ۱۳)

با تأمل در این آیات شریفه درمی یابیم: ۱. ظلم و ستم زمینه ساز سقوط ملت‌هاست ۲. عقاب و قهر الهی بعد از اتمام حجت است ۳. هلاکت برای ستمگرانی است که امیدى به ایمان و اصلاحشان نیست ۴. در کنار تاریخ، باید فلسفه تاریخ نیز بیان شود تا مایه عبرت باشد ۵. سنت‌های الهی همگانی و همیشگی است. نور (قرائتی، ۱۳۹۸: ۵۴۸/۳) پس هر شخص ظالم و ستمگری، هلاک می‌شود و این قانون و سنت همیشگی خداست که تغییرناپذیر است. در نتیجه نابودی ظالمان و تمدن آن‌ها جزء قوانین الهی است. این که ملت غیور ایران انقلاب کردند و انقلاب را به نتیجه رسانده و آرمان‌های انقلابی را حفظ کردند، به خاطر ظلم و ستم حکومت طاغوت بود. اولین برکت انقلاب اسلامی رهایی مردم از رژیم ننگین سلطنتی استبدادی و تبدیل حکومت شاهنشاهی به حکومت مردمی و مردم سالاری بود. (امام خامنه‌ای، (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://www.farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

تمدن برای بقا بایست بر محور حق و حقیقت حرکت کند: «فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ: أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ؛ همانا ملت‌های پیش از شما به هلاکت رسیدند، بدان جهت که حق مردم را نپرداختند. (رضی، ۱۳۹۰: نامه ۷۹، ص ۴۴۱) پیامبران علیهم‌السلام هم برای دوام تمدنی پایدار، فقط معتقد به حق بودند تا جایی که برای زنده نگه داشتن یا اعاده آن، هیچ ترسی از هیچ شخصی نداشتند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «وَأَنْ لَا يَأْخُذَنِي فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ وَأَنْ أَقُولَ الْحَقَّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا؛ و این که در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نهراسم و حق را بگویم هرچند گفتنش تلخ و ناگوار باشد. (طباطبائی، ۱۳۸۳: ۱۳۲)

امام علی علیه‌السلام میفرماید: «مَنْ عَامَلَ رَعِيَّتَهُ بِالظُّلْمِ أزالَ اللهُ مُلْكَهُ وَ عَجَلَ بَوَارَهُ وَ هَلَكَهُ؛ هر کس نسبت به رعیتش ظلم ورزد، خداوند فرمانروایی اش را از بین برده و نابودی و هلاکتش را به تعجیل می‌اندازد. (خوانساری، ۱۳۶۶: ۳۵۸/۵) ظلم از ناحیه سردمداران و روسای

ملت‌ها قطعاً نابودی آن حکومت و تمدن را در پی دارد. از دید امام رضا علیه السلام، ستم سردمداران، سست و بی‌اعتبار شدن دولت را در پی دارد: «إِذَا جَارَ السُّلْطَانَهَاتِ الدَّوْلَةُ» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۱۰) چراکه این ملت قیام خواهند کرد. به همین خاطر است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «يَوْمَ الْمُظْلَمِ عَلَى الظَّالِمِ، أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمُظْلَمِ»؛ روزی که ستم‌دیده از ستمکار انتقام کشد، سخت‌تر از روزیست که ستمکار براو ستم روا می‌داشت. (رضی، ۱۳۹۰: حکمت ۲۴۱، ص ۴۸۴). امام علی علیه السلام خودشان در دوره کوتاه مدت حکومتشان، همواره فرماندهان و والیان را از ظلم و ستم و استبداد نسبت به مردم نهی می‌کردند تا تمدن اسلامی دچار افول نشود: امام علیه السلام خطاب به یکی از فرماندهان: «لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَاتَ فِي رِعِيَّةٍ»؛ تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی. (رضی، ۱۳۹۰: نامه ۵، ص ۳۴۵) البته گاهی اوقات خود ملت هم در حق خود ستم می‌کنند مانند مردمی که دعوت و نبوت پیامبران را تکذیب می‌کردند و به مقابله با آن‌ها می‌پرداختند و نهایتاً سرانجام همه‌گی نابودی بود. پس توجه به این نکته حائز اهمیت است که هر ظلمی در قبال کسی یا چیزی در واقع ظلم به خویشتن است چنان‌که قرآن کریم هم عامل هلاکت تمدن‌های گذشته را ظلم آن‌ها به خودشان بیان می‌کند: «فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»؛ ما هر یک از آنان را به گناهانشان گرفتیم، بر بعضی از آن‌ها طوفانی از سنگریزه فرستادیم و بعضی از آنان را صیحه آسمانی فروگرفت و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم و بعضی را غرق کردیم؛ خداوند هرگز به آن‌ها ستم نکرد، ولی آن‌ها خودشان بر خود ستم می‌کردند. (عنکبوت: ۴۰)

۶. عوامل اجتماعی

۱.۶. عدم تکافل، توازن و عدالت اجتماعی

عدل از ضروریترین مسائل حقوقی است که در صدر فرائض قرار دارد نه در ذیل نوافل. جامعه فاقد عدل از هرگونه تمدن ناب محروم است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «زمانی دین و

سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله) پایدار شده و حکومت تداوم می‌یابد که عدالت برقرار شود و عدالت هم با رعایت حقوق متقابل توسط رهبر و مردم برقرار می‌شود». (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۲۱۶، ص ۳۱۵) وقتی عدالت در یک جامعه حکمفرما باشد، مردم با آسودگی خاطر و با اندیشه‌ای فراخ به سوی کمال و ترقی تمدن گام بر می‌دارند. وقتی بدانیم که عدالتی وجود نداشته باشد، در نتیجه، کار خود را بی‌ثمر دانسته و انگیزه خود را از دست می‌دهیم. با انگیزه از بین رفته، پایه‌های تمدن سست شده و رو به زوال خواهد گذشت. امام علی علیه السلام در ترسیم نحوه حکومت‌داری و نوع رفتار فرمانداران و مسئولان تأکید می‌کند که نوع رفتار باید بگونه‌ای باشد که ناتوانان از عدالت مأیوس نگردند. (رضی، ۱۳۹۰: نامه ۴۶، ص ۳۹۶)

به عنوان نمونه نگاه عادلانه نسبت به زن و مرد باید وجود داشته باشد، زنان حتی میان ملت‌های متمدن یونان که کتاب و قانون داشتند، هیچگاه حق و ارزشی نداشته بلکه مورد تهدید و قتل و خرید و فروش هم قرار می‌گرفتند. وقتی قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰). یعنی با مردم و افراد جامعه باید به گونه‌ای برخورد شود که حقی از آن‌ها ضایع نشود. این نشان می‌دهد که عدالت، از پایه‌های تمدن و جامعه است. هر آنچه که خداوند به آن امر می‌فرماید، قطعاً جزء عوامل استقرار و ثبات تمدن است. اجرای عدالت تا حدی مهم است که قرآن کریم می‌فرماید حتی نسبت به دشمنان هم عدالت را ترک نکنید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است. (مائده: ۸) خداوندی که عادل است قطعاً جهان مادی هم مشمول این صفت باری تعالی قرار می‌گیرد و این دنیا از عدل تهی نمی‌شود. این عدل است که به مثابه یک جریان زنده پویایی و دوام یک تمدن را تضمین می‌کند. عدل صفتی است که بازدهی و نقش اجتماعی دارد، جامعه و حرکت اجتماعی را بی‌نیاز می‌سازد و جامعه بشری و حرکت اجتماعی بیش از هر صفت دیگری شدیداً نیازمند عدل است. (صدر،

۱۴۰۱: ۱۹۷) به همین علت است که در قرآن کریم به عدل و قسط توجه ویژه شده و آیات متعددی امر به عدالت می‌کند: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ»؛ بگو: پروردگار من شما را به عدل و درستی امر کرده. (اعراف: ۲۹) کما این که برای بوجود آمدن تمدن الهی بر پایه عدل و قسط آیات زیادی می‌بینیم که قرآن کریم گسترش عدل و قسط را از اهداف بعثت پیامبران می‌داند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. (حدید: ۲۵) تلاش صادقانه و مستمر انبیاء و جانشینان آنان برای تشکیل حکومت، تنها ایجاد عدالت اجتماعی در تمام زمینه‌ها بوده است. (خمینی، ۱۳۹۰: ۷۰) این که پیامبران به دنبال تحقق عدالت بودند دلیلی محکم بر مهم بودن مسئله است برای این که یک تمدن دچار افول و انقراض نشود باید عدالت اشاعه شود. جامعه عدالت محور ایجاب می‌کند که دقت ویژه و مسئولانه‌ای نسبت به تکافل عمومی و توازن اجتماعی وجود داشته باشد. این دو رکن ضامن سلامت روحی، روانی و جسمی یک ملت اند. (غلامی، *)

اصل تکافل عمومی با هدف کفالت همگانی و ایجاد غنای عمومی بگونه‌ای که نیازمند در جامعه یافت نشود صادق است. (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۶۰۴) از جمله اقدامات جمهوری اسلامی ایران در عصر حاضر برای اجرای این اصل می‌توان به کمیته امداد، بهزیستی، هلال احمر و... اشاره کرد. توازن اجتماعی زمانی برقرار است که دسترسی و نحوه استفاده از ثروت، منابع و امکانات بگونه‌ای باشد که همه مردم بصورتی عادلانه و متناسب با نیازشان فارغ از هرگونه فاصله طبقاتی، از آن‌ها برخوردار باشند. با اجرای این دو اصل است که رضایت عمومی جامعه حاصل شده و شرایط برای نارضایتی عمومی و در پی آن ضعف دولت و سست شدن تمدن مهیا نمی‌شود.

در تمدن‌سازی و تداوم تمدن اگر نگاه ویژه به عدالت داریم این دید باید بعد بین‌المللی داشته باشد، به همین خاطر است که در عصر حاضر، ایران به کمک کشورهایی مثل عراق،

سوریه، یمن و لبنان می‌رود. آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: «اگر معیار تمدن، قسط و عدل و حق‌شناسی جامعه انسانی و حقوق بشر است، داخل و خارج کشور نباید فرقی داشته باشد.» (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۹۳)

عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی ایران هم بایست همان باشد. از برکات انقلاب جمهوری اسلامی ایران از نظر امام خامنه‌ای، بسط و سنگین کردن کفه عدالت در کشور است، رهبری عدالت در کشور را ارزشی والا و گوهری بی‌همتا می‌داند که باید در راس امور جمهوری اسلامی ایران باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۱)

۲.۶. ۲. تنزل آستانه امید

جامعه‌ای که دچار یأس و ناامیدی شود از رکود و حرکت باز می‌ایستد چراکه امیدواری، خیال و توهم نیست بلکه امید باعث حرکت و عمل می‌شود و موتور محرکه جامعه است. امید که فقط متوجه حضرت باری تعالی باشد نه بندگان او. امام علی علیه السلام هم امیدواری نسبت به غیر خدا را نهی می‌کنند: «لَا يَرْجُونَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ»؛ کسی از شما جز به پروردگار خود امیدوار نباشد. (رضی، ۱۳۹۰: حکمت ۸۲، ص ۴۵۶) هیچ تمدنی با ناامیدی و افسردگی پیش نرفته است. در زندگی انبیای الهی هم هیچ ناامیدی وجود ندارد بلکه تماماً سخن از امیدواری برای آینده‌ای خوب و زیباست. (محمدی ری شهری، ۱۳۶۸: ۳۲) اگر یک پیامبر برای دعوت مردم به دین و ایجاد حکومت الهی، امید و امیدواری نداشته باشد کارش مؤثر واقع نمی‌شود چراکه خودش هم معتقد به این کار نیست و در واقع منافات با مقام پیامبری دارد. تمام پیامبران با امیدواری به دنبال بوجود آمدن تمدنی الهی بوده‌اند. بطور مثال حضرت موسی علیه السلام هنگام فرار از مصر به مدین به هیچ عنوان ناامید نیست چنان که در آیه ۲۲ سوره قصص می‌خوانیم: «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ»؛ و هنگامی که متوجه جانب مدین شد گفت: «امیدوارم پروردگار مرا به راه راست هدایت کند». اگر انسان، خدا و رضایت او را سرلوحه افعال خویش قرار دهد آن وقت با این دید

انسان سرشار از شوق و رغبت شده و آینده را در پیش چشمان خود روشن و نورانی می‌بیند، امید را در او برمی‌انگیزد و تمدن می‌سازد. (مطهری، ۱۳۵۷: ۳۸) اما چگونه می‌شود که ناامیدی در تمدنی الهی و حیوانی نفوذ می‌کند؟ قرآن یکی از علت‌های ناامیدی را گناه و معصیت می‌داند: «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»؛ و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است (شمس: ۱۰). بایستی که از گناه و معاصی دوری کرده و اگر به گناه آلوده شدیم به هیچ وجه نسبت به رحمت الهی ناامید نشویم. «کسی نباید نسبت به خدا ناامید باشد چراکه رحمت خدا لاینقطع است.» (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۴۵، ص ۶۹)

امروزه مردم کشورمان تا حد زیادی با ناامیدی روبه‌رو هستند، وضعیت اقتصادی، اشتغال، وضعیت خانوادگی و تحصیل از عوامل داخلی ناامید شدن مردم است که سهم اقتصاد به مراتب بیشتر است. با تورم بی‌سابقه از بدو انقلاب تاکنون، افزایش بی‌رویه و نجومی قیمت‌ها علی‌الخصوص قیمت مسکن و توان پایین خانواده‌ها در فراهم کردن شرایط شروع زندگی برای جوانان و افزایش سن ازدواج آن‌ها، همگی به تنزل آستانه امید و ایجاد یاس منجر شده است. در کنار این عوامل داخلی، عوامل خارجی هم مزید بر علت هستند، این که حس خود تحقیربینی نسبت به مردم کشورهای دیگر برای مردم ایجاد شده نشان از تهاجم فرهنگی شدید از سوی جبهه دشمن است. این که رسانه‌های معاند و شبکه‌های ماهواره‌ای زندگی در کشورهای اروپایی را مدینه فاضله‌ای برای مسلمانان معرفی می‌کنند و همزمان هم مردم، تحت فشار مشکلات داخلی قرار دارند، این شرایط منجر به ایجاد احساس خود کمترینی و در نهایت خود تحقیری می‌شود که نتیجه‌ای جز ناامیدی و یأس ندارد.

کشور و ملت عزیز ایران از اول انقلاب تا الان درگیر و تحت شدیدترین و ظالمانه‌ترین تحریم‌ها هستند اما نکته و مؤلفه خاص و شاخصی که تداوم تمدن اسلامی را متضمن شده، امیدواری و زنده نگه داشتن روحیه حیات و عدم یأس نسبت به آینده است. نخستین توصیه رهبری در بیانیه گام دوم، امیدواری و نگاه خوشبینانه به آینده است.

رهبری امید را کلید اساسی همه قفل‌ها می‌دانند. در طول دوران پس از انقلاب، سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران از آینده است. نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد جوانان پرورش حس امید و امیدواری در خود و دیگران است. ایران کشوری است که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی کم‌نظیر است و البته بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست اندرکاران بی‌استفاده مانده آنچه که جهش ایجاد کرده و عامل فعال شدن این ظرفیت‌هاست انگیزه است، انگیزه انقلابی و جوانی. (امام، خامنه‌ای (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

مقام معظم رهبری فرمودند که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده نشده طبیعی و انسانی در رتبه اول جهان است. بایستی که روحیه و انگیزه مردم بالاخص جوانان افزایش یافته و در راه پیشرفت کشور کارگر واقع شود و نباید این همه ظرفیت بلااستفاده باقی بماند،

۳.۶. غفلت از نظارت و کنترل اجتماعی

انسان برای رسیدن به رستگاری، تعالی و پیشرفت باید به واجبات خود عمل کند. خداوند حکیم اموری را بر انسان واجب گردانیده که برایش سراسر سود باشد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «الْفَرَائِضُ الْفَرَائِضُ، أَدُّوْهَا إِلَى اللَّهِ تُؤَدِّكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ»؛ واجبات! واجبات! در انجام واجبات کوتاهی نکنید تا شما را به بهشت رساند. (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۶۷، ص ۲۲۷) برخی واجبات فردی و برخی دیگر دارای ابعادی اجتماعی هستند و برخی فردی - اجتماعی‌اند. یکی از این واجبات فردی - اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر است. اسلام به امر به معروف و نهی از منکر توجه زیادی دارد زیرا انجام همه واجبات و ترک همه محرمات به انجام این دو وظیفه الهی است و باید گفت حیات دین و قوام آن به حیات این دو واجب بستگی دارد.

انسان‌ها در قبال یکدیگر مسئولیت دارند. نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او

ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. پس باید یکدیگر را ارشاد و در مقابل، دیگران را از انجام کارهای ناپسند باز بدارند. این یک واجب قطعی الهی است. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند. (آل عمران: ۱۰۴) «کسانی که آمر به معروف‌اند، قبل از هر چیز بایست خودشان عامل به آن معروف باشند. اگر این‌گونه نباشد مورد نفرین ائمه علیهم‌السلام قرار می‌گیرند؛ امام علی علیه‌السلام میفرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِيْنَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِينَ لَهُ»؛ نفرین بر آنانکه امر به معروف می‌کنند و خود ترک می‌نمایند. (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۲۹، ص ۱۷۵) در قرآن کریم گروهی از بنی اسرائیل را ذکر می‌کند که به خاطر ترک نهی از منکر مورد لعنت انبیاء واقع شده‌اند، کسانی که مورد لعن پیامبران باشند قطعاً نابودی سزای آنهاست: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ* كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ»؛ کافران بنی اسرائیل، بر زبان داوود و عیسی بن مریم، لعن و نفرین شدند! این به خاطر آن بود که گناه کردند و تجاوز می‌نمودند. آن‌ها هیچگاه یکدیگر را از کار زشت خود نهی نمی‌کردند. (مائده: ۷۸) این همه تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر، بدان جهت است که اگر این فرائض ترک شوند، تمدن و ماندگاریش به خطر می‌افتد. ترک این واجب باعث می‌شود، افراد شقی و پست، سگاندار و زمامدار امور شوند؛ امام علی علیه‌السلام: «لَا تَثْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيُؤْتَى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ»؛ امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می‌گردند. (رضی، ۱۳۹۰: نامه ۴۷، ص ۳۹۹) مسلط شدن بدترین انسان‌های یک جامعه بر مردم زمینه ساز دیگر عوامل انقراض تمدنها چون ستم، بی‌عدالتی و... می‌شود. از طرفی عمل به این واجب عامل سعادت و نجات انسان و تمدن هم می‌شود و آن‌ها را از نابودی دور می‌کند: «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ»؛ چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آنها که

نجاتشان دادیم! و آنان که ستم می‌کردند، از تنعم و کامجویی پیروی کردند؛ و گناهکار بودند و نابود شدند. (هود: ۱۱۶) با تأمل در این آیه در می‌یابیم که تنها نجات یافتگان در نابودی تمدن، نهی کنندگان از فساد ذکر شده است.

۴.۶. وجود تفرقه و اختلاف

عدم اختلاف و تفرقه گاهی اوقات حتی از اولین ملاک‌های استقرار و تداوم تمدن است. نمونه بارز آن سکوت حضرت علی علیه السلام نسبت به مسلم‌ترین حق تاریخ پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله است. آن بزرگوار بود که برای از بین نرفتن تمدن نوپای اسلامی - وحیانی از حق خودش گذشت تا اسلام و تمدن اسلامی زنده و پایدار بماند. امام علیه السلام در این باره می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَا سُلْمَانَ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَيَّ خَاصَّةً»؛ سوگند به خدا به آنچه انجام داده‌اید گردن می‌نهم، تا هنگامی که اوضاع مسلمین روبراه باشد و از هم نپاشد و جز من به دیگری ستم نشود (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۷۴، ص ۸۷). امام خمینی رحمته الله علیه برای تداوم تمدن اسلامی در ایران و حتی در دیدی فرا ملی عامل انحطاط و سقوط تمدن اسلامی را تفرقه دانسته‌اند همانگونه که استعمارگران برای تحمیل خواسته‌های یک طرفه خویش وقتی با وحدت دول اسلامی روبه‌رو شدند، چاره کار را ایجاد تفرقه بین امت اسلامی میدانستند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۷۵) از دید معصومین علیهم السلام، گراندترین ارزش و والاترین کرامت، وحدت است: «أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ مَثْنٍ وَ أَجْلُ مِنْ كُلِّ حَظْرٍ» (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۹۲، ص ۲۸۳) تنازع مردم و اختلاف بین آن‌ها موجب فتنه، کینه، سست شدن و نابودی آنهاست: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»؛ و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (وکشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (وشوکت) شما از میان نرود. (انفال: ۴۶) در نتیجه، اختلاف و تفرقه و عدم وحدت جامعه، تمدن را به ورطه نابودی و زوال میکشاند. در بیانیه گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری یکی از برکات جمهوری اسلامی را ذکر می‌کند که از دید معظم له، محصول هماهنگی، وحدت، عدم تخالف و روحیه احساس جمعی است. این برکات شامل رشد علم، وجود میلیون‌ها تحصیل کرده، وجود هزاران

شرکت دانش بنیان، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی و رشد و پیشرفت در صنایع دفاعی و.... می‌شوند. یعنی وحدت رویه، روحیه همگانی مشترک و اتحاد بین امت در پیشبرد اهداف و رشد و پیشرفت کشور، این دستاوردها و برکات را به ارمغان آورده است. (امام، خامنه‌ای بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>)

۵.۶. ناامنی و نبود امنیت

امنیت از مهم‌ترین زمینه‌های رشد و دوام تمدن است. باید امنیت وجود داشته باشد تا تمدنی رو به جلو حرکت کند و الا هرج و مرج، تمدن را نابود می‌کند. (آیه نهم سوره حجرات مردم را از نزاع و برهم زدن امنیت جامعه نهی می‌کند: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاتٍ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ»؛ و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ بپردازند، آن‌ها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید. امام علی علیه السلام درباره سرزمین بی‌امنیت می‌فرماید: «سَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَا يَأْمَنُ فِيهِ الْقَطَّانُ»؛ بدترین سرزمین‌ها برای سکونت، جایی است که ساکنانش امنیت ندارند. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۲۴۳/۱۳) در نتیجه سرزمینی که بدترین مکان از سوی حضرت علی علیه السلام معرفی شده است قطعاً تمدنی متعالی ندارد و تمدن فشل، منقرض خواهد شد. بر همین اساس است که یکی از فلسفه تشکیل حکومت‌ها تأمین امنیت ملت است. (رضی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۳۱، ص ۱۷۵)

با دقت در آیه ۱۲۶ سوره مبارکه بقره در می‌یابیم وجود امنیت مقدمه هرگونه آبادانی و پیشرفت است و کسانی که کافر شوند از نعمت امنیت بی‌بهره مانده و سرانجامشان هلاکت است: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»؛ و (به یاد آورید) هنگامی را که

ابراهیم گفت: «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده! و اهل آن را - آن‌ها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده‌اند - از ثمرات (گوناگون)، روزی ده!» گفت: «ما دعای تو را اجابت کردیم؛ و مؤمنان را از انواع برکات، بهره‌مند ساختیم؛ (اما به آن‌ها که کافر شدند، بهره کمی خواهیم داد؛ سپس آن‌ها را به عذاب آتش می‌کشانیم؛ و چه بد سرانجامی دارند»

یکی از برکاتی که به لطف وجود انقلاب اسلامی ایران به ارمغان آمد، بحث امنیت بود جمهوری اسلامی ایران ثبات و امنیت کشور را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و همچنین در کارزاری نابرابر در جنگ هشت ساله، شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی اش را پدید آورد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۵)

نتیجه:

مردم و حکومت اسلامی، باید تمدن نوین اسلامی را ایجاد و در حفظ و تعالی آن بکوشند. مهم‌ترین شاخصه در حفظ تمدن، عبرت گرفتن از تمدن‌های متلاشی و منقرض گذشته است. آسیب و چالش‌هایی که متوجه آنان بوده را باید شناخت تا به سرگذشتشان دچار نشد. مسئولین و زمامداران، محوری‌ترین عامل ثبات یک تمدن‌اند. بسیاری از عوامل انقراض تمدن‌ها با عملکرد آن‌ها ارتباط مستقیم دارد. مانند ظلم و ستم، فساد اخلاقی، ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه، عدم عدالت و... مسئولین امور باید جوان، بانگیزه، انقلابی، عدالت‌خواه، بااخلاق و اندیشمند باشند تا تمدنی مترقی ساخته شده و منقرض نشود. مردم یک تمدن نیز، در سرنوشت و ثبات تمدنشان نقش بسزایی دارند. برای حفظ تمدن نوین اسلامی، مردم به‌عنوان موتور محرکه جامعه باید فعال و پویا بوده و با شرک، فساد اخلاقی، بی‌عدالتی مبارزه کرده و واجب الهی اجتماعی مانند امر به معروف و نهی از منکر را به جا آورند. تمدنی متعالی در دو محور خلاصه می‌شود اول گرایش به نیکی‌ها، دوم پرهیز از زشتی‌ها؛ این دو محور کلیدی‌ترین و راهبردی‌ترین جریان بقای یک تمدن ناب است. دفاع از کیان کشور اسلامی در پرتو حراست همه‌جانبه از تمام مظاهر تمدن یک ملتی است که تمدن خویش را در تدین خود می‌داند. تمدن نوین اسلامی، زمینه ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه است؛ پس هر اقدامی در این مسیر بر ما واجب است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمان، ۱۳۶۲، «مقدمه»، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، ج ۱، چهارم، علمی فرهنگی
۳. اخوان، عباس، ۱۳۹۶، «تبیین مولفه‌های تمدن‌ساز در سیره پیامبر اعظم»، بازیابی: ۱۴/۰۳/۱۴۰۰ از سایت:
۴. اسلامی فرد، زهرا، ۱۳۸۹، «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام»، قم، اول، دفتر نشر معارف
۵. بهجت پور، عبدالکریم، ۱۳۸۷، «تفسیر همگان با وحی»، قم، ج ۱، دوم، سبط النبی
۶. پایدار، حبیب الله، ۱۳۵۶، «حیات و مرگ تمدن‌ها»، تهران، بی‌چا، نشر فرهنگ اسلامی
۷. پایگاه اطلاع رسانی: <https://www.taghrib.org/fa/article/print/800>
۸. جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۷۷، «ترجمه و تفسیر نهج البلاغه»، تهران، ج ۵، بی‌چا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۹. جمشیدی، محمد حسین، ۱۳۸۰، «نظریه عدالت از دیدگاه فارابی - امام خمینی علیه السلام - شهید صدر»، تهران، پژوهشکده امام خمینی
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، «مبادی اخلاق در قرآن»، قم، سوم، اسراء
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، «انتظار بشر از دین»، قم، سوم، اسراء
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۵، «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی»، قم، سیزدهم، اسراء
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۸، «ولایت فقیه»، قم، هجدهم، اسراء
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۹، «تسنیم»، قم، ج ۱، سیزدهم، اسراء
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۷، «بیانیه گام دوم انقلاب»، : khamenei.ir
۱۶. خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، «صحیفه امام»، تهران، ج ۱، بی‌چا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۷. خمینی، روح الله، ۱۳۹۰، «ولایت فقیه»، تهران، بیست و سوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۸. خوانساری، محمد حسین، ۱۳۶۶، «شرح غرر الحکم و درر الکلم»، تهران، ج ۵، بی‌چا، دانشگاه

تهران

۱۹. دورانت، ویلیام، ۱۳۷۸، «تاریخ تمدن»، ترجمه گروهی، تهران، ج ۱، ششم، علمی و فرهنگی
۲۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۴، «فرهنگنامه»، تهران، ج ۲۱، بی‌چا، دانشگاه تهران
۲۱. رضی، محمد، نهج البلاغه، ۱۳۹۰، ترجمه محمد دشتی، چاپ دوم، تهران، فرحان
۲۲. صدر، محمد باقر، ۱۴۰۱، «المدرسة القرآنية»، تهران، بی‌چا، دارالکتب الایرانی
۲۳. صدر، محمد باقر، ۱۳۶۱، «عبادت در اسلام»، ترجمه کاظم خلخالی، تهران، اول، عطایی
۲۴. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۸۳، «سنن النبی»، ترجمه عباس عزیزی، قم، سوم، صلاة
۲۵. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۴، «المیزان»، ترجمه محمد باقر موسوی، قم، ج ۱۵، بی‌چا،

اسلامی

۲۶. طوسی، محمد نصیرالدین، ۱۴۱۳، «اخلاق ناصری»، تهران، اول، علمیه اسلامیة
۲۷. غلامی، فاطمه، ۱۳۹۹، «نقش کارگزاران اجتماعی و اقتصادی بر سلامت جامعه در حکومت علوی»، همایش ملی سیره علوی، دوره یازدهم
۲۸. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، «تفسیر نور»، تهران، ج ۵، بی‌چا، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
۲۹. قرائتی، محسن، ۱۳۹۸، «تفسیر نور»، تهران، ج ۳، چهاردهم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
۳۰. محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، میزان الحکمه، قم، ج ۱۳، چاپ هفتم، نشر دارالحدیث
۳۱. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۶۸، «نقش آفرینی‌های امید»، تهران، بی‌چا، پاسدار اسلام
۳۲. مدرسی، محمد تقی، ۱۴۱۹، «من هدی القرآن»، تهران، ج ۹، اول، دار محبب الحسین
۳۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۷، «خدمات متقابل اسلام و ایران»، تهران، بی‌چا، صدرا
۳۴. معین، محمد، ۱۳۸۶، «فرهنگ معین»، تصحیح عزیزالله علیزاده، تهران، ج ۱، چهارم، آدنا
۳۵. مفید، محمد، ۱۴۱۳، «الأمالی»، تصحیح حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم، اول، کنگره

شیخ مفید

عوامل فروپاشی تمدن ثمود از نگاه قرآن و تطبیق آن با تمدن غرب

علی پارساخصال^۱

چکیده

یکی از اقوامی که از آن‌ها در قرآن نام برده شده است قوم ثمود است. قوم ثمود تمام ویژگی‌های یک تمدن عظیم و قدرتمند را دارا بودند. آنان دارای خانه‌هایی ایمن و محکم، کشاورزی و زراعت پر رونق، جمعیت زیاد، ثروت فراوان و قدرت قابل توجهی بودند. با وجود تمام این مؤلفه‌ها، قوم ثمود دچار زلزله و نهایتاً سقوط و نابودی به وسیله عذاب الهی گردید. از جمله عوامل افول تمدن ثمود که در قرآن به آن‌ها اشاره شده است می‌توان به ظلم، کفران نعمت، تکذیب حجت خداوند (حضرت صالح) و طغیان و سرکشی آنان اشاره نمود. از آن جایی که سنت‌های الهی ثابت و تکرارپذیر می‌باشند، این مقاله با استفاده از روش توصیفی تحلیلی با تطبیق علل زلزله و سقوط تمدن ثمود بر غرب و به خصوص آمریکا می‌توان افول این تمدن‌ها را همانگونه که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اشاره فرموده‌اند، پیش‌بینی نمود.

کلیدواژه‌ها: قوم ثمود، بیانیه گام دوم، تمدن غرب، قرآن

۱. علی پارساخصال، کارشناسی ارشد علوم حدیث. دانشگاه قرآن و حدیث
parsakesal_ali@yahoo.com

مقدمه

انسان‌ها به دلیل این که ذاتاً موجوداتی اجتماعی هستند در طول تاریخ به صورت جمعی زندگی می‌کردند. این زندگی جمعی در کنار پیشرفت دانش بشر رفته رفته باعث به وجود آمدن سکونتگاه‌های دائمی و شکل‌گیری تمدن‌های مختلف گردید. هر کدام از این تمدن‌ها دارای سرگذشتی متفاوت و فراز و فرودهایی بودند و هر کدام از آن‌ها پس از مدت زمانی کوتاه یا طولانی از بین رفتند. با دقت در عوامل سقوط تمدن‌ها می‌توان علل مشترکی را در این زمینه پیدا کرد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که بر اساس یافتن علل مشترک سقوط تمدن‌ها و دقت در آن‌ها می‌توان آینده و احتمال تزلزل و سقوط تمدن‌ها و حکومت‌های فعلی را پیش‌بینی نمود.

یکی از تمدن‌هایی که از آن در تاریخ یاد شده است تمدن قوم ثمود است. خداوند، حضرت صالح علیه السلام را برای هدایت و راهنمایی این قوم مبعوث فرمودند اما در نهایت سرکشی و طغیان قوم ثمود موجب هلاکت آن‌ها و عذاب الهی گردید. از آنجایی انحرافات و اشتباهات قوم ثمود در بسیاری از موارد توسط تمدن غرب تکرار شده است، در این پژوهش به بررسی علل تزلزل و سقوط این قوم از نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با تمدن غرب پرداخته شده است. تا کنون اکثر تحقیقاتی که به احتمال فروپاشی تمدن غرب پرداخته‌اند این پدیده را از بعد جامعه‌شناسی بررسی نموده و کمتر از بعد تاریخی و تکرار تجربه تمدن‌های گذشته به آن پرداخته‌اند. اطلاعات این پژوهش به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری و برای نگارش آن از روش تحقیق توصیفی تحلیلی استفاده شده است. در این پژوهش پس از ذکر پیشینه‌ای از تحقیقات انجام شده با موضوع قوم ثمود، ابتدا به بیان تاریخچه‌ای از قوم ثمود با استفاده از آیات قرآن، احادیث و تاریخ پرداخته شده است. سپس با برشمردن علل فروپاشی تمدن ثمود این عوامل با وضعیت فعلی تمدن غرب تطبیق و مقایسه شده است. در انتها و در بخش نتیجه‌گیری با توجه به مطابقت عوامل فروپاشی تمدن ثمود با تمدن غرب، افول و فروپاشی تمدن غرب نتیجه‌گیری شده است.

۱. پیشینه

کتاب "ثمود (باستان‌شناسی قوم یهود)" واندن براندن؛ ترجمه محمدحسین مرعشی، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۶، ۱۸۶ صفحه. در این کتاب سنگ نگاشته‌های قوم ثمود، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

پایان نامه «بررسی تطبیقی قوم عاد و ثمود در قرآن، کتاب مقدس و منابع تاریخی» از یحیی فاضل در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه قم سال ۱۳۸۹. در فصول پنج‌گانه این پژوهش به شکل مفصل به بیان و بررسی داده‌های قرآنی و تاریخی پرداخته شده که علاوه بر ثمرات اخلاقی و عبرت آموزی که هدف اصلی قرآن است، صحت داستان‌های قرآن بر اساس اسناد و مدارک و آثار باستان‌شناسی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

مقالاتی که در این زمینه چاپ شده عبارت است از:

«بررسی مدارک باستان‌شناسی مدائن صالح»، لاله روح انگیز؛ مجله بینات،

پاییز ۱۳۸۵، شماره ۵۱ (از صفحه ۱۶۶ تا ۱۸۰)

«ثمود»، بهار دوست، علیرضا، گاهنامه دانشنامه جهان اسلام، سال ۱۳۸۴. شماره ۹ از

صفحه ۱۲۳ تا ۱۲۷)

«قوم ثمود و سرگذشت آنان»، فرج‌اللهی، فرج‌الله، ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام،

مهر ۱۳۸۷ - شماره ۵۶۹ (از صفحه ۳۴ تا ۳۹)

«داستان قوم ثمود در قرآن و یافته‌های جغرافیایی معاصر»، طباطبائی امین، طاهره

سادات، شجاعی، زینب؛ فصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی سال دوم بهار و تابستان

۱۳۹۶ شماره ۳ (از صفحه ۷۵ تا ۹۷)

۲. مفهوم‌شناسی

ثمود

راغب ثمود را از ریشه ثمد می‌داند و در توضیح معنای ثمد می‌نویسد: «چاله‌ای که آب

باران در آن جمع می‌شود و به زمین فرو می‌رود. گفته شده این واژه غیر عربی و نیز گفته‌اند عربی است چون نام قبیله‌ای است غیر منصرف است و صرف نمی‌شود.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۷۶)

همچنین خلیل ابن‌احمد فراهیدی در کتاب العین، در معنای ثمد می‌نویسد: «آب باقی در زمین هموار و سخت یا آب کمی که در زمستان ظاهر و در تابستان خشک شود.» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۰/۸)

در وجه تسمیه این قوم به ثمود طریحی می‌نویسد: «ثمود قبیله‌ای از اعراب اولیه و قوم حضرت صالح علیه السلام بودند. و حضرت صالح علیه السلام از نسل ثمود بود. بدین جهت این قوم به نام جد بزرگشان ثمود بن عاثر بن آدم بن سام ابن نوح نامگذاری شدند.» (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۱۹)

همچنین گفته‌اند ثمود به این نام خوانده شدند زیرا آب برایشان کم بود و مسکن ایشان، در حجر میان حجاز و شام تا وادی القری بود. (کبیر مدنی شیرازی، ۱۳۸۴: ۵/۲۵۷)

قوم ثمود در قرآن

کلمه ثمود ۲۶ مرتبه در قرآن آمده است. آنان قومی بت پرست بودند که جز عده معدودی، بقیه به پیامبرشان، حضرت صالح (علیه السلام) ایمان نیاوردند و ناقه صالح را که معجزه این پیامبر بود پی کردند و به عذاب خداوند نابود گردیدند. داستان قوم ثمود بیشتر در سوره‌های " شعراء"، " قمر" و " شمس" و از همه جا مشروح‌تر در سوره "هود" آمده است.

در قرآن به زمان زندگی قوم ثمود اشاره نشده، اما آنان جانشینان قوم عاد معرفی شده (اعراف: ۷۴) و در یادکرد اقوام و پیامبران پیشین داستان آنان پس از قوم عاد آمده است. (اعراف: ۷۳ - ۶۵) (هود: ۶۱ - ۵۹) (شعرا: ۱۴۱ - ۱۲۳) (ذاریات ۴۳ - ۴۱) (قمر ۲۳ - ۱۸) (فجر ۹ - ۶) برخی از قوم ثمود با تعبیر «عاد الآخره» یاد کرده‌اند. (میبیدی، ۱۳۷۱ ش: ۶، ۴۳۵)

داستان قوم ثمود در تورات نیامده، اما یافته‌های باستان‌شناسان وجود آنان را در مناطق شمالی شبه جزیره عربستان تأیید می‌کند. (موسی، ۱۹۸۰: ۵۷-۵۶)

خلاصه‌ای از داستان حضرت صالح علیه السلام و قوم ثمود

قوم ثمود بت پرست بوده و هفتاد بت داشتند. حضرت صالح هنگامی به سوی قوم خود مبعوث شد شانزده ساله بود و آن قدر در میان آن‌ها ماند که صد و بیست سال از عمرش گذشت و در طول این مدت جز معدودی دعوتش را اجابت نکردند. حضرت صالح نهایتاً به آن‌ها پیشنهاد داد که یا چیزی از من بخواهید تا من از خدای خود درخواست کنم تا آن را انجام دهد، و یا من از خدایان شما چیزی بخواهم. پس اگر خدایان شما خواسته مرا دادند من از میان شما می‌روم. قوم ثمود این پیشنهاد را پذیرفتند و روزی را تعیین کردند و با بت‌هایشان به میعاد آمدند. ابتدا حضرت صالح بت‌های آنان را خواند ولی هیچ پاسخ و استجابتی صورت نگرفت. سپس نوبت به قوم ثمود رسید. هفتاد نفر از بزرگان و سران آن‌ها پیش آمدند و به حضرت صالح گفتند: از پروردگار خود بخواه یک شتر ماده که ده ماه از عمرش گذشته باشد از این کوه برای ما بیرون آورد. حضرت صالح از خداوند تقاضای این معجزه را کرد و به فرمان خداوند آنچه خواسته بودند اتفاق افتاد. مردم که این معجزه را دیدند گفتند: اکنون از پروردگارت بخواه که بچه این شتر را هم بیرون آورد، حضرت صالح از خدای عز و جل درخواست کرد، و ناگاه دیدند که شتر بچه خود را بیرون انداخت، و آن بچه به دور مادرش شروع به چرخیدن کرد. (ن. ک. کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۸۷ - ۱۸۵) سپس خداوند به حضرت صالح علیه السلام وحی فرمود: که به قومت بگو: خداوند یک روز برای این شتر حق آشامیدن قرار داده و یک روز هم برای شما و این چنین بود که هر روز نوبت آشامیدن آب حق شتر بود مردم همگی در آن روز آن شتر را می‌دوشیدند و همه از آن می‌نوشیدند و فردای آن روز به سراغ آب می‌رفتند و دیگر شتر در آن روز از آب نمی‌خورد. تا این که قوم ثمود نسبت به خدا سرکشی و طغیان کردند و تصمیم بر پی کردن شتر گرفتند. وقتی شتر را پی کردند، خداوند به حضرت صالح وحی فرستاد که به مردم بگو: من تا سه روز دیگر عذاب خود را بر آن‌ها

می فرستم و اگر در ظرف این سه روز توبه کرده و بازگشتند من عذابم را از آنها برمی دارم و اگر توبه نکنند روز سوم عذاب بر ایشان می فرستم. حضرت صالح پیام خداوند را ابلاغ کرد اما قوم ثمود لجاجت کرده و توبه نکردند و پس از سه روز عذاب الهی آنان را فراگرفت. (ن. ک. کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۸۹ - ۱۸۷)

تمدن ثمود

قوم ثمود در مؤلفه های تمدنی بسیاری قدرتمند بوده اند. آن ها به روش های ساخت خانه آگاهی داشتند و در تراش دادن سنگ کوه ها و بریدن صخره ها نیز استاد بودند. آنان با این مهارت ها برای خود بر روی زمین قصر و در دل کوه، خانه هایی ایمن می ساختند. آیاتی از قرآن کریم به این مطلب اشاره دارد:

يَوَّكُمُ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا (اعراف: ۷۴)؛ در زمین، جایی به شما بخشید که از مکان های هموارش برای خود قصرها بنا می کنید، و از کوه ها خانه هایی می تراشید.

وَ تَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَأَرْهَبِينَ (الشعراء: ۱۴۹)؛ و ماهرانه و هنرمندانه از کوه ها خانه هایی می تراشید.

وَ كَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ (الحجر: ۸۲)؛ و همواره از کوه ها خانه ها می تراشیدند در حالی که ایمن بودند.

وَ تُمُودَ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (الفجر: ۹) و قوم ثمود که صخره های عظیم را از دژه می بریدند.

از نظر کشاورزی نیز قوم ثمود سطح بالایی داشتند و دارای باغ ها، چشمه ها، کشتزارها و نخلستان بودند. در سوره شعرا از زبان حضرت صالح عليه السلام به قوم ثمود چنین آمده است:

أَتَتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ وَ زُرُوعٍ وَ نَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٍ (الشعراء: ۱۴۹ - ۱۴۶)؛ آیا پندارید که شما را در این نعمت ها، در باغها و چشمه سارها و کشتزارها و نخلها با آن شکوفه های نرم و لطیف ایمن رها می کنند؟

همچنین جمعیت، مال و قدرت زیادی نیز داشتند. خداوند متعال در سوره توبه

منافقان را توبیخ می‌کند و سرنوشت اقوامی نیرومندتر و با اموال و جمعیت بیشتر مانند ثمود را به آنان یادآوری می‌نماید:

(كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا) (توبه: ۶۹)؛ مانند کسانی هستید

که پیش از شما بودند آنان از شما نیرومندتر و اموال و فرزندانشان بیشتر بود.

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عَادٍ وَ ثَمُودَ (توبه: ۷۰)؛ آیا خبر کسانی که پیش از

آنان بودند به اینان نرسیده؟ خبر قوم نوح و عاد و ثمود.

مجموعه این ویژگی‌ها و امتیازات باعث شد که آنان توانستند به درجه‌ای از رشد برسند

که جمعیت انبوهی در یک جا گرد آیند و بر اساس قوانین و آداب و سنت‌های مشخص با

هم زندگی کنند و اصطلاحاً شهرنشین شدند:

وَ كَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ (نمل: ۴۹)؛ و در آن شهر، نه دسته (سر دسته) بودند.

۳. علل تزلزل و سقوط تمدن ثمود و تطبیق آن با تمدن غرب

قبل از پرداختن به علل تزلزل و سقوط تمدن ثمود لازم به تذکر است که اصول و قوانین کلی همواره در تاریخ تکرار می‌شوند و حوادث تاریخی پیرو قوانین علی و معلولی هستند و مختص زمان و مکان خاصی نیستند. بنابراین می‌توان با آگاهی از این قوانین و سنت‌ها، عوامل و سقوط هر تمدن یا پایداری آن را پیش‌بینی کرد. ما در این جا به ذکر علل تزلزل و سقوط تمدن قوم ثمود و تطبیق آن با تمدن غرب می‌پردازیم:

۱.۳. ظلم

ظلم از نظر لغت به معنای قرار دادن چیزی در غیر از جایی است که مخصوص آن است. همچنین تجاوز از حق را ظلم گویند، چه این تجاوز زیاد باشد یا کم؛ بنابراین برای گناه بزرگ و کوچک به کار می‌رود. (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۵۳۷) اما در اصطلاح قرآن شامل هرگونه انحراف از موازین حق و تجاوز از حدود قوانین حاکم بر فرایند تکامل موجود است یا انجام هر نوع عملی که مغایر وضعیت صحیح یا حرکت و تغییر تکاملی پدیده‌هاست.

(پایدار، ۱۳۵۶: ۵۸)

در قرآن کریم مصادیقی برای ظلم ذکر شده است. از جمله این مصادیق می‌توان به دست‌اندازی به مال مردم (یوسف: ۷۵)، بازداشتن دیگران از راه خدا (الاعراف: ۴۴ و ۴۵)، اطاعت از کفار (التوبه: ۲۳)، شرک به خدا (لقمان: ۱۳)، حکم کردن بر خلاف دستور الهی (المائد: ۴۵)، افترا به خدا (ص: ۷)، تکذیب آیات الهی (الانعام: ۱۵۷) و تجاوز از حدود الهی (البقره: ۲۲۹) اشاره کرد.

نابودی و انقراض تمدن‌ها به وسیله عذاب الهی یکی از سنت‌های الهی و از پیامدهای ظلم می‌باشد. خداوند متعال در سوره اعراف با اشاره به اعتراف ظالمین هنگام فرارسیدن عذاب می‌فرماید:

وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيِّنَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (الاعراف: ۴ و ۵)؛ چه بسیار شهرهایی که اهلش را هلاک کردیم و عذاب ما درحالی که شب یا نیم روز در استراحت و آرامش بودند، به آنان رسید. زمانی که عذاب ما به سویشان آمد، اعترافشان جز این نبود که گفتند: قطعاً ما ستمکار بوده‌ایم.

و در سوره انبیاء با اشاره به تکرار این سنت الهی می‌فرماید:

وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ (الانبیاء: ۱۱)؛ و چه بسیار از شهرهایی که [اهلش] ستمکار بودند، درهم شکستیم، و پس از آنان قومی دیگر پدید آوردیم.

همچنین در سوره قصص آمده است:

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلِهَا ظَالِمُونَ (القصص: ۵۹)؛ و پروردگارت بر آن نبوده است که شهرها را نابود کند، تا آن که در مرکز آن‌ها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر آنان بخواند، و ما نابودکننده شهرها نبوده‌ایم مگر درحالی که اهلش ستمکار بوده‌اند.

یکی از صفاتی که خداوند متعال، قوم ثمود را به آن متصف فرموده است ظلم است. هم ظلم نسبت به دیگران، هم ظلم نسبت به خداوند با آزار حضرت صالح علیه السلام و کشتن

معجزه‌اش یعنی شتر ماده و هم ظلم به خود با نپذیرفتن حق که نهایتاً منجر به عذاب الهی ایشان گردید. وقتی در سوره هود خداوند خبر از عذاب قوم ثمود می‌دهد این چنین می‌فرماید:

وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَائِعِينَ (هود: ۶۷)؛ و کسانی را که ستم کرده بودند، صیحه فروگرفت و در خانه‌هایشان به روی افتادند و مردند.

همچنین در سوره ابراهیم خداوند سرنوشت اقوامی مانند قوم نوح، عاد و ثمود را یادآوری می‌نماید و از آنان با عنوان ظالمین یاد می‌فرماید:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهَلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (ابراهیم: ۱۳)؛ و کسانی که کافر شدند، به پیامبران‌شان گفتند: «شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد مگر این که به کیش ما بازگردید.» پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که حتماً ستمگران را هلاک خواهیم کرد.

و در نهایت در سوره اسراء از ظلم به معجزه الهی سخن به میان می‌آید:

وَ آتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَ مَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا (الاسراء: ۵۹)؛ و به ثمود ماده شتر دادیم که [پدیده‌ای] روشنگر بود، و به آن ستم کردند، و ما معجزه‌ها را جز برای بیم دادن نمی‌فرستیم.

همان‌طور که ذکر گردید ظلم یکی از اساسی‌ترین علل نابودی تمدن‌ها و حکومت‌هاست. به‌طور مثال، می‌توان به نابودی رژیم پهلوی اشاره کرد. ظلم و بی‌عدالتی گسترده، یکی از مهم‌ترین دلایل نفرت و خشم مردم از این رژیم بود. رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب با بیان بخشی از ظلم و بی‌عدالتی در رژیم گذشته فرمودند:

در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها به‌ویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. (<https://farsi.khamenei.ir/message->

با توجه به این به بررسی برخی از مصادیق ظلم در تمدن غرب می‌پردازیم:

الف) ظلم به حقیقت انسان: از جمله مهم‌ترین ظلم‌هایی که فرهنگ غربی در حق بشریت مرتکب شده است، از بین بردن و کمزنگ کردن خداشناسی و معنویت و جایگزین کردن انسانگرایی و مادیگرایی به جای آن است. تمدن غرب با ابزار مختلف اعم از هنر، اقتصاد، سیاست و... انسانی که می‌توانست با استعدادهای فطری خود و به مدد راهنمایی‌های الهی توسط انبیا به قله‌های کمال برسد را به موجودی لذت‌گرای محض، پوچ و بدون هدف تبدیل کرده است. شهید مطهری رحمته‌الله در این باره می‌نویسد:

در فلسفه غرب تا آن‌جا که ممکن بوده به حیثیت ذاتی انسان لطمه وارد شده و مقام انسان پایین آمده است. دنیای غرب از طرفی انسان را از لحاظ پیدایش و عللی که او را به وجود آورده است، از لحاظ هدف دستگاه آفرینش درباره او، از لحاظ ساختمان و تاروپود وجود و هستی‌اش، از لحاظ انگیزه و محرک اعمالش، از لحاظ وجدان و ضمیرش، تا این اندازه او را پایین آورده. (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۹/۱۵۱)

ب) ظلم به شخصیت زن: یکی دیگر از مصادیق ظلم در غرب، ظلم به زنان است. فرهنگ و تمدن غرب به‌خاطر استفاده از جاذبه‌های جنسیتی زن، شان او را به‌عنوان وسیله‌ای برای لذت مردان تنزل داده است و با شعارهایی در ظاهر زیبا نظیر آزادی، زن را به بردگی عظیمی گرفتار کرده است. رهبر معظم انقلاب در این مورد در دیدار جمعی از بانوان فرموده‌اند:

غریبها درباره جنس زن باید پاسخگو باشند؛ چون آن‌ها به زن خیانت کردند... آنچه که غربی‌ها به آن دامن زدند و تمدن غربی پایه‌گذار خشت کج و بنای کجش بود، بی‌بندوباری و ابتذال زنانه است. زن را به ابتذال کشانده‌اند و داخل خانواده او را هم اصلاح نکرده‌اند... فرهنگ غربی در مورد زن و بی‌بندوباری و به ابتذال کشاندن زنان آن مناطق، موجب شده است که بنیان خانواده، سُست و متزلزل گردد و خیانت زن و مرد به یکدیگر، در داخل خانواده چندان مهم شمرده نشود. این گناه نیست؟ این خیانت به

جنس زن نیست؟ (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3024>)

ج) ظلم به مستضعفین: از آنجایی که فرهنگ و تمدن غرب بر مبنای کسب سود و منفعت فردی دنیایی و در این راه هدف وسیله را برای آنان توجیه می‌کند، کشورهای اروپایی راه پیشرفت خود را در استفاده ارزان یا رایگان از منابع سایر ملت‌ها یافتند و از دیر باز مشغول غارت منابع کشورهای ضعیف‌تر بوده‌اند. نمونه‌های بسیاری از استعمارگری تمدن غرب در تاریخ وجود دارد که از جمله آنان استعمار شبه قاره هند توسط انگلیس‌هاست. رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشمندان هسته‌ای در این زمینه می‌فرماید:

یکی از بزرگترین جنایات‌هایی که به بشریت شد، این بود که در انقلاب صنعتی در دنیا در این دو سه قرن، علم وسیله‌ای شد برای زورگوئی. انگلیسها که جزو پیشروان انقلاب صنعتی بودند، از این امکان خودشان استفاده کردند برای راه افتادن در اطراف دنیا و به زنجیر کشیدن ملت‌ها. شما می‌دانید در دوران حاکمیت انگلیسها در شبه‌قاره، در این صحنه بزرگ و ثروتمند چه گذشت؟ فقط هم شبه‌قاره نبوده؛ تمام منطقه شرق آسیا سالهای متمادی - بیش از یک قرن - زیر چکمه اینها بوده و با ابزار علم که اینها داشتند، بر مردم مسلط شدند؛ مردم به جان آمدند، چه انسان‌هایی نابود شدند، چه آرزوهائی نابود شد، چه ملت‌هایی عقب افتادند، چه کشورهائی خراب شدند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19124>)

۲.۳. کفران نعمت

قرآن کریم یکی دیگر از عوامل نابودی تمدن‌ها را کفران نعمت و ناسپاسی برمی‌شمرد. اگر مردمی که برخوردار از انواع نعمت‌ها هستند، قدر نعمت‌ها را ندانند و به جای شکرگزاری، ناسپاسی کنند، در این هنگام باید منتظر نابودی و زوال نعمت باشند. به جهت عبرت آیندگان، سرنوشت قومی که به سبب کفران نعمت، دچار سختی و زوال نعمت شدند، در قرآن مثال زده شده است:

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِيَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (النحل: ۱۱۲)؛ و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود، روزیش از هر سو فراوان می‌رسید، پس نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند و

خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به آن چشانید.

همچنین در سوره ابراهیم می فرماید:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ (ابراهیم: ۲۸)؛ آیا به کسانی که

نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند ننگریستی؟

همان طور که بیان شد قوم ثمود دارای رفاه و نعمت های بسیاری بود. خانه هایی ایمن در دل کوه، زمین حاصلخیز، نخلستان، آب و کشاورزی پر رونق و جمعیت و اموال زیاد از جمله نعمت هایی بود که قوم ثمود داشتند. اما این ها باعث نشد دست از سرکشی و طغیان بردارند. خداوند متعال در سوره اعراف با یادآوری نعمت ها به قوم ثمود از آن ها می خواهد تا فساد نکنند:

فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (الاعراف: ۷۴)؛ پس نعمتهای خدا را به یاد

آورید و در زمین سر به فساد برمدارید.

فرهنگ و تمدن غربی در عصر مدرنیته نقشی برای خداوند در عالم قائل نیست و همه پیشرفت هایش را حاصل زحمات و علم بشر می داند. واضح است که چنین دیدگاهی موجب ناسپاسی و کفران نعمت خواهد شد. قرآن کریم قارون را فردی با این بینش معرفی نموده است، آن جا که می گوید: این ثروت را به وسیله دانشی که نزد من است به دست آورده ام! و خداوند نیز در پاسخ می فرماید: آیا او نمی دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟!

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً

وَأَكْثَرُ جَمْعًا (القصص: ۷۸)

۳.۳. تکذیب فرستادگان الهی

یکی دیگر از عوامل تزلزل و سقوط تمدن ثمود که قرآن به آن اشاره کرده است، تکذیب پیامبرشان حضرت صالح ع، روی گردانی از دستورات وی و تکذیب آیه و معجزه خداوند است. مراد از تکذیب، نسبت دروغ دادن به کسی است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۵/۳۴۷)

دعوت به یکتاپرستی و عمل به دستورات الهی یکی از رسالت‌های مهم حضرت صالح علیه السلام بود. این کار موقعیت مستکبرین و بزرگان دنیاپرست قوم ثمود را دچار چالش می‌کرد. آنان نیز جهت مقابله با این دعوت حق، اقدام به نسبت دروغ دادن به حضرت صالح علیه السلام و انکار معجزه وی کردند. این رفتار در نهایت سبب هلاکت و نابودی آنان شد.

نکته قابل توجه این که این رفتار در اکثر اقوام عذاب شده تکرار شده است. خداوند در

سوره ابراهیم هنگام ذکر این عمل قبیح از قوم نوح، عاد و ثمود در کنار هم نام می‌برد:

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَعْيُنُهُمْ فِي آفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (ابراهیم: ۹)؛ آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند: قوم نوح و عاد و ثمود، و آنان که بعد از ایشان بودند [و] کسی جز خدا از آنان آگاهی ندارد، به شما نرسیده است؟ فرستادگانشان دلایل آشکار برایشان آوردند، ولی آنان دستهایشان را بر دهانهایشان نهادند و گفتند: «ما به آنچه شما بدان مأموریت دارید کافریم، و از آنچه ما را بدان می‌خوانید سخت در شکیم.»

همچنین در سوره قمر می‌خوانیم:

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالتُّرُوقِفَالُوا أَوْ بَشَرًا مِّمَّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ أَلْفَيْ الذُّكْرِ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَثِيرٌ (قمر: ۲۵ - ۲۳)؛ قوم ثمود هشداردهندگان را تکذیب کردند و گفتند: «آیا تنها بشری از خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت، ما واقعاً در گمراهی و جنون خواهیم بود. آیا از میان ما [وحی] براو القا شده است؟ بلکه او دروغگویی گستاخ است.»

گاهی نیز انکار و تکذیب خود را با زبان شک و تردید بیان می‌کردند. قوم ثمود، در پاسخ

به دعوت حضرت صالح علیه السلام به یکتاپرستی و ترک بت پرستی، این گونه پاسخ می‌دهند:

قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (هود: ۶۲)؛ گفتند: «ای صالح، به راستی تو پیش از این، میان ما مایه امید بودی. آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند باز می‌داری؟ و بی‌گمان، ما از آنچه تو ما را بدان می‌خوانی سخت دچار شکیم.»

نکته قابل توجه این که در تکذیب و ایجاد شک و تردید، بزرگان و مستکبرین نقش

ویژه‌ای داشتند و سعی در ایجاد شک در مؤمنین نیز می‌کردند. در سوره اعراف می‌خوانیم:

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضِعُوا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ
 قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي ءَامَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (الاعراف: ۷۶ - ۷۵)؛

اشراف متکبر قوم او، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟!» آن‌ها گفتند: «ما به آنچه او بدان مأموریت یافته، ایمان آورده‌ایم.» متکبران گفتند: «ما به آنچه شما به آن ایمان آورده‌اید، کافریم.»

نه فقط قوم ثمود، بلکه به اقوام متعددی می‌توان اشاره کرد که به علت تکذیب رسول الهی دچار عذاب گشته‌اند. بنابر این عذاب به دلیل تکذیب رسولان الهی را می‌توان از سنت‌های الهی برشمرد.

امروزه در غرب شاهد آن هستیم که نه تنها به پیامبر اسلام، بلکه حتی به خود حضرت مسیح که ادعای پیروی از ایشان را دارند، نیز توهین می‌شود و کتاب‌ها، اشعار، فیلم‌ها و.... بسیاری با مضمون تکذیب رسولان الهی در تمدن امروز غرب تولید می‌گردد. توهین به اسلام و پیامبر عظیم‌الشان به وسیله اقداماتی نظیر قرآن سوزی، کاریکاتور و فیلم‌های وهن‌آمیز نیز به دفعات از سوی معاندین غربی صورت گرفته است.

۴.۳. طغیان و سرکشی

واژه «طغیان»، مصدر از ماده «طغی»، «طغی»، به معنای تجاوز از حد متعارف، (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۸۲/۷) به معنی تعدی از حد متعارف (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۸۲/۷) تجاوز از حد در عصیان و نافرمانی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۰۴) و تجاوز از حد با افراط و تفریط (الزحیلی، ۱۴۱۸: ۱۶۵/۱۲) ذکر شده است. همچنین در معجم مقاییس اللغة، طغیان به معنای «تجاوز از حد در گناه و هو مجاوزة الحد فی العصیان» (ابن فارس: ۳/ ۴۱۲) آمده است. واژه «طغی»، با مشتقاتش در قرآن ۳۹ بار در معانی مختلفی به کار رفته است.

یکی از صفاتی که قوم ثمود بدان گرفتار شده بودند طغیان بود. در سوره فجر، از قوم ثمود در کنار فرعون نام بره شده است و هردو متصف به طغیان گردیده‌اند:

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبَلَدِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (الفجر: ۱۳ - ۱۱)؛ آن‌ها در بلاد طغیان کردند و در آن‌ها به فساد درافزودند و پروردگار تو تازیانه عذاب را بر سرشان فرود آورد.

همچنین در سوره نجم، به هلاکت اقوام عاد، ثمود و نوح اشاره می‌کند و قوم حضرت نوح را ظالم‌تر و طاعی‌تر از قوم عاد و ثمود بر می‌شمرد (قوم عاد و ثمود هم ظالم و طاعی بوده‌اند:

وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ وَثَمُودًا فَمَا أَبْقَىٰ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطَىٰ (النجم: ۵۲ - ۵۰)؛ و او هلاک کرد عاد اولی را و ثمود را که احدی از آن‌ها را باقی نگذاشت و قوم نوح را از پیش که آن‌ها از عاد و ثمود ظالم‌تر و طاعی‌تر بودند.

علت این که خداوند قوم نوح علیه السلام را ظالم‌تر و طاعی‌تر از آن دو معرفی می‌کند این است که پیامبرشان نوح علیه السلام در مدتی طولانی‌تر از تمام انبیاء به تبلیغ آنان پرداخت، با این حال جز تعداد کمی به دعوت او پاسخ نگفتند، و در شرک و بت پرستی و تکذیب و آزار نوح پافشاری و سرسختی فوق العاده‌ای داشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/۵۷۰) در آیه ۱۱ سوره شمس نیز علت تکذیب کردن حضرت صالح علیه السلام توسط قوم ثمود، طغیان آنان ذکر شده است و در آیات بعد نیز به توضیح و شرح این طغیان یعنی کشتن شتری که معجزه حضرت صالح بود، پرداخته شده است:

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَيْهَا إِذِ انبَعَثَ أَشْقَىٰ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (الشمس: ۱۵ - ۱۱)؛ قوم «ثمود» بر اثر طغیان (پیامبرشان را) تکذیب کردند، آن گاه که شقی‌ترین آن‌ها بپاخواست، و فرستاده الهی [صالح] به آنان گفت: «ناقه خدا [همان شتری که معجزه الهی بود] را با آبشخورش واگذارید (و مزاحم آن نشوید)!» ولی آن‌ها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت رساندند) از این رو پروردگارشان آن‌ها (و سرزمینشان) را به خاطر گناهانشان در هم کوبید و

با خاک یکسان و صاف کرد! و او هرگز از فرجام این کار [مجازات ستمگران] بیم ندارد. در مورد تمدن غرب نیز باید گفت که این فرهنگ علنا به مخالفت با حدود و احکام الهی رفته و با مطرح کردن لیبرالیسم و آزادی‌های بی‌قید و شرط تا کنون نتایج زیان بار اخلاقی بسیاری را از خود بر جای گذاشته است. فروپاشی نظام خانواده و گسست اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای این فرهنگ است. ساختارشکنی‌هایی مانند روابط جنسی خارج از چهارچوب، مقاربت با حیوانات، ازدواج با محارم، همجنسگرایی و... از جمله مواردی است که در سال‌های اخیر در غرب رواج پیدا کرده است و گام به گام جامعه غربی را به سمت فروپاشی می‌برد. مقام معظم رهبری در این مورد فرمودند:

در دنیای غرب، بنیان خانواده متزلزل شده است، خانواده‌ها دیر تشکیل می‌شوند، زود هم منهدم می‌شوند. فساد و فحشاء روز به روز بیشتر می‌شود، اگر این اتفاق به طور کامل بیفتد، آن جامعه به بلیات عظیمی دچار خواهد شد، البته این طور بیماریها و گرفتاریها، چیزهایی نیست که ظرف ۵ سال یا ۱۰ سال خودش را نشان بدهد، لکن بعد از گذشت سالهای متمادی وقتی که اثر گذاشت، یک جامعه را به کلی منهدم و نابود می‌کند، ثروت‌های علمی و فکری و مادی و همه چیز را از بین می‌برد. این آینده در انتظار بسیاری از کشورهای غربی است. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21430>)

نتیجه گیری

هدف اصلی این پژوهش اشاره به فروپاشی غریب الوقوع تمدن غرب است که این امر با تطبیق با فروپاشی تمدن ثمود تبیین می‌گردد. تبیین این مسئله از آن جهت دارای اهمیت است که هیمنه و ابهت پوشالی تمدن غرب را در چشم حقیقت جویان از بین می‌برد و مؤمنان به وعده‌های الهی را به از بین رفتن این تمدن مبتنی بر ظلم امیدوار می‌سازد. با بررسی و مقایسه مدل رفتاری و اعتقادی قوم ثمود و تمدن غرب متوجه شباهت بین این دو خواهیم شد. یکی از علل فروپاشی تمدن ثمود که در این پژوهش به آن پرداخته شده است ظلم است. اگر ظلم در قوم ثمود و در محدوده جغرافیایی محدودی رواج پیدا کرده بود، ظلم‌های به مراتب عظیم‌تر و بزرگتری را تمدن غرب به واسطه قدرت علم و تکنولوژی در سراسر عالم مرتکب گشته است. علت بعدی فروپاشی قوم ثمود تکذیب فرستاده الهی بود. اگر قوم ثمود حضرت صالح علیه السلام، پیامبرشان را تکذیب می‌کردند، تمدن غرب به واسطه سلطه فرهنگ مدرنیته و مادیگرایی، تمام رسولان الهی و ادیان توحیدی را در عمل تکذیب و به سخره گرفته‌اند. کفران نعمت یکی دیگر از عوامل فروپاشی تمدن ثمود بود که این عامل نیز امروزه با شدت بیشتری با نافرمانی الهی و نادیده انگاشتن نقش خداوند در عالم در غرب تکرار شده است. از آنجایی که سنت‌های الهی همواره ثابت و تغییرناپذیر هستند، با بررسی علل تزلزل و سقوط قوم ثمود و تطبیق آن‌ها بر تمدن غرب می‌توان به این نتیجه رسید که همان‌طور که قوم ثمود به واسطه برخی اعمال و کارهایشان - که در این تحقیق به برخی از آنان اشاره شد - متزلزل شده و نهایتاً با عذاب الهی از بین رفتند، تمدن غرب نیز با تکرار همان اعمال و رفتار گام در مسیر فروپاشی، نابودی و سقوط خود گذاشته است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، دمشق: دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
۳. پایدار، حبیب الله، حیات و مرگ تمدن‌ها، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۶ش
۴. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir>
۵. خمینی (مصطفوی)، سید روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۳۷۸ش.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تصحیح: داودی، صفوان عدنان، دمشق: دارالشامیه، ۱۴۱۲ق، چاپ اول.
۷. الزحیلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج، دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۸ق، چاپ دوم.
۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تصحیح: حسینی اشکوری، احمد، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش، چاپ سوم.
۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق، چاپ دوم.
۱۰. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول، مشهد: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحیاء التراث، ۱۳۸۴ش، چاپ اول.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق. چاپ چهارم.
۱۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش، چاپ اول.
۱۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ۱۳۸۶ش، چاپ اول
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش، چاپ اول.
۱۵. موسی، محمد عزب، دراسات اسلامیة فی التفسیر و التاريخ، بیروت: ۱۹۸۰م
۱۶. میبدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عده الابرار، تصحیح: حکمت، علی اصغر، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ش، چاپ پنجم.